ایران

• سه‌شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۵
• ۶ صفر ۱۴۴۸
• ۲۱ جولای ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۷۹
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

مقاله ظریف در فارن‌افرز: کشورهای منطقه باید از طریق گفت‌وگو و همکاری نهادهای مشترک و معنادار بسازند

پایان عصر برون‌سپاری امنیت در غرب آسیا

تحلیل فارن پالیسی
ایران در تفاهمنامه اسلام‌آباد دست بالا را دارد

۵

عکس: Getty Images

«ایران» پیام‌های کلیدی فینال جام‌جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

اسطوره، فوتبال، سیاست

- درس بزرگ ماتادورها به ترامپ و نتانیاهو
- روایت پنج قرن مناقشه تاریخی و سیاسی اسپانیا و آرژانتین
- سیمای امنیتی میزبان فینال جام‌جهانی پس از ۱۹ جولای تغییر می‌کند
- پزشکیان و قالیباف قهرمانی اسپانیا در جام‌جهانی را تبریک گفتند
- چرا بسیاری از ایرانی‌ها طرفدار تیم اسپانیا بودند؟
- جلال چراغ‌پور: قهرمانی اسپانیا یک شبه رخ نداد

رئیس‌جمهوری در نشست شورای عالی قوه قضائیه:

میدان نبرد اقتصاد و معیشت است

در هیچ‌یک از بندهای چهارده‌گانه تفاهم از حقوق، اصول، منافع ملی، ارزش‌های انقلاب و اعتقادات خود عقب‌نشینی نکردیم. بخش عمده‌ای از دستاوردها به سود جمهوری اسلامی ایران بوده است.

اگر فشارهای اقتصادی موجب شکل‌گیری نارضایتی‌های اجتماعی شود، سرمایه عظیم اجتماعی حمایت از نظام، ممکن است آسیب ببیند.

اینکه جنگی با این ابعاد رخ دهد اما مردم در بازار، بیمارستان‌ها، حوزه تأمین دارو و کالاهای اساسی با بحران جدی مواجه نشوند، نتیجه تلاش شبانه‌روزی و هماهنگ مجموعه دستگاه‌های اجرایی کشور است.

محسنی اژه‌ای:

من شهادت می‌دهم دکتر پزشکیان مخلصانه در حال خدمت به مردم و نظام است. او تمام هم و غم خود را گذاشته است تا آنچه به نفع اسلام و ایران و مردم است رقم بخورد. بر همه ما فرض است تا به رئیس‌جمهوری و مجموعه دولت کمک کنیم.

یک فرد نفوذی و منافق با پوشش و عنوان خودی، در داخل صفوف مؤمنین و ملت قرار می‌گیرد. تلاش نفوذی و منافق، معطوف بر سرگرم کردن مردم و مسئولان به مسائل بی‌اهمیت و غافل ساختن آنها از مسائل مهم است.

۲

در یک سال مدیریت مصرف سوخت دولت چه اقداماتی انجام داد؟

راه حل ناترازی بنزین تک‌نسخه‌ای نیست

۸

زهرا بهروزآذر معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده:

۵۲ درصد صندلی دانشگاه‌ها متعلق به زنان است

۶

رئیس کل بانک مرکزی: ارزپاشی در کار نیست ذخایر ارزی در حال تقویت است

اقتصاد ایران در تله رشدهای ناپایدار

۷

خویشتنداری رئیس‌جمهوری بهانه جویی سیاست‌بازان را بیشتر کرد

پزشکیان صبور و مخالفان عجول حکایت پیر و خشت خام

۳

پزشکیان در جلسه بررسی روند اجرای طرح حکمرانی محله محور و مسجد محور در بخش چهاردانگه:

موضع‌گیری‌های احساسی نباید ما را از رسیدن به اهداف دور کند

جلسه بررسی روند اجرای طرح حکمرانی محله‌محور و مسجدمحور، بعد از ظهر روزگذشته با حضور رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان، در بخش چهاردانگه شهرستان اسلامشهر برگزار شد. در این نشست، گزارشی از روند اجرای طرح جامع عملیاتی قرارگاه جهاد صرفه‌جویی چهاردانگه با محوریت «شهر الگوی مقاومت اقتصادی؛ از مسجد به محله و از محله به شهر» ارائه شد. در این گزارش، اقدامات انجام‌شده در حوزه‌های مختلف از جمله مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی، ارتقای بهره‌وری منابع، آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی و توسعه زیرساخت‌های پایدار تشریح شد.

همچنین بر اساس این گزارش، اجرای برنامه‌های کاهش مصرف برق از طریق تعویض موتورهای کولر، مدیریت مصرف آب با نصب تجهیزات کاهنده، ارتقای بهره‌وری مصرف گاز از طریق ایجاد عایق‌های حرارتی هوشمند، آموزش خانواده‌ها، اصناف، مراکز آموزشی و مساجد در زمینه مدیریت مصرف، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی مقیاس کوچک و همچنین به‌روزرسانی سامانه‌های آبیاری در بخش کشاورزی، از مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در قالب این طرح بوده است.

رئیس‌جمهوری پس از استماع این گزارش، ضمن قدردانی از تلاش‌های صورت‌گرفته، اجرای چنین الگوهایی را نمونه‌ای موفق از مشارکت مردمی در حکمرانی محلی دانست و اظهار کرد: «دشمنان امروز با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های خود در تلاش هستند تا روند پیشرفت کشور را متوقف کرده و جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های مختلف مواجه کنند، اما عبور از این شرایط، نیازمند فعال شدن همه ظرفیت‌های اجتماعی و مردمی است.»

رئیس جمهوری با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی در حل مسائل کشور، مشارکت اجتماعی، اصلاح الگوی مصرف، خوداتکایی و تقویت نقش مساجد در حکمرانی محلی را از مهم‌ترین الزامات عبور از ناترازی‌ها و تحقق پیشرفت پایدار برشمرد.

پزشکیان با تأکید بر اینکه حل مسائل کشور صرفاً با اتکای دولت امکان‌پذیر نیست، تصریح کرد: «رفع ناترازی‌ها، اصلاح ساختارها و حل مشکلات انباشته کشور، نیازمند مشارکت همه مردم، نهادهای اجتماعی، مساجد، گروه‌های مردمی و مدیران محلی است و دولت به تنهایی قادر به انجام این مأموریت نخواهد بود.»

رئیس دولت چهاردهم با بیان اینکه شایسته جامعه اسلامی نیست که با وجود برخورداری از ظرفیت‌های فراوان، همچنان با ناترازی‌ها و کاستی‌های مختلف مواجه باشد، افزود: «همه باید احساس مسئولیت کنند و منتظر صدور دستور برای انجام کار نمانند؛ هر فرد، متناسب با مسئولیت و توان خود، باید برای پیشرفت کشور اقدام کند.»

پزشکیان، وسعت نگاه و عمق نگرش را لازمه موفقیت در حکمرانی دانست و اظهار کرد: «هر اندازه افق نگاه مدیران و فعالان اجتماعی گسترده‌تر باشد، امکان جلب مشارکت اقشار بیشتری از جامعه فراهم خواهد شد، اما اگر نگاه‌ها محدود و کوتاه‌مدت باشد، دستیابی به اهداف بزرگ امکان‌پذیر نخواهد بود.»

رئیس‌جمهوری با تأکید بر ضرورت اصلاح نگرش‌ها در فرآیند مدیریت کشور خاطرنشان کرد: «هر کس در مسیر خدمت، نگاه خود را اصلاح و تعالی ببخشد، بی‌تردید از یاری الهی برخوردار خواهد شد. اگر وضعیت موجود را پایان راه ندانیم و برای اصلاح آن اراده کنیم، قطعاً به جایگاهی که شایسته ملت ایران است دست خواهیم یافت.»

او با اشاره به ظرفیت‌های عظیم انسانی و الهی موجود در کشور تصریح کرد: «خداوند استعداد تعالی، خلاقیت و توانمندی را در وجود انسان قرار داده است و مدیران و مسئولان اگر این باور را در خود تقویت کنند، راه‌های حل مسائل نیز به روی آنان گشوده خواهد شد.»

رئیس‌جمهوری با اشاره به شرایط خاص کشور افزود: «امروز دشمنان با تمام توان در تلاش هستند تا حرکت ملت ایران در مسیر پیشرفت را متوقف کنند، اما اگر اراده ملی شکل بگیرد، هیچ قدرتی توان متوقف ساختن این ملت را نخواهد داشت.»

پزشکیان با قدردانی از اقدامات انجام‌شده در حوزه مدیریت مصرف و صرفه‌جویی، اظهار کرد: «اقدامات صورت‌گرفته ارزشمند و قابل تقدیر است، اما نباید به آن اکتفا کرد؛ ظرفیت‌های فراوان دیگری نیز وجود دارد که می‌توان با بهره‌گیری از آنها، دامنه این حرکت را گسترش داد.»

وی با تأکید بر ضرورت اصلاح الگوی مصرف در کشور گفت: «مسأله ما عدم مصرف نیست، بلکه اصلاح الگوی مصرف و افزایش بهره‌وری است. منابع و سرمایه‌های خدادادی این سرزمین ظرفیت‌های کم‌نظیری در اختیار ملت ایران قرار داده و شایسته نیست در کشوری با این میزان ثروت و امکانات، حتی یک نفر با مشکلات معیشتی مواجه باشد.»

پزشکیان تصریح کرد: «همه باید تلاش کنیم کشور را با عزت، اقتدار و سربلندی از شرایط کنونی عبور دهیم و هرگز نپذیریم که ایران از مسیر پیشرفت جهانی عقب بماند. اگر این دغدغه به یک باور عمومی تبدیل شود، راهکارهای تحقق آن نیز به‌دنبال آن شکل خواهد گرفت.»

رئیس‌جمهوری توجه به طراحی ساختار، تقسیم کار، برنامه‌ریزی و نظام‌مند کردن فعالیت‌ها را از نقاط قوت طرح اجرا شده در چهاردانگه برشمرد و افزود: «البته بخشی از اقدامات هنوز به ظرفیت‌های بیرونی وابسته است، در حالی که بسیاری از مسائل را می‌توان با اتکا به توانمندی‌های همان محله و ظرفیت‌های مردمی حل کرد.»

۱۰ ۱۱

سخنگوی وزارت امور خارجه از ارائه پیشنهاد جدید قطر برای کاهش تنش‌ها خبر داد

وزیر کشور به پاکستان رفت

گروه دیپلماسی- اسکندر مؤمنی، وزیر کشور روز گذشته به دعوت سیدمحسن نقوی، همتای پاکستانی خود در رأس هیأتی بلندپایه و با هدف گسترش همکاری‌های دوجانبه و گفت‌وگو درباره مهم‌ترین موضوعات مشترک میان دو کشور راهی اسلام‌آباد شد.

وزیر کشور را در این سفر هیأتی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های کشور، امور خارجه، راه و شهرسازی و جهادکشاورزی و همچنین مسئولانی از فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران(فراجا) و گمرک جمهوری اسلامی ایران همراهی می‌کنند.

این حضور گسترده نشان می‌دهد دستورکار این سفر تنها به مسائل امنیتی محدود نیست و طیف گسترده‌ای از حوزه‌های همکاری میان تهران و اسلام‌آباد را در بر می‌گیرد.

براساس اعلام وزارت کشور، در دیدارها و نشست‌های مشترک دو طرف، محورهایی همچون تقویت همکاری‌های مرزی و امنیتی، توسعه روابط اقتصادی، گسترش ترانزیت، همکاری‌های کشاورزی و دیگر زمینه‌های مرتبط با توسعه مناسبات دوجانبه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

این موضوعات در سال‌های اخیر به یکی از محورهای اصلی روابط ایران و پاکستان تبدیل شده و دو کشور تلاش کرده‌اند با استفاده از ظرفیت‌های مشترک، سطح همکاری‌های خود را بیش از گذشته افزایش دهند.

این سفر درعین حال در چارچوب سیاست دولت برای گسترش مناسبات اقتصادی با پاکستان نیز قابل ارزیابی است. دولت با هدف ارتقای سطح روابط اقتصادی دو کشور، افزایش حجم مبادلات تجاری از حدود ۳ میلیارد به ۱۰ میلیارد دلار در سال را در دستورکار قرار داده است.

از این رو، سفر وزیر کشور می‌تواند فرصتی برای هموار کردن مسیر تحقق این هدف اقتصادی نیز باشد. در همین چارچوب، انتظار می‌رود گفت‌وگوهای انجام‌شده در اسلام‌آباد به تقویت هماهنگی‌ها، رفع برخی موانع موجود و فراهم شدن بسترهای لازم برای توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی میان تهران و اسلام‌آباد کمک کند.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در نشست خبری روز گذشته با اشاره به سفر وزیر کشور به پاکستان تأکید کرد، این سفر در چارچوب روابط دوجانبه انجام می‌شود و محور اصلی گفت‌وگوها، موضوعات مرتبط دوجانبه و پرونده‌های مشترک خواهد بود. برنامه سفر وزیر کشور تنها به پاکستان محدود نمی‌شود؛ مؤمنی پس از پایان این سفر به دعوت وزیر کشور هند راهی دهلی‌نو خواهد شد تا در نشست وزیران کشور و مسئولان مدیریت شرایط اضطراری کشورهای عضو بریکس با موضوع «کاهش خطر بلایای طبیعی» شرکت کند.

پیشنهاد مشترک اسلام‌آباد و دوحه

وزیر کشور ایران در حالی راهی اسلام‌آباد شده است که این سفر در یکی از حساس‌ترین مقاطع روابط منطقه‌ای و پس از ماه‌ها تحرکات دیپلماتیک فشرده میان تهران و اسلام‌آباد انجام شد. چه آنکه پاکستان طی ماه‌های گذشته و همزمان با اوج‌گیری تنش‌های نظامی میان ایران و آمریکا، نقش میانجی فعال را در کاهش تنش‌ها و ایجاد کانال‌های ارتباطی میان دو طرف ایفا کرده است.

چنانکه ایفای این نقش به رفت‌وآمدهای متعدد مقام‌های ارشد دو کشور و برگزاری نشست‌های فشرده دیپلماتیک انجامید و درنهایت زمینه شکل‌گیری تفاهمی میان تهران و واشنگتن موسوم به «تفاهم اسلام‌آباد» را فراهم آورد. در چنین شرایطی، سفر وزیر کشور ایران به پاکستان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که می‌تواند افزون بر پیگیری مسائل دوجانبه در امتداد روند رایزنی پیرامون مسائل مشترک از جمله مذاکرات قرار گیرد. در چنین شرایطی طبیعی است که ابعاد این سفر مورد گمانه‌زنی رسانه‌های متعدد منطقه‌ای قرار گیرد.

چنانکه به گزارش ایسنا، یک منبع آگاه در وزارت کشور پاکستان در گفت‌وگو با شبکه الجزیره مدعی شده وزیرکشور ایران حامل پیامی از مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری درباره تحولات جاری منطقه است.

همچنین برخی منابع پاکستانی گزارش داده‌اند، این سفر می‌تواند در چارچوب تلاش‌های دیپلماتیک اسلام‌آباد برای کاهش تنش‌ها و میانجیگری میان ایران و آمریکا نیز قابل ارزیابی باشد؛ موضوعی که تاکنون از سوی مقامات رسمی ایران تأیید نشده است.

به گزارش ایسنا؛ پاکستان و قطر دیروز دوشنبه پیشنهاد مشترکی ارائه کردند و در آن از ایران و آمریکا خواستند به عنوان گام اول برای ازسرگیری مذاکرات، به مواضع خود قبل از ۹ ژوئیه (۱۸ تیر) بازگردند. این درحالی است که سخنگوی وزارت خارجه هم تأیید کرد که قطر پیشنهادی را به تهران ارائه کرده که در حال بررسی است.

حملات موشکی و پهپادی ایران به پایگاه‌های آمریکایی ادامه دارد

خسارات گسترده به لجستیک ارتش ایالات متحده

آغاز دور جدید از حملات تجاوزکارانه ایالات متحده به ایران، حالا نهمین روز خود را هم پشت سر گذاشت. در تمام این مدت، نیروهای مسلح ایران با مقابله به مثل با حملات آمریکا به استان‌های جنوبی کشور و هدف قرار دادن پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، تنگه هرمز نیز به روی شناورها و کشتی‌ها بسته شده است.

در این میان، پایگاه‌های نظامی و تأسیسات مرتبط با آمریکا در کویت، بحرین و اردن، متحمل بیشترین خسارات از حملات ایران شده‌اند. به طوری که به اذعان سنتکام، تنها در حملات روز جمعه ایران به اردن، دست کم ۳ نظامی آمریکایی کشته و تعداد دیگری نیز زخمی شده‌اند. در عراق نیز یکی از نظامیان آمریکایی در پی حمله پهپادی ایران کشته شده است.

نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در موج ۲۱ از عملیات نصر۲، هواپیماهای بزرگ ترابری C17 و هواپیماهای فرمانده کنترل P8 ارتش آمریکا در فرودگاه عقبه را هدف حمله موشک‌های بالستیک قرار داده و به تعدادی از آنها خسارت سنگین وارد کردند.

پیش از این نیز ۲۰ سوله محل استقرار نیروهای ارتش ایالات متحده در منطقه الازرق مورد حمله موشکی ایران قرار گرفته بود. روابط عمومی سپاه اعلام کرده است که این حملات دقیق، بر پایه اطلاعات ارزشمندی انجام گرفته که توسط مردم و نیروهای ارتش اردن در اختیار ایران قرار داشت.

در موج ۲۲ عملیات نصر۲ نیز، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی حمله پهپادی، یک سامانه رادار اخطار اولیه دشمن آمریکایی را به طور کامل منهدم کرد و همچنین در حمله دیگری یک سوله تجهیزات و قطعات هوایی و یک آشیانه پهپادهای MQ9 آمریکا در پایگاه علی السالم را مورد اصابت قرار داده و چند پهپاد را به آتش کشید.

همچنین روز گذشته و در جریان موج ۲۳ از عملیات نصر۲، نیروی دریایی سپاه با حمله همزمان در سه مرحله، پایگاه‌های آمریکا در منطقه را زیر ضرب حملات موشکی برد.

در مرحله اول حمله، سوله‌های نگهداری و تعمیرات پهپادی واحدهای آمریکایی مستقر در فرودگاه اَلصَّخیر بحرین منهدم شد. در مرحله دوم، سوله‌های آماده‌سازی شناورهای تی‌اف۵۹ در بندر سلمان بحرین مورد هدف قرار گرفت و خسارات سنگینی به شناورها وارد شد. در مرحله سوم نیز سوله‌های محل استقرار و پشتیبانی و تجهیز نیروهای تکاور ویژه دریایی آمریکا در پایگاه عریفجان کویت به صورت کامل منهدم شد.

یمن محاصره دریایی بر عربستان اعمال کرد

همزمان با این تحولات، روز گذشته سرتیپ یحیی سریع سخنگوی نیروهای مسلح یمن با انتشار بیانیه‌ای، از آغاز محاصره دریایی عربستان سعودی خبر داد.

گرچه انصارالله تصریح کرده است که این محاصره در واکنش به محاصره ۱۲ ساله یمن توسط عربستان اعمال می‌شود، اما در لایه‌های بعدی، این تصمیم را باید مکمل انسداد تنگه هرمز ارزیابی کرد.

محاصره دریایی عربستان سعودی از آن جهت اهمیت دارد که راه دور زدن تنگه هرمز از طریق تنگه باب‌المندب بسته خواهد شد.

پیش از این نیروهای مسلح ایران هشدار داده بودند که اگر آمریکا به محاصره و جلوگیری از تجارت دریایی ایران ادامه دهد، نه آمریکا و نه شرکای ایالات متحده در منطقه نیز اجازه صادرات حتی یک قطره نفت را هم نخواهند داشت.

اخبار

عارف: برای کاربردی‌سازی هوش مصنوعی باید گام‌های جدی برداشت

معاون اول رئیس جمهور در جلسه ستاد توسعه فناوری و هوش مصنوعی، از عملکرد دانشمندان و فعالان حوزه علم و فناوری قدردانی کرد و گفت دستاوردهای علمی کشور، به‌ویژه در دو سال گذشته و پس از جنگ ۱۲ روزه، فراتر از انتظار بوده و توانسته در مدت کوتاهی نیازهای کشور را تأمین کند.

محمدرضا عارف با اشاره به نقش نگاه راهبردی رهبر شهید در توسعه علم و فناوری طی چهار دهه گذشته، اظهار کرد: دولت چهاردهم جبران عقب‌ماندگی‌های سند چشم‌انداز و تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب را در حوزه علم و فناوری دنبال می‌کند.

وی با بیان اینکه اقتدار دفاعی و امنیتی کشور بر پایه پیشرفت‌های علمی و فناوری است، تأکید کرد: ایران برای توسعه فناوری از کسی اجازه نمی‌گیرد، اما دستاوردهای خود را در اختیار کشورهای دوست قرار می‌دهد. وی همچنین خواستار همکاری کشورهای منطقه برای جلوگیری از استفاده از سرزمین برخی کشورهای اسلامی علیه ایران شد.

معاون اول رئیس جمهور با تأکید بر اهمیت هوش مصنوعی، گفت در کنار توسعه این فناوری باید برای کاربردی‌سازی آن نیز گام‌های جدی برداشت و با نظارت بر اجرای برنامه‌ها و اسناد توسعه هوش مصنوعی، میزان تحقق اهداف در دستگاه‌های مختلف ارزیابی شود.

در پایان این جلسه، گزارش اقدامات دبیرخانه ستاد توسعه فناوری و هوش مصنوعی و برنامه‌های راهبری توسعه هوش مصنوعی در وزارتخانه‌های نفت و نیرو بررسی شد و مقرر شد پس از اعمال اصلاحات، این برنامه‌ها ابلاغ شوند.

معاون اجرایی رئیس جمهور:

هر صدایی که وحدت ملی را خدشه‌دار کند، صدای دشمن است

محمدجعفر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور و عباس علی آبادی وزیر نیرو پس از بازدید روز یکشنبه از مناطق آسیب‌دیده استان هرمزگان طی حملات اخیر آمریکا، روز گذشته وارد بوشهر شدند.

اولین برنامه سرپرست نهاد ریاست جمهوری در بوشهر، بازدید از مجتمع گازی پارس جنوبی بود. قائم‌پناه در جریان این بازدید با ابراز تأسف از حملات وحشیانه دشمن، گفت: «فرزندان این مرز و بوم آنقدر دانش دارند که مجدداً صنایع آسیب دیده‌ای چون پارس جنوبی را برپا می‌کنند.» وی افزود: «عزیزان ما در منطقه پارس جنوبی و عسلویه همانند نیروهای مسلح، جان خود را در دست گرفته و تلاش می‌کنند که تولید کنند و برای کشور ثروت بیافرینند.»

هیچ یک از اسکله‌های نفتی تعطیل نشد

پس از این بازدید، معاون اجرایی رئیس جمهور در نشست کمیته مدیریت بحران منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در عسلویه حضور یافت و با قدردانی از تلاش کارکنان صنعت نفت و گاز، نیروهای مسلح و مدیران استان‌های جنوبی کشور اظهار کرد: «دولت خود را خدمتگزار همه مردم ایران می‌داند، میان هیچ استان و منطقه‌ای تفاوتی قائل نیست و همه ظرفیت‌ها برای افزایش تاب‌آوری کشور و خدمت‌رسانی به مردم به کار گرفته شده است.» وی افزود: «با وجود تهدیدها و مخاطرات، هیچ‌یک از اسکله‌های نفتی و گازی کشور تعطیل نشد و کارکنان این صنعت اجازه ندادند چرخه تولید متوقف شود.»

سرپرست نهاد ریاست جمهوری با بیان اینکه حملات دشمن موجب خروج حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز کشور شده است، گفت: «این میزان در مقایسه با تولید حدود ۶۵۰ میلیون مترمکعبی کشور رقم قابل توجهی است و به ناترازی پیشین گاز افزوده است. با تلاش کارکنان صنعت نفت و گاز، پیش‌بینی می‌شود تا چند ماه آینده ۱۰۰ میلیون مترمکعب از این ظرفیت دوباره وارد مدار تولید شود.»

معاون اجرایی رئیس جمهور همچنین با اشاره به توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر گفت: «دولت برنامه توسعه نیروگاه‌های خورشیدی را با جدیت دنبال می‌کند و بخشی از ظرفیت‌های جدید نیز وارد مدار شده است تا به پایداری شبکه برق کشور کمک کند.» قائم‌پناه از مردم خواست با صرفه‌جویی در مصرف برق، گاز و آب، دولت را در عبور از شرایط موجود یاری کنند.

ضرورت حفظ انسجام ملی

قائم‌پناه همچنین با تأکید بر ضرورت حفظ انسجام ملی اظهار کرد: «باید از هرگونه اختلاف و دوقطبی‌سازی پرهیز کرد و همه توان کشور در مسیر دفاع از منافع ملی، حمایت از تولید و خدمت به مردم به کار گرفته شود. امروز نباید هیچ جبهه‌ای جز جبهه دفاع از منافع ملی و مقابله با دشمن در کشور گشوده شود و همه جریان‌ها باید حول محور رهبری برای پیشرفت و امنیت کشور همدل باشند.» سرپرست نهاد ریاست جمهوری اظهار کرد: «رهبر کبیر انقلاب، رهبر شهید انقلاب و رهبر معظم انقلاب همواره بر وحدت و انسجام ملی تأکید داشته‌اند و هر صدایی که این وحدت را خدشه‌دار کند، در مسیر خواست دشمن حرکت می‌کند.»

وی با بیان اینکه سیاست‌های کلان کشور در حوزه جنگ، صلح و مذاکره بر اساس تدابیر و فرامین رهبر معظم دنبال می‌شود، گفت: «هر زمان که ایشان درباره مذاکره، آتش‌بس یا سایر موضوعات تصمیمی اتخاذ کنند، مسئولان نیز در همان چارچوب عمل خواهند کرد.»

قائم‌پناه گفت: «مسیر کشور باید بر پایه وحدت ملی حول محور رهبری ادامه یابد و در عین حال، آمادگی برای مقابله با هرگونه تهدید دشمن حفظ شود.»

رئیس جمهوری در نشست شورای عالی قضائیه:

میدان نبرد؛ عرصه اقتصاد و معیشت است

محسنی اژه‌ای: وحدت ملی را نباید قربانی شایعات و نفوذ دشمن کرد

گزارش

گروه سیاسی

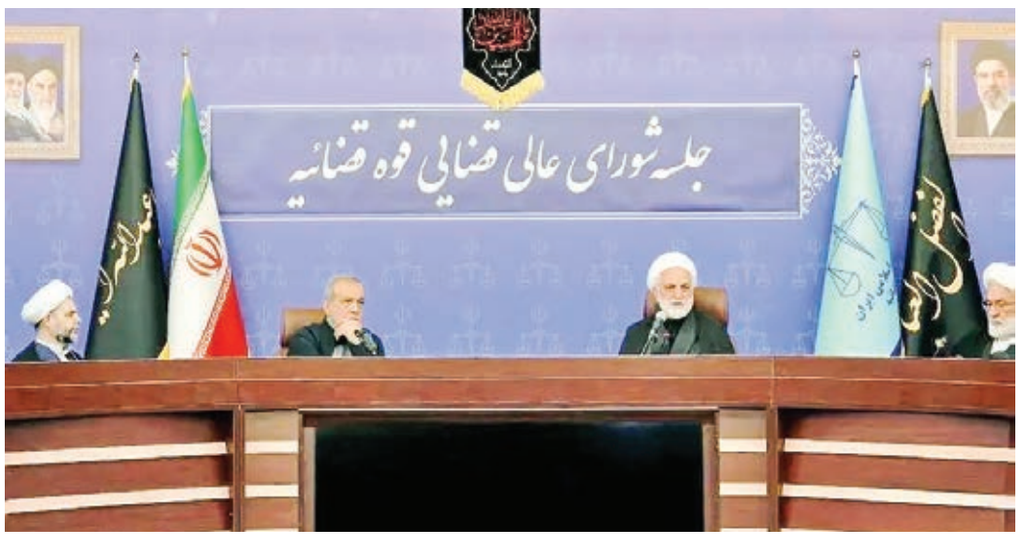

شورای عالی قوه قضائیه در نشست دیروز خود به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای یک میهمان ویژه داشت. رئیس قوه مجریه میهمان قوه قضائیه بود. جلسه دیروز را می‌توان تبلور هماهنگی و همکاری میان قوا دانست. محسنی اژه‌ای در این نشست با تمجید از شخصیت و فعالیت‌های به گفته خود مخلصانه مسعود پزشکیان، از او استقبال گرمی کرد و گفت که بر همه مسئولان است که به رئیس جمهوری و مجموعه دولت کمک کنیم. رئیس جمهوری هم یادآوری کرد وحدت و هماهنگی‌ای که امروز میان قوای سه‌گانه وجود دارد، کم‌نظیر و شایسته قدردانی است. او در جمع مسئولان عالی قوه قضائیه توضیحات مبسوطی درباره موضوعات مهم و از جمله تفاهم امضا شده میان ایران و آمریکا، شرایط کشور و عملکرد دولت در شرایط جنگ ارائه داد و ناظر به همین موارد مهم تأکید کرد که «مهم‌ترین میدان نبرد امروز، عرصه اقتصاد و معیشت مردم است.»

بقای حکومت‌ها در گرو اجرای عادلانه قانون و احقاق حقوق مردم است

رئیس جمهوری در جلسه شورای‌عالی قوه قضائیه، با گرامیداشت یاد و خاطره رهبر شهید و همه شهدای والامقام جنگ تحمیلی اخیر، تصریح کرد: «فقدان این عزیزان خسارتی بزرگ برای جامعه و کشور بود و بی‌تردید بار مسئولیت سنگینی را بر دوش همه ما نهاده است تا با تمام توان، مسیر، آرمان‌ها و اهدافی را که آنان برای عزت، استقلال و پیشرفت ایران اسلامی ترسیم کرده بودند، ادامه دهیم و در تحقق آن کوتاهی نکنیم.»

رئیس جمهوری با قدردانی از تلاش‌های مجموعه دستگاه قضایی، نقش این قوه را در استقرار عدالت و صیانت از حقوق مردم مورد تأکید قرار داد و با ابراز خرسندی از حضور در جمع اعضای شورای‌عالی قوه قضائیه، از زحمات، تلاش‌ها و خدمات ارزشمند رئیس قوه قضائیه، اعضای شورای‌عالی قوه قضائیه و همه مدیران و کارکنان این قوه صمیمانه قدردانی کرد.

پزشکیان در ادامه عدالت را بنیادی‌ترین رکن پایداری هر نظام حکمرانی دانست و تصریح کرد: «بقای حکومت‌ها در گرو اجرای عادلانه قانون و احقاق حقوق مردم است. از منظر اعتقادی و بر اساس آموزه‌هایی که از منابع دینی، اساتید و روحانیت معظم فرا گرفته‌ام، باور دارم مهم‌ترین عاملی که می‌تواند یک حکومت را حفظ کند، برقراری عدالت است و اگر این چارچوب وجود نداشته باشد، اساساً هیچ نظام و ساختاری دوام نخواهد داشت. از منظر اعتقادی، پذیرفتنی نیست در جامعه‌ای زندگی کنیم که مردم با مشکلات معیشتی، بیکاری، فقر و گرفتاری دست‌وپنجه نرم کنند و ما صرفاً به انجام برخی اقدامات دیگر دلخوش باشیم. دولت و همه مسئولانی که در کنار ما خدمت می‌کنند، نمی‌توانیم نسبت به چنین شرایطی بی‌تفاوت باشیم.»

یادآوری ضرورت خرد و مسئولیت‌پذیری جمعی

پزشکیان در ادامه با اشاره به شرایط پیچیده کشور، مقابله همزمان با تهدیدات خارجی و حل مسائل داخلی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر توصیف کرد و گفت: «دشمنان این ملت با همه توان در تلاشند تا از مسیرهای مختلف، راه‌های پیشرفت و حرکت ما را مسدود کنند و اجازه ندهند جمهوری اسلامی ایران با عزت، اقتدار و سربلندی مسیر خود را ادامه دهد. آنان نمی‌خواهند کشوری مستقل، مقتدر و موفق در این منطقه شکل بگیرد. بنابراین ما، هم باید با توطئه‌های دشمن مقابله کنیم و هم همزمان مشکلات داخلی خود را برطرف سازیم. مدیریت این پیچیدگی‌ها، بدون تردید، کار ساده‌ای نیست.»

رئیس دولت چهاردهم وحدت، تفاهم و تصمیم‌گیری مبتنی بر خرد جمعی را پیش‌شرط عبور موفق از شرایط دشوار کشور دانست و خاطرنشان کرد: «از همین رو، پیش از هر چیز، نیازمند وحدت، تفاهم، زبان مشترک و نگاه مشترک هستیم.»

پزشکیان با استناد به سیره پیامبر اکرم(ص)، مشورت و مسئولیت‌پذیری جمعی را از مهم‌ترین اصول مدیریت اسلامی برشمرد و اظهار کرد: «بر اساس آموزه‌های مدیریتی برگرفته از سیره اگر تصمیمی با مشارکت و مشورت جمعی اتخاذ شد، همه باید به آن پایبند باشند و پس از اجرای آن، یکدیگر را به دلیل پیامدهای تصمیم سرزنش نکنند. پیش از تصمیم‌گیری باید با دقت، آگاهی و بهره‌گیری از مشورت‌های کارشناسی اقدام کرد، اما پس از اتخاذ تصمیم جمعی، پذیرش مسئولیت نتایج آن نیز بر عهده همه خواهد بود و این همان معنای واقعی عقل جمعی است.»

باید تبعات طبیعی ایستادگی در برابر دشمن را بپذیریم

رئیس جمهوری با اشاره به مسیر دیپلماسی و توافقات انجام‌شده، بر ضرورت قضاوت منصفانه و مبتنی بر واقعیت تأکید و اظهار کرد: «برخی بدون توجه به واقعیات، مطالبی را مطرح می‌کنند که از اساس مبنای درستی ندارد. گاهی نیز ترجیح می‌دهیم پاسخی به این اظهارات ندهیم، زیرا بسیاری از این سخنان با واقعیت‌های موجود فاصله دارد.»

پزشکیان با تأکید بر صیانت کامل از حقوق و منافع ملی در روند مذاکرات، هرگونه عقب‌نشینی از اصول و ارزش‌های کشور را رد و تصریح کرد: «واقعیت این است که در هیچ‌یک از بندهای چهارده‌گانه آن تفاهم (یادداشت تفاهم ایران و آمریکا برای پایان جنگ) از حقوق، اصول، منافع ملی، ارزش‌های انقلاب و اعتقادات خود عقب‌نشینی نکردیم. نه‌تنها هیچ امتیازی برخلاف منافع کشور داده نشد، بلکه با بررسی دقیق مفاد توافق، بخش عمده‌ای از دستاوردها به سود جمهوری اسلامی ایران بوده است و در عمل بندی را نمی‌توان یافت که منفعتی یک‌جانبه برای طرف آمریکایی ایجاد کرده باشد.»

پزشکیان با اشاره به سیر اقتصادی شرایط جنگی، بر ضرورت پذیرش واقع‌بینانه آثار مقاومت در برابر فشارهای دشمن تأکید کرد و گفت: «زمانی که تصمیم می‌گیریم در برابر دشمن ایستادگی و مقاومت کنیم، باید پیامدهای این تصمیم را نیز بپذیریم و نمی‌توان انتظار داشت که در شرایط جنگ، جامعه با هیچ‌گونه دشواری مواجه نشود.»

به گفته رئیس جمهوری در گذشته، هماهنگی‌ها بیشتر و ارتباط میان دستگاه‌ها نزدیک‌تر بود و تصمیم‌گیری‌ها با سرعت بیشتری انجام می‌شد، اما اکنون به دلیل شرایط جنگی، این ارتباطات با سرعت گذشته شکل نمی‌گیرد و این موضوع یکی از چالش‌های جدی مدیریت کشور است.

او با اشاره به سخنان رئیس قوه قضائیه مبنی بر ضرورت تصمیم‌گیری بهنگام در شرایط ویژه افزود: «همان‌گونه که جناب آقای اژه‌ای نیز اشاره کردند، امروز در شرایط جنگی قرار داریم و اداره کشور با همان قواعد و رویه‌های معمول گذشته امکان‌پذیر نیست. باید این امکان برای مدیران فراهم باشد که در لحظه تصمیم بگیرند و اقدام کنند، نه اینکه پس از انجام وظیفه، بابت رعایت نکردن برخی تشریفات اداری مورد بازخواست قرار گیرند؛ چرا که شرایط جنگ، اقتضائات ویژه خود را دارد.»

پزشکیان با اشاره به تلاش دستگاه‌های اجرایی برای حفظ ثبات و تأمین نیازهای اساسی مردم در دوران جنگ، افزود: «اینکه جنگی با این ابعاد رخ دهد اما مردم در بازار، بیمارستان‌ها، حوزه تأمین دارو و کالاهای اساسی با بحران جدی مواجه نشوند، نتیجه تلاش شبانه‌روزی و هماهنگ مجموعه دستگاه‌های اجرایی کشور است. ممکن است افزایش قیمت‌ها وجود داشته باشد که دلایل آن نیز روشن است، اما این افزایش ناشی از شرایط اقتصادی و محدودیت‌های تحمیل‌شده بود، نه ناشی از بی‌توجهی یا قصور دولت.»

> پزشکیان: در هیچ‌یک از بندهای چهارده‌گانه آن تفاهم از حقوق، اصول، منافع ملی، ارزش‌های انقلاب و اعتقادات خود عقب‌نشینی نکردیم و بخش عمده‌ای از دستاوردها به سود جمهوری اسلامی ایران بوده است

رهبری انقلاب مرجع نهایی تصمیم‌گیری هستند

پزشکیان همچنین بر ضرورت وجود مرجع نهایی تصمیم‌گیری در نظام حکمرانی و التزام همه مسئولان به تصمیمات آن تأکید کرد و گفت: «بارها در محافل مختلف تأکید کرده‌ام که نه‌تنها از منظر اعتقادی، بلکه بر پایه مبانی علمی نیز معتقدم هر نظام مدیریتی باید دارای مرجع نهایی تصمیم‌گیری باشد و در جمهوری اسلامی ایران، آن مرجع مقام معظم رهبری هستند.»

رئیس جمهوری در ادامه انسجام در تصمیم‌سازی و وحدت در روایت‌سازی ملی و هماهنگی میان همه ارکان کشور را لازمه عبور موفق از شرایط کنونی دانست و اظهار کرد: «باید بتوانیم مسائل، مشکلات و دغدغه‌های خود را به‌موقع مطرح کنیم و پس از اتخاذ تصمیم، همه با انسجام و هماهنگی از همان تصمیم دفاع کنیم. دولت، رسانه ملی، ائمه جمعه، مساجد، منابر و همه ارکان کشور باید یک پیام واحد و یک روایت مشترک را به جامعه منتقل کنند. اگر دولت سخنی بگوید، مجلس سخنی دیگر مطرح کند، رسانه ملی روایت متفاوتی ارائه دهد و هر بخش مسیر جداگانه‌ای را دنبال کند، نتیجه‌ای جز ایجاد اختلاف، دوگانگی و تفرقه در جامعه نخواهد داشت.»

پزشکیان پرهیز از دامن زدن به اختلافات را از الزامات مدیریت مسئولانه کشور برشمرد و تصریح کرد: «به همین دلیل، در بسیاری از موارد ترجیح می‌دهیم وارد برخی مباحث نشویم، زیرا بخشی از سخنانی که در برخی محافل مطرح می‌شود، نه با واقعیت‌های موجود سازگار است، نه قابلیت اجرا دارد و نه به مصلحت کشور است. اگر بخواهیم به تک‌تک این اظهارات پاسخ دهیم، خود این روند به اختلافات و شکاف‌های بیشتر دامن خواهد زد.»

رئیس جمهوری در ادامه انسجام در تصمیم‌سازی و وحدت در روایت‌سازی ملی و هماهنگی میان همه ارکان کشور را لازمه عبور موفق از شرایط کنونی دانست و اظهار کرد: «باید بتوانیم مسائل، مشکلات و دغدغه‌های خود را به‌موقع مطرح کنیم و پس از اتخاذ تصمیم، همه با انسجام و هماهنگی از همان تصمیم دفاع کنیم. دولت، رسانه ملی، ائمه جمعه، مساجد، منابر و همه ارکان کشور باید یک پیام واحد و یک روایت مشترک را به جامعه منتقل کنند. اگر دولت سخنی بگوید، مجلس سخنی دیگر مطرح کند، رسانه ملی روایت متفاوتی ارائه دهد و هر بخش مسیر جداگانه‌ای را دنبال کند، نتیجه‌ای جز ایجاد اختلاف، دوگانگی و تفرقه در جامعه نخواهد داشت.»

پزشکیان پرهیز از دامن زدن به اختلافات را از الزامات مدیریت مسئولانه کشور برشمرد و تصریح کرد: «به همین دلیل، در بسیاری از موارد ترجیح می‌دهیم وارد برخی مباحث نشویم، زیرا بخشی از سخنانی که در برخی محافل مطرح می‌شود، نه با واقعیت‌های موجود سازگار است، نه قابلیت اجرا دارد و نه به مصلحت کشور است. اگر بخواهیم به تک‌تک این اظهارات پاسخ دهیم، خود این روند به اختلافات و شکاف‌های بیشتر دامن خواهد زد.»

رئیس جمهوری شوراهای عالی کشور را مرجع قانونی تصمیم‌گیری در مسائل کلان دانست و بر ضرورت التزام همه دستگاه‌ها به مصوبات این مراجع تأکید کرد و گفت: «درست نیست افرادی که هیچ مسئولیت اجرایی و نقشی در مدیریت مستقیم امور ندارند، خارج از فرآیند تصمیم‌گیری صرفاً بگویند که باید به شکل دیگری عمل می‌شد. طبیعی است اگر همه واقعیت‌ها و محدودیت‌های موجود بیان شود، بسیاری از این قضاوت‌ها نیز تغییر خواهد کرد.»

مهم‌ترین عرصه تقابل با دشمن

پزشکیان با تشریح ابعاد جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد و معیشت مردم را مهم‌ترین عرصه تقابل با دشمن عنوان کرد و اظهار کرد: «واقعیت این است که امروز جمهوری اسلامی ایران درگیر یک جنگ تمام‌عیار است. جنگ امروز صرفاً جنگ موشک‌ها نیست؛ دشمن به این نتیجه رسیده است که با حملات نظامی نمی‌تواند ملت ایران را به تسلیم وادارد.»

رئیس جمهوری حفظ ثبات اقتصادی و صیانت از سرمایه اجتماعی را از مهم‌ترین اولویت‌های نظام حکمرانی در شرایط جنگ اقتصادی برشمرد و افزود: «مهم‌ترین میدان نبرد امروز، عرصه اقتصاد و معیشت مردم است. در میدان نظامی، نیروهای مسلح با اقتدار از کشور دفاع می‌کنند، اما اگر فشارهای اقتصادی موجب شکل‌گیری نارضایتی‌های اجتماعی شود و این نارضایتی‌ها گسترش یابد، سرمایه عظیم اجتماعی که مردم در حمایت از نظام ایجاد کرده‌اند، ممکن است آسیب ببیند.»

پزشکیان بر ضرورت پشتیبانی همه ارکان حاکمیت از سیاست‌های کلان کشور تأکید و خاطرنشان کرد: «تصمیمات و سیاست‌هایی که اتخاذ می‌شود باید به گونه‌ای باشد که حمایت و همراهی همه ارکان حاکمیت را به همراه داشته باشد، زیرا در صورت فقدان این هماهنگی، نه‌تنها دولت بلکه کل نظام با دشواری مواجه خواهد شد.»

رئیس جمهوری همدلی و مشارکت همه ظرفیت‌های کشور را لازمه اداره مطلوب امور دانست و از همه جریان‌های سیاسی برای همکاری دعوت کرد و گفت: «اینکه کسی بیرون میدان بایستد و صرفاً انتقاد کند، مشکلی را حل نخواهد کرد. اگر راه‌حل بهتری وجود دارد، میدان عمل برای اجرای آن باز است.» پزشکیان همکاری میان رقبای انتخاباتی در مسیر اداره کشور را نمونه‌ای از اولویت یافتن منافع ملی بر رقابت‌های سیاسی دانست و اظهار کرد: «آقای دکتر قالیباف و آقای دکتر زاکانی در انتخابات ریاست جمهوری رقیب ما بودند اما امروز همه در مسیر اداره کشور به دولت کمک می‌کنند و ما از این همکاری صمیمانه قدردانی می‌کنیم. ما هیچ نیتی جز خدمت به مردم، کشور، انقلاب، دین و باورهای خود نداریم. آنچه از ایمان و انگیزه در وجود من هست، برگرفته از آموزه‌های دینی و مسیری است که حضرت امام خمینی(ره) به ما نشان دادند. البته هرگز ادعا نمی‌کنم که بی‌عیب و نقص هستم؛ همه ما ضعف‌هایی داریم و اگر کسی خود را بی‌نقص بداند، همین بزرگ‌ترین ضعف اوست.»

هماهنگی کم نظیر قوای سه‌گانه

رئیس جمهوری عدالت را محور اصلی سیاست‌گذاری دولت دانست و اصلاح ساختارهای ناعادلانه را از اولویت‌های دولت برشمرد و اظهار کرد: «تا آنجا که توان و فهم ما اجازه می‌دهد، تلاش می‌کنیم عدالت مبنای تصمیم‌گیری و عمل باشد، هرچند تحقق کامل آن در شرایط کنونی دشوار است. در برخی حوزه‌ها، ساختارها و رویه‌ها از عدالت فاصله گرفته‌اند و دولت به‌تدریج در حال اصلاح آنهاست.»

پزشکیان با اشاره به برخی نابرابری‌های ساختاری، بر تداوم برنامه‌های اصلاحی دولت تأکید کرد و افزود: «امروز در حوزه‌هایی مانند برق، آب، گاز، نظام پرداخت‌ها، امتیازات، انتصابات و بسیاری از بخش‌های دیگر با نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هایی مواجه هستیم و اصلاح این وضعیت نیازمند برنامه‌ریزی، زمان و همراهی همه بخش‌های کشور است. این در حالی است که همزمان با این اصلاحات، کشور با فشارهای خارجی و اقدامات آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز مواجه است و طبیعی است که باید در برابر این فشارها نیز ایستادگی کنیم.»

رئیس جمهوری حفظ وحدت، انسجام و همدلی را مهم‌ترین نیاز امروز کشور دانست و تأکید کرد: «با وجود همه این شرایط، مهم‌ترین نیاز کشور حفظ وحدت، انسجام، همدلی و هم‌زبانی میان همه ارکان نظام است و دولت نیز با همه توان برای تقویت این همگرایی تلاش خواهد کرد.»

پزشکیان هماهنگی میان قوای سه‌گانه را کم‌نظیر توصیف کرد و با قدردانی از حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای و دکتر محمدباقر قالیباف گفت: «این عزیزان همواره در کنار دولت بوده‌اند و در حل مشکلات کشور نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. واقعاً معتقدم وحدت و هماهنگی‌ای که امروز میان قوای سه‌گانه وجود دارد، کم‌نظیر و شایسته قدردانی است.»

پزشکیان در پایان با قدردانی از مسئولان و کارکنان قوه قضائیه، اجرای عدالت را از سنگین‌ترین مسئولیت‌های نظام اسلامی برشمرد و افزود: «امروز وظیفه خود دانستم که در جمع شما حضور یابم و از تلاش‌های ارزشمندتان صمیمانه سپاسگزاری کنم. مسئولیتی که شما برعهده دارید، مسئولیتی بسیار سنگین است و قضاوت، اجرای عدالت و احقاق حق مردم از دشوارترین مسئولیت‌هایی است که می‌توان برعهده گرفت.»

> محسنی اژه‌ای: من شهادت می‌دهم که دکتر پزشکیان مخلصانه در حال خدمت به مردم و نظام است همه ما موظف و مکلفیم به دولت کمک کنیم

التزام به قانون و حفظ وحدت ملی شرط عبور از شرایط جنگی است

رئیس قوه قضائیه در سخنان خود ضمن تسلیت و تعزیت شهادت حضرت رقیه(س) و خوشامدگویی به رئیس جمهوری که در جلسه دیروز، به‌عنوان مهمان مدعو حضور داشت، گفت: «التزام به قانون، اعم از قانون اساسی و سایر قوانین و ایضاً مصوبات لازم‌الاجرا، به نفع همگان است. تحقق و گسترش عدالت و همچنین ارتقای امنیت، آرامش و رفاه مردم عموماً در گروی التزام و عمل به قانون است. همه ما مردم و کارگزاران باید خود را ملتزم به قانون بدانیم.»

محسنی اژه‌ای با تأکید بر ضرورت اهتمام به ضوابط حاکم بر ایام جنگ، بیان کرد: «وقتی شرایط خاص و جنگی پیش می‌آید باید علاوه بر التزام به قانون و خصوصاً قوانین ناظر بر ایام جنگ؛ مصالح، اولویت‌ها و فوریت‌هایی را نیز مدنظر قرار داد. بدیهی است که در ایام جنگ، مسائل و موضوعاتی پیش می‌آید که تصمیم‌گیری در قبال آنها، فوریت دارد و هیچ گونه تأخیر و تعللی جایز نیست.»

وی با اشاره به موضوع تفویض اختیارات به مجریان و اِعمال نظارت بر آنها، تصریح کرد: «در شرایط خاص و جنگی، عقلایی است که به مجریان، اختیاراتی تفویض شود تا امور را در نهایت سرعت و بدون تأخیر و تعلل، عملیاتی و اجرایی سازند. البته در کنار این تفویض اختیار، باید نظارت جامعی را اِعمال کرد تا خلل و خطایی حادث نشود.»

محسنی اژه‌ای خاطرنشان کرد: «قطعاً باید بیش از گذشته مراقبت کنیم تا مبادا وحدت و انسجام ملی ما مخدوش شود. نباید اجازه دهیم شیاطین جن و انس در صفوف مستحکم مردم ما رخنه کنند و به ایجاد افتراق و انشقاق بپردازند. باید بیش از گذشته مراقب مُرجفون، شایعه‌پراکنان، منافقین و نفوذی‌ها باشیم. هم خودمان مراقبت کنیم و هم زیرمجموعه‌هایمان را هوشیار کنیم و نهیب دهیم.»

رئیس قوه قضائیه با اشاره به شگردهای عناصر نفوذی و منافق، اظهار کرد: «بدیهی است که یک فرد نفوذی و منافق با تابلوی دشمن به میدان نمی‌آید، بلکه او با پوشش و عنوان خودی، در داخل صفوف مؤمنین و ملت قرار می‌گیرد و تلاش می‌کند با نشر شایعات و طرح مسائل سست و بی‌پایه، مردم را به جان هم بیندازد و یا ناامید کند. تلاش نفوذی و منافق، معطوف بر سرگرم کردن مردم و مسئولان به مسائل بی‌اهمیت و غافل ساختن آنها از مسائل مهم است.»

توصیف رئیس قوه مجریه از زبان رئیس قوه قضائیه

محسنی اژه‌ای در بخش دیگری از سخنانش در این نشست، با بیان اینکه رئیس جمهوری انسان با اخلاصی است، اظهار کرد: «پزشکیان، تمام همّ و غمّ خود را گذاشته است تا آنچه به نفع اسلام و ایران و مردم است، رقم بخورد. ما نیز باید نهایت کمک و مساعدت را به وی و مجموعه دولت داشته باشیم.»

رئیس قوه قضائیه عنوان کرد: «پزشکیان اعتقاد راسخ دارد که کلام رهبری معظم انقلاب، فصل‌الخطاب است و باید به نیروهای مسلح، نهایت کمک و مساعدت را انجام داد. ما این موضع رئیس جمهوری را می‌ستاییم.»

وی با تأکید بر خون‌خواهی و انتقام از دشمن، گفت: «اینکه مردم مبعوث‌شده، در کف میدان و خیابان، بر ضرورت ادامه جهاد و جنگ با دشمن متجاوز و غدّار تاکید دارند و غلم خونخواهی برافراشته‌اند، حتماً موضعی حق‌مدارانه است و ما مسئولان نیز باید بر این موضع، اصرار و ابرام ورزیم در این مورد هیچ اختلاف نظری بین مقامات کشور وجود ندارد که دشمن آمریکایی ما به هیچ وجه قابل اعتماد نیست؛ ما در برابر او کوتاه نمی‌آییم و تا پای جان ایستادگی می‌کنیم.»

رئیس قوه قضائیه به مبحث تاب‌آوری مردم نیز اشاره کرد و افزود: «از سویی دیگر و در عین اینکه باید بر موضع استمرار جهاد و مقابله با دشمن آمریکایی تأکید ورزیم، مطالبه دیگری نیز وجود دارد که ضروری است به وضعیت معیشتی مردم و تاب‌آوری آنها نیز توجه جدی داشته باشیم؛ این موضع هم از سر حق و حق‌مداری است. همین مردم مبعوث‌شده که در کف خیابان حضور مستمر و دشمن‌شکن دارند، این مطالبه و دغدغه را نیز دارند که چرا گرانی وجود دارد؟»

محسنی اژه‌ای افزود: «مردم برای ما مسئولان، محرم هستند و ما موضوع پنهان و مکتومی با مردم نداریم؛ اینکه برخی مسائل در مقاطعی با مردم در میان گذاشته نمی‌شود، برای آن است که دشمن سوءاستفاده نکند.» رئیس قوه قضائیه بیان کرد: «من شهادت می‌دهم که دکتر پزشکیان مخلصانه در حال خدمت به مردم و نظام است. اینکه رئیس جمهوری در سخنانش از موانع می‌گویند، به هیچ وجه به معنای ناامیدی نیست، بلکه می‌خواهند از ما مسئولان در سایر قوا، استمداد بطلبند و بر همه ما فرض است تا به رئیس جمهوری و مجموعه دولت کمک کنیم. اکنون شرایط سختی حاکم است و همه ما موظف و مکلفیم به دولت کمک کنیم تا در اداره امور کشور و کمک به قوای مسلح، کوچک‌ترین خللی ایجاد نشود.»

رئیس قوه قضائیه عنوان کرد: «هیچ کدام از بخش‌های حاکمیت، بویژه دولت و شخص رئیس جمهوری کوچک‌ترین تردیدی در ادامه مبارزه با دشمن غدّار ندارند، لکن تأکید رئیس جمهوری آن است که در عین توجه به امر مبارزه باید به مقوله تاب‌آوری مردم و مسائل معیشتی مردم نیز توجه کنیم. ایستادگی ما در برابر دشمن متجاوز، هزینه دارد و باید این هزینه را بپذیریم.»

محسنی اژه‌ای تأکید کرد: «دکتر پزشکیان به بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی اعتقاد راسخ دارد و من شاهد هستم که ایشان در جلسات مختلف و متعدد با متنفذین و معتمدین مردم، مدام بر امر استفاده از استعدادهای مردمی جهت پیشبرد امور و غلبه بر مشکلات، تأکید می‌ورزند.»

خویشتنداری رئیس جمهوری بهانه جویی برخی سیاست بازان را بیشتر کرده است

پزشکیان صبور و مخالفان عجول؛ حکایت پیر و خشت خام

گزارش

«شهادت می‌دهم دکتر پزشکیان مخلصانه در حال خدمت به مردم و نظام است.» این جمله بخشی از سخنان قاضی‌القضات درباره رئیس جمهوری است که روز گذشته میهمان نشست شورای عالی قضایی بود. شیب تند تحولات سیاسی و امنیتی در دوره نزدیک به دو ساله عمر دولت چهاردهم و البته تبعات اقتصادی آنها به همان میزان که کار دولت برای اجرای برنامه‌های خود را با چالش مواجه کرده، همزمان زمینه ارائه برخی نقدها از عملکرد قوه مجریه را فراهم کرده و فراتر از آن بهانه‌ای برای تخریب، حمله و هجمه به دولت و پیش بردن تسویه‌حساب‌های سیاسی و جناحی شده است. از طرح برخی ادعاهای چندباره مخالفان خارج‌نشین مبنی بر استعفای رئیس جمهوری تا سازشکار خواندن او از سوی بعضی مخالفان داخلی به خاطر امضای یادداشت تفاهم پایان جنگ و برجسته‌سازی هدفمند این گزاره که رئیس قوه مقننه برخی از وظایف مهم رئیس جمهوری را عهده‌دار شده است و تهدید جانی رئیس جمهوری و... همه در راستای این خط خبری و تحلیلی است که رئیس جمهوری و دولتش را ناتوان از انجام وظایف قانونی خود معرفی کند. در این میان خویشتنداری رئیس جمهوری در پاسخ به این بهانه‌جویی‌ها بنا بر ملاحظات کلان‌تری که خودش در چند نوبت به آن اشاره کرده است، گویا عزم این طیف از مخالفان او را در تداوم مسیر تقابلی جزم‌تر کرده است. حال سخنان محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در نشست دیروز و توصیف فعالیت‌ها و عملکرد دولت و رئیس آن در مدیریت شرایط جنگی، پاسخ درخوری بود به این قبیل جوسازی‌ها و بهانه‌جویی‌های سیاسی و رسانه‌ای. بماند که پیش از این مراجع عظام تقلید هم در دیدارهای رئیس جمهوری بر عملکرد مثبت دولت در اداره کشور صحه گذاشته بودند. اطلاعات خبرنگار «ایران» هم حاکی است که اخیراً یکی از مقامات عالی دولت سیزدهم در یک نشست خصوصی با تمجید از نقش‌آفرینی مثبت رئیس جمهوری در ایام بحرانی کشور به صراحت تأکید کرده اگر هر کس دیگری بجز پزشکیان در این دوره رئیس جمهوری می‌بود معلوم نبود سرنوشت اداره کشور و هماهنگی و همکاری میان بخش‌های مختلف در وضعیت جنگی به چه فرجام ناخوشایندی دچار می‌شد.

مؤید این سخن مقام دولت سیزدهم درباره مسعود پزشکیان، انسجام درونی نهادهای مختلف در دوران جنگ است. خیلی از مخالفان جمهوری اسلامی و از جمله دشمنان متجاوز در ارزیابی‌های خود روی فروپاشی سیستم سیاسی و مدیریتی کشور بعد از ترورهای اولیه فرماندهان نظامی و شخصیت‌های سیاسی و امنیتی حساب باز کرده بودند. اما برخلاف این ارزیابی‌ها یا آرزوها، رویکرد وفاق رئیس جمهوری نه‌تنها مانع از تحقق چنین رویای شومی شد، بلکه همکاری ملی و هماهنگی نهادی در شرایط جنگ را مستحکم‌تر و منسجم‌تر هم کرد. انتخاب محمدباقر قالیباف به عنوان رئیس هیأت مذاکره‌کننده ایران هم در همین راستا قابل ارزیابی است چنانکه به گفته برخی منابع مطلع، مسعود پزشکیان خود نیز بر چنین انتخابی اصرار داشته است. داستان سلوک رفتاری پزشکیان و برخی منتقدان و مخالفان داخلی او یادآور حکایت معروف «پیر و خشت خام» است. آنان گذشت و خویشتنداری رئیس جمهوری را تعبیر به ضعف می‌کنند حال آنکه پزشکیان به سطوحی فراتر از این سیاسی‌بازی‌ها و تسویه‌حساب‌های جناحی می‌اندیشد. مسئولیت تأمین منافع کشور و مردم اقتضائاتی دارد که حاشیه‌نشینان و دور گود نشینان، یا از آن غافل هستند یا خود را به تغافل می‌زنند. همین داستان را با چند نفر از فعالان سیاسی و نمایندگان مجلس در میان گذاشته‌ایم و ارزیابی آنان از عملکرد دولت چهاردهم و نقش‌آفرینی رئیس آن در شرایط بحرانی کشور را جویا شده‌ایم.

رئیس جمهوری با تمام توان در میدان حضور دارد

علی هاشمی
قائم مقام دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی

مبارزه و تقابل میان ایران و آمریکا که طی سال‌های گذشته عمدتاً در قالب تحریم‌ها، فشارهای اقتصادی و اقدامات نیابتی جریان داشت اکنون تقریباً وارد مرحله‌ای از رویارویی مستقیم شده است. البته در دوره اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نیز چنین شرایطی تا حدی تجربه شد، اما آن تقابل تا حد زیادی کنترل‌شده بود و جز در یکی دو مورد، به درگیری نظامی مستقیم نینجامید. همان‌گونه که در هر درگیری نظامی مطرح است، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده «تاب‌آوری» دو طرف است؛ اینکه کدام یک می‌تواند فشارهای ناشی از جنگ را برای مدت طولانی‌تری تحمل کند. با این حال آنچه اکنون اهمیت بیشتری دارد، «تاب‌آوری اقتصادی» است. موضوعی که مستقیماً با معیشت مردم گره خورده و دولت در آن نقش اساسی ایفا می‌کند. درواقع در کنار خسارت‌های نظامی، از دست دادن نیروها، شهادت رزمندگان و دیگر پیامدهای جنگ، اقتصاد است یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های این نبرد است که طرف مقابل نیز حساب ویژه‌ای روی این موضوع باز کرده است. به همین دلیل، در دوره گذشته، محاصره اقتصادی را در دستور کار قرار داد؛ اقدامی که حدود یک ماه و نیم ادامه یافت و آثار قابل توجهی بر اقتصاد ایران گذاشت. با این حال، دولت توانست از طریق دیپلماسی و با تصمیمی که در شورای عالی امنیت ملی اتخاذ شد، این وضعیت را مدیریت کند. به گفته آقای پزشکیان، این تصمیم با ۱۱ رأی موافق و تنها یک رأی مخالف به تصویب رسید و مسیر مذاکره را هموار کرد؛ اقدامی که موجب شد آن مرحله از محاصره اقتصادی عملاً منتفی شود. امروز که بار دیگر شاهد اعمال فشارهای اقتصادی، به‌ویژه در حوزه حمل‌ونقل دریایی، بنادر، صادرات نفت و دیگر بخش‌های اقتصادی هستیم تقریباً تمامی خبرگزاری‌های معتبر دنیا و بسیاری از تحلیلگران، عملکرد دولت را در مدیریت تأمین کالاهای اساسی و معیشت مردم قابل قبول ارزیابی کرده‌اند. ممکن است دولت در همه حوزه‌ها موفق نبوده باشد و در برخی بخش‌ها، مانند کمبود برخی کالاها یا مشکلات اجرایی، کاستی‌هایی وجود داشته باشد؛ اما در زمینه حفظ جریان تأمین کالا و مدیریت معیشت مردم، ارزیابی غالب، چه در داخل و چه در خارج، مثبت است. البته این موفقیت تنها حاصل عملکرد دولت نبوده با این حال، مسئولیت اصلی مدیریت شرایط اقتصادی کشور بر عهده دولت و آقای پزشکیان بوده است. از سوی دیگر شرایط جنگی، تشکیل جلسات و هماهنگی‌های مدیریتی را نیز دشوار کرده است. طبیعی است که در چنین فضایی، حتی برگزاری جلسات نیز باید با ملاحظات امنیتی انجام شود تا از خطر حملات احتمالی در امان باشد. با وجود این محدودیت‌ها، ارزیابی کلی کارشناسان اقتصادی و حتی بسیاری از ناظران خارجی این است که دولت در این حوزه عملکرد قابل قبولی داشته است. در این میان، نقشی که آقای پزشکیان در ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف و همچنین میان دولت و سایر نهادهای کشور ایفا کرده، قابل توجه بوده است. به گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران، با وجود اختلاف‌نظر در برخی موضوعات سیاسی، در این زمینه اتفاق‌نظر دارند. همچنین مرور گزارش‌های داخلی و خارجی نیز نشان می‌دهد که ارزیابی غالب از عملکرد دولت، مثبت است. در همین راستا حملاتی که به مسیرهای مواصلاتی استان هرمزگان و جاده‌های منتهی به بندرعباس انجام شد، از سوی برخی تحلیلگران تلاشی برای افزایش فشار اقتصادی بر ایران ارزیابی شده است؛ زیرا استان هرمزگان، قلب تپنده تجارت، واردات و تأمین کالاهای کشور به شمار می‌رود. این اقدامات، در کنار تشدید محاصره دریایی، نشان می‌دهد که هدف اصلی، افزایش فشار اقتصادی است. با وجود این، دولت تلاش کرده است مسیرهای جایگزین برای حمل‌ونقل و تأمین کالا را فعال کند. بنابراین استفاده از ظرفیت خطوط ریلی، تعمیر سریع جاده‌ها و پل‌های آسیب‌دیده با همکاری وزارت راه و سایر دستگاه‌های اجرایی، نشان داد که دولت و آقای پزشکیان با تمام توان در میدان حضور دارند. هرچند ممکن است در برخی موارد تأخیرهایی وجود داشته باشد، اما مجموعه اقدامات انجام‌شده بیانگر آن است که دولت برای حفظ جریان تأمین کالا و مدیریت شرایط جنگی، تمام ظرفیت خود را به کار گرفته است.

کارنامه موفق دولت در دوران مقاومت

احمد فاطمی
عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی

ارزیابی عملکرد دولت و قوه اجرایی در اداره کشور، بسته به شرایط حاکم، می‌تواند متفاوت و حتی متضاد باشد. گاهی این ارزیابی در فضایی عادی، آرام و بدون تنش صورت می‌گیرد و گاهی در شرایطی انجام می‌شود که کشور با وضعیت فوق‌العاده حساس امنیتی، شرایط جنگی و شدیدترین تحریم‌های ظالمانه مواجه است. بدیهی است که در چنین بستری، قضاوت درباره عملکرد دولت باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های میدانی و فشارهای موجود انجام شود.

با توجه به این ملاحظات، ارزیابی کلی از عملکرد دولت آقای پزشکیان را می‌توان مثبت دانست. هرچند نقدهایی وارد است و مشکلاتی همچون تورم، گرانی و افزایش افسارگسیخته قیمت کالاها وجود دارد، اما این مسائل را باید در کنار این واقعیت مهم دید که کشور در حال پرداخت هزینه مقاومت است. مقاومتی که خواست عمومی مردمی است که در صحنه‌های مختلف، چه در میدان و چه از طریق تریبون‌ها، بر ضرورت ایستادگی در برابر فشارها و عدم سازش بر سر حقوق و منافع ملی تأکید دارند. به هر حال، هم مردم و هم نمایندگان آنان در مجلس به خوبی آگاهند که مقاومت بدون هزینه نیست و بخشی از مشکلات کنونی، بهای همین ایستادگی است؛ ایستادگی‌ای که هدف آن پرهیز از مماشات با دشمن و جلوگیری از پذیرش ذلت است. در چنین شرایطی، عملکرد قوای سه‌گانه و بویژه دولت که مسئولیت اداره امور جاری و اجرایی کشور را بر عهده دارد، در مجموع قابل قبول ارزیابی می‌شود.

البته این به معنای نادیده گرفتن نواقص، کمبودها و چالش‌ها نیست. بی‌تردید در برخی حوزه‌ها نیازمند اصلاحات جدی هستیم و این مسئولیت متوجه هر سه قوه است. از جمله حوزه‌هایی که سزاوار نقد و نیازمند بهبود است، می‌توان به عملکرد نظام بانکی، روند ثبت سفارش خودروهای وارداتی و همچنین وضعیت گمرکات اشاره کرد که باید با اصلاح رویه‌ها، کارآمدتر و شفاف‌تر شوند. در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت که دولت در شرایط فعلی مستحق دریافت نمره قبولی است؛ هرچند این به معنای رفع مسئولیت از دولت در قبال مطالبات مردم نیست. مردم به‌درستی انتظار دارند که مسائل معیشتی آنان در اولویت قرار گیرد. بر همین اساس، باید تأکید کرد که معیشت مردم و حقوق کارگران و بازنشستگان باید خط قرمز دولت باشد.

سازمان‌هایی نظیر سازمان تأمین اجتماعی، سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه باید به این درک برسند که با حقوق، دستمزد و معیشت اقشار ضعیف جامعه، یعنی حقوق‌بگیران و مستمری‌بگیران، نمی‌توان با تسامح برخورد کرد. در صورت لزوم، حتی باید جابه‌جایی‌های بودجه‌ای انجام شود تا منابع کافی برای حمایت از این اقشار تأمین شود. در کنار این دغدغه‌ها، حتماً باید به برخی نقاط قوت عملکرد دولت اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین این نقاط قوت، مدیریت موفق در تأمین کالاهای اساسی و اقلام مورد نیاز زندگی روزمره مردم بوده است. خوشبختانه در طول دو جنگ تحمیلی اخیر و پس از آن و حتی در شرایطی که آمریکا با نقض تفاهمات، بار دیگر آتش تنش را شعله‌ور کرده است، مردم با کمبود جدی در دسترسی به کالاها و خدمات مورد نیاز مواجه نشده‌اند و این موضوع نشان‌دهنده مدیریت قابل قبول در این حوزه است.

از دیگر موفقیت‌های مهم دولت در این دوره، حفظ انسجام و اتحاد ملی بوده است. این انسجام را باید در زمره نقاط برجسته کارنامه دولت قرار داد؛ چرا که دولت آقای پزشکیان در این زمینه نقش پیشرو ایفا کرده است. دولت تلاش کرده فضای عقلانی و منطقی را در اداره کشور حفظ کند و تصمیم‌گیری‌ها را در بستری مبتنی بر خرد جمعی و مصلحت عمومی پیش ببرد. رئیس جمهوری نیز با در نظر گرفتن مصالح کلان نظام و کشور، حتی در مواردی که ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشد، از طرح علنی آنها خودداری کرده تا به تقویت وحدت و اجماع ملی کمک کند. این رویکرد موجب شده است که در این مدت، دولت از ورود به منازعات سیاسی پرهیز کرده و با اتخاذ رویکردی همراه با متانت، از تشدید اختلافات، حتی در شرایطی که برخی جریانات اقدام به ایجاد چالش علیه دولت کرده‌اند، اجتناب کرده است.

صداقت و مسئولیت‌پذیری پزشکیان، سرمایه دولت در مدیریت روزهای جنگ

عزت‌الله یوسفیان‌ملا
نماینده اسبق مجلس

هر دولتی را می‌توان با شاخص‌های مختلفی ارزیابی کرد؛ از میزان تحقق وعده‌ها و رشد اقتصادی گرفته تا نحوه مواجهه با بحران‌ها و توانایی در مدیریت شرایط پیچیده. اما در مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز، یک شاخص بیش از همه اهمیت پیدا می‌کند؛ و آن اعتماد عمومی است. سرمایه‌ای که نه با تبلیغات و شعار، بلکه با صداقت، مسئولیت‌پذیری و رفتار صریح مسئولان شکل می‌گیرد و حفظ می‌شود. دولت چهاردهم از اولین ماه‌های فعالیت خود با شرایطی کم‌سابقه روبه‌رو شد. جنگ، تهدیدهای امنیتی، فشارهای اقتصادی و ضرورت حفظ آرامش روانی جامعه، فضایی را ایجاد کرد که هرگونه خطای مدیریتی می‌توانست هزینه‌های سنگینی برای کشور به همراه داشته باشد. در چنین شرایطی، طبیعی بود که افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری عملکرد دولت را زیر ذره‌بین قرار دهد و انتظار داشته باشد رئیس جمهوری و اعضای کابینه، با شفافیت و صداقت با مردم سخن بگویند. مسعود پزشکیان از جمله سیاستمدارانی است که حتی منتقدان نیز کمتر او را به پنهان‌کاری یا فرافکنی متهم کرده‌اند.

کسانی همچون نگارنده، که سال‌ها با او در مجلس همکاری داشته‌ایم، بر این باوریم که او از مسئولیت گریزان نیست و تلاش نمی‌کند کاستی‌ها را به گردن دیگران بیندازد یا با آمارهای غیرواقعی و وعده‌های دست‌نیافتنی، افکار عمومی را اقناع سازد. این ویژگی شاید در شرایط عادی تنها یک امتیاز اخلاقی تلقی شود، اما در دوران بحران، به یکی از ارزش‌های اصلی حکمرانی تبدیل می‌شود. رئیس جمهوری تنها مدیر یک مجموعه اجرایی نیست؛ او در رأس ده‌ها وزارتخانه، معاونت و دستگاه اجرایی قرار دارد. هنگامی که رئیس دولت، صداقت را به عنوان مبنای ارتباط با مردم انتخاب می‌کند، این رویکرد به بدنه مدیریتی نیز منتقل می‌شود. مدیری که خود از ارائه آمار نادرست یا پنهان کردن واقعیت‌ها پرهیز می‌کند، از مدیران زیرمجموعه نیز همین انتظار را خواهد داشت. این همان فرهنگی است که می‌تواند اعتماد عمومی را تقویت کند و سرمایه اجتماعی دولت را افزایش دهد. در کنار این ویژگی، سبک زندگی و رفتار شخصی رئیس جمهوری نیز بر این تصویر افزوده است. پزشکیان پس از رسیدن به ریاست جمهوری، تغییری در شیوه زندگی ساده خود ایجاد نکرد؛ نه در نوع پوشش، نه در نحوه حضور میان مردم و نه در سبک تعامل با جامعه. شاید این مسائل در ظاهر جزئی به نظر برسد، اما در جامعه‌ای که مردم نسبت به فاصله گرفتن مسئولان از سبک زندگی عمومی حساسیت دارند، چنین رفتارهایی به تقویت احساس همدلی میان دولت و مردم کمک می‌کند. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های صداقت، پذیرش مسئولیت خطاست. در فضای سیاسی کشور، معمولاً کمتر مسئولی حاضر می‌شود ضعف یا اشتباه مجموعه تحت مدیریت خود را بپذیرد. در حالی که پزشکیان نشان داده است در صورت مشاهده تخلف یا عملکرد نادرست، ملاحظات شخصی را بر قانون ترجیح نمی‌دهد و معتقد است که نزدیکی به رئیس جمهوری، مصونیت از پاسخگویی ایجاد نمی‌کند. البته اداره کشور در شرایط جنگی، تنها به صداقت وابسته نیست. تصمیم‌گیری‌های پیچیده، هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف و همراهی سایر قوا نیز از الزامات عبور از بحران است. آنچه در ماه‌های اخیر مشاهده شد، تلاش دولت برای حفظ ثبات کشور در کنار تعامل مستمر با سایر ارکان نظام بود. در چنین فضایی، سخنان رئیس قوه قضائیه نیز قابل تأمل است. محسنی اژه‌ای با تأکید بر اینکه «شهادت می‌دهم دکتر پزشکیان مخلصانه در حال خدمت به مردم و نظام است»، بر پایبندی رئیس جمهوری به رهنمودهای رهبر معظم انقلاب و ضرورت حمایت همه‌جانبه از نیروهای مسلح تأکید کرد. او همچنین تصریح کرد که بیان مشکلات از سوی رئیس جمهوری، نه از سر ناامیدی، بلکه برای جلب همکاری و هم‌افزایی میان مسئولان است؛ زیرا در شرایط کنونی، همه دستگاه‌ها وظیفه دارند دولت را در اداره کشور یاری کنند. این سخنان را نمی‌توان صرفاً یک حمایت سیاسی تلقی کرد. آنچه رئیس قوه قضائیه بر آن تأکید می‌کند، در واقع تأیید رویکردی است که دولت در ماه‌های اخیر دنبال کرده است؛ رویکردی مبتنی بر صداقت با مردم، تبعیت از سیاست‌های کلان نظام، حمایت از نیروهای مسلح و تلاش برای حفظ انسجام میان قوا در یکی از حساس‌ترین مقاطع کشور. اگر این مسیر با همین رویکرد، یعنی صداقت، مسئولیت‌پذیری و هم‌افزایی میان قوا ادامه یابد، می‌توان امیدوار بود که سرمایه اجتماعی دولت نیز بیش از گذشته تقویت شود؛ سرمایه‌ای که در روزگار بحران، ارزش آن کمتر از امکانات اقتصادی و ظرفیت‌های نظامی نیست.

شرکت پتروشیمی جم
جهانی متعالی از همیشه
نوبت اول
مزایده عمومی فروش ۳۶۰ تن هگزان ضایعاتی واحد HDPE مجتمع پتروشیمی جم
(شماره مزایده B1405-06)
شرکت پتروشیمی جم واقع در عسلویه در نظر دارد حدود ۳۶۰ تن هگزان ضایعاتی واحد HDPE مجتمع پتروشیمی جم واقع در عسلویه طی مدت یک‌سال را از طریق مزایده به‌فروش برساند.
- دریافت اسناد: اسناد مزایده از تاریخ انتشار آگهی حداکثر تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۷ و از طریق وب‌سایت شرکت پتروشیمی جم به آدرس www.jpcomplex.ir/fa/tender (بخش مناقصه و مزایده) قابل دریافت می‌باشد.
- مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (چهارمیلیارد) ریال و واریز به‌صورت نقد به‌حساب شماره ۵۵۴۳۱۲۸۰ نزد بانک تجارت شعبه پتروشیمی جم و یا ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر ثبت شده در سامانه سپام با دوره اعتبار سه ماه تقویمی و قابلیت تمدید تا سه ماه شمسی به‌نام شرکت پتروشیمی جم(سهامی عام) می‌باشد.
- تمامی مکاتبات و هماهنگی‌های لازم درخصوص این مزایده از طریق پست الکترونیک شرکت به نشانی: tender@jpcomplex.com می‌باشد، فلذا اعلام رسمی نشانی پست الکترونیک مزایده‌گر، برای تداوم اطلاع‌رسانی‌ها الزامی است.
- آخرین زمان تسلیم پیشنهادات تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ می‌باشد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.
- بدیهی است شرکت پتروشیمی جم در رد یا قبول کلیه پیشنهادات بدون ذکر دلیل مختار است.
تلفن تماس: ۰۲۱-۸۸۶۵۴۵۴۵
روابط عمومی شرکت پتروشیمی جم

شرکت پتروشیمی نوری (سهامی عام)
آگهی شناسایی و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران (دو مرحله‌ای)
مناقصه شماره: ۱۴۰۵/۰۱
نوبت دوم

ردیف	عنوان	شرح
۱	نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار	استان بوشهر، عسلویه، شرکت پتروشیمی نوری، صندوق پستی: ۱۱۵-۷۵۳۹۱ / تلفن‌های تماس: ۰۷۷-۳۷۳۲۳۲۵۰-۴ داخلی ۲۲۵۲ (برای پاسخگویی به موارد قراردادی) داخلی ۲۲۱۸ و ۲۲۱۷ (برای پاسخگویی درخصوص دریافت اسناد مناقصه) دورنگار: ۰۷۷-۳۷۳۲۴۷۷۵/ سایت اینترنتی: www.nopc.co
۲	موضوع مناقصه	ساخت یک دستگاه درام(ساخت داخل)
۳	مبلغ برآورد	۴۲۰،۰۰۰ (چهارصد و بیست هزار) یورو
۴	تاریخ، مهلت، نشانی دریافت و تحویل اسناد استعلام کیفی مناقصه‌گران	مناقصه‌گران می‌توانند فرم‌های ارزیابی کیفی را از طریق مراجعه به سامانه الکترونیکی معاملات شرکت پتروشیمی نوری به نشانی tender.nopc.co مشاهده یا از طریق سایت اینترنتی شرکت به نشانی www.nopc.co دریافت نمایند و پس از تکمیل فرم‌ها و آماده‌سازی مدارک مربوطه، حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز یک‌شنبه به تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ در سامانه گفته شده در بالا، بارگذاری و همچنین به‌صورت الکترونیکی به آدرس پست الکترونیکی tec@nopc.co که فقط عنوان و شماره مناقصه و نام شرکت متقاضی در قسمت موضوع ایمیل قید شده باشد؛ ارسال کنند. چنانچه ارسال مدارک از طریق روش‌های بالا میسر نباشد؛ مناقصه‌گران می‌توانند مدارک خود را به‌صورت فیزیکی در قالب لوح فشرده (CD/DVD) و یا حافظه فلش (USB Flash) به دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی نوری واقع در عسلویه ارسال نمایند.
۵	مدت اعتبار پیشنهادها	در اسناد مناقصه آورده خواهد شد.
۶	نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (پس از مرحله ارزیابی کیفی و دعوت از مناقصه‌گران احراز صلاحیت شده؛ همراه پیشنهاد قیمت ارائه گردد)	به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر به مبلغ ۱۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (پانزده میلیارد ریال) و با واریز وجه نقد به‌حساب جاری شماره ۲۶۶۱۰۲۶۶۱۰ نزد بانک تجارت شعبه پتروشیمی نوری به‌نام شرکت پتروشیمی نوری

شرایط متقاضی:
۱- داشتن شخصیت حقوقی، شماره شناسه ملی و شماره اقتصادی مؤدیان مالیاتی.
۲- داشتن تجربه و دانش فنی کافی مرتبط با موضوع مناقصه و حسن‌سابقه قراردادهای مشابه.
۳- داشتن گواهی‌نامه معتبر صلاحیت و دارا بودن ظرفیت کار.
۴- داشتن توانایی مالی و ارائه ضمانت‌نامه‌های بانکی معتبر.
۵- ارائه سوابق کاری و همچنین مدارک و گواهی‌نامه‌های سیستم‌های مدیریتی متناسب با موضوع مناقصه درصورت وجود.
۶- دارا بودن تأییدیه‌های مورد نیاز کسب و کار از مراجع ذی‌صلاح.
۷- ارائه صورتحساب‌های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مربوط به آخرین سال مالی.
۸- تکمیل و ارسال فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی به‌همراه مستندات مربوطه.
شرکت پس از بررسی اسناد و مدارک و ارزیابی توانمندی متقاضیان درچارچوب ضوابط و مقررات، نسبت به توزیع اسناد مناقصه میان شرکت‌های واجد شرایط اقدام خواهد نمود. ارائه مدارک و سوابق مذکور هیچ حقی را برای متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. همچنین به درخواست‌ها و مدارک ارسالی پس از مهلت مقرر، ترتیب اثر داده نخواهد شد. سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی نوری

شرکت پتروشیمی نوری (سهامی عام)
لغو آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت پتروشیمی نوری (سهامی عام) به روش حضوری و الکترونیکی
شماره ثبت ۱۳۷ عسلویه- شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۵۹۹۹۰
به‌اطلاع کلیه سهامداران، وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی می‌رساند پیرو آگهی منتشره در روزنامه‌های ایران و دنیای اقتصاد روز شنبه مورخ ۲۰/ ۰۴/ ۱۴۰۵ درخصوص دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه سال مالی منتهی به ۲۹/ ۱۲/ ۱۴۰۴ این شرکت در ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۳۱/ ۰۴/ ۱۴۰۵، جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه در تاریخ یاد شده برگزار نمی‌گردد. لذا تصمیم گیری درخصوص دستور جلسه ذیل به مجامع بعد که تاریخ برگزاری آن متعاقباً اعلام خواهد شد، موکول گردید.
دستور جلسه:
۱- قرائت گزارش هیأت‌مدیره و حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۲- بررسی و تصویب صورت‌های مالی عملکرد سال مالی منتهی به ۲۹/ ۱۲/ ۱۴۰۴
۳- انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل و تعیین میزان حق الزحمه ایشان
۴- تعیین روزنامه/ روزنامه‌های کثیرالانتشار جهت نشر آگهی‌های رسمی شرکت
۵- تقسیم سود قابل تخصیص
۶- تعیین حق حضور اعضاء غیرموظف هیأت‌مدیره برای سال مالی منتهی به ۲۹ / ۱۲ / ۱۴۰۵
۷- تعیین پاداش اعضاء هیأت‌مدیره
۸- سایر مواردی که به موجب قانون تجارت در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه است.
هیأت‌مدیره شرکت پتروشیمی نوری(سهامی عام)

«ایران» در گفت‌وگو با مهران کامروا، استاد و مدیر مرکز مطالعات دانشگاه جورج‌تاون قطر، رویکرد کشورهای عربی درباره جنگ اخیر را بررسی کرد

چند صدایی اعراب در برابر ایران

گفت و گو

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی- کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در تحولات امنیتی منطقه به دلیل همجواری با ایران، میزبانی از پایگاه‌های نظامی آمریکا و نیز ایفای نقش میانجی در مقاطعی از تنش میان تهران و واشنگتن بازیگرانی تعیین‌کننده به شمار می‌روند. از همین رو، «ایران» در گفت‌وگو با مهران کامروا، استاد و مدیر مرکز مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای دانشگاه جورج‌تاون قطر، رویکرد این کشورها به جنگ جاری میان ایران و آمریکا را بررسی کرده است. کامروا معتقد است، دولت‌های عربی از یک‌سو نگران پیامدهای اقتصادی و امنیتی گسترش جنگ هستند، اما از سوی دیگر، برخی از آنها تضعیف توان نظامی و بازدارندگی ایران را به سود موازنه قدرت منطقه‌ای ارزیابی می‌کنند. به گفته او، سیاست این کشورها بر دو محور استوار است: مهار بحران و جلوگیری از گسترش درگیری و همزمان بهره‌برداری از شرایط برای کاهش تهدیدات ادراک‌شده از سوی ایران. او همچنین درباره امارات می‌گوید، ابوظبی در این منازعه موضعی کاملاً بی‌طرفانه ندارد و ممکن است تضعیف موقعیت نظامی ایران را فرصتی برای تقویت موضع خود در پرونده جزایر سه‌گانه و افزایش قدرت چانه‌زنی در این موضوع تلقی کند.

آیا رویکرد کشورهای عربی در قبال ایران در جنگ جاری نسبت به جنگ ۴۰ روزه دستخوش تغییر شده است؟

به نظر من، در جنگ جاری رویکرد کلی کشورهای عربی نسبت به ایران تغییر نکرده است. برخی معتقدند این جنگ باعث شده کشورهای عربی اعتماد خود را به ایران از دست بدهند و مشروعیتی که ایران در میان آنها داشت، کاهش یابد. اما به اعتقاد من، اساساً چنین اعتمادی هیچ‌گاه وجود نداشت. بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس همواره با نگاهی بدبینانه به ایران نگریسته‌اند و نسبت به اهداف و سیاست‌های تهران تردید و سوءظن داشته‌اند. آنچه حالا تغییر کرده، درک این کشورها از ماهیت بازدارندگی ایران است.

آنها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تهران برای ایجاد بازدارندگی صرفاً به مواضع سیاسی و تهدیدهای لفظی بسنده نمی‌کند، بلکه در صورت احساس ضرورت، آمادگی بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظامی و موشکی خود را نیز دارد. ایران عمدتاً در چارچوب پیام‌های سیاسی و جنگ روانی و تبلیغاتی قابل ارزیابی است و تهران یا از توان اجرای آن برخوردار نیست یا در شرایط عملیاتی از استفاده این ابزارها پرهیز خواهد کرد. برای نمونه، هنگامی که ایران اعلام می‌کرد در صورت حمله آمریکا، منافع و پایگاه‌های این کشور در منطقه را هدف قرار خواهد داد، این مواضع از سوی برخی ناظران با تردید نگریسته می‌شد. با این حال، تحولات اخیر موجب تغییر این ارزیابی شده و اکنون بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، اظهارات ایران را به عنوان بخشی از محاسبات واقعی امنیتی تهران در نظر می‌گیرند.

آیا این فهم مشترک به رویکرد مشترک در قبال ایران انجامیده یا تفاوت رفتار وجود دارد؟

چندصدایی همچنان در میان کشورهای عربی وجود دارد. هریک از اعضای شورای همکاری خلیج فارس، در کنار برخی مواضع مشترک، سیاست خارجی مستقل خود را در قبال ایران دنبال می‌کند. عمان همواره از مذاکره حمایت کرده و روابطی نزدیک و دوستانه با ایران داشته است. قطر نیز از گفت‌وگو حمایت می‌کند و تلاش دارد در روندهای دیپلماتیک نقش‌آفرینی کند. البته روابط قطر با ایران، هرچند صمیمانه بوده، اما هیچ‌گاه روابطی عمیق و راهبردی نبوده است. دوحه همواره با نوعی احتیاط و بر پایه بی‌اعتمادی متقابل تلاش کرده روابط خود را با تهران حفظ کند، نه بر مبنای اشتراکات راهبردی یا اهداف بلندمدت مشترک.

در مقابل، کشورهایی مانند بحرین، امارات متحده عربی و عربستان سابقه‌ای طولانی از اختلاف و رقابت با ایران دارند. به نظر من، امارات همچنان موضوع جزایر سه‌گانه را در دستورکار خود دارد.

در حالی که قطر هرگونه مشارکت در جنگ جاری علیه ایران را رد کرده، امارات نسبت به گزارش‌ها و گمانه‌زنی‌ها درباره نقش احتمالی خود در این حملات واکنش روشنی نشان نداده است. این تفاوت در موضع‌گیری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این تفاوت، بازتاب همان رویکردهای متفاوتی است که پیش‌تر به آن اشاره کردم. قطر همواره تلاش کرده در ظاهر روابط گرم و دوستانه با ایران را حفظ کند، اما در عمل ملاحظات امنیتی و راهبردی خود را نیز در نظر داشته است. همان‌طور که می‌دانیم، قطر میزبان یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی ایالات‌متحده در منطقه است و همواره کوشیده میان روابط خود با تهران و واشنگتن نوعی توازن برقرار کند. قطر در موضوعات مختلف از جمله در ماجرای ترور شهید قاسم سلیمانی نیز نقش‌آفرینی‌هایی داشته است؛ در حالی که در همان مقطع ایران در برخی حوزه‌ها از قطر حمایت می‌کرد.

به طور کلی، دوحه تلاش کرده با نگاهی واقع‌گرایانه به تحولات منطقه از یک‌سو روابط خود با ایران را حفظ کند و از سوی دیگر اطمینان حاصل کند که مناسباتش با آمریکا آسیبی نبیند. در مقابل، امارات رویکرد متفاوتی در پیش گرفته است. این کشور طی سال‌های اخیر برخورد سخت‌گیرانه‌تری با ایرانیان مقیم امارات داشته و به باور من، در جریان جنگ نیز در برخی اقدامات علیه ایران مشارکت داشته و حملات پیاپی علیه ایران انجام داده است.

> کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تهران برای ایجاد بازدارندگی صرفاً به مواضع سیاسی و تهدیدهای لفظی بسنده نمی‌کند، بلکه در صورت احساس ضرورت، آمادگی بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظامی و موشکی خود را نیز دارد

بنابراین می‌توان رد ادعای مشارکت در جنگ از سوی قطر را تلاشی برای حفظ کانال‌های ارتباطی با تهران ارزیابی کرد؟

بله، بدون تردید قطر تلاش می‌کند روابط خود با ایران را حفظ کند. در عین حال، دوحه مایل است همچنان در روند مذاکرات و ابتکارهای دیپلماتیک منطقه‌ای نقش‌آفرین باشد. میانجیگری و میزبانی گفت‌وگوها از ارکان اصلی سیاست خارجی قطر به شمار می‌رود و حتی در بازنگری اخیر قانون اساسی این کشور نیز بر اهمیت میانجیگری به عنوان یکی از ستون‌های سیاست خارجی تأکید شده است. از این رو، قطر تلاش دارد این جایگاه و اعتبار را حفظ کند. در عین حال، باید توجه داشت که گزارش‌های مربوط به مشارکت قطر در جنگ، عمدتاً از سوی منابع اسرائیلی مطرح شده است و از این منظر باید با احتیاط به آنها نگریست. طبیعی است که اسرائیل تمایل داشته باشد میان ایران و کشورهایی که همچنان با تهران در ارتباط هستند یا روابط نسبتاً دوستانه‌ای با آن دارند، شکاف ایجاد کند. بنابراین، این ادعاها را نباید بدون بررسی و راستی‌آزمایی پذیرفت.

اگر گزارش‌ها و داده‌های موجود از نقش‌آفرینی امارات در جنگ حکایت داشته باشد، این رفتار چه تفاوتی با جنگ ۴۰ روزه دارد؟ سکوت رسمی ابوظبی را چگونه باید ارزیابی کرد؟

امارات طی یک تا دو دهه اخیر تلاش کرده است به هر شکل ممکن توجه جامعه جهانی را به موضوع جزایر سه‌گانه جلب کند. این کشور در همین راستا سیاست خارجی فعال و تهاجمی‌تری در پیش گرفته است. امارات نه‌تنها در یمن مداخله نظامی داشته، بلکه در سودان، لیبی و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی نیز حضور و فعالیت‌های نظامی قابل توجهی داشته است. ابوظبی تلاش می‌کند از شرایط کنونی برای پیشبرد اهداف خود استفاده و موضوع جزایر سه‌گانه را با قدرت بیشتری دنبال کند و در صورت امکان از ایران امتیاز بگیرد. بر همین اساس، می‌توان گفت امارات در منازعه جاری میان اسرائیل و آمریکا با ایران موضعی کاملاً بی‌طرفانه اتخاذ نکرده است. از این منظر، یکی از محاسبات اصلی ابوظبی آن است که از شرایطی که آن را تضعیف موقعیت نظامی ایران ارزیابی می‌کند، برای تقویت مواضع خود در قبال موضوع جزایر سه‌گانه و افزایش قدرت چانه‌زنی در این پرونده بهره گیرد.

تفاوت رفتار عمان در جنگ ۴۰ روزه با جنگ جاری چیست؟ می‌توان گفت که عمان از یک میانجی فعال به بازیگری با ملاحظات امنیتی بیشتر تبدیل شده است؟

عمان در مقایسه با دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، همواره سیاست خارجی محتاطانه‌تری داشته و در دیپلماسی خود از نگاه تاریخی عمیق‌تری به تحولات منطقه برخوردار بوده است. این کشور تلاش می‌کند پیش از هر اقدامی، مسیر و سرانجام تحولات را ارزیابی و سپس سیاست خارجی خود را بر همان اساس تنظیم کند.

در شرایط کنونی نیز عمان در حال مدیریت همزمان روابط خود با ایران و دیگر کشورهای منطقه بویژه عربستان سعودی است تا اطمینان حاصل کند که روابطش با اعضای شورای همکاری خلیج فارس دچار تنش یا اختلال نشود. به همین دلیل، به نظر می‌رسد مسقط در مقطع کنونی بیش از هر چیز بر حفظ توازن در روابط خود با ایران و کشورهای عربی منطقه تمرکز کرده است. از این منظر، می‌توان گفت عمان همچنان رویکرد سنتی و محتاطانه خود را دنبال می‌کند؛ رویکردی که بر نگاه بلندمدت، حفظ کانال‌های گفت‌وگو و ایجاد توازن میان بازیگران منطقه‌ای استوار است.

با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای عربی همزمان در معرض تبعات مستقیم جنگ، تهدید امنیت انرژی و آسیب‌های اقتصادی قرار گرفته‌اند، آیا اولویت آنها امروز مهار بحران و پایان جنگ است یا تضعیف توان بازدارندگی ایران؟

به نظر من، هر دو هدف همزمان دنبال می‌شود. این کشورها از یک‌سو می‌خواهند بحران مهار شود و شرایط به‌گونه‌ای پیش نرود که از کنترل خارج شود و تبعات گسترده‌تری برای امنیت و اقتصاد آنها به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، مایل هستند اطمینان حاصل کنند که توان نظامی ایران تا حد امکان کاهش پیدا کرده و ایران در آینده به عنوان یک قدرت هژمونیک منطقه‌ای مطرح نباشد.

در میان برخی کشورهای عربی، روایتی غالب درباره نقش منطقه‌ای ایران وجود دارد و بر این برداشت استوار است که تهران به دنبال تثبیت جایگاه هژمونیک خود در خاورمیانه است؛ برداشتی که پذیرش آن برای بسیاری از این کشورها دشوار بوده و یکی از عوامل شکل‌دهنده نگرانی‌های امنیتی آنها در قبال ایران محسوب می‌شود. حتی زمانی که گفته می‌شود هدف ایران صرفاً حفظ توان بازدارندگی است و نه دستیابی به هژمونی، بسیاری از سیاستمداران و جریان‌های فکری در این کشورها همچنان این برداشت را نمی‌پذیرند و معتقدند ایران به دنبال افزایش نفوذ و برتری منطقه‌ای است.

بنابراین در حالی که کشورهای عربی علاقه‌مند نیستند تبعات یک جنگ گسترده به منافع اقتصادی، تجاری و ثبات منطقه‌ای آنها آسیب وارد کند، از سوی دیگر، برخی از این کشورها ممکن است تضعیف توانمندی‌های نظامی ایران و محدود شدن ظرفیت‌های بازدارندگی تهران را در راستای تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای ارزیابی کنند. بر همین اساس، رویکرد این کشورها را می‌توان ترکیبی از دو ملاحظه دانست: اول، تلاش برای مهار بحران و جلوگیری از گسترش دامنه درگیری و دوم، بهره‌برداری از شرایط موجود برای کاهش سطح تهدیدات ادراک‌شده از سوی ایران.

آگهی فراخوان عمومی دعوت به مشارکت در ساخت

بهین‌سازخلیج‌فارس

شرکت بهین ساز خلیج‌فارس (سهامی عام) به منظور تکمیل پروژه واقع در شهر تهران مطابق مشخصات ذیل و در قالب قرارداد مشارکت از کلیه سرمایه‌گذاران و سازندگان ذیصلاح در صنعت ساختمان دعوت به همکاری می‌نماید.

متقاضیان محترم می‌توانند جهت اعلام آمادگی و دریافت اسناد ارزیابی کیفی و کسب اطلاعات تکمیلی از تاریخ انتشار آگهی با ارائه اصل فیش واریزی به مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌شماره حساب ۳۰۱۶۰۳ ۴۷۰۰۰۶۳۴ بانک پارسیان شعبه میدان آرژانتین به‌نام شرکت بهین ساز خلیج‌فارس به دفتر شرکت واقع در تهران، خیابان شهید سید حسن نصرالله، خیابان بیست و یکم، پلاک ۱۴، طبقه دوم به شماره تلفن ۰۲۱۸۸۷۰۰۸۹۰ داخلی ۳۰۱۱ تماس حاصل فرمایند.

شرایط شرکت در فراخوان:

- آخرین مهلت ارائه اسناد تکمیل شده ارزیابی کیفی ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۷ خواهد بود.
- شرکت نسبت به ارزیابی توان فنی، اجرایی، برنامه‌ریزی و مالی متقاضیان محترم اقدام می‌نماید.
- اعلام آمادگی و تکمیل و تحویل اسناد و مدارک ارزیابی کیفی هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان محترم ایجاد نخواهد کرد.
- بر اساس نتایج ارزیابی‌های کیفی، اسناد مرحله دوم شرکت در مناقصه به متقاضیان محترم ارائه خواهد شد.

ردیف	نام پروژه	پلاک ثبتی	مساحت زمین طبق سند (مترمربع)	کاربری	زیربنای کل (مترمربع)	زیربنای مشید (مترمربع)	نشانی
۱	بلوار فردوس	۱۲۴/۲۰۳۳	۹۰۰	مسکونی (R122)	۴،۴۵۲	۳،۱۰۷	منطقه۵، بلوار فردوس، خ ابراهیمی جنوبی، کوچه چهاردهم، پ۱۰

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (مرحله دوم)

مناقصه عمومی

لاستیک بارز کردستان

با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۶۸۹۳۲ و شماره ثبت ۳۶۶۷۱۲ در نظر دارد **کارهای ساختمانی، تأسیسات الکتریکی ومکانیکی تکمیل مدرسه شهرک امین آباد دهگلان شامل فضای آموزشی، اداری، محوطه‌سازی، سرایداری، دیوارمحوطه وسرویس‌های بهداشتی** را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط دارای گواهی‌نامه صلاحیت پایه ۳ در رشته ابنیه، تأسیسات وتجهیزات واگذار نماید.

لذا از کلیه تأمین‌کنندگان و سازندگان واجد شرایط تقاضا می‌شود جهت شرکت در مناقصه عمومی یک مرحله‌ای پاکت‌های "الف" (تضامین)، "ب"(اسناد فنی)، "ج" (پیشنهاد قیمت) را به‌صورت جداگانه حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ ارائه نمایند.

۱. **مدت زمان اجرای پروژه** ۱۰ ماه می‌باشد.
۲. **مدت اعتبار پیشنهادات** ۶۰ روز از تاریخ بازگشایی پاکت‌ها می‌باشد.
۳. **محل اجرا** واقع در استان کردستان شهر دهگلان-شهرک امین‌آباد می‌باشد.
۴. **مبلغ سپرده شرکت در مناقصه** به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و به مبلغ ۱۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ **ریال** می‌باشد.
- ضمانت‌نامه بانکی در وجه شرکت لاستیک بارز کردستان (شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۶۸۹۳۲)
- شماره حساب واریز مبلغ سپرده شرکت در مناقصه بانک ملت شماره حساب ۹۲۰۴۹۳۵۰۳۹ IR ۷۸۰۱۲۰۰۰

مقاله ظریف در فارن‌افرز: کشورهای منطقه باید از طریق گفت‌وگو و همکاری نهادهای مشترک و معنادار بسازند

پایان عصر برون‌سپاری امنیت در غرب آسیا

دیدگاه

محمدجواد ظریف، دانشیار مطالعات جهان در دانشگاه تهران، بنیانگذار و رئیس «اندیشکده پایاب» و وزیر امور خارجه پیشین ایران، در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌انداز ایران برای خاورمیانه جدید» در نشریه فارن افرز، با اشاره به ازسرگیری درگیری میان ایران و آمریکا پس از فروپاشی تفاهم اخیر دو کشور، استدلال می‌کند که نه فشار نظامی قادر به حذف ایران است و نه ادامه جنگ منافع واشنگتن را تأمین می‌کند. او پایان پایدار درگیری را در گرو دیپلماسی، دستیابی به توافقی جدید و شکل‌گیری یک نظم امنیتی منطقه‌ای به رهبری کشورهای منطقه می‌داند. ظریف همچنین با تأکید بر نقش راهبردی تنگه هرمز، خواستار کنار گذاشتن الگوی امنیتی متکی بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای و حرکت به سوی همکاری، اعتمادسازی و همگرایی میان کشورهای غرب آسیا شده است.

ایالات متحده بار دیگر حملات علیه ایران را آغاز کرده است. یادداشت تفاهمی که تهران و واشنگتن ماه گذشته در سوئیس به آن دست یافتند، پس از هفته‌ها که به مویی بند بود، سرانجام فروپاشید. دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده در ۱۷ تیرماه گفت: «فکرمی‌کنم تمام شد. من دیگر نمی‌خواهم با [ایران] سروکار داشته باشم.» فروپاشی این یادداشت تفاهم جای تعجب ندارد. ایران و ایالات متحده برداشت‌های متفاوتی از مفاد توافق، بویژه در مورد تنگه هرمز داشتند. تهران بر این باور بود که همان‌گونه که در یادداشت تفاهم آمده است، ایران قول داده است که «از تمام تلاش خود برای ایجاد ترتیبات عبور ایمن و بدون هزینه شناورهای تجاری، تنها به مدت ۶۰ روز، استفاده کند.» تهران همچنین تصور می‌کرد که به همراه عمان و در کنار سایر کشورهای خلیج فارس، «مدیریت آینده و خدمات دریایی در تنگه هرمز را تعریف خواهند کرد.» در مقابل، واشنگتن بر این باور بود که ایران با اجازه بی‌قید و شرط برای عبور آزاد از تنگه موافقت کرده است و ایالات متحده نیازی به رعایت هیچ‌گونه ترتیباتی که ایران وضع کند، ندارد. پایداری این توافق در سایه چنین اختلافِ برداشت و ناهماهنگی عمیقی، ناممکن و بازگشت به درگیری قطعی می‌نمود و تنها زمان آن نامشخص بود.

با وجود این، تداوم درگیری نه به نفع ایران است و نه ایالات متحده. اگرچه مردم و نیروهای مسلح ایران از کشور خود در برابر دو قدرت مجهز به سلاح هسته‌ای دفاع کرده‌اند، اما آنها همچنان این درگیری را یک جنگ «تحمیلی» می‌بینند؛ به این معنا که هرگز نمی‌خواستند شروع شود. این جنگ واشنگتن را نیاز از تمرکز بر هدف کلان راهبردی خود منحرف می‌سازد. افزون بر یک دهه است که همه دولت‌های آمریکا، هدف راهبردی کاهش بار تعهدات بلندمدت خود در غرب آسیا را به‌منظور تمرکز بر منطقه آسیا و اقیانوسیه دنبال و روندی را آغاز کرده‌اند که مقامات گوناگون، آن را «چرخش به سمت آسیا» نامیده‌اند. سیاست‌های گذشته این کشور در قبال ایران –از جمله توافق هسته‌ای ۱۳۹۴، پیمان ابراهیم (که در آن چندین کشور عربی با میانجی‌گری آمریکا روابط خود را با اسرائیل عادی کردند، تا از این طریق یک جبهه متحد علیه ایران شکل داده و بیشتر نقش آمریکا در منطقه به اسرائیل برون سپاری شود)، حملات خرداد ۱۴۰۴ به ایران و درگیری که آمریکا در اسفندماه به راه انداخت – همگی ابزارهایی بوده‌اند که ایالات متحده برای دستیابی به این هدف به کار گرفته است. اما همان‌گونه که رویارویی کنونی نیز گواه آن است، واشنگتن قادر به حذف نظام سیاسی ایران نیست. تنها از مسیر دیپلماسی، دستیابی به یک توافق صلح نوین و شکل‌گیری یک ساختار امنیتی منطقه‌ای و درون‌زا است که توسط کشورهای منطقه برای کشورهای منطقه ساخته می‌شود و ایالات متحده مجالی می‌یابد تا توجهِ خود را به دیگر نقاط معطوف سازد.

ملاحظات تنگه هرمز

تقابل‌های سال گذشته، فراتر از محک زدن توانمندی‌های ایران، اسرائیل و ایالات متحده بود. این تقابل‌ها، مفروضات دیرینه درباره اعمال فشار، بازدارندگی و آینده غرب آسیا را به چالش کشیدند. ایالات متحده و اسرائیل درگیری‌های اخیر با ایران را با این فرض آغاز کردند که فشار مستمر می‌تواند حکومت ایران را وادار به تسلیم کند یا موجب فروپاشی جمهوری اسلامی شود. اما در عوض، آنها خود را در یک بن‌بست راهبردی گرفتار دیدند. هیچ‌یک از اقدامات آن‌ها، از جمله حملات بی‌سابقه به رهبران سیاسی و نظامی ایران و خسارات قابل‌توجه به زیرساخت‌های آن، نتوانست تهران را وادار به تغییر مسیر کند. تمامیت ارضی و نظام سیاسی ایران پابرجا مانده است و تاب‌آوری ملت ایران و ظرفیت آن برای دفاع از حاکمیت خود حتی در دشوارترین شرایط را ثابت کرده است.

قدرت‌های خارجی ناگزیرند این واقعیت و پیامدهای آن را به‌درستی دریابند. تاب‌آوری ایران در برابر فشارهای مستمر، هرگونه تلاش برای حذف تهران از ساختارهای امنیتی آینده در منطقه را بیش از پیش دشوار ساخته است. این موضوع، پیش و بیش از هر چیز، شامل نقش محوری ایران در تأمین امنیت عبور محموله‌های انرژی جهانی و کشتیرانی تجاری از تنگه هرمز می‌شود. تهران بار دیگر بیشتر مسیرهای دسترسی به تنگه را مسدود کرده است؛ اقدامی که بسیاری از تحلیلگران غربی آن را دستاویزی قرار می‌دهند تا ایران را قدرتی ناسازگار معرفی کنند که خواهان اِعمال فشارهای اقتصادی، اختلال در بازارهای جهانی نفت و محدود کردن آزادی ناوبری است. اما ایران بازارهای انرژی را به یک دلیلِ ویژه راهبردی دچار اختلال کرده است: ناگزیر ساختن ایالات متحده و شرکایش به متوقف کردنِ کارزار نابودی ایران.

به عبارت دیگر، این جنگ ایران را ناگزیر کرده است که تنگه هرمز را از دریچه امنیت وجودی خود بنگرد. پیش از آغاز جنگ‌های گسترده اخیر در اسفند ماه، ایران عموماً عبور و مرور از تنگه را بدون دخالت تحمل می‌کرد، هرچند تحریم‌های آمریکا –با کمک شرکای واشنگتن – به این معنا بود که ایران نمی‌توانست به بسیاری از کالاهایی که از این مسیر عبور می‌کردند دسترسی داشته باشد. به بیان دیگر، تحریم‌های آمریکا در عمل تنگه هرمز را به روی تجارت ایران بسته بود در حالی که آن را برای تقریباً همه باز نگه داشته بود. حملات ایالات متحده و اسرائیل به این خویشتنداری پایان داد، هم در میان فرماندهان ایران و مهم‌تر از آن، در میان اکثریت قریب به اتفاق مردم. امروزه، هدف غالب و اصلی ایران در تنگه این است که اطمینان حاصل کند مخالفان نمی‌توانند از این آبراه برای آماده‌سازی، تسهیل یا تداوم فشار علیه ایران –اعم از نظامی، سیاسی یا اقتصادی –سوءاستفاده کنند. تمایز پذیرفته‌شده پیشین میان ناوبری تجاری و عبور نظامی رنگ باخته است. در زمان صلح، حقوق بین‌الملل دریاها شکل‌دهنده انتظارات است؛ اما در زمان بحران، حتی حقوق بین‌الملل نیز بقای ملی را در اولویت قرار می‌دهد.

ایران اکنون با این باور عمل می‌کند که مسیرهای دریایی، چنانچه حمل‌ونقل تجهیزات، قطعات هواپیما، دارایی‌های اطلاعاتی، یا پشتیبانی لجستیکی برای ایالات متحده و شرکای منطقه‌ای آن را تسهیل کنند، نمی‌توانند از نظر سیاسی بی‌طرف باشند. از آنجا که تسلیحات و فناوری‌هایی که به سرزمین، زیرساخت‌ها و غیرنظامیان ایران اصابت کردند از تنگه هرمز عبور کرده‌اند، تصمیم‌گیران ایرانی کاملاً حق دارند تا زمانی که درگیری‌ها پابرجا هستند و تا زمانی که فشار اقتصادی و تلاش برای تضعیف حقوق ایران در حفظ منافع خود در تنگه فعالانه پیگیری می‌شود، جریان عبور و مرور را محدود کنند. برای ایران بسیار دشوار است که تعیین کند کدام کشتی‌ها صرفاً کالای تجاری حمل می‌کنند یا تجهیزاتی که می‌توانند حق حیات ایران را تهدید کنند. تحرکات دریایی در خلیج فارس باید در چارچوب قواعد درگیری و نیت راهبردی درک شود، نه بر اساس مقرراتی که در زمان صلح حاکم است.

با این وجود، اهرمی که تنگه برای ایران فراهم می‌کند شکننده است. تهدید رفت‌وآمد دریایی توسط ایران می‌تواند بخش عمده‌ای از جهان را علیه ایران بسیج کند. همچنین، بسته‌ماندن مستمر تنگه به‌تسریع سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در خطوط لوله، بنادر و کریدورهای لجستیکی زمینی، که این آبراه را به‌طور کامل دور می‌زنند، منجر می‌شود. در صورتی که بازارهای جهانی با موفقیت مسیرهای جایگزین پیدا کنند، ایران دیگر قادر نخواهد بود از امکان بسته شدن تنگه به عنوان یک عامل بازدارنده استفاده کند. از این رو، تهران باید خویشتنداری پیشه کند؛ درست همان‌گونه که دیگر کشورها نیز باید از اقدامات اقتصادی، سیاسی و نظامی که می‌توانند منافع ایران در تنگه را به خطر بیندازند خودداری کنند. این اقدامات شامل تحریم‌هایی هستند که در عمل ایران را از بهره‌برداری از آزادی کشتیرانی محروم می‌کند، یا ایجاد ائتلاف‌های دیپلماتیک علیه ایران و یا ارسال تجهیزات نظامی مخل امنیت ایران از طریق تنگه هرمز. بهترین راه برای تحقق این اهداف، ایجاد یک شبکه امنیتی منطقه‌ای و درون‌زاست که به اعتمادسازی میان کشورهای ساحلی خلیج فارس از طریق گفت‌وگو و همکاری کمک می‌کند. این رویکرد، با از بین بردن دلیل وجودی حضور قدرت‌های خارجی، به حضور بی‌ثبات‌کننده و ماجراجویی‌های آنها پایان خواهد داد. همان‌طور که در یادداشت تفاهم تصریح شده است، ایران و عمان «مدیریت آینده و خدمات دریایی در تنگه هرمز را در گفت‌وگو با سایر کشورهای ساحلی خلیج فارس، همسو با حقوق بین‌الملل قابل اجرا و حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی تنگه هرمز، تعریف خواهند کرد.»

> این جنگ ایران را ناگزیر کرده است که تنگه هرمز را از دریچه امنیت وجودی خود بنگرد. پیش از آغاز جنگ‌های گسترده اخیر در اسفند ماه، ایران عموماً عبور و مرور از تنگه را بدون دخالت تحمل می‌کرد، هرچند تحریم‌های آمریکا –با کمک شرکای واشنگتن – به این معنا بود که ایران نمی‌توانست به بسیاری از کالاهایی که از این مسیر عبور می‌کردند دسترسی داشته باشد. به بیان دیگر، تحریم‌های آمریکا در عمل تنگه هرمز را به روی تجارت ایران بسته بود در حالی که آن را برای تقریباً همه باز نگه داشته بود. حملات ایالات متحده و اسرائیل به این خویشتنداری پایان داد، هم در میان فرماندهان ایران و مهم‌تر از آن، در میان اکثریت قریب به اتفاق مردم. امروزه، هدف غالب و اصلی ایران در تنگه این است که اطمینان حاصل کند مخالفان نمی‌توانند از این آبراه برای آماده‌سازی، تسهیل یا تداوم فشار علیه ایران –اعم از نظامی، سیاسی یا اقتصادی –سوءاستفاده کنند. تمایز پذیرفته‌شده پیشین میان ناوبری تجاری و عبور نظامی رنگ باخته است. در زمان صلح، حقوق بین‌الملل دریاها شکل‌دهنده انتظارات است؛ اما در زمان بحران، حتی حقوق بین‌الملل نیز بقای ملی را در اولویت قرار می‌دهد.
>
> ایران اکنون با این باور عمل می‌کند که مسیرهای دریایی، چنانچه حمل‌ونقل تجهیزات، قطعات هواپیما، دارایی‌های اطلاعاتی، یا پشتیبانی لجستیکی برای ایالات متحده و شرکای منطقه‌ای آن را تسهیل کنند، نمی‌توانند از نظر سیاسی بی‌طرف باشند. از آنجا که تسلیحات و فناوری‌هایی که به سرزمین، زیرساخت‌ها و غیرنظامیان ایران اصابت کردند از تنگه هرمز عبور کرده‌اند، تصمیم‌گیران ایرانی کاملاً حق دارند تا زمانی که درگیری‌ها پابرجا هستند و تا زمانی که فشار اقتصادی و تلاش برای تضعیف حقوق ایران در حفظ منافع خود در تنگه فعالانه پیگیری می‌شود، جریان عبور و مرور را محدود کنند. برای ایران بسیار دشوار است که تعیین کند کدام کشتی‌ها صرفاً کالای تجاری حمل می‌کنند یا تجهیزاتی که می‌توانند حق حیات ایران را تهدید کنند. تحرکات دریایی در خلیج فارس باید در چارچوب قواعد درگیری و نیت راهبردی درک شود، نه بر اساس مقرراتی که در زمان صلح حاکم است.
>
> با این وجود، اهرمی که تنگه برای ایران فراهم می‌کند شکننده است. تهدید رفت‌وآمد دریایی توسط ایران می‌تواند بخش عمده‌ای از جهان را علیه ایران بسیج کند. همچنین، بسته‌ماندن مستمر تنگه به‌تسریع سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در خطوط لوله، بنادر و کریدورهای لجستیکی زمینی، که این آبراه را به‌طور کامل دور می‌زنند، منجر می‌شود. در صورتی که بازارهای جهانی با موفقیت مسیرهای جایگزین پیدا کنند، ایران دیگر قادر نخواهد بود از امکان بسته شدن تنگه به عنوان یک عامل بازدارنده استفاده کند. از این رو، تهران باید خویشتنداری پیشه کند؛ درست همان‌گونه که دیگر کشورها نیز باید از اقدامات اقتصادی، سیاسی و نظامی که می‌توانند منافع ایران در تنگه را به خطر بیندازند خودداری کنند. این اقدامات شامل تحریم‌هایی هستند که در عمل ایران را از بهره‌برداری از آزادی کشتیرانی محروم می‌کند، یا ایجاد ائتلاف‌های دیپلماتیک علیه ایران و یا ارسال تجهیزات نظامی مخل امنیت ایران از طریق تنگه هرمز. بهترین راه برای تحقق این اهداف، ایجاد یک شبکه امنیتی منطقه‌ای و درون‌زاست که به اعتمادسازی میان کشورهای ساحلی خلیج فارس از طریق گفت‌وگو و همکاری کمک می‌کند. این رویکرد، با از بین بردن دلیل وجودی حضور قدرت‌های خارجی، به حضور بی‌ثبات‌کننده و ماجراجویی‌های آنها پایان خواهد داد. همان‌طور که در یادداشت تفاهم تصریح شده است، ایران و عمان «مدیریت آینده و خدمات دریایی در تنگه هرمز را در گفت‌وگو با سایر کشورهای ساحلی خلیج فارس، همسو با حقوق بین‌الملل قابل اجرا و حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی تنگه هرمز، تعریف خواهند کرد.»

توافق دشوار

تنگه هرمز همچنان یک نقطه کانونی بحرانی است. اما این تنها منبع تنش میان تهران و واشنگتن نیست. برای توقف درگیری‌ها، ایران و ایالات متحده باید اختلافات گسترده‌تر خود را مدیریت کنند.

اهداف هر یک باید واقع‌بینانه باشد: تهران و واشنگتن نمی‌توانند دوست باشند. اولین درگیری علیه ایران در خرداد ۱۴۰۴ و ترغیب ترامپ برای همراهی در آغاز درگیری دوم، دولت‌های متوالی اسرائیل همواره با تلاش‌های ایالات‌متحده برای کاهش درگیری در غرب آسیا –از جمله توافق هسته‌ای ۱۳۹۴ و یادداشت تفاهم اخیر –مخالفت کرده‌اند. بنابراین، هرگونه تلاش برای جلوگیری از درگیری مجدد باید با این عامل مخرب مقابله کند؛ بازیگری که تمایل آن به ادامه جنگ – فارغ از هزینه‌های آن –با منافع ایالات‌متحده در تضاد است. رفتار اسرائیل نه تنها مانع صلح با ایران می‌شود، بلکه کل غرب آسیا را بی‌ثبات می‌کند. اسرائیل از طریق گسترش شهرک‌های اشغالی، نسل‌کشی در غزه و ویران‌سازی لبنان، بارها نشان داده است که می‌خواهد برای حفظ تسلط خود، در سراسر منطقه هرج‌ومرج بیافریند.

این بر عهده ایالات‌متحده و شرکای آن خواهد بود که با این منبع همیشگی بی‌ثباتی برخورد کنند. هم ترامپ و هم جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، در بند اول یادداشت تفاهم متعهد شدند که «تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان را تضمین کنند.» با این حال، در همان زمان، مارکو روبیو، وزیر امور خارجه ایالات‌متحده در جریان سفرماه گذشته خود به منطقه، کارزار فعالی را برای تضعیف این بند آغاز کرد و با فشار، دولت لبنان را به یک توافق یک‌طرفه با اسرائیل، در حالی که اسرائیل همچنان به اشغال بخش‌هایی از لبنان ادامه می‌دهد، وادار کرد. این تناقضات رفتار دولت آمریکا و بی‌تفاوتی آن نسبت به رنج روزمره مردم فلسطین، باید پایان یابد. در عوض، واشنگتن باید فشار واقعی بر اسرائیل را آغاز کند.

> پیش از آغاز جنگ‌های گسترده اخیر در اسفند ماه، ایران عموماً عبور و مرور از تنگه را بدون دخالت تحمل می‌کرد، اما حملات ایالات متحده و اسرائیل به این خویشتنداری پایان داد. امروزه، هدف غالب و اصلی ایران در تنگه این است که اطمینان حاصل کند مخالفان نمی‌توانند از این آبراه برای آماده‌سازی، تسهیل یا تداوم فشار علیه ایران –اعم از نظامی، سیاسی یا اقتصادی –سوءاستفاده کنند

برخورد با چالش‌ها

اسرائیل تنها کنشگری نیست که می‌تواند یک توافق صلح میان تهران و واشنگتن را تخریب کند. منافع ایران و همسایگان پیرامونی‌اش در خلیج فارس ایجاب می‌کند تا با تدوین طرحی مشترک، به دهه‌ها تنش خود –که با جنگ ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ایران و عراق آغاز شد و تا امروز به زیان همگان ادامه یافته است – پایان بخشند. این بدان معناست که غرب آسیا باید الگوی امنیتی متکی به برون‌سپاری به قدرت‌های خارجی را کنار بگذارد؛ رویکردی که نیروهای ایالات‌متحده را به منطقه آورده و به تداوم درگیری‌ها کمک کرده است. سال‌هاست که ناکارآمدی فاجعه‌بار این رویکرد به اثبات رسیده است؛ حقیقتی که برای اولین بار با تهاجم عراق به کویت پس از جنگ ایران و عراق نمایان شد و درگیری‌های اخیر، که در آن آمریکا و اسرائیل مقام معظم رهبری، فرماندهان ارشد و دانش‌آموزان بی‌گناه را قتل عام کردند، زخم‌های کهنه کشور را عمیق‌تر کرده است. این زخم‌های عمیق نه فراموش و نه بخشیده خواهند شد، اما لزوماً نباید به ادامه درگیری یا تشدید تنش منجر شوند. رمزموفقیت در این نهفته است که اطمینان یابیم در تعاملات دیپلماتیک آینده، برخلاف گذشته، اختلافات به‌گونه‌ای واقع‌بینانه تدبیر می‌شوند. برخی از اختلافات ایران و آمریکا بنیادین و هویتی هستند باید در گفت‌وگوی شفاف مشخص شوند. برخی دیگر ناشی از سوءظن‌های متقابل پیرامون منافع تاکتیکی مشترک هستند که مانع هرگونه همکاری تاکتیکی شده‌است. موارد دیگر شامل موضوعات سیاسی قابل مذاکره هستند که برای توافق راهبردی مناسب‌اند. حرکت به جلو مستلزم آن است که هر دو کشور میان ارزش‌های بنیادین و اهداف مشترک معاملاتی تمایز قائل شوند و در عین حال از پیگیری بی‌حاصل دستیابی به اهرم‌های بیشتر پرهیز کنند.

هرگونه ترتیبات امنیتی واقع‌بینانه میان ایران و ایالات متحده، در نهایت نیازمند تدوین یک چارچوب عدم تعرض متقابل است تا اطمینان حاصل شود که اختلافات هویتی، به برخورد و خشونت نخواهند انجامید. تهران و واشنگتن سپس می‌توانند چالش‌های هم‌پوشان، نظیر تثبیت وضعیت افغانستان، مقابله با قاچاق مواد مخدر و مدیریت مهاجرت را هماهنگ کنند.

ایالات‌متحده باید تمامیت ارضی ایران را به رسمیت بشناسد، ایران و نهادهای آن را از فهرست‌های تروریستی خارج کند و تمامی تحریم‌ها را به‌طور دائم لغو نماید. واشنگتن همچنین باید متعهد شود که در بازسازی ویرانی‌های ناشی از تجاوز مشارکت کند، همان‌طور که در یادداشت تفاهم با ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری برای کشور وعده داده بود. در مقابل، ایران می‌تواند با تضمین‌های دائمی عدم اشاعه هسته‌ای موافقت کند (نظیر تصویب پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، که به بازرسان آژانس دسترسی بیشتری به تأسیسات هسته‌ای می‌دهد.) ایران همچنین می‌تواند فتوای رهبر فقید، آیت‌الله علی خامنه‌ای، علیه تسلیحات هسته‌ای را به صورت قانون درآورد. اگر ایالات‌متحده به دنبال صلح است باید به نقش اسرائیل توجه کند. فراتر از آغاز ایجاد یک شبکه هسته‌ای منطقه‌ای، از جمله یک کنسرسیوم غنی‌سازی را که منحصراً به کاربردهای صلح‌آمیز علم هسته‌ای اختصاص داشته باشد، مطرح کردم. کشورهای عضو با تجمیع ظرفیت‌های تخصصی منطقه، همکاری‌های علمی را گسترش داده و با ایجاد سازوکارهای مشترک راستی‌آزمایی -که تضمین می‌کند هیچ عضوی در پی تسلیحات هسته‌ای نیست- پایه‌های اعتماد متقابل را استوار می‌سازند. چین و روسیه، در کنار ایالات‌متحده، می‌توانند به ایجاد چنین کنسرسیوم مشترکی برای غنی‌سازی سوخت، با مشارکت ایران و همسایگان علاقه‌مند در خلیج فارس، کمک کنند. پس از تأسیس، این کنسرسیوم به یگانه مرکز غنی‌سازی سوخت در سراسر غرب آسیا بدل خواهد شد.

برای آنکه پیشرفت هر کشور در خدمت شکوفایی و توسعه دیگر همسایگان قرار گیرد، مناسب است دولت‌های غرب آسیا ایجاد یک زیست‌بوم اقتصادی یکپارچه منطقه‌ای را پیگیری کنند. به عنوان مثال، آنها می‌توانند یک صندوق توسعه غرب آسیا تأسیس کنند که بازسازی پس از درگیری‌ها، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و زیرساخت‌های حیاتی را تأمین مالی کند. ایجاد شبکه‌ای پیوسته از ارتباطات منطقه‌ای -شامل راه‌آهن‌های فراملی، خطوط انتقال انرژی، زیرساخت‌های دیجیتال و مسیرهای دریایی - می‌تواند جریان کالا و سرمایه را هموار سازد. نهادهای مشترک دیگر می‌توانند به کشورهای غرب آسیا در مقابله با تهدیدات وجودی مشترک مانند تغییرات اقلیمی و کمبود آب کمک کنند.

اگر این منطقه بتواند نهادهای مشترک و معناداری بسازد، می‌تواند توسعه‌ای بی‌سابقه را تجربه کند. این منطقه دارای منابع طبیعی فراوان، تمدن‌های ریشه‌دار و جمعیت‌های جوان و تحصیلکرده است. ایران به تنهایی دارای یک پهنه وسیع سرزمینی، تخصص علمی پیشرفته و سرمایه انسانی در معیار جهانی است. کشورهای عربی ظرفیت‌های مالی، سرمایه‌گذاری و مدیریتی بی‌نظیری را به همراه شبکه‌های تجاری جهانی ارائه می‌دهند. پاکستان و ترکیه نیز قابلیت‌های صنعتی چشمگیر، وزن راهبردی و موقعیت ارتباطی قابل‌توجهی به ارمغان می‌آورند.

با توجه به دهه‌ها بی‌اعتمادی و سوءظن در این همسایگی، از جمله در میان برخی از کشورهای عربی و میان آنها و ایران، هیچ‌یک از این اقدامات آسان نخواهد بود. اما نیازی نیست غرب آسیا زندانی گذشته پرالتهاب خود باقی بماند. رویارویی‌های اخیر، نه‌تنها پرده از هزینه‌های فاجعه‌بار درگیری برداشتند، بلکه محدودیت‌های بنیادین سیاست اعمال فشار را نیز نمایان ساختند. واشنگتن و کشورهای عربی باید بپذیرند که ایران یک واقعیت ماندگار در چشم‌انداز منطقه‌ای است و این همسایگی نمی‌تواند با حذف آن به ثبات دست یابد. همزمان، ایران می‌بایست اعتماد به‌نفسِ بازیابی شده خود را با گشودن باب مودت به سوی همسایگان همراه سازد و تأمین امنیت را علاوه بر بازدارندگی، از دریچه همکاری‌های مشترک پیگیری کند. جهان باید این واقعیت را بپذیرد که ثبات ماندگار را نه می‌توان از خارج به غرب آسیا تزریق کرد و نه با اعمال فشار بر آن تحمیل کرد. این ثبات می‌بایست با اراده و کنشگری ملت‌ها و دولت‌های منطقه شکل گیرد.

منبع: foreignaffairs

فارن پالیسی تحلیل کرد؛ چگونه واشنگتن در اجرای تفاهمنامه پایان جنگ با ایران شکست خورد؟

دست بالای ایران در تفاهنامه اسلام آباد

تحلیل

کاخ سفید توافق آتش‌بس هرمز را از بین برد، زیرا یا نفهمیده بود دقیقاً با چه چیزی موافقت کرده، یا اساساً برایش اهمیتی نداشت. پیامدهای این اتفاق برای مدت‌ها بر تنگه هرمز سایه خواهد افکند. وقتی پای توافق‌های صلح و آتش‌بس در میان باشد، جزئیات اهمیت حیاتی دارند. البته این موضوع درباره هر توافق بین‌المللی صادق است؛ اما هنگامی که پای جنگ در میان باشد، نبود اعتماد یا حسن‌نیت میان طرفین تقریباً هیچ جایی برای اشتباه یا ابهام باقی نمی‌گذارد.

حتی اگر این توافق هرگز در هیچ مرجع قضایی بررسی نشود، متن امضاشده آن تنها سندی است که مشخص می‌کند طرفین دقیقاً بر سر چه چیزی توافق کرده‌اند. همان‌طور که معمولاً درباره توافق‌های بین‌المللی پیش می‌آید، مسائل مربوط به ترجمه از نگرانی‌های مهم به شمار می‌روند. ارزیابی بر پایه نسخه اسکن‌شده متن انگلیسی امضاشده‌ای است که کاخ سفید منتشر کرده است. با این حال، مگر اینکه در خود توافق تصریح شده باشد که یکی از دو متن بر دیگری برتری دارد، هر دو نسخه به یک اندازه رسمی و از نظر حقوقی معتبرهستند. بنابراین، بدون مقایسه دقیق این دو متن توسط یک مترجم متخصص، نمی‌توان دانست چه تفاوت‌هایی میان آنها وجود دارد یا این تفاوت‌ها تا چه اندازه اهمیت دارند.

حتی در یک زبان واحد نیز تفاوت‌های کوچک درانتخاب واژگان، ساختار یا ترتیب جملات می‌تواند پیامدهایی داشته باشد. هرگونه ابهام، هرچند اندک، راه را برای اختلاف بر سر تفسیر متن باز می‌کند.

غیرمعمول نیست که گروه‌هایی متشکل از مذاکره‌کنندگان باتجربه، کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مختلف، ماه‌ها وقت صرف کنند و درباره هر ویرگول و نقطه‌ویرگولِ یک توافقنامه بلندِ صلح یا آتش‌بس بحث کنند. این میزان دقت، حاصل درس‌های سختی است که در طول سال‌ها آموخته شده‌اند؛ درس‌هایی که در جریان مذاکرات منتهی به توافق آمریکا و ایران توسط واشنگتن نادیده گرفته شدند.

متن توافق بسیار کوتاه است؛ نسخه رسمی و امضاشده انگلیسی آن کمی بیش از دو صفحه است و در عین حال بخشی از متن مبهم و دوپهلو است.

تفاهمنامه بنا به تعریف، سندی است که امضاکنندگان قصد ندارند از نظر حقوقی الزام‌آور باشد.

هرچند برخی بخش‌های متن روشن و صریح‌اند، اما ابهام و عباراتی که به‌سختی قابل تفسیر هستند، حتی در مهم‌ترین بخش‌های توافق نیز دیده می‌شوند. مواردی که معمولاً در چنین توافق‌هایی از ارکان اساسی به شمار می‌روند، مانند سازوکارهای نظارت بر اجرای توافق و حل‌وفصل اختلافات.

نمی‌توان با اطمینان دانست که هنگام مذاکرات، دقیقاً چه چیزی در ذهن مذاکره‌کنندگان، امضاکنندگان یا مشاوران کاخ سفید گذشته است. با این حال، به نظر می‌رسد ایران به‌طور مشخص عباراتی را در متن توافق گنجانده که به آن امکان می‌دهد ادعای اعمال نوعی کنترل مدیریتی بر تنگه هرمز را مطرح کند و سپس نیز تلاش کرده این اختیار را به اجرا بگذارد.

بند کلیدی، بند پنجم توافق است که می‌گوید: «ایران با به‌کارگیری حداکثر تلاش خود، برای عبور ایمن کشتی‌های تجاری ترتیبات لازم را فراهم خواهد کرد و به مدت ۶۰ روز هیچ هزینه‌ای بابت این خدمات دریافت نخواهد کرد.»

به نظر می‌رسد مذاکره‌کنندگان و مقام‌های آمریکایی یا متوجه اهمیت این جزئیات نشده‌اند، یا دست‌کم اهمیت کافی برای آنها قائل نبوده‌اند. در نتیجه، هر دو طرف اقداماتی متناقض برای اعمال کنترل بر تنگه انجام دادند. در نتیجه، هر دو امضاکننده دست‌کم به‌طور موقت این توافق را کنار گذاشته‌اند و اکنون با حملات متقابل و رویارویی نظامی، بیش از پیش از دستیابی به یک راه‌حل پایدار فاصله گرفته‌اند.

> در هیچ‌جای این توافق تصریح نشده که ایران موظف است به همه کشتی‌های تجاری اجازه عبور از تنگه را بدهد. حتی عبارت مربوط به «تناسب» در بند چهارم، به‌طور ضمنی این احتمال را به رسمیت می‌شناسد که ایران، دست‌کم در ۳۰ روز نخست اجرای توافق، ممکن است چنین اجازه‌ای به همه کشتی‌ها ندهد

ایران استدلال قابل قبولی دارد که دست‌کم تا زمانی که ایالات متحده حمله به اهدافی در داخل ایران را آغاز نکرد، ایران هم مفاد این توافق را نقض نکرده بود. در هیچ‌جای این توافق تصریح نشده که ایران موظف است به همه کشتی‌های تجاری اجازه عبور از تنگه را بدهد. حتی عبارت مربوط به «تناسب» در بند چهارم، به‌طور ضمنی این احتمال را به رسمیت می‌شناسد که ایران، دست‌کم در ۳۰ روز اول اجرای توافق، ممکن است چنین اجازه‌ای به همه کشتی‌ها ندهد.

این توافق صرفاً ایران را ملزم می‌کند که مطابق بند پنجم، برای عبور ایمن کشتی‌های تجاری «ترتیبات لازم» را فراهم کند. این عبارت با زبانی کاملاً متفاوت از بند چهارم نوشته شده است؛ بندی که ایالات متحده را موظف می‌کند محاصره بنادر ایران را «به‌طور کامل پایان دهد.»

برخلاف برخی بندهای دیگر توافق، در این بخش هیچ الزامی وجود ندارد که این ترتیبات با توافق یا رضایت طرف مقابل انجام شوند. همچنین متن هیچ توضیحی درباره ماهیت این ترتیبات، نحوه اجرای آنها یا محدودیت‌هایی که بر شیوه اجرای آنها از سوی ایران حاکم باشد، ارائه نمی‌دهد.

به نظر می‌رسد ایران واقعاً ترتیباتی را ایجاد کرده که با متن صریح توافق سازگار است. این ترتیبات از همه کشتی‌ها می‌خواهد که: یک) برای عبور از تنگه، درخواست مجوز عبور از «نهاد مدیریت آبراه خلیج فارس» (PGSA) ارائه کنند و آن را دریافت کنند؛ دو) فقط از مسیرهای عبوری مورد تأیید ایران در داخل تنگه استفاده کنند؛ مسیرهایی که از آب‌های سرزمینی ایران عبور می‌کنند.

این توافق همچنین به‌طور صریح، هرگونه اقدام ایران علیه کشتی‌های تجاری را ممنوع نمی‌کند. (نقض احتمالی قوانین بین‌المللی دریایی موضوعی جداگانه است و با توجه به اینکه ایران خود را ملزم به «کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها» نمی‌داند، در حالی که آمریکا خود را نسبت به بخش‌هایی از آن متعهد می‌داند اما نه همه آن، این مسأله پیچیده‌تر از چیزی است که ممکن است در نگاه اول به نظر برسد.) بند اول توافق، امضاکنندگان را از استفاده از زور علیه یکدیگر منع می‌کند، اما درباره استفاده از زور علیه طرف‌های ثالث هیچ مطلبی بیان نمی‌کند.

تمام حملات گزارش‌شده ایران علیه کشتی‌ها تا این زمان، کشتی‌هایی را هدف قرار داده‌اند که تلاش داشته‌اند خارج از مسیر عبوری مورد تأیید ایران از تنگه عبور کنند (و احتمالاً بدون دریافت مجوز PGSA). اگر ایران در تلاش باشد ترتیباتی را که توافق از او خواسته است اجرا و اعمال کند، می‌توان دست‌کم این استدلال را مطرح کرد که استفاده از مقداری زور با متن توافق سازگار است.

به نظر می‌رسد ایالات متحده تلاش‌های مشخصی انجام داده است تا ایران نتواند کنترل مدیریتی بر تنگه اعمال کند. مرکز مشترک اطلاعات دریایی (که بخشی از نیروهای دریایی ائتلافی تحت رهبری آمریکا است) از زمان اجرای توافق، بارها به کشتی‌های تجاری توصیه کرده است که از یک مسیر عبوری استفاده کنند که مورد تأیید ایران نیست.

تحریم‌های دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) علیه «نهاد مدیریت آبراه خلیج فارس» (PGSA) به‌عنوان بخشی از این توافق لغو نشدند و OFAC هشدار داده است که «هر کسی که با این به‌اصطلاح سازمان تنگه همکاری کند» ممکن است «در معرض خطر تحریم‌ها قرار گیرد.» این توافق به‌طور صریح این اقدامات را ممنوع نمی‌کند، اما به‌روشنی هرگونه استفاده آمریکا از زور علیه قلمرو یا دارایی‌های ایران را ممنوع کرده است.

با توجه به همه این شرایط، کاملاً محتمل است که رهبران ایران واقعاً بر این باور باشند که به تعهدات خود در

اخبار

وزیرآموزش و پرورش:

هیچ مدیری حق ندارد برای ثبت‌نام پول دریافت کند

وزیر آموزش و پرورش گفت: «نخستین محموله تجهیزات آموزشی برای تجهیز ۵۰ هزار کلاس درس، با مشارکت بخش خصوصی و از محل مسئولیت‌های اجتماعی وارد کشور شده و پس از انجام آزمایش‌های لازم، بزودی در مدارس مورد استفاده قرار خواهد گرفت.» به گزارش ایرنا از وزارت آموزش و پرورش، علیرضا کاظمی در نشست هم‌اندیشی با منتخبی از معلمان مدارس با اشاره به موفقیت دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای علمی، گفت: «دانش‌آموزان المپیادی حتی در شرایط خاص نیز کلاس‌های خود را تعطیل نکردند و موفق به کسب مدال‌های ارزشمند شدند، افتخاری که نتیجه تلاش معلمان است.» کاظمی با بیان اینکه جامعه فرهنگیان ستون اصلی آموزش و پرورش هستند، گفت: «از یک میلیون و ۱۰۰ هزار نیروی آموزش و پرورش، حدود ۹۵ درصد معلم هستند و ۴۴ درصد کارکنان دولت نیز در این وزارتخانه فعالیت می‌کنند؛ بنابراین نقش آموزش و پرورش در زیربنای همه دستگاه‌های کشور بی‌بدیل است.» او با اشاره به برنامه‌های دولت برای ارتقای کیفیت آموزشی، گفت: «در حوزه توسعه فضاهای آموزشی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای دقیقی انجام شده و سامانه‌ای برای رصد لحظه‌ای پروژه‌ها طراحی شده است. حذف مدارس کانکسی، مدارس سنگی و کاهش تراکم کلاس‌ها در اولویت قرار دارد و سال گذشته نیز سه هزار پروژه آموزشی در این حوزه به بهره‌برداری رسید.» وزیر آموزش و پرورش باتأکید بر ممنوعیت دریافت وجه نقد هنگام ثبت‌نام در مدارس گفت: «هیچ مدیری حق ندارد ثبت‌نام دانش‌آموز، ارائه کارنامه یا سایر خدمات آموزشی را به پرداخت وجه از سوی خانواده‌ها مشروط کند و این موضوع بارها به مدیران مدارس ابلاغ شده است.»

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی:

۱۰۰ دستگاه آمبولانس به ناوگان اورژانس اضافه می‌شود

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به ضرورت تقویت ناوگان اورژانس کشور گفت: «نزدیک به ۱۰۰ دستگاه آمبولانس به ناوگان اضافه می‌کنیم و تا پایان سال این تعداد چند برابر خواهد شد.» به گزارش ایرنا، محمدرضا ظفرقندی در آیین ارتقای ظرفیت ناوگان آمبولانس‌های بیمارستانی و اورژانس کشور، با تأکید بر نقش حیاتی اورژانس در نجات جان بیماران، گفت: «اورژانس پیشانی و خط مقدم تیم ملی سلامت است و در خدمات اورژانسی، سرعت عمل و دانش پزشکی باید در کنار یکدیگر قرار گیرند، چراکه اگر بیمار به‌موقع به مراکز درمانی نرسد، حتی بهترین اقدامات تیم سلامت نیز نمی‌تواند اثربخشی لازم را داشته باشد. به همین دلیل ارتقای ظرفیت ناوگان آمبولانس‌های بیمارستانی و اورژانس کشور، نقش مهمی در تسریع انتقال بیماران و دسترسی به‌موقع آنان به خدمات درمانی دارد و می‌تواند اثربخشی اقدامات تیم سلامت را افزایش دهد.» او با اشاره به عملکرد تیم سلامت در جنگ ۱۲ روزه گفت: «در جنگ ۱۲ روزه، حدود ۳۴ هزار مجروح داشتیم و تیم ملی سلامت در کشور به بهترین شکل به این مجروحان خدمت کردند، آنها را به مراکز درمانی رسانده و درمان کردند.»

موفقیت تیم ملی ایران در المپیاد جهانی اقتصاد

تیم ملی ایران در المپیاد جهانی اقتصاد (IEO) چهار مدال نقره و برنز به دست آورد. به گزارش تسنیم، این رویداد علمی از ۱۲ تا ۲۰ جولای ۲۰۲۶ (۲۱ تا ۲۹ تیر ۱۴۰۵) با حضور بیش از ۲۷۰ شرکت‌کننده از ۵۴ کشور جهان در شهر شنژن برگزار شد. در این رقابت‌ها دانش‌پژوهان جوان، از جمله مبین کریمی دیزچه موفق به کسب مدال نقره شد. همچنین علیرضا آتشی مدال برنز، محمدحسین رحیمی‌نژاد مدال برنز و احسان ذوالفقاری مدال برنز دریافت کردند.

رئیس سازمان بهزیستی کشور:

دست‌های مهربان یک طرح بین نسلی است

رئیس سازمان بهزیستی کشور از رونمایی طرح دست‌های مهربان خبر داد. به گزارش ایرنا، سیدجواد حسینی در مراسم افتتاح سه طرح شامل طرح شبکه ملی کلینیک‌های مددکاری، طرح مراقبت همراه و طرح دست‌های مهربان در محل سازمان بهزیستی کشور گفت: «۵۳ هزار زن سالمند تنها در کشور داریم که با اجرای طرح دست‌های مهربان می‌توان اتصال بین نسلی بین این زنان و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست برقرار کرد. طرح دست‌های مهربان، طرح پیوند بین نسلی است که هدف آن «مورد توجه واقع شدن است» و در درجه اول باید نیاز ارتباطی سالمندان در آن برطرف شود، این طرح به تدریج در همه استان‌ها گسترش پیدا می‌کند.» رئیس سازمان بهزیستی کشور به اجرای طرح شبکه ملی کلینیک‌های مددکاری اشاره کرد و گفت: «۱۲ شبکه راه‌اندازی شده که یکی از آنها شبکه ملی کلینیک‌های مددکاری است.» حسینی با اشاره به راه‌اندازی زیست بوم جامعه مشارکت در بهزیستی گفت: «۹۰ درصد ظرفیت جامعه در حوزه مشارکت هنوز دست نخورده باقی مانده است.» رئیس سازمان بهزیستی کشور، طرح مراقب همراه را نیز از جمله طرح‌های در راستای خانواده محوری برشمرد و گفت: «در این طرح نیز مراقب برای خانواده‌های دارای فرزند چندقلو قرار داده می‌شود. در حال حاضر ۴۵ هزار خانواده دارای فرزند چندقلو تحت پوشش بهزیستی هستند. طی اجرای طرح مراقب همراه، زنان سرپرست خانوار به عنوان مراقب به کار گرفته می‌شوند.»

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده:

۵۲ درصد صندلی دانشگاه‌ها متعلق به زنان است

گزارش

سمیه افشین فر
گروه اجتماعی

داده‌های آماری به خصوص برای سیاست‌گذاری از اهمیت بسیاری برخوردار است. روز گذشته زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهور در نشست رونمایی و تشریح سالنامه آماری زنان ۱۴۰۳ گفت: «پیشینه این سالنامه آماری به برنامه ششم بازمی‌گردد؛ ما هیچوقت نمی‌توانیم سیاست‌گذاری را در فضایی که نابینا هستیم انجام بدهیم به همین دلیل از روز اول به دنبال این بودیم که تصویر روشنی از وضعیت زنان در کشور داشته باشیم.»
او با اشاره به اینکه طبق قانون آموزش رایگان باید برای همه فراهم شود، اصل ۲۱ قانون اساسی ارتقای ظرفیت زنان را مطرح کرد و گفت: «اما وقتی این مطالب را می‌خواهیم از وزارتخانه‌ها مطالبه کنیم باید دقیق بدانیم کدام اقدامات موجب ارتقای زنان می‌شود و کدامیک مانع است.» بهروزآذر با تأکید بر اینکه حساسیت‌هایی در مورد جمع‌آوری داده‌ها وجود داشت و متأسفانه برخی از نهادها که داده‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند خود را صاحب داده‌ها می‌دانند، گفت: «تلاش کردیم حساسیت امنیتی را برای استفاده از داده‌ها کم کنیم. تمامی داده‌ها تمیز و داده‌های تکراری حذف و بیشترین و کیفی‌ترین داده تهیه شد. همچنین به دلیل بحث محیط زیست نسخه دیجیتال آن نیز تهیه شده است که در اختیار کارشناسان قرار داده می‌شود.»
معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده گفت: «این داده‌ها تصویر توصیفی از آنچه اتفاق افتاده است به ما می‌دهد اما چرایی‌های زیادی پشت این آمار است که ما چیزی از آنها نمی‌دانیم. مثلاً ۶۴ درصد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها بانوان هستند و ۵۲ درصد آنها روی صندلی دانشگاه‌ها نشسته‌اند، اما شکاف جنسیتی به صورت واضح نشان می‌دهد در بین زنان و مردان شکاف در ورود به رشته‌های دانشگاهی وجود دارد. در رشته‌های فنی مهندسی شکاف جنسیتی بسیار زیادی در کشور داریم.»
او با مطرح کردن این سؤال که چرا یک رشته دانشگاهی مردانه می‌شود؟ گفت: «البته در همه دنیا این شکاف وجود دارد، اما جواب این سؤال‌ها را شما تهیه کنید.»
بهروزآذر با تأکید بر اینکه ورود بانوان به برخی رشته‌ها مثل رایانه، کدنویسی و هوش مصنوعی به دلیل روحیه مراقبتی بانوان می‌تواند منجر به تولید هوش مصنوعی اخلاق محور شود، گفت: «اگر قرار است راه‌حلی پیدا شود؛ این مهم در دانشگاه‌ها قابل تحقق و پیگیری است.» او با اشاره به مطالعات انجام‌شده در ماه‌های اخیر درباره رشته‌های STEM گفت: «در یکی دو ماه گذشته که روی موضوع رشته‌های STEM کار کرده‌ایم، به چند گزاره مهم رسیده‌ایم. یکی از آنها این است که همچنان این باور وجود دارد که این رشته‌ها مردانه هستند.»

بیشترین جمعیت ایران در فاصله سنی ۲۵ تا ۵۰ ساله

مهدی شیرزاد پژوهشگر مسائل اجتماعی و مشاور معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری آخرین آمارهای جمعیت ایران، وضعیت اقتصاد و آموزش را به تفکیک جنسیت، براساس سالنامه آماری زنان سال ۱۴۰۳ تشریح کرد. او با استناد به قانون برنامه هفتم توسعه، گفت: «طبق بند ب ماده ۸۰ قانون برنامه هفتم، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری مکلف شده شاخص‌های حوزه زنان و خانواده را در قالب اطلسی گزارش، احصا و رصد کند.» شیرزاد با بیان اینکه طبق گزارش مرکز آمار ایران، هرم‌سنی جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰ حدود ۸۶ میلیون نفر جمعیت را نشان می‌دهد که ۴۳.۳ مرد و ۴۲.۶ زنان بودند، توضیح داد: «بزرگترین بخش جمعیت در میانه هرم در فاصله سنی ۲۵ تا ۵۰ سال است.» او با تأکید براینکه کشور ما در حال پیرشدن است؛ گفت: «از یک سو باید برای آن زمان آمادگی داشته باشیم و از سوی دیگر زمان زیادی تا بسته شدن پنجره جمعیتی نمانده است بنابراین باید بکوشیم از فرصت باقی مانده بیشترین بهره را ببریم.»

رشد جمعیت به زیر یک درصد رسیده است

مشاور معاون امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری با بیان اینکه از سال ۱۳۶۵ به بعد، کاهش رشد جمعیت شیب تندی داشته، در مورد رشد جمعیت ایران توضیح داد: «برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که در حال حاضر این عدد به زیر یک درصد رسیده است.» به گفته شیرزاد بعد خانوارهای شهری و روستایی در حال نزدیک شدن به هم است. او در این زمینه گفت: «فراوانی خانوارهای شهری روند افزایشی داشته است.

برش

برنامه ریزی بر اساس شناخت خلأهای موجود

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده توضیح داد: «ما می‌خواهیم چرایی این موضوع را از متخصصان و دانشگاهیان بپرسیم و بدانیم پشت آمارهای موجود چه لایه‌هایی وجود دارد که در آمارنامه‌ها دیده نمی‌شود.»
بهروزآذر از متخصصان و دانشگاهیان خواست تا کمک کنند که این عوامل موردشناسایی قرار بگیرند: «هدف این است که خلأهای موجود را شناسایی و بر اساس آنها، برنامه‌های اجرایی مؤثر طراحی کنیم.»

بعد خانوار شهری به طور میانگین حدود ۳ نفر و بعد خانوار روستایی ۳.۳ نفر است؛ برخلاف تصور قدیم، به واسطه اقتضای شرایط اقتصادی و اجتماعی، خانوارهای روستایی و شهری در حال نزدیک شدن به هم هستند.»

زنان سرپرست خانوار دو برابر شده‌اند

مشاور معاون امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری در ادامه با اشاره به تعداد خانوارها به تفکیک جنس سرپرست خانوار گفت: «در سال ۹۵، حدود ۸۷ درصد خانوارها مرد سرپرست بودند. در بازه سال‌های ۴۵ تا ۹۵ تعداد خانوارهای زن سرپرست تقریباً دو برابر شده است.» شیرزاد درباره نسبت جوانی جمعیت نیز توضیح داد: «نسبت جوانی جمعیت روند کاهشی داشته است؛ فاصله سال‌های ۶۵ تا ۸۵ شیب نمودار تند است. در سال ۱۴۰۳ نسبت جوانی جمعیت حدود ۲۳ درصد است. یعنی از هر ۱۰۰ نفر جمعیت کشور ۲۳ نفر آنها ۱۵ ساله و کمتر بوده‌اند.»
او درباره نسبت سالخوردگی جمعیت نیز گفت: «روند سالخوردگی رو به افزایش است، البته در قیاس با نسبت جوانی، تفاوت‌هایی دیده می‌شود و نرخ سالخوردگی مردان در سال ۱۴۰۳، ۷ درصد و در زنان ۸.۱ درصد بوده است.»

روند نرخ خالص «طلاق» ثابت ماند

مشاور معاون امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری در ادامه به وضعیت نرخ خالص ازدواج و طلاق پرداخت و گفت: «نرخ خالص ازدواج و طلاق در یک سال معین، از تقسیم تعداد ثبت شده واقعه بر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ضربدر ۱۰۰۰ به دست می‌آید. در سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳، نرخ خالص ازدواج روند کاهشی داشته است. نرخ خالص طلاق نیز تقریباً روند ثابتی را در این بازه زمانی نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۳ در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر، ۶.۶ واقعه ازدواج و ۲.۷ واقعه طلاق ثبت شده است.» به گفته شیرزاد در سال ۱۴۰۳ نرخ خالص ازدواج در استان‌های کشور بین ۴.۸ تا ۹.۱ درصد در نوسان بوده است. بالاترین نرخ مربوط به استان کردستان و پایین‌ترین مربوط به استان سمنان بوده است. به نظر می‌رسد مناطق مرکزی کشور نرخ پایین‌تری نسبت به استان‌های مرزی دارند.» او در مورد نرخ خالص طلاق گفت:«در سال ۱۴۰۳ نرخ خالص طلاق در استان‌های کشور بین ۱.۲ تا ۴.۲ در نوسان بوده است. بالاترین نرخ مربوط به استان کردستان و پایین‌ترین نرخ مربوط به استان سیستان و بلوچستان بوده است.»

> ۶۴ درصد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها بانوان هستند و ۵۲درصد آنها روی صندلی دانشگاه‌ها نشسته‌اند، اما شکاف جنسیتی به صورت واضح نشان می‌دهد در بین زنان و مردان شکاف در ورود به رشته‌های دانشگاهی وجود دارد. در رشته‌های فنی مهندسی شکاف جنسیتی بسیار زیادی در کشور داریم

میانگین سن زوجین در اولین ازدواج کمتر تغییر کرده است

شیرزاد با اشاره به میانگین سن زوجین در اولین ازدواج گفت: «میانگین سن زنان در زمان اولین ازدواج کمتر دستخوش تغییر بوده است. در سال ۱۴۰۳ میانگین سن مردان، ۲۸.۳ سال و میانگین سن زنان ۲۴.۱ سال بوده است.» به گفته شیرزاد میانگین سن طلاق در هر دو جنس روند افزایشی داشته است. میانگین سن طلاق در زنان از ۳۱سال در سال ۹۵ به ۳۴.۷ و در مردان از ۳۵/۹ به ۳۹/۵ سال رسیده است. این پژوهشگر مسائل اجتماعی تأکید کرد: «میانگین سن طلاق در هر دو جنس روند افزایشی داشته و تغییر مهمی که در کشور رخ داده این بوده که در طلاق، میانگین سال‌های زندگی افزایش داشته است که دلیل این مسأله باید به صورت علمی بررسی شود و نسبت ازدواج به طلاق در برابر هر ۱۰۰ ازدواج ۴۱ طلاق در ۱۴۰۳ رخ داده است که کمترین طلاق در سیستان و بلوچستان و بیشترین در استان البرز بوده است. میزان باروری کل کشور نیز به زیر نرخ جایگزینی رسیده است. همچنین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند حدود چهار تا چهار و نیم سال و میانگین سن والدین در تولد اولین فرزند نیز برای زنان ۲۷ و نیم سال و سن پدران ۳۲ سال بوده است. در مورد تحصیلات نیز در جمعیت ۱۰ تا ۴۴ ساله میزان باسوادی بانوان بالای ۹۵ درصد است و در سال ۳۱،۹۶درصد دختران شرکت کننده در کنکور پذیرش شدند.» او گفت: «در حوزه کار و اشتغال در سال ۱۴۰۳، ۲۸ میلیون زن غیرفعال از نظر اقتصادی داشتیم، ۶۵۸ هزار نفر نیز بیکار و چهار میلیون نفر شاغل بودند. همچنین ۶۵ درصد فارغ التحصیلان زن و ۳۰درصد فارغ‌التحصیلان مرد فعالیت اقتصادی ندارند؛ البته نیمی از مردان غیر فعال اقتصادی دارای درآمد هستند، اما ۸۰ درصد زنان غیرفعال (خانه‌دار) بدون درآمد هستند. ۸۰ درصد مدیران کشور نیز مرد هستند که در سال آغاز این دولت شاهد رشد مدیران زن هستیم.» در ادامه این نشست محتوای این سالنامه توسط کارشناسان مورد تحلیل قرار گرفت و پیشنهاد شد که باید آمار تجرد خواسته و ناخواسته دختران؛ آمار آسیب‌های زنان مثل آمار زنان معتاد، زندانی و آسیب‌دیده؛ راه‌کارهای مقابله با آسیب‌ها و مشکلات و... نیز در سالنامه مطرح شود.

مدیر کمیسیون اساسنامه‌ها و مقررات تحصیلی شورای عالی آموزش و پرورش:

تحصیل در خانه غیرقانونی است

گزارش

غزل ثانی
گروه اجتماعی

گرایش برخی والدین به جایگزین کردن مدرسه و آموزش رسمی با سیستم‌های آموزشی خانگی یا غیررسمی مانند تحصیل در خانه-آموزش خانگی- چالش‌های جدیدی را در نظام تعلیم و تربیت کشور ایجاد کرده است، اما نظام آموزشی کشور با صراحت اعلام کرده، آموزش در مراکز غیرمجاز، جایگزین قانونی مدرسه نیست و تخلف محسوب می‌شود.
مهدی خُراشادی‌زاده مدیر کمیسیون اساسنامه‌ها و مقررات تحصیلی شورای‌عالی آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران» درباره ممنوعیت ثبت‌نام دانش‌آموزان در تحصیل در خانه می‌گوید: «بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی، تحصیل حق قانونی هر کودک و نوجوان است و حتی در قانون اساسی نیز به این موضوع اشاره شده است. همچنین در نظام آموزشی کشور و در مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، تأکید شده در مدارس و مراکزی که با مجوز رسمی آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند و آموزش رسمی جمهوری اسلامی ایران را ارائه می‌دهند، هیچ شخص، نهاد یا سازمانی حق ندارد مانع تحصیل دانش‌آموز شود. بنابراین، هیچ مرجعی نمی‌تواند بدون دلیل قانونی، از ادامه تحصیل یک دانش‌آموز جلوگیری کند و در صورت چنین اقدامی، امکان پیگیری قانونی و برخورد قضایی با فرد یا افرادی که مانع تحصیل دانش‌آموزان می‌شوند، وجود دارد.»
او درباره غیرقانونی بودن ثبت‌نام دانش‌آموزان تحصیل در خانه می‌گوید: «طبق آیین‌نامه اجرایی مدارس که در سال ۱۴۰۰ توسط شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شده، فعالیت مراکز آموزشی غیرمجاز که دانش‌آموزان را از مدرسه جدا کرده و در محیطی دیگر به آنها آموزش‌های غیررسمی می‌دهند، تخلف محسوب شده و با آنها برخورد قانونی خواهد شد. همچنین، طبق قانون، والدین نیز اجازه ندارند مانع از تحصیل رسمی فرزندانشان در مدرسه شوند. بنابراین، اگر خانواده‌ای تصور کند که می‌تواند فرزندش را در خانه یا هر گروه آموزشی دیگر خارج از سیستم رسمی آموزش و پرورش (مدرسه)، با عناوینی مثل آموزش در خانه، یا هر نام دیگری آموزش دهد، این کار از نظر قانونی جرم محسوب می‌شود.» خُراشادی‌زاده با اشاره به بررسی موارد ثبت‌نام آموزش در خانه در کمیسیون خاص می‌گوید: «شورای عالی آموزش و پرورش یک کمیسیون به اسم «کمیسیون خاص» دارد که در سطوح منطقه و استان نیز فعال است. وظیفه اصلی این کمیسیون، رسیدگی به مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان و موارد استثنایی دانش‌آموزان است و موارد خاصی که در آیین‌نامه‌های عادی راهکاری برای آنها پیش‌بینی نشده است باید از طریق این کمیسیون‌ها تعیین تکلیف شود. در حال حاضر، والدین زیادی به مناطق آموزش و پرورش مراجعه و تقاضای تعیین تکلیف ادامه تحصیل فرزندشان که در مراکز غیرمجاز تحصیل کرده‌اند، در نظام آموزشی رسمی دارند. این خانواده‌ها در حال حاضر با یک بن‌بست بزرگ مواجه شده‌اند و بر اساس ماده ۵۴ آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، امکان تعیین پایه ندارند به همین دلیل بر اساس سن متعارف تحصیل باید ادامه تحصیل دهند.»

تعیین پایه تحصیل در خانه‌ای‌ها ممنوع

او درباره این موضوع که آمار دقیق از والدینی که مانع از تحصیل فرزند خود در مدرسه شده‌اند، ثبت شده یا نه می‌گوید: «در حال حاضر آماری وجود ندارد. چون آمار را باید از مراجع ذیصلاح دریافت کرد ولی هرساله در ایام ثبت‌نام مدارس با تعدادی از این خانواده‌ها مواجه هستیم. در ماده ۵۴ آیین‌نامه اجرایی مدارس که مربوط به تعیین پایه است ذکر شده، دانش‌آموزی که به دلیل دسترسی نداشتن به مدرسه، بیماری، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی و مشکلات حاد خانوادگی نتوانسته به موقع وارد مدرسه شود یا وقفه‌ای در ادامه تحصیل او ایجاد شده، بر اساس سن متعارف مجاز به شرکت در آزمون تعیین پایه و ادامه تحصیل است. همچنین در ماده ۵۵ عنوان شده که هرگونه فعالیت آموزشی و پرورشی از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی (مؤسسات، مراکز، نهادها و...) که منجر به عدم ثبت‌نام و حضور دانش‌آموز در مدرسه شود، ممنوع است و با متخلفان برابر قوانین و مقررات، رفتار خواهد شد. علاوه بر این دانش‌آموزانی که در مراکز غیرمجاز تحصیل کرده‌اند، تعیین پایه نخواهند شد و ثبت‌نام و ادامه تحصیل آنان با رعایت حداکثر شرط سنی و بر اساس سوابق و آخرین کارنامه تحصیلی، مجاز خواهد بود.»
او با اشاره به اینکه بر اساس ماده ۵۵ آیین‌نامه اجرایی مدارس، تعیین پایه برای دانش‌آموزانی که در خانه تحصیل کرده‌اند، ممنوع است، می‌گوید: «در تبصره همین ماده تأکید شده، دانش‌آموزانی که دوران تحصیل خود را در مراکز آموزشی غیرمجاز (مانند آموزش در خانه یا سایر عناوین مشابه) سپری کرده‌اند و فاقد سابقه تحصیلی در نظام رسمی جمهوری اسلامی ایران هستند، مشمول فرآیند «تعیین پایه» نمی‌شوند. بر این اساس، این دانش‌آموزان موظفند فقط بر مبنای شرایط سنی و آخرین مدرک تحصیلی رسمی خود، در پایه متناسب ادامه تحصیل دهند. طبق قانون، این دانش‌آموز از تحصیل محروم نمی‌شود.» مدیر کمیسیون اساسنامه‌ها و مقررات تحصیلی درباره این موضوع که ممانعت از تحصیل دانش‌آموزان در مدارس چه عواقبی دارد، توضیح می‌دهد: «بر اساس ماده ۴۳ آیین‌نامه اجرایی مدارس، آموزش و تحصیل، حق قانونی کودکان است. مدرسه موظف است نسبت به ثبت‌نام از کودکان و دانش‌آموزان لازم‌التعلیم برابر مقررات اقدام کند. هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی دانش‌آموز و اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت او را به عهده دارند، نمی‌توانند از ثبت‌نام دانش‌آموز امتناع یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند.»
خُراشادی‌زاده با اشاره به اینکه مدیر مدرسه باید دانش‌آموزان منطقه خود را شناسایی و علت عدم ثبت‌نام آنها را جویا شود، می‌گوید: «بر اساس ماده ۴۷ آیین‌نامه مذکور، مدیر مدرسه موظف است با رصد ادامه تحصیل دانش‌آموزان خود در سال بعد یا دوره تحصیلی بعد، کودکان لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل را در محدوده جغرافیایی مدرسه خود با استفاده از منابع اطلاعاتی (از جمله سازمان بهزیستی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و...)، شناسایی و مراتب را برای اقدام لازم به اداره آموزش و پرورش گزارش کند.»

> بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی، تحصیل حق قانونی هر کودک و نوجوان است و حتی در قانون اساسی نیز به این موضوع اشاره شده است

برش

ممنوعیت دریافت دیپلم رسمی برای محصلان تحصیل در خانه

او درباره نکات منفی تحصیل در خانه می‌گوید: «مرکز پژوهش‌های وزارت آموزش‌وپرورش باید با انجام پژوهشی در این زمینه، ابعاد مختلف پدیده تحصیل در خانه و سایر مراکز آموزشی غیرمجاز را بررسی کند تا آمار دقیق و علمی از میزان آسیب‌های وارده به دانش‌آموزان به دست آورد. بسیاری از والدین بدون در نظر گرفتن آینده تحصیلی فرزندشان، فقط بر آموزش‌های مقطع ابتدایی تمرکز می‌کنند و از واقعیت‌های تلخ پیش‌رو غافل می‌مانند. تصور برخی خانواده‌ها این است که اگر فرزندشان در سیستم رسمی تحصیل نکند، در نهایت او را برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های خارج از کشور می‌فرستند. اما این هشدار باید داده شود که دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی نیز دیپلم رسمی و مورد تأیید آموزش‌وپرورش کشور مبدأ را مطالبه می‌کنند.» خُراشادی‌زاده درباره اهمیت مدرک دیپلم کشور مقصد می‌گوید: «وقتی این دانش‌آموزان به سن ورود به دانشگاه می‌رسند، تازه متوجه می‌شوند که بدون داشتن مدرک رسمی، نه در داخل کشور امکان ادامه تحصیل دارند و نه در خارج از کشور پذیرفته می‌شوند. اینجاست که پرونده آنها به «کمیسیون خاص» ارجاع می‌شود.»
مدیر کمیسیون اساسنامه‌ها و مقررات تحصیلی درباره عواقب روحی و روانی تحصیل در خانه نیز توضیح می‌دهد: «علاوه بر بن‌بست‌های اداری، آسیب‌های روانی این فرآیند بسیار جدی است. دانش‌آموزی که سال‌های طلایی عمرش را در مراکز غیرمجاز گذرانده و هزینه‌های گزافی صرف کرده، ناگهان با حقیقتی مواجه می‌شود که تمام تلاش‌هایش را بی‌اعتبار می‌بیند. این شوک ناگهانی، ضربه روحی و روانی سنگینی به فرزند وارد می‌کند که جبران آن بسیار دشوار است. حضور در مدرسه، بستری برای رشد مهارت‌های اجتماعی و عاطفی است و فقدان آن می‌تواند تبعات منفی درازمدتی داشته باشد.»

نگاهی به اظهارات سه سخنران کلیدی در همایش «چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۵» که روز گذشته برگزار شد

اقتصاد ایران در تله رشدهای ناپایدار

رئیس کل بانک مرکزی: ارزپاشی در کار نیست؛ ذخایر ارزی در حال تقویت است

گزارش

گروه اقتصادی

همایش «چشم‌انداز اقتصاد ایران ۱۴۰۵» که روز گذشته به همت گروه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» در هتل المپیک تهران برگزار شد، تصویری چندلایه از وضعیت اقتصاد ایران ارائه کرد؛ تصویری که در آن، فشارهای خارجی، محدودیت منابع ارزی، افت سرمایه‌گذاری، تورم، ناترازی نظام بانکی و کاهش درآمد واقعی خانوارها، اجزای جدا از هم نیستند، بلکه به یکدیگر پیوند خورده‌اند.

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در این همایش بیشتر بر نحوه مدیریت اقتصاد در شرایط تحریم، جنگ و محدودیت منابع متمرکز بود. مسعود نیلی، اقتصاددان، مسأله اصلی اقتصاد ایران را توقف موتور رشد و کاهش سرمایه‌گذاری دانست و تیمور رحمانی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران نیز با تمرکز بر تورم، رشد نقدینگی و نقش دولت، استمرار بی‌ثباتی پولی را بررسی کرد. وجه مشترک این سه دیدگاه، فاصله گرفتن اقتصاد ایران از یک مسیر پایدار رشد است؛ هرچند هر یک از زاویه‌ای متفاوت به این مسأله پرداختند. از منظر سیاست‌گذار پولی، اولویت کوتاه‌مدت جلوگیری از بی‌ثباتی است؛ از نگاه نیلی، بدون احیای سرمایه‌گذاری امکان بازگشت رشد وجود ندارد و از دید رحمانی، تا زمانی که منشأ رشد نقدینگی و ناترازی‌های مالی اصلاح نشود، تورم همچنان به‌عنوان مانعی جدی در برابر رشد باقی خواهد ماند.

تثبیت اقتصاد در شرایط محدودیت منابع

محور اصلی سخنان عبدالناصر همتی، دفاع از چارچوب جدید سیاست ارزی و تشریح وظایف بانک مرکزی در شرایطی بود که اقتصاد ایران با محدودیت‌های خارجی، کاهش درآمدهای نفتی، دشواری صادرات، کسری بودجه و ناترازی انرژی روبه‌روست. از نگاه بانک مرکزی، در چنین شرایطی آزاد گذاشتن کامل حساب سرمایه و تجارت خارجی امکان‌پذیر نیست. کنترل ارزی در این چارچوب نه یک انتخاب موقتی، بلکه ابزاری برای مدیریت منابع محدود و جلوگیری از خروج بی‌ضابطه ارز تلقی می‌شود. با این حال، همتی میان «کنترل ارزی» و «تثبیت دستوری نرخ» تفاوت قائل شد. به گفته وی، «سیاست فعلی قرار نیست همه نرخ‌ها را به‌صورت مکانیکی برابر کند، بلکه تلاش دارد معاملات را از مسیرهای غیرشفاف و رانتی به یک چارچوب رسمی، قابل رصد و مبتنی بر نرخ توافقی منتقل کند.»

این تفکیک از آن جهت اهمیت دارد که چندنرخی بودن ارز در اقتصاد ایران همواره با دو پیامد همراه بوده است: از یک‌سو ایجاد تقاضای غیرواقعی برای دریافت ارز ارزان و از سوی دیگر شکل‌گیری تعهدات و بدهی‌هایی که در نهایت به منابع آینده فشار وارد می‌کنند. کاهش تقاضای روزانه مرکز مبادله از حدود ۶۰۰ میلیون دلار به محدوده ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار، از منظر بانک مرکزی نشانه‌ای از حذف بخشی از تقاضای رانتی و غیرتجاری است؛ هرچند ارزیابی نهایی این سیاست به میزان شفافیت معاملات، نحوه تخصیص منابع و آثار آن بر قیمت کالاها و تولید وابسته خواهد بود.

همتی با اشاره به تجربه ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، بر پیامدهای تثبیت غیرواقعی نرخ ارز تأکید کرد. او گفت: «برخی می‌گویند بانک مرکزی دوباره «ارزپاشی» را آغاز کرده است. البته گاهی واژه‌ها هم با هم اشتباه گرفته می‌شود. ما از اختصاص ارز به نهاده‌هایی مانند ذرت و کنجاله دفاع کرده‌ایم، اما آنچه ارزپاشی نامیده می‌شود، به معنای توزیع میلیاردها دلار ارز با نرخ ترجیحی در بازار آزاد است؛ کاری که ما انجام نمی‌دهیم. سیاست ارز ترجیحی از سال ۱۴۰۲ تا سال گذشته حدود ۷.۵ میلیارد دلار تعهد ارزی برای کشور ایجاد کرده است. بنابراین مسأله اصلی در اصلاح سیاست ارزی، تنها تغییر یک نرخ نیست؛ بلکه جلوگیری از پیش‌خور شدن منابع و بازگرداندن تخصیص ارز به یک سازوکار قابل مدیریت است.»

در همین چارچوب، افزایش ذخایر ارزی برای بانک مرکزی اهمیت راهبردی دارد. همتی می‌گوید: «بانک مرکزی خود را صرفاً فروشنده ارز نمی‌داند، بلکه در شرایطی که ارز عرضه‌شده از سوی بانک‌ها به فروش نرسد، آن را خریداری می‌کند تا ذخایر تقویت شود. این سیاست به بانک مرکزی امکان می‌دهد در زمان بروز شوک‌های جدید، ابزار مداخله در اختیار داشته باشد.»

به گفته رئیس کل بانک مرکزی «با وجود محدودیت‌های ناشی از جنگ و تحریم، بیش از ۴.۵ میلیارد دلار به ذخایر ارزی افزوده شده است.» اما افزایش ذخایر ارزی به‌تنهایی نمی‌تواند مسأله رشد و رفاه را حل کند. ذخایر، ابزار ثبات کوتاه‌مدت هستند؛ اما رشد پایدار به سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی، بهره‌وری و افزایش ظرفیت تولید نیاز دارد.» به همین دلیل، همتی میان توانایی بانک مرکزی برای اداره شرایط سخت و امکان دستیابی به رفاه پایدار تفاوت گذاشت. از نظر او، «ممکن است اقتصاد بتواند در برابر فشارهای بیرونی تاب بیاورد، اما بازگشت به مسیر توسعه نیازمند کاهش محدودیت‌ها و ایجاد منابع جدید است.»

> همتی: برخی می‌گویند بانک مرکزی دوباره «ارزپاشی» را آغاز کرده است. البته گاهی واژه‌ها هم با هم اشتباه گرفته می‌شود. ما از اختصاص ارز به نهاده‌هایی مانند ذرت و کنجاله دفاع کرده‌ایم، اما آنچه ارزپاشی نامیده می‌شود، به معنای توزیع میلیاردها دلار ارز با نرخ ترجیحی در بازار آزاد است؛ کاری که ما انجام نمی‌دهیم

یکی دیگر از محورهای مهم سخنان رئیس کل بانک مرکزی، رشد اقتصادی «نفت‌محور» بود. همتی در این باره گفت: «اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ رشد مثبت داشته، اما این رشد عمدتاً با افزایش صادرات نفت تقویت شده است. چنین رشدی در کوتاه‌مدت می‌تواند آمار تولید را بهبود دهد، اما در صورت کاهش صادرات یا افت درآمدهای نفتی، پایدار نمی‌ماند.» همتی رشد منفی ۱۳درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در فصل سوم سال ۱۴۰۴ را نشانه‌ای جدی از تضعیف ظرفیت‌های آینده اقتصاد دانست.

توقف سرمایه‌گذاری و فرسایش موتور رشد

تحلیل مسعود نیلی در این همایش بر یک واقعیت بنیادین متمرکز بود: «اقتصاد ایران طی بیش از یک دهه، نه‌تنها رشد کافی نداشته، بلکه کیفیت رشد آن نیز تضعیف شده است.» نیلی اقتصاد ایران را به سه دوره تقسیم کرد: در دوره ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶، رشد اقتصادی از کیفیت مناسبی برخوردار بود و بخش‌های مختلف اقتصاد با هماهنگی بیشتری حرکت می‌کردند. رشد مصرف خصوصی خانوارها در این دوره به‌طور متوسط سالانه ۷.۲ درصد بود و موجودی سرمایه نیز رشد ۴.۲ درصدی داشت. این ارقام نشان می‌دهد رشد اقتصادی در آن دوره، هم به سرمایه‌گذاری متکی بود و هم از بهبود بهره‌وری و استفاده بهتر از ظرفیت‌های موجود بهره می‌برد.

به گفته نیلی، پس از سال ۱۳۸۷، این تعادل از بین رفت. رشد اقتصادی نوسانی شد و اگرچه سرمایه‌گذاری همچنان در برخی سال‌ها ادامه داشت، اما بازده آن کاهش یافت. رشد مصرف خانوارها به حدود یک درصد رسید و رشد خدمات دولتی نیز به حدود ۸دهم درصد کاهش پیدا کرد. به بیان دیگر، رشد اقتصادی دیگر نتوانست به شکل معناداری به رفاه عمومی منتقل شود.

در دوره سوم، یعنی از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳، مسأله عمیق‌تر شد. میانگین رشد درآمد ناخالص ملی به حدود ۰.۲ درصد رسید و بخش‌هایی از اقتصاد، از جمله خدمات دولتی، با رشد منفی مواجه شدند. این وضعیت نشانه آن است که اقتصاد از مرحله نوسان عبور کرده و با نوعی فرسایش ظرفیت رشد روبه‌رو شده است. از نگاه نیلی، اقتصاد ایران به‌طور تاریخی اقتصادی سرمایه‌محور بوده است؛ یعنی افزایش تولید عمدتاً از مسیر افزایش موجودی سرمایه رخ داده، نه از طریق بهره‌وری و نوآوری. این ویژگی در دوره‌ای که سرمایه‌گذاری بالا و پروژه‌ها به‌درستی انتخاب و تکمیل می‌شدند، می‌توانست به رشد منجر شود. اما زمانی که سرمایه‌گذاری کاهش یابد یا منابع به پروژه‌های کم‌بازده، نیمه‌تمام و فاقد زیرساخت اختصاص پیدا کند، افزایش موجودی سرمایه الزاماً به افزایش تولید منجر نخواهد شد.

مشکل فقط کمبود سرمایه‌گذاری نیست؛ مسأله مهم‌تر، کاهش کارایی سرمایه‌گذاری است. بخشی از طرح‌هایی که در آمار موجودی سرمایه ثبت می‌شوند، به دلیل نبود برق، حمل‌ونقل، آب یا سایر زیرساخت‌ها به ظرفیت تولیدی واقعی تبدیل نمی‌شوند. به این ترتیب، منابع صرف‌شده در اقتصاد باقی می‌مانند، اما بازده لازم را ایجاد نمی‌کنند.

تحلیل نیلی از این جهت با سخنان همتی درباره رشد نفت‌محور تکمیل می‌شود. درآمد نفتی می‌تواند رشد را افزایش دهد، اما جایگزین سرمایه‌گذاری مستمر و بهره‌وری نیست. اگر منابع نفتی به توسعه زیرساخت، فناوری، سرمایه انسانی و ظرفیت تولید اختصاص پیدا نکند، اثر آن بر رشد کوتاه‌مدت و شکننده خواهد بود. در این چارچوب، سرمایه‌گذاری زمانی به رشد تبدیل می‌شود که محیط اقتصاد برای فعالیت بلندمدت قابل پیش‌بینی باشد، هزینه تأمین مالی کنترل شود، ناترازی انرژی کاهش یابد و بنگاه‌ها از آینده تجارت و سیاست‌گذاری اطمینان بیشتری داشته باشند.

تورم حاصل یک فرآیند انباشته است

تیمور رحمانی، استاد دانشگاه تهران نیز بحث خود را از تعریف تورم آغاز کرد، اما نتیجه تحلیل او به موضوعی فراتر از افزایش قیمت‌ها رسید: تورم بالا در ایران محصول یک فرآیند انباشته است که در آن رشد نقدینگی، مشکلات مالی دولت و ناترازی‌های اقتصادی یکدیگر را تقویت می‌کنند.

رحمانی با بررسی تجربه کشورها در مواجهه با شوک‌های نفتی نشان داد افزایش هزینه یا جهش قیمت انرژی، به‌تنهایی نمی‌تواند تورم‌های بسیار بالا و پایدار ایجاد کند. در بسیاری از کشورها، شوک نفتی موجب افزایش تورم شد، اما این افزایش در محدوده‌ای کنترل‌پذیر باقی ماند. در مقابل، کشورهایی که پس از شوک هزینه‌ای با تورم‌های بسیار بالا روبه‌رو شدند، معمولاً با مشکلات پولی، مالی و سیاست‌گذاری نیز مواجه بودند.

از این منظر، نرخ ارز یا شوک هزینه‌ای می‌تواند آغازگر موج افزایش قیمت باشد، اما تداوم آن به سازوکارهای داخلی اقتصاد بستگی دارد. اگر نقدینگی متناسب با تولید افزایش نیابد، اگر دولت با کسری‌های پایدار مواجه باشد و اگر شبکه بانکی منابع جدید را بدون پشتوانه تولیدی خلق کند، افزایش اولیه قیمت‌ها به تورم ماندگار تبدیل می‌شود.

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
مشاور و مجری
کلیه خدمات چاپی
چاپ افست ۲ ورقی ۴ رنگ
پلیت ستر ۴/۵ ورقی/برش و تاکنی
روزنامه
۸۴۷۱۱۵۰۵-۷
آدرس دفتر:
تهران، خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸
آدرس چاپخانه:
چهاردانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

آگهی مزایده (شماره ۰۳-۰۰۵-م)
فروش ۳۹ بشکه
روغن توربین VG32 ایرانول HBX-II
یک شرکت خصوصی معتبر در نظر دارد حدود ۸۱۱۲ لیتر (۳۹ بشکه پمپ نو-هر بشکه ۲۰۸ لیتر) روغن توربین VG32 ایرانول HBX-II مازاد خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش رساند.
۱- محل دریافت اسناد: تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی (پایین‌تر از حکیم)، انتهای خیابان ۲۴، مجتمع آفتاب، ورودی پارکینگ طبقاتی
(هماهنگی دریافت اسناد ۸۲۰۶۴۵۹۶ و ۸۲۰۶۴۵۳۸-۰۲۱)
۲- مهلت دریافت اسناد: ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی
۳- مزایده‌گزار در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.
۴- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
۵- میزان تضمین شرکت در مزایده و سایر شرایط و جزئیات در اسناد مزایده مندرج است.
۶- هزینه خرید اسناد: مبلغ ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت نقدی در محل دریافت اسناد یا تحویل اصل فیش واریز به کارت شماره: ۶۱۰۴-۳۳۷۹-۳۹۶۶-۴۱۷۱ و شناسه پرداخت: ۵۰۱۳۳۳۱۸۱۲۲
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۴۴۴۳۲۲۲ و ۰۳۱-۸۴۴۴۲۷۹۰ تماس حاصل نمایید.

آگهی مزایده عمومی
یک شرکت صنعتی واقع در اصفهان در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق برگزاری مزایده عمومی به‌فروش رساند. لذا کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی، جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۳۱۵۲۳۲۲۳۱۱-۱۶ داخلی ۸۴۴۸۸ تماس حاصل نموده و پس از هماهنگی جهت دریافت اسناد مزایده به این شرکت مراجعه نمایند.

ردیف	عنوان	مقدار قابل فروش	واحد اندازه‌گیری	توضیحات
۱	درختان آفت‌زده و خشک	۸۰۰.۰۰۰	کیلوگرم	برش، قطعه‌بندی، خارج کردن ریشه از خاک تسطیح خاک و حمل کامل درختان
۲	تنه درخت بریده‌شده	۲۵۰.۰۰۰	کیلوگرم	قطر بالای ۱۵ سانتی‌متر
۳	روغن سوخته	۲۰.۰۰۰	کیلوگرم	-

روابط عمومی شرکت صنعتی

نبض تهران با برق می‌زند — بهینه مصرف کنیم
آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
نوبت اول
شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)
شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید انواع تابلوی فشار متوسط کمپکت با اتوماسیون مورد نیاز خود از تولیدکننده داخلی واجد شرایط اقدام نماید.
شرح مختصری از کالا (نوع، کمیت و کیفیت کالا):

شماره مناقصه سامانه ستاد	۲۰۰۵۰۹۲۷۳۴۰۰۰۰۴۷
شماره مرجع مناقصه	۱۴۰۵۱۰۰۱۰۵۷۷
موضوع مناقصه	خرید انواع تابلوی فشار متوسط کمپکت با اتوماسیون
محدوده عملیاتی	ستاد راهبردی
مبلغ ضمانت‌نامه فرآیند ارجاع کار (ریال)	۳۸,۷۵۷,۲۹۷,۸۲۴ ریال
مهلت فروش اسناد	از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ لغایت تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱
تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار	تا ساعت ۹ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴
تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه	ساعت ۹ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶
ارزیابی کیفی	دارد
صلاحیت و گواهی‌نامه لازم	مناقصه‌گر می‌بایست در لیست گواهی‌های مطابقت با استاندارد تولید تابلوهای برق و پست‌های کمپکت (تابلو فشار متوسط کمپکت) شرکت توانیر باشد.
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران - خیابان شیخ بهایی جنوبی - شهرک والفجر - انتهای کوچه سوم - اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ محل بازگشایی: سالن جلسات

نوع سپرده فرآیند ارجاع کار: به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه به‌حساب جاری شماره ۰۱۰۸۰۱۱۷۱۰۰۴ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا بلوکه از حساب مطالبات تأیید شده نزد شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.
- به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
مبلغ فروش اسناد: جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۱،۵۰۰،۰۰۰ ریال به‌صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی: www.setadiran.ir اقدام به خرید اسناد نمایند. ضمناً کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران، بازگشایی پاکت‌ها و اعلام و قبول برندگی از طریق همین درگاه انجام خواهد شد و مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.
نشانی‌های کسب اطلاعات بیشتر:
- سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir
- سایت پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
- سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: http://www.tbtb.ir
- کانال اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام رسان بله به نشانی: ble.ir/join/EUhUVVuZvC
امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

فراخوان عمومی
خرید ساختمان اداری شرکت مادر تخصصی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران تابع وزارت صنعت، معدن و تجارت در راستای تأمین فضای اداری مورد نیاز خود درنظر دارد نسبت به شناسایی و خرید یک دستگاه ساختمان اداری با شرایط و مشخصات به‌شرح ذیل اقدام نماید.
الف- مشخصات فنی
- دارای زیربنای مفید اداری بین ۴ تا ۵ هزار مترمربع با سند تک برگ و گواهی پایان کار
- دارای طراحی فلت و مناسب استقرار واحدهای اداری
- دارای سالن جلسات استاندارد
- دارای نمازخانه و فضای رستوران
- دارای سیستم مجهز گرمایشی و سرمایشی
- دارای دو لاین آسانسور
- دارای حداقل ۸۰ واحد پارکینگ خودرو
ب- محدوده مکانی:
ساختمان مورد نظر باید در محدوده شهر تهران شامل میدان ونک، میدان آرژانتین، خیابان ملاصدرا، بلوار میرداماد، خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان سئول، خیابان شیخ بهایی و خیابان گاندی باشد.
لذا از مالکان محترم، انبوه سازان، شرکت‌های ساختمانی، فعالان حوزه املاک و مستغلات که دارای ساختمان با مشخصات فوق می‌باشند، دعوت می‌شود برای ارائه پیشنهادات و انجام فرآیندهای کارشناسی در اسرع وقت نسبت به ارسال و تحویل مدارک خود در ساعات اداری روزهای شنبه تا چهارشنبه به نشانی زیر اقدام نمایند:
نشانی: بزرگراه کردستان، بالاتر از پل ملاصدرا، خیابان عطار، خیابان نیروی انتظامی، پلاک ۱۰ و یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۸۷۷۰۹۲۱-۹ (داخلی ۳۲۲) و شماره همراه: ۰۹۱۲۰۲۳۰۱۹۳ (آقای حمیدی) تماس حاصل نمایند.
روابط عمومی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران

خبر

توسعه تجدیدپذیرها برای کاهش ناترازی برق

توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر و استفاده از سرمایه‌های مردمی، در ماه‌های اخیر به یکی از محورهای سیاست‌گذاری در صنعت برق تبدیل شده است؛ رویکردی که هدف آن افزایش ظرفیت تولید، کاهش فشار بر شبکه و تقویت مشارکت بخش خصوصی عنوان می‌شود. با این حال، مسئولان تأکید دارند که تجدیدپذیرها به‌تنهایی نمی‌توانند ناترازی برق را برطرف کنند و مدیریت مصرف و توسعه سایر نیروگاه‌ها نیز باید هم‌زمان دنبال شود.
مالک شریعتی‌نیاسر، عضو کمیسیون انرژی مجلس، در حاشیه کنفرانسی با موضوع توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، با اشاره به شرایط کشور در مواجهه با تحریم‌ها گفت: «توسعه ظرفیت‌های پراکنده و تجدیدپذیر می‌تواند آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی را کاهش دهد.» به گفته او، استفاده از سرمایه‌های خرد و توانمندی‌های مردم در احداث نیروگاه‌ها، یکی از راه‌های افزایش تاب‌آوری صنعت برق است.
او با اشاره به اقدامات دولت چهاردهم در این زمینه اظهار کرد مجلس با انجام وظایف نظارتی، روند توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را پیگیری می‌کند. شریعتی‌نیاسر همچنین توسعه این نیروگاه‌ها را اقدامی مکمل برای تأمین برق و کاهش ریسک‌های ناشی از تمرکز ظرفیت تولید عنوان کرد.
محسن طرزطلب، مدیرعامل سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی ایران، نیز درباره نقش این نیروگاه‌ها در رفع ناترازی برق گفت: تجدیدپذیرها تنها بخشی از راه‌حل هستند. به گفته او، ضریب تولید نیروگاه‌های بادی حدود ۲.۵ برابر نیروگاه‌های خورشیدی است و از این منظر، سرمایه‌گذاری در بخش باد می‌تواند بازده بیشتری داشته باشد. با این حال، توسعه انرژی خورشیدی، مدیریت مصرف و افزایش ظرفیت نیروگاه‌های دیگر باید در کنار یکدیگر پیش برود.
طرزطلب از برنامه ساتبا برای تأمین مالی پروژه‌ها از طریق بانک‌ها و صندوق پروژه خبر داد و گفت: در مرحله اول، پذیره‌نویسی پنج همت از سهام نیروگاه‌ها در بورس دنبال می‌شود. در صورت صدور مجوز، مردم و اشخاص حقوقی می‌توانند در این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری کنند و از درآمد حاصل از فروش برق بهره‌مند شوند.
بر اساس اعلام مدیرعامل ساتبا، حدود ۵۰۰ مگاوات پروژه تجدیدپذیر در مراحل مختلف ساخت قرار دارد و میانگین پیشرفت آنها به ۶۲ درصد رسیده است. از این میزان، ۲۵۰ مگاوات امکان اتصال به شبکه را دارد. در بخش نیروگاه‌های بادی نیز چند پروژه در دست اجراست که قرار است بخشی از آنها پیش از اوج مصرف سال آینده وارد مدار شود.

در یک سال مدیریت مصرف سوخت، دولت چه اقداماتی انجام داد؟

راه‌حل ناترازی بنزین، تک‌نسخه‌ای نیست

گزارش

در دوره ۴۰روزه جنگ تحمیلی اخیر، تأمین سوخت تنها به میزان تولید داخل وابسته نبود. محدود شدن مسیرهای دریایی می‌توانست واردات برخی فرآورده‌ها را با مشکل مواجه کند و همزمان پالایشگاه‌ها و دیگر زیرساخت‌های انرژی نیز در معرض تهدید قرار گیرند.
در روزهای ابتدایی جنگ اخیر، وزارت نفت و شرکت ملی پالایش و پخش با انجام تعمیرات اضطراری، جابه‌جایی ظرفیت‌های تولید و بازآرایی شبکه توزیع تلاش کردند از بروز اختلال گسترده در عرضه بنزین جلوگیری کنند. در نتیجه، با وجود شرایط بحرانی، توزیع سوخت در بیشتر مناطق کشور ادامه یافت و کمبود فراگیر در جایگاه‌های عرضه رخ نداد. با این حال، همان‌طور که اسماعیل سقاب اصفهانی، رئیس سازمان بهینه‌سازی انرژی، اعلام کرده است، برخلاف برخی روایت‌ها، نه همه پالایشگاه‌ها از کار افتاده‌اند و نه می‌توان آسیب‌های واردشده را ناچیز دانست. بخشی از شبکه گاز و سوخت کشور آسیب دیده و جبران این خسارت‌ها به زمان و منابع مالی قابل توجه نیاز دارد. در چنین شرایطی، بازار سوخت بیش از گذشته تحت تأثیر محدودیت‌های داخلی و خارجی قرار می‌گیرد. ایران از ظرفیت قابل توجهی در تولید و پالایش فرآورده‌های نفتی برخوردار است، اما رشد مصرف بنزین در سال‌های اخیر از رشد تولید پیشی گرفته است. میانگین مصرف روزانه بنزین کشور حدود ۱۳۰ تا ۱۳۵ میلیون لیتر است، در حالی که تولید کشور پیش از جنگ حدود ۱۱۰ تا ۱۱۵ میلیون لیتر بود و روزانه ۲۰ تا ۲۵ میلیون لیتر واردات انجام می‌شد. به همین دلیل، هرگونه محدودیت در واردات یا اختلال در مسیرهای تجاری، تأمین و عرضه بنزین را با دشواری بیشتری مواجه می‌کند. در این میان، مدیریت مصرف دیگر صرفاً توصیه‌ای برای صرفه‌جویی نیست، بلکه به یکی از الزامات حفظ امنیت انرژی کشور تبدیل شده است. اصلاح قیمت سوخت، کاهش مصرف خودروهای فرسوده، توسعه حمل‌ونقل عمومی، بازگرداندن CNG به سبد سوخت، ارتقای استاندارد خودروها و استفاده از خودروهای کم‌مصرف، مجموعه اقداماتی است که می‌تواند فشار وارد بر شبکه تأمین بنزین را کاهش دهد.

تلاش دولت برای مدیریت تدریجی مصرف سوخت

پس از نزدیک به شش سال ثبات قیمت بنزین، افزایش هزینه‌های تولید، رشد تورم، افزایش تعداد خودروها و رشد سالانه مصرف سوخت، کشور را با چالش ناترازی بنزین، افزایش واردات و تشدید قاچاق سوخت روبه‌رو کرد. با توجه به حساسیت‌های اجتماعی اصلاح قیمت بنزین، دولت تلاش کرد به جای اتخاذ تصمیمی ناگهانی، مجموعه‌ای از سیاست‌های تدریجی را برای مدیریت مصرف و هدفمند کردن یارانه سوخت اجرا کند.
مهم‌ترین اقدام دولت در سال گذشته، اجرای طرح سه‌نرخی بنزین در آذر ۱۴۰۴ بود. در این طرح، نرخ‌های یارانه‌ای برای مصرف متعارف حفظ شد و مصرف مازاد یا استفاده برخی گروه‌ها، از جمله خودروهای پرمصرف، چندخودرویی و خودروهای خارج از ضوابط، مشمول نرخ سوم شد. دولت اعلام کرد هدف این طرح، افزایش قیمت برای عموم مردم نیست، بلکه تفکیک مصرف متعارف از مصرف مازاد، کاهش فشار بر منابع سوختی و هدفمند کردن یارانه‌هاست.
یکی از نتایج اجرای این سیاست، افزایش استفاده از کارت سوخت شخصی و کاهش سهم کارت جایگاه‌ها بود. در کنار اصلاح نظام قیمت‌گذاری، توسعه سوخت‌های جایگزین نیز در دستورکار قرار گرفت. طرح رایگان دوگانه‌سوز کردن خودروها با هدف کاهش مصرف بنزین آغاز شد و برنامه افزایش استفاده از CNG با سرعت بیشتری دنبال شد. همچنین دولت در ماه‌های پایانی سال از ورود تدریجی LPG به سبد سوخت کشور خبر داد تا تنوع سوخت در بخش حمل‌ونقل افزایش یابد.
توسعه حمل‌ونقل پاک نیز از دیگر محورهای اقدامات دولت بود. صدور مجوز احداث ایستگاه‌های شارژ خودروهای برقی، راه‌اندازی تعدادی از این ایستگاه‌ها و آغاز برنامه برقی‌سازی بخشی از ناوگان تاکسیرانی، از گام‌های اولیه برای کاهش وابستگی حمل‌ونقل به بنزین به شمار می‌رود.
در جدیدترین اقدام نیز اجرای طرح اتصال سهمیه سوخت به کارت بانکی در دستورکار قرار گرفت. این طرح با هدف حذف تدریجی کارت سوخت فیزیکی، شفاف‌سازی شبکه توزیع و مدیریت هوشمند مصرف سوخت به تصویب رسیده و مقدمات اجرایی آن فراهم شده است.

ترکیب سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی برای مهار ناترازی

برخی کارشناسان معتقدند تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد اتکا به یک ابزار مشخص، چه سیاست‌های قیمتی و چه سیاست‌های غیرقیمتی، به‌تنهایی نمی‌تواند ناترازی سوخت را برطرف کند و موفقیت در این حوزه به اجرای همزمان هر دو دسته سیاست نیاز دارد. مصطفی سعیدی، کارشناس انرژی، در گفت‌وگو با «ایران» با ارزیابی سیاست‌های دولت در سال گذشته گفت: «مصرف سوخت در سال‌های گذشته به‌درستی مدیریت نشده و اکنون برای اصلاح این روند باید تصمیم‌های جدی گرفت.» به گفته او، عوامل مختلفی در افزایش مصرف سوخت نقش داشته‌اند که مهم‌ترین آنها الگوی نامناسب مصرف و نبود سازوکارهای مؤثر قیمتی است. این کارشناس انرژی تأکید کرد، اصلاح رفتار مصرف‌کنندگان بدون استفاده از ابزارهای اقتصادی امکان‌پذیر نیست. سعیدی با اشاره به دیدگاه برخی منتقدان اصلاح قیمت سوخت اظهار کرد: «بسیاری از مخالفان سیاست‌های قیمتی، راهکار مشخصی برای مدیریت مصرف ارائه نمی‌کنند و صرفاً بر سهمیه‌بندی تأکید دارند؛ در حالی که حتی در صورت اجرای نظام سهمیه‌بندی نیز تعیین تکلیف قیمت مصرف مازاد اجتناب‌ناپذیر است.» او افزود: «اگر فردی سهمیه خود را مصرف کرده باشد، سوخت مورد نیازش را با چه قیمتی باید تهیه کند؟ این پرسش اصلی است که مخالفان سیاست‌های قیمتی باید به آن پاسخ دهند. حتی اگر بنزین بر اساس کد ملی یا هر شیوه دیگری توزیع شود، برای مصرف بیش از سهمیه باید قیمت مشخصی تعیین شود. بنابراین مخالفت صرف با اصلاح قیمت سوخت، بدون ارائه راهکار عملی، پاسخگوی چالش ناترازی نخواهد بود.

> اتکا به یک ابزار مشخص، چه سیاست‌های قیمتی و چه سیاست‌های غیرقیمتی، به‌تنهایی نمی‌تواند ناترازی سوخت را برطرف کند و موفقیت در این حوزه به اجرای همزمان هر دو دسته سیاست نیاز دارد

حفظ مصرف متعارف و اصلاح تدریجی مصرف مازاد

این کارشناس انرژی، حفظ نرخ سهمیه‌های اول و دوم و اصلاح تدریجی نرخ سهمیه سوم را تصمیمی منطقی دانست و گفت: «بخش عمده مردم نیاز روزانه خود را از طریق سهمیه‌های اول و دوم تأمین می‌کنند و دولت نیز تغییری در این بخش ایجاد نکرده است.» به گفته سعیدی، «اصلاح تدریجی و ملایم نرخ سهمیه سوم می‌تواند هم از مصرف بی‌رویه جلوگیری کند و هم مانع وارد شدن فشار ناگهانی به مردم شود. این روند باید به‌گونه‌ای باشد که خانوارها فرصت تطبیق با شرایط جدید را داشته باشند و همزمان انگیزه لازم برای مدیریت مصرف ایجاد شود.» او با اشاره به شرایط اقتصادی و امنیتی کشور تأکید کرد: «تصمیم‌گیری درباره مصرف سوخت باید متناسب با واقعیت‌های موجود انجام شود. کشور با محدودیت‌های اقتصادی، فشارهای خارجی و مخاطرات ناشی از جنگ و ناامنی‌های منطقه‌ای روبه‌روست و در چنین شرایطی، نمی‌توان تنها با اتکا به واردات، نیاز سوختی کشور را تأمین کرد.»
واردات سوخت علاوه بر دشواری‌های تأمین، منابع ارزی کشور را نیز تحت فشار قرار می‌دهد و ادامه این روند می‌تواند آثار اقتصادی گسترده‌ای داشته باشد. اگر مصرف کنترل نشود، افزایش واردات سوخت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ موضوعی که به کاهش منابع ارزی، تشدید کسری‌ها و افزایش فشارهای تورمی منجر می‌شود. سعیدی گفت: «دولت باید واقعیت‌های اقتصادی کشور و هزینه‌های ناشی از افزایش مصرف سوخت را به صورت شفاف برای مردم توضیح دهد.» از نگاه او، توسعه CNG، گسترش خودروهای برقی و دیگر راهکارهای کاهش مصرف انرژی نشان می‌دهد مدیریت ناترازی سوخت تنها به اصلاح قیمت محدود نشده و مجموعه‌ای از سیاست‌های مکمل نیز در حال پیگیری است. وی تأکید کرد: «موفقیت هرگونه اصلاح در حوزه سوخت، علاوه بر تصمیم‌گیری صحیح، به همراهی افکار عمومی نیاز دارد. مدیریت پایدار مصرف زمانی محقق می‌شود که سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی به صورت همزمان اجرا شود و جامعه نیز نسبت به ضرورت این سیاست‌ها اقناع شود. کنترل مصرف سوخت می‌تواند به حفظ منابع ملی، کاهش فشار بر بودجه، جلوگیری از افزایش واردات و کاهش آثار تورمی در اقتصاد کمک کند.»

نوبت دوم
ایرانول
مناقصه عمومی
۹۰۰ عدد پالت پلاستیکی
شرکت نفت ایرانول در نظر دارد مقدار ۹۰۰ عدد پالت پلاستیکی مصرفی خود را از طریق مناقصه عمومی و این آگهی به انجام رساند. از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مدت ده روز کاری از تاریخ درج آگهی جهت اخذ اسناد و شرایط عمومی مناقصه با در دست داشتن مهر شرکت و معرفی‌نامه از ساعت ۸ الی ۱۲ ظهر به آدرس: تهران باقر شهر بلوار پالایشگاه (شهید تند گویان) بعد از نگهبانی اول انتهای خیابان باسکول، درب پرسنلی شرکت نفت ایرانول واحد بازرگانی داخلی مراجعه نمایند. درصورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۵۵۲۲۵۵۳۵ تماس حاصل فرمایید.

نوبت دوم
ایرانول
آگهی مناقصه عمومی
تهیه، نصب و راه‌اندازی دو مجموعه PLC سیستم کنترل واحد ظروفسازی
شرکت نفت ایرانول در نظر دارد تهیه، نصب و راه‌اندازی دو مجموعه **PLC** سیستم کنترل واحد ظروفسازی خود را از طریق مناقصه عمومی و این آگهی به انجام رساند. از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مدت ده روز کاری از تاریخ درج آگهی جهت اخذ اسناد و شرایط عمومی مناقصه با در دست داشتن مهر شرکت و معرفی‌نامه از ساعت ۸ الی ۱۲ ظهر به آدرس: تهران باقر شهر بلوار پالایشگاه (شهید تند گویان) بعد از نگهبانی اول انتهای خیابان باسکول، درب پرسنلی شرکت نفت ایرانول واحد بازرگانی داخلی مراجعه نمایند.

نوبت دوم
ایرانول
آگهی مناقصه عمومی
خرید ۷ عدد رله‌های اشنایدر
شرکت نفت ایرانول در نظر دارد **خرید ۷ عدد رله‌های اشنایدر خود** را از طریق مناقصه عمومی و این آگهی به انجام رساند. از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مدت ده روز کاری از تاریخ درج آگهی جهت اخذ اسناد و شرایط عمومی مناقصه با در دست داشتن مهر شرکت و معرفی‌نامه از ساعت ۸ الی ۱۲ ظهر به آدرس: تهران باقر شهر بلوار پالایشگاه (شهید تند گویان) بعد از نگهبانی اول انتهای خیابان باسکول، درب پرسنلی شرکت نفت ایرانول واحد بازرگانی داخلی مراجعه نمایند.

دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت خدماتی مرتع (سهامی خاص) به‌شماره ثبت ۶۸۹۲۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۸۶۹۳
بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ در محل شرکت واقع در خیابان قائم مقام فراهانی، کوچه میرزاحسنی، پلاک ۱۲، واحد ۱۰ تشکیل می‌گردد حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه:
۱- انتخاب و تعیین سمت مدیران
۲- تعیین دارندگان حق امضا
هیات‌مدیره شرکت خدماتی مرتع (سهامی خاص)

آگهی مزایده
فروش آهن آلات ضایعاتی
یک سازمان عمومی غیردولتی در نظر دارد آهن آلات ضایعاتی خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. لذا از کلیه متقاضیان خرید دعوت می‌نماید جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ و ارائه پیشنهاد از مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۱۵ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس (setadiran.ir) مراجعه نمایند. همچنین به‌منظور کسب اطلاعات بیشتر و رؤیت کالا با شماره تلفن‌های ۲۲۸۴۳۶۹۴ و۱۱- ۲۳۷۳۳۰۱۰ تماس و با هماهنگی در ساعات اداری به نشانی تهران خیابان پاسداران، بالاتر از نگارستان هشتم، پلاک ۱۹۱ مراجعه فرمایند.
م الف ۱۳۰۲ شناسه ۲۲۳۱۹۵۳

نوبت اول
آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی ساده
شماره: ۸۷۱۵۰۰۴۰
شرکت انتقال گاز ایران منطقه ۸ عملیات انتقال گاز
۱- کد فراخوان در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات: ۱۰۵۳۷۴۷۴۵
۲- شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۵۰۹۱۵۹۲۰۰۰۰۰۹
۳- موضوع: تجدید مناقصه خرید بیرینگهای توربین D-336-2 با ارزیابی ساده تقاضای شماره ۴۵۷۲۸۰۴۱۳۰ به مدت ۹ ماه تقویمی
۴- نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۸ عملیات انتقال گاز)/ تبریز، کیلومتر ۱۵ جاده آذرشهر
۵- میزان و نوع تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار: ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال مطابق بند الف ماده ۵ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (تصویب‌نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲) در وجه شرکت انتقال گاز ایران، منطقه ۸ عملیات انتقال گاز
۶- آخرین مهلت دانلود (دریافت) اسناد مناقصه و فرم‌ها: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ ساعت ۱۰:۰۰
۷- آخرین مهلت بارگذاری (عودت) اسناد مناقصه و فرم‌ها: روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ ساعت ۱۱:۰۰
۸- زمان گشایش پاکات: روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ ساعت ۱۰:۰۰ اتاق کمیسیون مناقصات.
۹- پیش پرداخت: ۲۰ درصد قیمت پیشنهادی
جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی www.nigcdist8.ir مراجعه فرمایید.
شناسه ۲۲۲۹۷۱۰ روابط عمومی منطقه ۸ عملیات انتقال گاز ایران

سایپا
مناقصه عمومی - فیزیکی
تأمین ۷۵۰۰ دست لباس نخی رنگ‌کاری یک تکه (لباس یکسره نقاشی)
شرکت سایپا در نظر دارد نسبت به تأمین ۷۵۰۰ دست لباس نخی رنگ‌کاری یک تکه (لباس یکسره نقاشی)طی مناقصه عمومی فیزیکی از شرکت‌های واجد شرایط اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه صرفاً به سایت اینترنتی WWW.SAIPACORP.COM دیواره سمت چپ - بخش مناقصه و مزایده‌ها - مناقصه الکترونیکی - خرید کالا مراجعه نمایند.
همچنین ما را در https://pur.saipacorp.com و https://auc.saipacorp.com دنبال کنید.
معاونت خرید گروه - مدیریت خدمات بازرگانی

سایپا
مناقصه عمومی - فیزیکی
تأمین ۴۰۰۰ جفت دستکش برزنتی ضد برش ساق بلند
شرکت سایپا در نظر دارد نسبت به تأمین ۴۰۰۰ جفت دستکش برزنتی ضد برش ساق بلند طی مناقصه عمومی فیزیکی از شرکت‌های واجد شرایط اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه صرفاً به سایت اینترنتی WWW.SAIPACORP.COM دیواره سمت چپ - بخش مناقصه و مزایده‌ها - مناقصه الکترونیکی - خرید کالا مراجعه نمایند.
همچنین ما را در https://pur.saipacorp.com و https://auc.saipacorp.com دنبال کنید.
معاونت خرید گروه - مدیریت خدمات بازرگانی

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای ۵۲۵۰۴۸۶۳
نوبت دوم
KSC
شرکت فولاد خوزستان در نظر دارد انجام فعالیت اجرایی ذیل را طبق شرح کار و خدمات تدوین شده مندرج در اسناد مناقصه پس از ارزیابی کیفی از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لازم به ذکر است با توجه به اینکه اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه از طریق وب‌سایت مدیریت تأمین‌کنندگان به آدرس الکترونیکی https://pim.ksc.ir انجام خواهد شد. ضروری است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
الف - موضوع مناقصه: تخلیه و شارژ مخازن جاذب سولفورزدا
ب - شرح مختصری از مشخصات و مقادیر کار:
ج - محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل انجام خدمات / پروژه در واحد عمومی احیا
شرکت فولاد خوزستان و مدت اجرای قرارداد از تاریخ ابلاغ شروع به‌کار توسط کارفرما ۱۲ ماه می‌باشد.
د - شرایط مناقصه‌گران متقاضی:
- داشتن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه (با توجه به نوع مناقصه)
- دارا بودن رتبه‌بندی متناسب با موضوع مناقصه از سازمان برنامه و بودجه کشور (حسب مورد)
- داشتن سابقه مفید در رابطه با موضوع مناقصه و حسن شهرت در فعالیت‌های گذشته براساس رزومه کاری و توان فنی و مهندسی
- دارا بودن صلاحیت ایمنی معتبر از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر اساس ماده ۲ و ۳ آیین‌نامه ایمنی امور پیمانکاری مصوب وزارت کار و امور اجتماعی در تاریخ ۱۳۸۹/۰۳/۰۵
- دارا بودن گواهی صلاحیت معتبر از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۸۳۲۶ /ت ۲۷۰۵۶ هـ مورخ ۸۱/۰۹/۰۵ هیأت محترم وزیران درخصوص انجام خدمات موضوع مناقصه
- توانایی ارائه ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه به مبلغ ۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (ریال)
- توانایی تهیه ضمانت‌نامه انجام تعهدات (درصورت برنده شدن) به میزان ۵٪ بار مالی پیمان براساس نرخ پیشنهادی
- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر اولویت با شرکت‌های بومی استانی است.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه از اساسنامه شرکت‌نامه و آگهی تأسیس و آخرین آگهی تغییرات ثبت شده در روزنامه رسمی کشور و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.
هـ - محل و مهلت و چگونگی دریافت مدارک مناقصه‌گران:
از کلیه متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید پس از انتشار آگهی در این فراخوان و حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ با مراجعه به نشانی اینترنتی فوق‌الذکر ضمن تکمیل فرآیند ثبت‌نام و تأیید نهایی آن و ارسال درخواست اعلام آمادگی از طریق وب‌سایت مذکور نسبت به بارگذاری مدارک مورد نیاز به‌همراه مستندات مربوطه مطابق با اطلاعات درخواست شده در وب‌سایت اقدام نمایید تا ارزیابی لازم وفق آیین‌نامه و دستورالعمل ارزیابی کیفی شرکت فولاد خوزستان بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به‌عمل آید.
تأکید می‌گردد اعلام آمادگی و ارسال مدارک، هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه‌های آتی این شرکت ایجاد ننموده و مدارک الصاقی و همچنین کسب امتیاز براساس معیارهای ارزیابی کیفی و توانمندی‌های بهداشتی و زیست‌محیطی (HSE) می‌باشد.
ضمناً اسناد مناقصه برای متقاضیان واجد شرایط در مرحله ارزیابی کیفی نیز از طریق آدرس مذکور قابل دریافت خواهد بود. همچنین زمان برگزاری جلسه توجیهی (سایت ویزیت) پیش از اعلام قیمت، زمان تحویل و گشایش پاکات در اسناد مناقصه درج شده است.
(ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.)
و - نام و نشانی کارفرما:
خوزستان- اهواز - ابتدای بزرگراه خلیج‌فارس - بلوار فولاد خوزستان - شرکت فولاد خوزستان - کدپستی: ۶۱۷۸۸۰۱۳۱۱۱
ضمناً متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۰۹۸۶۱۳۲۱۳۶۴۱۳ آقا/خانم احسان سلطانی‌منش (کارشناس امور قراردادها) تماس حاصل فرمایند.
روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

نگاهی به الگوی رفتاری ایرانیان در شرایط جنگ بنا بر داده‌های ایران‌شناسی

راز تاب‌آوری تمدن ایرانی

قدرت تمدن ایرانی در تداوم و نوسازی
راز ماندگاری این سرزمین در روزگار دشوار است

ایرانشناسی

محمود جعفری دهقی
رئیس انجمن ایرانشناسی
و استاد دانشگاه تهران

تاریخ ایران تنها روایت جنگ‌ها و دگرگونی‌های سیاسی نیست، بلکه تاریخ تداوم یک تمدن کهن است که در طول سده‌ها، بارها با تهاجم و بحران روبه‌رو شده و هر بار به شیوه‌ای متفاوت توانسته هویت و بنیان‌های فرهنگی خود را حفظ کند. دکتر محمود جعفری دهقی، ایرانشناس، در این گفتار، با تکیه بر داده‌های ایران‌شناسی، می‌کوشد الگویی از رفتار تاریخی ایرانیان در مواجهه با جنگ و تهاجم را بازخوانی کند؛ الگویی که از دفاع و مقاومت آغاز می‌شود، با نقش‌آفرینی نخبگان در ساختار قدرت ادامه می‌یابد و در نهایت به بازسازی و غلبه فرهنگی می‌انجامد. او بر این باور است که شناخت این تجربه تاریخی، می‌تواند در مواجهه ما با شرایط جنگی راهگشا باشد. مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی اوست که در نشست «جنگ اخیر از منظر علوم انسانی» در مرکز نشر دانشگاهی ارائه شده است.

تمدن ایران در روزگار باستان از درخشش ویژه‌ای برخوردار بود و شناخت آن، می‌تواند برای بسیاری از مسائل امروز ما راهگشا باشد. چنین مقایسه‌ای این امکان را فراهم می‌کند که دریابیم چه عواملی در گذشته موجب شکل‌گیری و تداوم تمدن ما شده و چه عناصری امروز کمرنگ یا غایب است.

الگوی ایرانی بقا

در بررسی‌های ایران‌شناختی، به الگویی برخورده‌ام که به نظر می‌رسد نیاکان ما در طول تاریخ، هنگام مواجهه با تهاجمات و بحران‌های بزرگ، بارها براساس آن عمل کرده‌اند. این الگو را می‌توان در چهار مرحله خلاصه کرد؛ اول، دفاع در برابر تهاجم است؛ امری که طبیعی‌ترین واکنش هر جامعه در برابر حمله بیگانگان به شمار می‌رود. اگر این دفاع به نتیجه نمی‌رسید و مهاجم وارد سرزمین ایران می‌شد، مرحله دوم آغاز می‌شد؛ یعنی شکل‌گیری خیزش‌ها و قیام‌های محلی در نقاط مختلف کشور. مردم در جای‌جای این سرزمین، به شیوه‌های گوناگون مخالفت خود را با سلطه بیگانه نشان می‌دادند.

مرحله سوم، ورود نخبگان ایرانی به ساختار حکومت مهاجم بود. ایرانیان با تکیه بر تجربه دیرینه خود در اداره کشور و سنت کهن دیوان‌سالاری، به تدریج در ساختار قدرت نفوذ می‌کردند و از درون، آن را دگرگون می‌ساختند. سرانجام، مرحله چهارم رخ می‌داد؛ یعنی تغییر تدریجی رویکرد قوم مهاجم بر اثر تأثیرپذیری از فرهنگ و شیوه حکمرانی ایرانی. نمونه شناخته‌شده این روند را می‌توان در دوره مغول مشاهده کرد؛ جایی که مغولان در نهایت تحت تأثیر فرهنگ، هنر، دین و سنت‌های ایرانی، مسیر متفاوتی را در پیش گرفتند.

چهار گام تاریخی ایران در رویارویی با بحران

این الگوی چهارگانه را می‌توان، با تفاوت‌هایی در هر دوره، در بخش‌های مختلف تاریخ ایران مشاهده کرد و برای آن شواهد متعددی به دست داد. اولین نمونه به دوره هخامنشی بازمی‌گردد. تمدنی که در این عصر شکل گرفت، به الگویی برای جهان باستان تبدیل شد. به نظر می‌رسد پیش از شکل‌گیری حکومت هخامنشی، بر اثر تعامل سنت‌های فکری اقوام مهاجر آریایی، اقوام بومی ایران ـ همچون ایلامیان و کاسیان ـ و نیز تمدن‌های همسایه میان‌رودان، از جمله بابلیان، زمینه‌ای برای شکل‌گیری اندیشه‌ای مشترک در این سرزمین پدید آمده بود. در چنین فضایی، پرسش‌های فلسفی درباره آفرینش، چرایی زندگی و سرانجام انسان مطرح شد. بازتاب این پرسش‌ها و پاسخ‌ها را می‌توان در اوستا از سنت‌های رایج فرمانروایی در جهان باستان متمایز می‌کند. همین نگرش، یکی از پایه‌های تمدنی شد که ایرانیان تا امروز نیز به آن افتخار می‌کنند.

اما در اواخر دوره هخامنشی، هنگامی که ساختار مدیریتی و توان اداره کشور رو به ضعف نهاد، زمینه برای پیشروی اسکندر مقدونی فراهم شد. در این مرحله، اولین بخش از همان الگوی تاریخی رخ داد؛ آریوبرزن و دیگر سرداران ایرانی در برابر مهاجم مقاومت کردند، هرچند نتوانستند مانع پیشروی او شوند. پس از آن، در نقاط مختلف سرزمین ایران مقاومت‌ها و خیزش‌هایی علیه سلطه مقدونیان شکل گرفت؛ رخدادی که جانشینان اسکندر نیز با آن روبه‌رو بودند. از سوی دیگر، بنا بر گزارش مورخان باستان، خود اسکندر نیز به تدریج برخی سنت‌ها و نمادهای هخامنشی را پذیرفت؛ از جمله با بانوی ایرانی ازدواج کرد و از پوشش و آیین‌های ایرانی بهره گرفت. این روند، در کنار حضور تدریجی نخبگان ایرانی در ساختار حکومت، زمینه را برای دگرگونی حکومت جانشینان اسکندر و احیای دوباره سنت‌های سیاسی و فرهنگی ایران فراهم ساخت.

> تمدن ایرانی بر پایه فرهنگ، هنر، دانش و تجربه حکمرانی شکل گرفته است. اگر ظرفیت‌های این تمدن به‌درستی شناخته و تقویت شوند، ایران همچنان می‌تواند خود را با شرایط جدید سازگار و مسیر تداوم و بالندگی را دنبال کند

قدرت فرهنگ فراتر از قدرت شمشیر

با برآمدن اشکانیان، جلوه دیگری از همین روند تاریخی را می‌توان مشاهده کرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره، توجه دوباره به هویت ایرانی و احیای عناصر فرهنگی و سیاسی ایران بود. از جمله، خط و زبان پهلوی اشکانی به تدریج جایگاه رسمی یافت و به نماد هویت سیاسی و فرهنگی این دولت تبدیل شد. این تحول، بخشی از کوشش اشکانیان برای احیای سنت‌های ایرانی بود. از رخدادهای مهم این دوره، شکل‌گیری و گسترش سنت حماسی ایران است. داستان‌هایی که بعدها فردوسی آنها را در شاهنامه به نظم کشید، قرن‌ها پیش از او در میان ایرانیان رواج داشت. در منابع از گروه‌هایی با عنوان «گوسان‌ها» یاد شده است؛ خنیاگران و روایتگرانی که در شهرها و روستاها با ساز و آواز، داستان دلاوری‌های پهلوانان و قهرمانان ایرانی را برای مردم بازگو می‌کردند و بدین ترتیب در حفظ حافظه تاریخی و هویت فرهنگی ایران نقش مهمی داشتند. شواهد نشان می‌دهد که برخی از این روایت‌های حماسی، در میان دیگر اقوام ایرانی، بویژه در سرزمین سُغد و فرارود، شناخته شده و نقل می‌شده است. در کنار این میراث فرهنگی، رسمیت یافتن زبان و خط پهلوی اشکانی نیز در تقویت هویت ایرانی، نقش مؤثری ایفا کرد و زمینه استمرار بسیاری از سنت‌های فرهنگی ایران را فراهم ساخت.

با آغاز دوره ساسانی، تا زمانی که مدیران و زمامداران کشور به دانش، فرهنگ و سامان اداری توجه داشتند، روند شکوفایی تمدن ایرانی ادامه یافت. از جمله اینکه در این دوره، دانشگاه جندی‌شاپور بنیان نهاده شد؛ مرکزی که به یکی از مهم‌ترین نهادهای علمی و آموزشی جهان آن روزگار تبدیل شد.

تداوم یک سنت تاریخی

با ورود به دوره اسلامی نیز می‌توان همان الگوی چهارگانه را، البته با اقتضائات این دوره، مشاهده کرد. ایران در آن زمان از تجربه‌ای چندصدساله در اداره سرزمین برخوردار بود؛ تجربه‌ای که از دوره هخامنشی آغاز شده و در عصر ساسانی به اوج رسیده بود. سازمان گسترده دیوان‌سالاری ساسانی، با دستگاه‌های گوناگون اداری و مالی، پشتوانه‌ای ارزشمند برای انتقال تجربه‌های حکمرانی به دوره جدید به شمار می‌رفت. با تکیه بر همین تجربه، بسیاری از نخبگان ایرانی در دستگاه خلافت به مسئولیت‌های مهم دیوانی و اداری دست یافتند و به تدریج در شکل‌گیری نظام اداری، علمی و فرهنگی جهان اسلام نقش‌آفرین شدند. از این منظر، سهم ایرانیان در شکوفایی «عصر طلایی تمدن اسلامی» بسیار چشمگیر است.

مرحله پایانی این الگو را می‌توان در استمرار و بازآفرینی فرهنگ ایرانی مشاهده کرد. با وجود دگرگونی سیاسی، زبان ایرانی از میان نرفت. زبان پهلوی در روند تحول تاریخی خود به فارسی دری رسید و این زبان، با پذیرش واژگان و مفاهیم تازه، به حیات خود ادامه داد و به یکی از مهم‌ترین زبان‌های فرهنگی جهان اسلام تبدیل شد. بدین ترتیب، فرهنگ ایرانی توانست در قالبی نو، حیات و پویایی خود را حفظ کند.

اگر این روند را در دوره مغول نیز دنبال کنیم، باز الگوی مشابهی مشاهده می‌شود. مغولان در آغاز با خشونتی کم‌سابقه به ایران حمله کردند، اما در گذر زمان، تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایران قرار گرفتند. بسیاری از آنان از هنر، معماری، ادب و دانش ایرانی حمایت کردند. این الگو، با تفاوت‌هایی، در دوره‌های بعد نیز کمابیش قابل مشاهده است.

و دیگر آثار بازمانده از ایران باستان مشاهده کرد. همچنین، اندیشه شهریاری ایرانی نیز در همین بستر شکل گرفت. کوروش هخامنشی را می‌توان ادامه‌دهنده همین سنت فکری دانست.

از همین رو، در حالی که بخش مهمی از کتیبه‌های سلطنتی تمدن‌های میان‌رودان بر فتوحات نظامی و جنگ‌ها تأکید دارند، کتیبه کوروش تاکید ویژه‌ای بر آزادی و مدارا دارد؛ رویکردی که آن را از بسیاری

تمدن‌ها از دولت‌ها ماندگارترند

برش

دفاع از کیان ملی، نخستین گام این الگوی تاریخی است؛ اما تمدن‌ها در فراسوی دولت‌ها به حیات فرهنگی خود ادامه می‌دهند. از این رو، باید میان «دولت» و «تمدن» تفاوت قائل شد. دولت‌ها ممکن است دچار ضعف یا دگرگونی شوند، اما تمدن‌ها الزاماً با زوال دولت‌ها از میان نمی‌روند. تمدن ایرانی نیز در طول تاریخ، حتی در دوره‌هایی که حکومت‌ها ناتوان بوده‌اند، به حیات خود ادامه داده است؛ هرچند آسیب دیده یا با دشواری‌هایی روبه‌رو شده است. هرگاه دولت‌ها بتوانند زیرساخت‌های لازم را برای استمرار و بازسازی یک تمدن بزرگ فراهم آورند، آن تمدن نیز قادر خواهد بود خود را با شرایط تازه سازگار کند و به زندگی خویش ادامه دهد. تمدن کهن ایران بر پایه سیاست، فرهنگ، هنر و ادبیات استوار بود. امروزه، مؤلفه‌های تازه‌ای نیز به این مجموعه افزوده شده است؛ از جمله کیفیت تعامل با جهان، نحوه مدیریت روابط بین‌المللی، مدیریت منابع آب و انرژی و همچنین جایگاه و نقش نخبگان در اداره کشور.

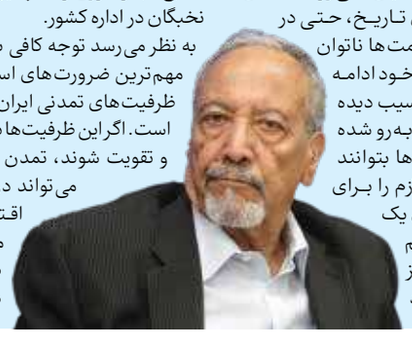

به نظر می‌رسد توجه کافی به این مسائل، از مهم‌ترین ضرورت‌های استمرار و بازسازی ظرفیت‌های تمدنی ایران در روزگار کنونی است. اگر این ظرفیت‌ها به‌درستی شناخته و تقویت شوند، تمدن ایرانی همچنان می‌تواند در قالب شرایط و اقتضائات جدید، مسیر تداوم و بالندگی خود را دنبال کند.

نوبت دوم
CH2=CH2

پتروشیمی بندر امام

آگهی فراخوان مزایده عمومی
مزایده شماره م ز/۴۰۵/۵

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مزایده عمومی با شرایط ذیل برگزار نماید.

۱-موضوع مزایده: فروش کاتالیست مستعمل DH11& DH 16 پتروشیمی بندر امام

۲- مدت اجرای موضوع مزایده: ۶ ماه شمسی

۳- مبلغ تضمین شرکت در مزایده ۹۶۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.

۴- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مزایده:

۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۴-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مزایده

۵- مهلت توزیع اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

ضمناً مزایده‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.

۶- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس بندر امام‌خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵- شرکت پتروشیمی بندرامام - امور مراجعین، تا ساعت ۱۲مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸

۷- پاکات پیشنهاد قیمت مزایده‌گران در محل سالن جلسات کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی بندر امام به نشانی: استان خوزستان- بندر امام‌خمینی- منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی - سایت ۵ - مجتمع پتروشیمی بندر امام، در حضور نماینده/ نمایندگان پیشنهاددهنده گشایش و پس از بررسی، نتیجه مزایده اعلام خواهد شد. زمان و تاریخ گشایش پاکات، ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰.

تذکر ۱: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط، مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر۲: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.

تذکر۳: ضروری است مزایده‌گران، مجوزهای زیست محیطی مرتبط با موضوع مزایده را در یکی از دفترخانه‌های اسناد رسمی، کپی برابر با اصل نموده و در پاکت " ب" قرار دهند. پاکت پیشنهاد قیمت مزایده‌گرانی که فاقد مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح برای تحویل کاتالیست باشند باز نخواهد شد.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

نوبت دوم
CH2=CH2

پتروشیمی بندر امام

آگهی فراخوان مزایده عمومی
مزایده شماره م ز/۴۰۵/۴

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مزایده عمومی با شرایط ذیل برگزار نماید.

۱-موضوع مزایده: فروش کاتالیست مستعمل Z-771 پتروشیمی بندر امام

۲- مدت اجرای موضوع مزایده: ۶ ماه شمسی

۳- مبلغ تضمین شرکت در مزایده ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.

۴- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مزایده:

۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۴-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مزایده

۵- مهلت توزیع اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

ضمناً مزایده‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.

۶- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس بندر امام‌خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵- شرکت پتروشیمی بندرامام - امور مراجعین، تا ساعت ۱۲مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸

۷- پاکات پیشنهاد قیمت مزایده‌گران در محل سالن جلسات کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی بندر امام به نشانی: استان خوزستان- بندر امام‌خمینی- منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی- سایت ۵ - مجتمع پتروشیمی بندر امام، در حضور نماینده/ نمایندگان پیشنهاددهنده گشایش و پس از بررسی، نتیجه مزایده اعلام خواهد شد. زمان و تاریخ گشایش پاکات، ساعت ۹:۳۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰.

تذکر۱: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر۲: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.

تذکر۳: ضروری است مزایده‌گران، مجوزهای زیست‌محیطی مرتبط با موضوع مزایده را در یکی از دفترخانه‌های اسناد رسمی، کپی برابر با اصل نموده و در پاکت "ب" قرار دهند. پاکت پیشنهاد قیمت مزایده‌گرانی که فاقد مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح برای تحویل کاتالیست باشد باز نخواهد شد.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

نوبت دوم
CH2=CH2

پتروشیمی بندر امام

آگهی فراخوان مزایده عمومی
مزایده شماره م ز/۴۰۵/۳

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مزایده عمومی با شرایط ذیل برگزار نماید.

۱-موضوع مزایده: فروش کاتالیست مستعمل MAX-250 پتروشیمی بندر امام

۲- مدت اجرای موضوع مزایده: ۶ ماه شمسی

۳- مبلغ تضمین شرکت در مزایده ۹،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.

۴- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مزایده:

۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۴-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مزایده

۵- مهلت توزیع اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

ضمناً مزایده‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.

۶- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس بندر امام‌خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵-شرکت پتروشیمی بندرامام - امور مراجعین، تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸

۷-پاکات پیشنهاد قیمت مزایده‌گران در محل سالن جلسات کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی بندر امام به نشانی: استان خوزستان- بندرامام خمینی- منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی - سایت ۵ - مجتمع پتروشیمی بندر امام، در حضور نماینده/ نمایندگان پیشنهاد دهنده گشایش و پس از بررسی، نتیجه مزایده اعلام خواهد شد. زمان وتاریخ گشایش پاکات، ساعت ۱۰:۳۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰.

تذکر ۱: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط، مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر۲: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.

تذکر۳: ضروری است مزایده‌گران، مجوزهای زیست محیطی مرتبط با موضوع مزایده را در یکی از دفترخانه‌های اسناد رسمی، کپی برابر با اصل نموده و در پاکت " ب" قرار دهند. پاکت پیشنهاد قیمت مزایده‌گرانی که فاقد مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح برای تحویل کاتالیست باشد باز نخواهد شد.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

نوبت دوم
CH2=CH2

پتروشیمی بندر امام

آگهی فراخوان مزایده عمومی
مزایده شماره م ز/۴۰۵/۲

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مزایده عمومی با شرایط ذیل برگزار نماید.

۱-موضوع مزایده: فروش کاتالیست مستعمل S-12 پتروشیمی بندر امام

۲- مدت اجرای موضوع مزایده: ۶ ماه شمسی

۳- مبلغ تضمین شرکت در مزایده ۶۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ریال می‌باشد.

۴- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مزایده:

۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۴-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مزایده

۵- مهلت توزیع اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

ضمناً مزایده‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.

۶- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس بندر امام‌خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵- شرکت پتروشیمی بندرامام - امور مراجعین، تا ساعت ۱۲مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸

۷- پاکات پیشنهاد قیمت مزایده‌گران در محل سالن جلسات کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی بندر امام به نشانی: استان خوزستان- بندر امام‌خمینی- منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی- سایت ۵ - مجتمع پتروشیمی بندر امام، در حضور نماینده/ نمایندگان پیشنهاددهنده گشایش و پس از بررسی، نتیجه مزایده اعلام خواهد شد. زمان و تاریخ گشایش پاکات، ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰.

تذکر۱: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر۲: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.

تذکر۳: ضروری است مزایده‌گران، مجوزهای زیست‌محیطی مرتبط با موضوع مزایده را در یکی از دفترخانه‌های اسناد رسمی، کپی برابر با اصل نموده و در پاکت "ب" قرار دهند. پاکت پیشنهاد قیمت مزایده‌گرانی که فاقد مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح برای تحویل کاتالیست باشد باز نخواهد شد.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

بازتاب

پیام تبریک رئیس جمهوری به قهرمان جهان

شادی ملت اسپانیا شادمانی ملت و دولت ایران است

رئیس‌جمهوری با تبریک قهرمانی تیم ملی اسپانیا در جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶ آمریکا، نوشت: «شادمانی ملت و دولت دوست، اسپانیا، شادمانی ملت و دولت ایران است.»
«مسعود پزشکیان» با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، با تبریک قهرمانی تیم ملی اسپانیا در جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶، نوشت: «موفقیت تیم ملی فوتبال اسپانیا و کسب عنوان قهرمانی جام جهانی در کمال شایستگی را به ملت و دولت این کشور تبریک می‌گویم.»
وی در ادامه این پیام آورده است: «شادمانی ملت و دولت دوست، اسپانیا، شادمانی ملت و دولت ایران است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی:

قهرمانی اسپانیا دل ملت‌های عدالتخواه را شاد کرد

محمدباقر قالیباف در پیامی به رؤسای مجلس سنا و نمایندگان اسپانیا با تبریک قهرمانی تیم ملی فوتبال این کشور در جام جهانی، گفت: «دفاع شما و بازیکنان آن تیم از ملت فلسطین و حمایت‌های آن کشور از ایران در جنگ تحمیلی سوم، نشان داد آزادگی و سلطه‌ناپذیری از ویژگی‌های آن ملت فهیم و محترم است.»
در بخشی از پیام محمدباقر قالیباف رئیس مجلس ایران به رؤسای مجلس سنا و نمایندگان اسپانیا آمده است «قهرمانی تیم ملی اسپانیا در رقابت‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶ را به شما، مردم و دولت اسپانیا تبریک می‌گویم. دفاع شما و بازیکنان آن تیم از ملت فلسطین و حمایت‌های آن کشور از جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی سوم، نشان داد که آزادگی و سلطه‌ناپذیری از ویژگی‌های آن ملت فهیم و محترم است. این پیروزی و قهرمانی ارزشمند، نه‌تنها دل مردم آن کشور که دل بسیاری از آزادگان و ملت‌های مستقل و عدالتخواه جهان را شاد کرد.»

واکنش

رسانه‌های جهان به تسخیر فوتبال درآمد

فینال جاودانه

گروه ورزشی / فینال جام جهانی ۲۰۲۶ نه‌تنها در مستطیل سبز، بلکه بر صفحه اول رسانه‌های بزرگ جهان نیز به رقابتی نفس‌گیر تبدیل شد؛ جایی که سیر تیترها از «هیجان و شوک اولیه» آغاز شد، به «تحلیل‌های فنی و تاکتیکی» رسید و در نهایت با «جمع‌بندی‌های تاریخی و احساسی» به فرجام نشست. رسانه‌های آمریکایی، نظیر CNN و ESPN، با تیترهایی فوری و سرشار از احساس، فینال جام جهانی را چنین توصیف کردند: «پایانی دراماتیک برای شبی فراموش‌نشدنی» و «رویایی که فرو ریخت». این روایت‌ها بیش از هر چیز بر بار عاطفی و لحظه‌های شوک‌آور مسابقه تمرکز داشتند.
اندکی بعد، نوبت به رسانه‌های تحلیلی‌تر اروپا رسید؛ BBC و گاردین با تغییر لحن، تیترهایی چون «پیروزی صبر و تاکتیک» و «اسپانیا چگونه بازی را کنترل کرد» را منتشر کردند. در همین مسیر، مارکا و ال‌پائیس با رویکردی ملی‌گرایانه‌تر، از «نسل طلایی جدید» و «بازگشت به اوج فوتبال جهان» نوشتند.
در ادامه، رسانه‌های فرانسوی و آلمانی مانند اکیپ و اشپیگل، تمرکز را به تحلیل‌های عمیق‌تر معطوف کردند و با تیترهایی نظیر «نبرد سیستم‌ها» و «وقتی تاکتیک بر استعداد غلبه می‌کند»، ابعاد فنی‌تری از مسابقه را برجسته ساختند.
در آسیا، رسانه‌هایی چون ان‌اچ‌کی و الجزیره روایت را با نگاهی کلان‌تر ادامه دادند: «پایانی شایسته برای تورنمنتی جهانی» و «فوتبال، فراتر از مرزها». این بخش از پوشش رسانه‌ای، بیش از هر چیز بر وجوه نمایشی و جهان‌شمول این رقابت تأکید داشت.
اما نیویورک تایمز از «پایان یک عصر و آغاز فصلی نو» نوشت و گاتزتا دلو اسپورت این مسابقه را «فینالی برای تاریخ» توصیف کرد؛ تعابیری که رنگ و بوی تاریخ‌نگاری به خود گرفتند. در مجموع، روند تیترها از «شوک و احساس» به «تحلیل»، سپس «تفسیر جهانی» و در نهایت «تاریخ‌نگاری» حرکت کرد؛ مسیری که نشان می‌دهد فینال ۲۰۲۶، فراتر از یک مسابقه فوتبال، به روایتی متفاوت و ماندگار در حافظه رسانه‌های جهان تبدیل شده است.

جلال چراغپور، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

قهرمانی اسپانیا یک شبه رخ نداد

مهری رنجبر / اسپانیا با اتکا به فوتبال حساب‌شده، بازی تیمی و صبر تاکتیکی توانست جام قهرمانی را بالای سر ببرد؛ قهرمانی‌ای که پیش از آغاز رقابت‌ها بسیاری آن را چندان محتمل نمی‌دانستند. در شرایطی که برخی کارشناسان با تکیه بر اهرم بزرگی به نام لیونل مسی، از پیش جام جهانی ۲۰۲۶ را به نام آرژانتین نوشته بودند، تیم واقعی اسپانیا با ساختاری منسجم و رویکردی صبورانه، توانست مهره کلیدی آلبی‌سلسته را از جریان بازی خارج کند و مانع از تکرار قهرمانی این تیم شود.
جلال چراغ‌پور، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»، به تحلیل فینال جام جهانی ۲۰۲۶ و ابعاد مختلف این مسابقه پرداخت. او بررسی خود را از نگاهی کلی‌تر به ساختار این دوره از رقابت‌ها آغاز کرد. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.
چراغپور در این باره می‌گوید: «جام جهانی با حضور ۴۸ تیم نیازمند بررسی، آسیب‌شناسی و شناخت شرایط جدید است. کسانی که درباره بازی‌ها قضاوت می‌کنند، باید یک روند فکری را از کل مسابقات دنبال کنند و به یک برداشت کلی از جام جهانی ۲۰۲۶ برسند.»

دو مسیر متفاوت تا فینال

مربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران، با اشاره به مسیر متفاوت اسپانیا و آرژانتین تا رسیدن به فینال، می‌گوید: «در فینال، دو تیم اسپانیا و آرژانتین مرحله به مرحله بالا آمده بودند؛ دو تیم با دو ساختار انگیزشی و ویژگی‌های متفاوت. هر دو تیم از نظر فیزیکی استانداردهای لازم برای فوتبال مدرن را داشتند؛ نه بیش از حد ریزاندام بودند و نه بیش از اندازه درشت و سنگین. به این نتیجه رسیده‌ایم که تیم‌های بیش از حد ستبر، یکی از مهم‌ترین فاکتورهای فوتبال یعنی چابکی را از دست می‌دهند.»
او درباره تفاوت شخصیتی دو تیم نیز توضیح داد: «آرژانتینی‌ها معمولاً تیمی تند و پرخاشگر هستند، اما اسپانیایی‌ها صبورترند و نوعی تمدن رفتاری در فوتبال آنها دیده می‌شود. آنها بی‌دلیل وارد بحث و درگیری نمی‌شوند، رفتارهای خارج از چارچوب ندارند و در مقابل بی‌اخلاقی حریف نیز معمولاً کنترل بیشتری از خود نشان می‌دهند. البته در فوتبال باشگاهی شرایط متفاوت است، اما در تیم ملی می‌توان شخصیت یک کشور را بهتر مشاهده کرد.»

وابستگی بیش از حد آرژانتین به مسی

چراغپور درباره رویکرد تاکتیکی آرژانتین در فینال گفت: «آرژانتین با سیستم ۱-۵-۴ بازی می‌کرد و امیدوار بود جرقه‌ای از مسی اتفاق بیفتد. پنج هافبک پشت سر او قرار داشتند و مسی آزادی عمل داشت تا تنها برای یک فرار یا یک لحظه تعیین‌کننده آماده باشد؛ اتفاقی که یک بار هم رخ داد، اما دروازه‌بان اسپانیا زودتر به توپ رسید.»
او معتقد است ساختار هجومی آرژانتین بیش از اندازه به ستاره خود وابسته بود: «فوتبال آرژانتین عملاً با هدف رساندن توپ به مسی طراحی شده بود. همه چیز به او ختم می‌شد؛ حتی کرنرهای کوتاه دوباره به مسی بازمی‌گشت تا ضربه دوم یا سوم را بزند. ضربات ایستگاهی به او سپرده می‌شد، فرارها را او انجام می‌داد و بخش زیادی از ساختار هجومی تیم بر اساس توانایی‌های او شکل گرفته بود.»

اسپانیا؛ فوتبال همه‌جانبه و چندبعدی

چراغپور در مقابل، فوتبال اسپانیا را نمونه‌ای از بازی کامل تیمی دانست و گفت: «اسپانیا تمام زمین را بازی می‌کرد؛ از مشارکت مدافعان کناری در حمله گرفته تا حضور هفت بازیکن در زمین حریف هنگام حمله. آنها فوتبال کاملاً تیمی و چندبعدی ارائه دادند.»
او ادامه داد: «در این فینال، تماشاگران در واقع دو نوع فوتبال متفاوت دیدند؛ یک فوتبال با استراتژی متمرکز بر یک بازیکن و یک فوتبال همه‌جانبه که بر همکاری جمعی استوار بود. فوتبال اسپانیا نزدیک به ۱۳ آیتم مهم را همزمان در اختیار داشت. آنها خود را به محوطه جریمه نزدیک می‌کردند و این کاری است که اسپانیا در آن در سطح بالایی قرار دارد.»
وی با اشاره به تعداد موقعیت‌های ایجادشده توسط اسپانیا توضیح می‌دهد: «اسپانیا فرصت‌های گلزنی زیادی ایجاد کرد و اگر دروازه‌بان آرژانتین روز فوق‌العاده‌ای نداشت، این تیم می‌توانست چهار یا پنج گل دریافت کند.»

فلسفه فوتبال اسپانیا

چراغپور معتقد است موفقیت فوتبال اسپانیا حاصل یک روند طولانی‌مدت و پیوند عمیق میان فرهنگ هواداری و فلسفه بازی در این کشور است؛ فوتبالی که نه یک‌شبه ساخته شده و نه محصول تصمیم یک مربی یا یک نسل خاص بوده است.
او در این باره می‌گوید: «ذائقه هواداران اسپانیایی به مرور مسیر فوتبال این کشور را اصلاح کرده و به سبکی رسانده که امروز الگویی برای بسیاری از تیم‌های دنیا محسوب می‌شود. اسپانیا سال‌هاست از زمان یوهان کرایف و حتی مربیان دیگری که به این کشور آمدند، یک تجربه مهم را پشت سر گذاشته است. بسیاری با این تصور وارد فوتبال اسپانیا شدند که می‌توانند فوتبال آنها را اصلاح کنند، اما در نهایت خودشان از فوتبال اسپانیا یاد گرفتند.»
او ادامه داد: «اساس و شکل فوتبال اسپانیا به‌صورت ناخودآگاه به ذائقه تماشاگران این کشور بازمی‌گردد.»

نقش فرهنگ هواداری در شکل‌گیری فوتبال کشورها

چراغپور با اشاره به تأثیر فرهنگ هواداری بر مسیر فوتبال کشورها توضیح داد: «اگر گروهی از تماشاگران دانش کافی از فوتبال نداشته باشند و از بازی خشن، درگیری، توپ‌های بلند و فوتبال بی‌نظم لذت ببرند، به‌تدریج همین مدل بازی جای فوتبال واقعی را می‌گیرد. وقتی بازیکنی پایش را روی ساق بازیکن حریف می‌گذارد و رد می‌شود و تماشاگر می‌گوید «حقش بود»، یا وقتی بازیکن توپ را بی‌هدف بلند می‌زند و مسابقه به یک جنگ فیزیکی تبدیل می‌شود، کم‌کم این سبک مورد پذیرش قرار می‌گیرد.»
او در ادامه می‌گوید: «مربیان نیز به سمت چیزی می‌روند که مدیران باشگاه‌ها می‌خواهند و مدیران هم به سمت خواسته‌ای حرکت می‌کنند که بقای آنها را تضمین کند؛ یعنی خواست مردم.»

مسیر اسپانیا و درس‌هایی برای فوتبال

چراغپور در پایان تأکید کرد که مسیر اسپانیا به دلیل مطالبه‌گری هوادارانش متفاوت بوده است: «در اسپانیا وقتی تماشاگر از عملکرد تیم ناراضی می‌شود، با تکان دادن دستمال سفید اعتراض خود را نشان می‌دهد. حتی در مقطعی که فوتبال اسپانیا مسیر خود را گم کرده بود و تصور می‌کرد فوتبال فقط یعنی پاس‌های زیاد، هواداران اعتراض کردند و گفتند فوتبال فقط گردش توپ نیست.»
او ادامه داد: «آنها تلاش برای رسیدن به محوطه ۱۸ قدم، شوت‌زنی، ضربه سر، یک‌دو کردن، چرخش، موقعیت‌های تک‌به‌تک و مجموعه‌ای از آیتم‌هایی را می‌خواستند که در نهایت به گل منجر می‌شود.»
مربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران معتقد است اصلاح فوتبال اسپانیا نتیجه همین مطالبه‌گری بوده است: «فوتبال اسپانیا با همین واکنش‌های هواداران اصلاح شد؛ آنها چیزی را مطالبه کردند که از دیدن آن لذت می‌برند. بنابراین فوتبال اسپانیا یک‌شبه به اینجا نرسیده است.»
او در پایان با اشاره به مسیر مشابه ژاپن گفت: «ژاپن هم همین مسیر را طی کرده؛ فوتبالی چشم‌نواز، منظم و بی‌آزار ارائه می‌دهد، بدون اینکه تماشاگر از رفتار و اخلاق بازیکنان ناراحت شود و در عوض از خود فوتبال لذت ببرد. فوتبال ایران هم باید همین مسیری را طی کند که ژاپن و اسپانیا طی کردند و به موفقیت رسیدند.»

روایتی متفاوت از یک سقوط

پایان تلخ مسی

گروه ورزشی / فینال جام جهانی ۲۰۲۶ قرار بود صحنه‌ای برای تکرار یک افسانه باشد؛ شبی که نام لیونل مسی بار دیگر بر قله تاریخ حک شود. اما آنچه در ورزشگاه نیوجرسی نیویورک رقم خورد، نه بازتولید شکوه، بلکه روایتی از فرسایش تدریجی یک ستاره بود. مسی که در مسیر رسیدن به فینال از مؤثرترین بازیکنان تورنمنت به شمار می‌رفت، در مهم‌ترین شب جام به یکی از کم‌اثرترین بازیکنان میدان تبدیل شد؛ بازیکنی که فاصله‌ای محسوس با تصویر اسطوره‌ای همیشگی‌اش داشت. براساس داده‌های ثبت‌شده، مسی در این دیدار تنها ۴۱ لمس توپ داشت؛ آماری پایین‌تر از میانگین عملکرد او در این جام. او فقط یک شوت به ثبت رساند که آن هم خارج از چارچوب بود و در خلق موقعیت نیز کاملاً ناکام ماند؛ عددی که برای بازیکنی با نقش محوری در حملات آرژانتین، نشانه‌ای از گسست جریان خلاقیت است. علاوه بر این، ۱۷ بار از دست دادن مالکیت توپ و موفقیت در تنها ۲ دریبل از ۹ تلاش، افتی محسوس در کیفیت فردی او را نشان می‌داد. حتی دقت پاس‌هایش نیز به ۷۸ درصد کاهش یافته بود؛ رقمی کمتر از استاندارد همیشگی‌اش. ولی اعداد تنها بخشی از واقعیت را روایت می‌کنند. اسپانیا با اجرای برنامه‌ای تاکتیکی و منسجم، در عمل مسی را از جریان بازی خارج کرد. پرس‌های چندلایه و مسدود کردن فضاهای کلیدی، او را به عقب زمین راند و از مناطق خطر دور نگه داشت. در نیمه دوم، تلاش آرژانتین برای بازگرداندن او به مرکز بازی نیز بی‌نتیجه ماند و مسی بیش از آنکه رهبر الهام‌بخش باشد، به بازیکنی منفعل بدل شد. پس از سوت پایان، تصویری متفاوت از او به ثبت رسید؛ دیگر خبری از فریادها و مشت‌های گره کرده آقای ستاره نبود. سکوت، جای هیجان را گرفته بود و نگاهش بیش از هر چیز، حکایت از پذیرش پایانی تلخ داشت. شاید قضاوت تاریخ بی‌رحم باشد، اما فینال‌ها هرگز فراموش نمی‌شوند. در فینال جام ۲۳ مسی نه قهرمان بود و نه تعیین‌کننده؛ بلکه بازیکنی بود که زیر فشار زمان و تاکتیک حریف، برای لحظه‌ای از صحنه محو شد؛ جایی که حتی اسطوره‌ها نیز تَرک برمی‌دارند.

«ایران» پیام‌های کلیدی فینال جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

پایان کاغذی یک امپراطوری

عکس: www.Gettyimages.com

سینا حسینی / قهرمانی «لاروخا» در فینال جام جهانی ۲۰۲۶، صرفاً اضافه شدن جامی دیگر به ویترین افتخارات اسپانیا نبود؛ این مسابقه، روایتی بی‌پرده از مختصات فوتبال مدرن ارائه داد، جایی که اعداد و داده‌ها، در کنار یک نمایش یک‌طرفه، بسیاری از توهمات رایج در فوتبال را فرو ریخت. آنچه در جریان این بازی با وضوح دیده شد، یک حقیقت ساده اما تعیین‌کننده بود: در فوتبال امروز، فاصله میان «ادعا» و «دستاورد» را تنها «اجرا» پر می‌کند، نه شعار.
در شرایطی که انتظار می‌رفت دوئل اسپانیا و آرژانتین به صحنه‌ای تماشایی میان قهرمان و مدعی تبدیل شود، در عمل به یک کلاس درس ۱۲۰ دقیقه‌ای تغییر شکل داد. به‌جای درخشش فردی ستاره‌ها، شاهد بازنمایی دقیق برتری ساختاری یک تیم بودیم. آمارهای بازی، از مالکیت و دقت پاس گرفته تا تعداد موقعیت‌های خلق‌شده و شاخص‌های فیزیکی مانند دوندگی و پرسینگ، روایتی صریح از سلطه «ماتادورها» ارائه می‌دادند؛ برتری‌ای که این مسابقه را از یک رقابت برابر، به نمونه‌ای از «کنترل مطلق» تبدیل کرد. آرژانتین در صدوچهارمین حضور خود در تاریخ جام جهانی، بیش از آن که شبیه مدافع عنوان قهرمانی باشد، شبیه تیمی بود که هنوز در حال تطبیق با این سطح است.
اما مسأله صرفاً شکست قهرمان دوره قبل نبود؛ «چگونگی» این ناکامی و مدل وقوع آن، پیام اصلی را به جهان مخابره کرد. آلبی‌سلسته نه‌تنها در اجرا، بلکه در خوانش بازی، تصمیم‌گیری و واکنش به تغییرات حریف نیز عقب ماند. تیمی که پیش‌تر با انعطاف تاکتیکی و مدیریت جریان مسابقه شناخته می‌شد، در این فینال به مجموعه‌ای پراشتباه و کم‌اثر تقلیل یافت؛ بدون اتصال خطوط، فاقد راه‌حل جایگزین و ناتوان در پاسخ‌گویی به پرس‌های تاکتیکی اسپانیا. در سوی مقابل، اسپانیا با هدایت دلافوئنته، تصویری دقیق و به‌روز از فوتبال مدرن ارائه داد؛ تیمی که نه‌تنها می‌داند چه می‌خواهد، بلکه مسیر رسیدن به آن را نیز با جزئیات اجرا می‌کند و مهم‌تر از آن، حریف را حتی از «خواستن» هم محروم می‌کند. این همان نقطه‌ای است که تفاوت میان «داشتن برنامه» و «اجرای برنامه» معنا پیدا می‌کند.
آرژانتین شاید با چند سناریوی تاکتیکی مثل خیلی از تیم‌هایی که از جام حذف شدند وارد میدان شده بود، اما با فروپاشی اولین طرح، نشانی از سناریوی جایگزین دیده نشد. در مقابل، اسپانیا نه‌تنها پلن A، بلکه نسخه‌های اصلاح‌شده و تکامل‌یافته آن را نیز در طول بازی به کار گرفت. اما این فینال، چند درس روشن و غیرقابل چشم‌پوشی برای فوتبال جهان داشت، درس‌هایی که نادیده‌گرفتن‌شان برای بسیاری از مربیان هزینه‌ساز خواهد بود.
نخستین پیام کلیدی این دیدار جایی آشکار شد که این حقیقت محض رونمایی شد که در فوتبال امروز، «برنامه» یک سند ایستا و کاغذی نیست، بلکه پدیده‌ای پویاست که باید در لحظه تکامل یابد. تیمی که از تطبیق در جریان بازی ناتوان باشد، حتی با انبوهی از ستاره‌ها، محکوم به شکست است.
نکته دوم: «کنترل فضا و زمان» بر مالکیت صرف توپ برتری دارد. اسپانیا با پرسینگ هدفمند و گردش سریع توپ، زمان تصمیم‌گیری را از آرژانتین گرفت و در عمل بازیکنان کلیدی این تیم را از مدار تأثیرگذاری خارج کرد.
نکته سوم: «ذهنیت قهرمانی» با «عنوان قهرمانی» یکی نیست. آرژانتین با برچسب مدافع قهرمانی وارد زمین شد، اما نشانی از عطش و آمادگی یک مدعی در آن دیده نمی‌شد. در مقابل، اسپانیا مانند تیمی بازی کرد که هنوز برای اثبات خود انگیزه دارد. نکته چهارم: اتکا به لحظات فردی در سطح فینال جام جهانی، نوعی ریسک افراطی است. با فروپاشی ساختار تیمی، حتی بزرگ‌ترین ستاره‌ها نیز به سطحی معمولی تنزل پیدا می‌کنند.
اما شاید مهم‌ترین نکته در لایه‌ای عمیق‌تر نهفته بود: در فوتبال مدرن، «داشتن آمار» کافی نیست؛ آنچه تعیین‌کننده است، «فهم بازی» است. این همان مرزی است که مربیان بزرگ را از تحلیل‌گران صرفاً آماری جدا می‌کند.
فینال ۲۰۲۶، بیش از آن‌که یک پایان باشکوه باشد، یک هشدار جدی بود نه فقط برای آرژانتین، بلکه برای تمام مدعیان آینده. در فوتبال امروز، موفقیت دیروز هیچ امتیازی به همراه ندارد. اگر برنامه به‌روز نباشد، اجرای آن دچار تردید شود و تیم از نظر ذهنی آماده نباشد، حتی برای مدعی عنوان قهرمانی نیز مصونیت نمی‌آورد؛ در فوتبال امروز اگر شجاع و مدرن نباشید قطعاً مجبور می‌شوید، تحقیری سخت را تجربه کنید.

روایت سیاسی نبرد اسپانیا و آرژانتین در فینال جام جهانی ۲۰۲۶

زبان مشترک و عشق به فوتبال دارند؛ اما خبری از اشتراک دیگر نیست

وسوسه‌انگیز است که فینال جام جهانی میان اسپانیا و آرژانتین را صرفاً رویارویی دو ابرقدرت فوتبال جهان تحلیل کنیم؛ تقابلی که در نگاه نخست، چیزی جز رقابت دو سنت بزرگ فوتبالی به نظر نمی‌رسد. اما در پس این رقابت ورزشی، روایت عمیق‌تر و پیچیده‌تری نهفته است که این دو کشور را در بستری تاریخی، فرهنگی و اقتصادی به یکدیگر پیوند می‌دهد. اسپانیا و آرژانتین گذشته‌ای مشترک در تجربه استعمار و نیز شبکه‌ای پایدار از مناسبات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند؛ پیوندهایی که نه‌تنها در شکل‌گیری هویت ملی آرژانتین نقش داشته، بلکه می‌تواند به درک بهتر رخدادهای درون زمین مسابقه نیز یاری رساند. میراث اسپانیا چگونه در تار و پود هویت آرژانتینی تنیده شده است؟ این دو کشور از چه مسیرهایی به قدرت‌های بزرگ فوتبال بدل شده‌اند؟ و روابط سیاسی و اقتصادی آنها در جهان معاصر چه وضعیتی دارد؟
این پرسش‌ها، بخشی از محورهای گفت‌وگوی اخیر «کمرون آبادی» معاون سردبیر فارن‌پالیسی با آدام توز، ستون‌نویس اقتصادی این رسانه است.

هویت ملی آرژانتین دقیقاً از چه عناصری تشکیل شده است؟ و این هویت را چگونه می‌توان در نسبت با اسپانیا و نفوذ فرهنگی آن تعریف کرد؟

قبل از هر چیز باید گفت بدون اسپانیا، «آرژانتین مدرن» هم وجود نداشت. در واقع، ورود نخستین اسپانیایی‌ها و آغاز روند فتح این سرزمین در سال ۱۵۱۶ بود که آرژانتین را در مسیر شکل‌گیری کنونی‌اش قرار داد. از نظر تشکیل دولت نیز نقطه آغاز واقعی، نایب‌السلطنه ریو دلا پلاتا بود که در سال ۱۷۷۶، همزمان با استقلال آمریکا، تأسیس شد و سرزمین‌هایی را دربر می‌گرفت که بعدها به آرژانتین، اروگوئه و پاراگوئه تبدیل شدند. البته این ساختار دوام نیاورد. اختلافات داخلی، فروپاشی قدرت اسپانیا در اروپا و جنگ استقلال میان سال‌های ۱۸۱۰ تا ۱۸۱۸ در نهایت به ظهور مستعمره سابق اسپانیا به‌عنوان جمهوری‌ای منتهی شد که به‌سرعت گسترش یافت؛ نوعی معادل آمریکای جنوبی برای گشایش مرزهای غربی آمریکا که همانند شمال قاره، با موج عظیم مهاجران، سرمایه و پول بریتانیا تغذیه می‌شد. همین روند به آن کلیشه معروف اما تا حدی بامزه درباره آرژانتین انجامیده است؛ اینکه «آرژانتینی‌ها، ایتالیایی‌هایی هستند که اسپانیایی حرف می‌زنند و نخبگانشان فکر می‌کنند انگلیسی هستند.» این توصیف تا حدی طعنه‌آمیز است، اما نکته مهمی درباره نخبگان آرژانتین، به‌ویژه نخبگان اقتصادی آن، بیان می‌کند. از نظر جمعیتی نیز، جامعه ایتالیایی‌تبار آرژانتین سومین جمعیت بزرگ ایتالیایی در جهان است. کمی کمتر از دوسوم آرژانتینی‌ها، یعنی حدود ۶۲ درصد، دست‌کم بخشی از پیشینه قومی، نژادی یا خانوادگی خود را به ایتالیا نسبت می‌دهند. بنابراین، پس از ایتالیا و برزیل، بزرگ‌ترین جمعیت ایتالیایی‌تبار جهان در آرژانتین زندگی می‌کند. این بدان معناست که در آرژانتین امروز، شمار افرادی که ریشه‌های ایتالیایی دارند، از کسانی که تبار اسپانیایی دارند، بیشتر است.
زبان اسپانیایی که در آرژانتین صحبت می‌شود نیز بازتاب همین واقعیت است. اسپانیایی دوران استعمار یا دوران نایب‌السلطنه، در اصل همان اسپانیایی رایج در خود اسپانیا بود. اما زبانی که آرژانتینی‌ها امروز صحبت می‌کنند، «اسپانیایی ریوپلاتنسه» نام دارد؛ یعنی اسپانیایی حوزه ریودلاپلاتا. این گونه از زبان اسپانیایی در اروگوئه نیز به‌طور گسترده رایج است و تأثیر فراوانی از زبان ایتالیایی، به‌ویژه گویش‌های جنوب ایتالیا، پذیرفته است. در این گونه زبانی، به‌جای «tú» از «vos» استفاده می‌شود و صرف افعال نیز متناسب با آن تغییر می‌کند. این شکل متمایز از زبان را حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر صحبت می‌کنند و بازتاب همین جدایی و شکل‌گیری هویتی است که در قرن نوزدهم، پس از استقلال از اسپانیا، آگاهانه خود را هویتی جدید، متمایز و حاصل ترکیب تأثیرات گوناگون تعریف کرد.
در کنار این، باید به تأثیر بسیار محدود جمعیت‌های بومی نیز اشاره کرد؛ وضعیتی که تفاوتی بسیار چشمگیر با کشورهایی مانند پرو، بولیوی، اکوادور یا حتی کشورهای آمریکای مرکزی دارد. همچنین، نقش برده‌داری در آرژانتین، در مقایسه با برزیل که بزرگ‌ترین اقتصاد برده‌داری جهان ـ حتی بزرگ‌تر از ایالات متحده ـ و بخش جدایی‌ناپذیر تجارت برده بود، نسبتاً ناچیز بوده است. از این رو، آرژانتین را می‌توان اروپایی‌ترین و در عین حال کم‌تر آمریکای لاتینیِ کشورهای آمریکای جنوبی دانست. حتی از برخی خانواده‌های قدیمی و ریشه‌دار آرژانتینی شنیده‌ام که تراژدی تاریخ معاصر آرژانتین را این می‌دانند که این کشور در نهایت «آمریکای لاتینی» شده است.

در قرن بیستم، هر دو کشور توانستند به ابرقدرت‌های فوتبال جهان تبدیل شوند. این دقیقاً چگونه اتفاق افتاد؟

توسعه ناموازن در سطح جهانی تحت سلطه سرمایه بریتانیا، توضیح‌دهنده شکل‌گیری فوتبال در این دو کشور است. زیرا فوتبال، مانند بسیاری از بازی‌ها و ورزش‌های اواخر قرن نوزدهم ـ به‌ویژه ورزش‌های توپی مانند راگبی، کریکت، گلف و تنیس ـ از صادرات فرهنگی بریتانیا در آن دوره بود. اینها در واقع صادرات فرهنگی نخبگان بریتانیایی بودند. هر جا که بریتانیا سرمایه‌گذاری می‌کرد یا گروهی از انگلیسی‌ها در آن مستقر می‌شدند، آن «آقایان» در اوقات فراغتشان به سرگرمی نیاز داشتند و سرگرمی‌ای که با خود می‌آوردند، ورزش‌هایشان بود.
با توجه به جایگاه آرژانتین و اسپانیا در سلسله‌مراتب جهانی اواخر قرن نوزدهم، فوتبال ابتدا از طریق جامعه بریتانیایی مقیم، در سال ۱۸۶۷ به آرژانتین رسید؛ یعنی بسیار زود در تاریخ فوتبال مدرن.
پیوند اصلی نیز معمولاً با کریکت بود. کریکت بازی اصیل اشراف انگلیسی محسوب می‌شد. باشگاه‌های کریکت تأسیس می‌شدند و زمین‌های بزرگ و چمن‌دار در اختیار داشتند. سپس همین باشگاه‌های کریکت، تیم‌های فوتبال تشکیل می‌دادند که در همان زمین‌ها بازی می‌کردند. تاریخ فوتبال آرژانتین از دهه ۱۸۶۰ دقیقاً همین مسیر را طی کرد. باشگاه فوتبال بوئنوس‌آیرس تأسیس شد و باشگاه کریکت بوئنوس‌آیرس اجازه داد از زمین‌هایش برای بازی فوتبال استفاده شود. ۱۰ سال بعد، در اسپانیا نیز تقریباً همین داستان تکرار شد.
در نتیجه، شاهد شکل‌گیری یک فرهنگ مشترک نخبگانی فوتبال در سراسر جهان تحت نفوذ بریتانیا هستیم. از دل همین روند، نخستین لیگ‌های جدی فوتبال نیز شکل گرفتند. در دهه ۱۸۹۰، فوتبال به کاتالونیا گسترش یافت و آغاز تاریخ مشهور فوتبال بارسلونا را شاهد هستیم. سپس این کاتالان‌ها بودند که فوتبال را به مادرید بردند؛ موضوعی که هنوز هم برای آنها مایه افتخار است که این روند از بارسلونا به مادرید صورت گرفته است.
در آرژانتین نیز از اوایل دهه ۱۹۰۰ شاهد گردش گسترده تیم‌ها در قلمرو کشورهای مشترک‌المنافع سفیدپوست هستیم. تیم‌هایی از آفریقای جنوبی به آرژانتین می‌آمدند. تیم‌های انگلیسی که در لیگ‌هایی هرچه حرفه‌ای‌تر و رقابتی‌تر بازی می‌کردند نیز به آرژانتین سفر می‌کردند و همان زمان هم اذعان داشتند که سطح فوتبال در اروگوئه و آرژانتین از اروپا بالاتر است. تنها در ۵۰ سال نخست تاریخ فوتبال سازمان‌یافته، آرژانتین و اروگوئه از دیگران پیش افتاده بودند. همین روند، میراث بزرگ فوتبال این دو کشور در قرن بیستم را رقم زد.
در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، همزمان با بازی‌های المپیک، شکل‌گیری تیم‌های ملی آغاز شد. اما با ظهور حکومت‌های دیکتاتوری، فوتبال خیلی سریع رنگ‌وبوی سیاسی گرفت. برای مثال، در اسپانیای فرانسیسکو فرانکو، باشگاه رئال مادرید به تیم فرانکو تبدیل شد. پس از موفقیت‌های بزرگ این باشگاه در رقابت‌های قهرمانی اروپا در دهه ۱۹۵۰، رئال مادرید عملاً به سفیر ورزشی اسپانیای فرانکو بدل شد.
در مقابل، بارسلونا را «ارتش خاموش استقلال کاتالونیا» می‌نامیدند. در هر مسابقه، در دقیقه ۱۷ و ۱۴ ثانیه، هواداران شعار استقلال سر می‌دادند؛ زیرا سال ۱۷۱۴ یادآور قیام تاریخی کاتالونیا است. بارسلونا همچنین رئیس فقید خود را دارد که در جریان جنگ داخلی اسپانیا توسط نیروهای فرانکو اعدام شد. بنابراین، سیاست و فوتبال در اسپانیا- از آن زمان تا امروز- به‌شدت در هم تنیده بوده‌اند.

آرژانتین در بخش بزرگی از تاریخ خود، از نظر توسعه‌یافتگی از اسپانیا جلوتر بود. اما در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ این وضعیت تغییر کرد؛ آرژانتین با بحران‌های متعدد روبه‌رو شد و در مقابل، اسپانیا رشد اقتصادی سریعی را تجربه کرد. این روند به مهاجرت آرژانتینی‌ها به اسپانیا و همچنین سرمایه‌گذاری شرکت‌های اسپانیایی در آرژانتین انجامید. آیا می‌توان این را نوعی سرمایه‌داری پسااستعماری دانست که در آن قدرت استعماری سابق اکنون دارایی‌های مهم آرژانتین را خریداری می‌کند؟

مسیر تحول این دو کشور واقعاً بسیار جالب است. همان‌طور که گفتید در آغاز قرن بیستم درآمد سرانه آرژانتین تقریباً دو برابر اسپانیا بود، این فاصله تا دهه ۱۹۵۰ نیز حفظ شد. اما از آن زمان رشد اقتصادی اسپانیا شتاب گرفت و تا دهه ۲۰۱۰ تقریباً بدون توقف ادامه یافت. نتیجه این شد که بر اساس تولید ناخالص داخلی سرانه بر مبنای برابری قدرت خرید، رابطه کاملاً معکوس شده است؛ امروز درآمد سرانه اسپانیا تقریباً دو برابر آرژانتین است. اسپانیا به‌سرعت وارد نوعی مدرنیته جهانی‌شده و اروپایی‌شده شد، در حالی که آرژانتین درگیر مجموعه‌ای طولانی از بحران‌ها و کشمکش‌های فرسایشی باقی ماند. راستش اگر از این دو کشور بازدید کنید، این تفاوت فوراً به چشم می‌آید و کاملاً محسوس است.
در نتیجه همین تحول، مهاجرت از آمریکای لاتین به اسپانیا در مقیاسی بسیار گسترده شکل گرفته است؛ شمار زیادی از ونزوئلایی‌ها، مردم شمال آمریکای لاتین و البته آرژانتینی‌ها که فکر می‌کنم چهارمین گروه بزرگ مهاجر در اسپانیا را تشکیل می‌دهند. البته نباید این را «مهاجرت معکوس» نامید، چون بسیاری از این افراد اصالت ایتالیایی دارند. یک راز آشکار در میان نخبگان آمریکای لاتین این است که آنها دو پایتخت برون‌مرزی برای خود دارند؛ یکی میامی و دیگری مادرید. بخش قابل توجهی از سال را در این شهرها می‌گذرانند و دارایی‌های خود را نیز متنوع کرده‌اند. این وضعیت تا حدی شبیه فوق‌ثروتمندان چینی است که سنگاپور، هنگ‌کنگ و ماکائو را به‌عنوان پایگاه‌های برون‌مرزی برای مدیریت ریسک‌های سیاسی در اختیار دارند.
در همین حال، اسپانیا به‌عنوان اقتصادی روبه‌رشد، ثروتمند و بسیار پیشرفته که بستری برای بسیاری از شرکت‌های جهانی فراهم کرده است، در آرژانتین سرمایه‌گذاری می‌کند. از دید آرژانتین، این سرمایه‌گذاری‌ها در مقیاس بزرگی انجام می‌شود. اسپانیا پس از ایالات متحده دومین سرمایه‌گذار بزرگ در آرژانتین است. البته از دید اسپانیا نباید در اهمیت این روابط اغراق کرد. حجم کل تجارت میان اسپانیا و آرژانتین در مقایسه با کل اقتصاد اسپانیا بسیار ناچیز است. مجموع صادرات و واردات اسپانیا حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار است، در حالی که تجارت با آرژانتین تنها حدود ۲.۷ میلیارد دلار را شامل می‌شود. بنابراین از منظر اسپانیا، این بخش کوچکی از فعالیت‌های اقتصادی این کشور است، اما در آرژانتین موضوعی نسبتاً بحث‌برانگیز به شمار می‌آید.
در دهه ۲۰۱۰، دولت وقت پرونیست در آرژانتین، که دولتی متمایل به چپ بود، بخشی از سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های اسپانیایی را ملی کرد. این اقدام باعث سرد شدن روابط مادرید و بوئنوس‌آیرس شد. بعدها دولت نئولیبرال مائوریسیو ماکری تا حدی این وضعیت را بهبود بخشید و با ارائه برنامه‌ای مبتنی بر سیاست‌های نئولیبرالی و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زیرساخت‌ها، تلاش کرد سرمایه اسپانیایی را جذب کند. اما لازمه این کار آن بود که سرمایه‌گذاران اسپانیایی را متقاعد کنند که آرژانتین مکان امنی برای سرمایه‌گذاری است. به نظر من این مسأله ناشی از تلاش اسپانیا برای بازپس‌گیری قدرت استعماری گذشته نیست. چنین برداشتی قانع‌کننده نیست. موضوع بیشتر به گسترش جهانی سرمایه اسپانیا مربوط می‌شود؛ سرمایه‌ای که در حوزه‌های مختلف زیرساختی، خرده‌فروشی و تجارت حضوری چشمگیر دارد و آرژانتین را به‌عنوان بازاری نوظهور و بالقوه برای این سرمایه‌گذاری‌ها در نظر می‌گیرد.

دولت‌های کنونی رئیس جمهوری آرژانتین، خاویر میلی و نخست‌وزیر اسپانیا، پدرو سانچز، سابقه‌ای قابل توجه از تنش‌های دیپلماتیک داشته‌اند. میلی و سانچز آشکارا به یکدیگر توهین کرده‌اند و این اختلاف‌ها در نهایت به خروج سفیر اسپانیا از آرژانتین در سال ۲۰۲۴ منجر شد. آیا رابطه اقتصادی دو کشور در برابر این نمایش‌های سیاسی دوام بیشتری داشته است؟

تا حدی این مسأله بازتاب‌دهنده تفاوت عمیق فرهنگ سیاسی دو کشور است. فرهنگ سیاسی آرژانتین به‌شدت درون‌گراست و در عمل با سوخت مخالفت و موافقت با پرونیسم حرکت می‌کند. این سیاست تحت تأثیر نوسانات و بحران‌های اقتصادی شدید این کشور قرار دارد؛ بحران‌هایی که در جهان تقریباً بی‌نظیرند. کمتر کشوری با سطح درآمد آرژانتین چنین فراز و فرودهای شدیدی را تجربه کرده است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری سیاستی بسیار خشن، بی‌ملاحظه و مبتنی بر منطق «برنده همه‌چیز را می‌برد» است.
در مقابل، اسپانیا نمونه‌ای از فرهنگ سیاسی متکثر، متنوع و اروپای غربی است که توانسته برای مدتی طولانی، هرچند با اکثریتی بسیار شکننده و گاهی حتی بدون اکثریت کامل، یک دولت مترقی را حفظ کند؛ وضعیتی که در میان کشورهای اروپایی کم‌نظیر است. البته اسپانیا نیز از حضور جریان‌های بیگانه‌ستیز و ملی‌گرا بی‌بهره نیست و حتی از برخی جهات از میلی هم سخت‌گیرتر است.
برای مثال، زمانی که اسپانیا در مرحله یک‌چهارم نهایی مقابل فرانسه بازی می‌کرد، سانچز با این واقعیت روبه‌رو شد که برخی اسپانیایی‌های بسیار محافظه‌کار درباره تعداد بازیکنان سیاه‌پوست تیم فرانسه اظهارات توهین‌آمیز مطرح کرده بودند. او بلافاصله واکنش نشان داد و گفت تنها چیزی که باید بازنده این مسابقه باشد، نژادپرستی است و بهترین تیم باید پیروز شود. بنابراین سانچز در مواضع خود، چه درباره فلسطین، چه تغییرات اقلیمی و چه چین، همواره در برابر رویکرد نومحافظه‌کارانه و جنگ‌طلبانه مقاومت کرده و این مسیر را دنبال کرده است.
در سوی دیگر «میلی» قرار دارد که چهره‌ای رادیکال از راست جدید محسوب می‌شود. همین تفاوت، برخوردی بسیار شدید و تنش‌آلود میان این دو ایجاد کرده است.
اما به نظر من نکته اصلی درباره آرژانتین و اسپانیا این است که آرژانتین کشوری بسیار خاص و استثنایی با مسیر توسعه اقتصادی بسیار متفاوت است؛ مسیری که باعث شده از نظر اقتصادی پیوند نزدیکی با هیچ کشوری نداشته باشد. در مقابل، اسپانیا همان‌طور که گفتم، نمونه بارز ادغام اقتصادی به سبک اروپایی است. بنابراین این دو کشور در دو جهان کاملاً متفاوت زندگی می‌کنند.
پیوندهای میان آنها بیشتر در سطح زبان باقی مانده است، نه چندان در سطح تاریخ یا سیاست. همچنین در حوزه مهاجرت نیز ارتباط وجود دارد، زیرا برای مردم کشورهای بحران‌زده آمریکای لاتین، اسپانیا مقصدی جذاب به شمار می‌رود. اما اینها آن روابط عمیق و گسترده‌ای نیستند که شاید انتظار داشته باشیم. آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند این است که با وجود اشتراک زبانی، اسپانیا و آرژانتین کشورهایی متمایز، جدا از یکدیگر و با مسیرهای متفاوت هستند که در جهان‌هایی کاملاً متفاوت زندگی می‌کنند.

جام جهانی ۲۰۲۶ و چهره نوین امنیت ورزشگاه‌ها

فوتبال زیر سایه کنترل امنیتی آمریکا

در ظهر روز ۱۳ ژوئن، زمانی که نزدیک به ۷۰ هزار تماشاگر برای تماشای اولین دیدار جام جهانی فوتبال در ورزشگاه «خلیج سان‌فرانسیسکو» گرد هم آمدند، آنچه در ظاهر یک جشن بزرگ ورزشی به نظر می‌رسید، در لایه‌های زیرین خود به صحنه‌ای پیچیده از نظارت، فناوری و امنیت چندلایه تبدیل شده بود. مسابقه رأس ساعت ۱۲ آغاز شد، اما در واقع، «بازی» اصلی ساعت‌ها پیش‌تر شروع شده بود؛ زمانی که سامانه‌های نظارتی، دوربین‌ها، حسگرها و زیرساخت‌های داده‌ای ورزشگاه فعال شدند و محیط را به‌طور کامل رصد می‌کردند.

آغاز یک نظارت نامرئی

پیش از آنکه تیم‌های قطر و سوئیس پا به زمین بگذارند، این ورزشگاه بود که بازی را آغاز کرده بود. سامانه‌های تشخیص چهره در ورودی‌ها فعال شدند، حرکت جمعیت را زیر نظر گرفتند و حتی صداهای غیرعادی در میان هیاهوی تماشاگران را شناسایی کردند. این داده‌ها به‌صورت پیوسته به یک مرکز کنترل در محل ارسال می‌شد؛ مرکزی که اطلاعات را در اختیار شبکه‌ای گسترده از نهادهای مجری قانون در سطوح محلی، ایالتی و فدرال قرار می‌داد. در چنین ساختاری، ورزشگاه دیگر صرفاً یک فضای ورزشی نیست؛ بلکه به یک گره حیاتی در شبکه‌ای بزرگ‌تر از نظارت تبدیل می‌شود. این شبکه، بویژه در جریان رویدادهای بزرگی مانند جام جهانی، به‌طور مستقیم زیر نظر وزارت امنیت داخلی ایالات متحده (DHS) فعالیت می‌کند.

آزمایشگاهی برای فناوری‌های امنیتی

برخلاف تصور عمومی، آنچه در ورزشگاه «لویز» (نام رایج ورزشگاه خلیج سان‌فرانسیسکو) رخ می‌دهد، یک استثنا نیست. در تمامی شهرهای میزبان جام جهانی در آمریکا، زیرساخت‌های امنیتی به یک سامانه گسترده فدرال متصل هستند. اسناد بودجه‌ای نشان می‌دهد که این رقابت‌ها نه‌تنها یک رویداد ورزشی، بلکه به‌عنوان میدان آزمایشی برای فناوری‌های نوین نظارتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. این رویکرد پیش‌تر نیز در رویدادهایی مانند سوپربول (مسابقه نهایی و فینال لیگ ملی فوتبال آمریکایی) تجربه شده است. وزارت امنیت داخلی، چنین رویدادهایی را در قالب سازوکاری موسوم به «ارزیابی رویدادهای ویژه» یا SEAR طبقه‌بندی می‌کند. در این چارچوب، مسابقات جام جهانی در بالاترین سطوح امنیتی، یعنی SEAR1 و SEAR2 قرار گرفته‌اند؛ سطحی که با مراسم تحلیف رئیس جمهوری آمریکا برابری می‌کند. نکته قابل‌توجه این است که برای اعمال این سطح از نظارت، نیازی به موافقت برگزارکنندگان رویداد نیست. به این ترتیب، نقش فیفا در برنامه‌ریزی امنیتی محدود شده و این وزارت امنیت داخلی است که مستقیماً با مدیران شهری و مسئولان ورزشگاه‌ها هماهنگ می‌کند.

فناوری‌هایی که تماشاگران را ردیابی می‌کنند

در قلب این سیستم، شرکت‌های فناوری قرار دارند که تجهیزات پیشرفته نظارتی را تأمین می‌کنند. یکی از این شرکت‌ها، Flock Safety است که در توسعه سامانه‌های تشخیص صوتی نقش دارد. این سامانه‌ها قادرند صداهایی مانند شلیک گلوله یا فریادهای درخواست کمک را شناسایی کرده و بلافاصله نیروهای امنیتی را مطلع کنند. در کنار آن، شرکت IDEMIA فناوری‌های زیست‌سنجی را فراهم کرده است؛ فناوری‌هایی که پیش‌تر در ایستگاه‌های بازرسی فرودگاه‌ها توسط سازمان امنیت حمل‌ونقل آمریکا (TSA) استفاده می‌شدند. در ورزشگاه، ورود افراد دارای مجوز از طریق اسکن اثر انگشت یا تشخیص چهره انجام می‌شود. اما این تنها بخشی از ماجراست. شبکه‌ای متشکل از صدها مایل کابل فیبر نوری، تمامی این سامانه‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند. این شبکه مانند یک «سیستم عصبی مرکزی» عمل کرده و داده‌ها را به یک مرکز داده پیشرفته منتقل می‌کند؛ جایی که اطلاعات توسط شرکت‌هایی مانند Cisco پردازش و تحلیل می‌شوند.

نظارت فراتر از چهره

در این سامانه، تماشاگران نه‌تنها از طریق چهره، بلکه از طریق نوع پوشش خود نیز قابل شناسایی هستند. فناوری‌های جدید امکان جست‌وجوی افراد را بر اساس توصیف‌های ساده فراهم کرده‌اند؛ برای مثال، «مردی با پیراهن آبی و کلاه کابویی». این قابلیت، سطح جدیدی از نظارت را معرفی می‌کند که فراتر از روش‌های سنتی عمل می‌کند. در خارج از ورزشگاه نیز دوربین‌های پیشرفته با قابلیت بزرگ‌نمایی بالا، خیابان‌ها و مسیرهای اطراف را به‌طور مداوم زیر نظر دارند. این پوشش نظارتی گسترده، در عمل محدوده‌ای فراتر از ورزشگاه را در برمی‌گیرد و شهر را به بخشی از سیستم امنیتی تبدیل می‌کند.

امنیت یا نقض حریم خصوصی؟

گسترش چنین فناوری‌هایی، پرسش‌های جدی درباره تعادل میان امنیت و حریم خصوصی مطرح کرده است. از یک سو، مقامات امنیتی تأکید می‌کنند که این اقدامات برای پیشگیری از تهدیدات احتمالی ضروری است. از سوی دیگر، منتقدان معتقدند که این سطح از نظارت می‌تواند به نقض گسترده حقوق شهروندی منجر شود.
سازمان‌های ناظر و گروه‌های مدنی هشدار داده‌اند که استفاده از این فناوری‌ها در رویدادهای بزرگ، ممکن است به عادی‌سازی نظارت دائمی در زندگی روزمره منجر شود. بویژه آنکه زیرساخت‌های ایجادشده پس از پایان مسابقات نیز برچیده نمی‌شوند و همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

میراثی پایدار از یک رویداد موقت

یکی از مهم‌ترین ابعاد این موضوع، «میراث امنیتی» جام جهانی است. برخلاف استادیوم‌ها یا زیرساخت‌های فیزیکی که ممکن است پس از مدتی تغییر کاربری دهند، سامانه‌های نظارتی معمولاً باقی می‌مانند و حتی توسعه پیدا می‌کنند. به این ترتیب، رویدادی که در ظاهر موقتی است، تأثیری بلندمدت بر ساختار امنیتی شهرها می‌گذارد. این روند پیش‌تر در سایر کشورها نیز مشاهده شده است؛ جایی که رویدادهای بزرگ ورزشی به بهانه‌ای برای گسترش ابزارهای نظارتی تبدیل شده‌اند. اما آنچه در آمریکا رخ می‌دهد، به‌دلیل مقیاس فناوری و سطح هماهنگی میان نهادهای مختلف، ابعاد گسترده‌تری دارد.

فضاهای هوشمند یا مناطق کنترل‌شده؟

تحولات اخیر نشان می‌دهد که ورزشگاه‌های مدرن به‌سرعت در حال تبدیل شدن به «فضاهای هوشمند» هستند؛ فضاهایی که در آنها هر حرکت، صدا و رفتار قابل ثبت و تحلیل است. این روند، اگرچه می‌تواند امنیت را افزایش دهد، اما در عین حال، تجربه حضور در چنین مکان‌هایی را نیز تغییر می‌دهد.
تماشاگران دیگر صرفاً بیننده یک مسابقه نیستند؛ بلکه خود به بخشی از یک شبکه داده‌ای تبدیل می‌شوند. هر ورود، هر حرکت و حتی هر واکنش آنها می‌تواند ثبت و تحلیل شود.

پرسش‌های بی‌پاسخ

جام جهانی ۲۰۲۶، فراتر از یک رویداد ورزشی، نمایانگر تغییرات عمیق در نحوه مدیریت امنیت در فضاهای عمومی است. استفاده گسترده از فناوری‌های نظارتی، نشان‌دهنده گذار از مدل‌های سنتی امنیتی به سیستم‌های هوشمند و داده‌محور است.
اما این تحول پرسش‌های مهمی را نیز به همراه دارد: آیا امنیت بیشتر به معنای پذیرش نظارت گسترده‌تر است؟ و آیا جامعه آماده است بهای این امنیت را با کاهش حریم خصوصی بپردازد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، نه‌تنها آینده ورزشگاه‌ها، بلکه مسیر کلی جوامع در مواجهه با فناوری‌های نوین را تعیین خواهد کرد.

منبع: فارین‌پالیسی

چرا بسیاری از ایرانی‌ها طرفدار تیم اسپانیا بودند؟

شکل‌گیری یک اتحاد معنادار

گروه ورزشی / در میانه یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های تاریخی جهان، جایی که مواضع سیاسی کشورها بیش از همیشه زیر ذره‌بین افکار عمومی قرار داشت، رفتار و تصمیم‌های دولت اسپانیا در قبال تحولات منطقه و بویژه در جریان جنگ تحمیلی دوم علیه ایران، به نقطه‌ای متفاوت در نگاه بخش قابل توجهی از جامعه ایران تبدیل شد.
دولت اسپانیا با اتخاذ مواضعی مستقل در برابر اقدامات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، از همراهی با سیاست‌های دولت‌های متخاصم خودداری کرد و اقدام نظامی علیه خاک ایران را مصداق نقض قوانین بین‌المللی و تجاوز آشکار دانست. این رویکرد که برخلاف انتظار واشنگتن و تل‌آویو بود، واکنش‌های تندی از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، به همراه داشت؛ اما مادرید نه‌تنها از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد، بلکه بر ضرورت پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل و مخالفت با یکجانبه‌گرایی تأکید کرد.
همین موضع‌گیری‌ها باعث شد تصویر متفاوتی از اسپانیا در میان افکار عمومی ایران شکل بگیرد. بسیاری از ایرانی‌ها، رفتار دولت اسپانیا را نشانه‌ای از استقلال سیاسی و فاصله گرفتن از رویکردهای مداخله‌جویانه قدرت‌های بزرگ ارزیابی کردند. در فضای عمومی جامعه، بویژه در شبکه‌های اجتماعی، نوعی همدلی میان مردم ایران و اسپانیا شکل گرفت؛ همدلی‌ای که اگرچه ریشه در سیاست داشت، اما خیلی زود از مرزهای دیپلماتیک عبور کرد و به عرصه فرهنگ و ورزش رسید. بعد از تجمع حمایتی ایرانی‌ها مقابل سفارت اسپانیا در تهران، جام جهانی فوتبال، صحنه‌ای شد تا این نزدیکی اجتماعی و احساسی خود را آشکارتر نشان دهد. تیم ملی اسپانیا با هدایت لوئیس دلا فوئنته، در حالی قدم به این رقابت‌ها گذاشت که برای بسیاری از هواداران ایرانی، دیگر صرفاً یک تیم فوتبال نبود؛ بلکه نمادی از کشوری بود که در نگاه آنها در مقطعی حساس، موضعی متفاوت اتخاذ کرده بود.
در جریان مسابقات، حمایت‌های گسترده کاربران ایرانی از تیم ملی اسپانیا در شبکه‌های اجتماعی جلب توجه کرد. پیام‌های تبریک، انتشار پرچم اسپانیا در کنار پرچم ایران، ابراز علاقه به سبک بازی این تیم و همراهی با بازیکنان اسپانیایی، بخشی از نشانه‌هایی بود که از شکل‌گیری یک پیوند عاطفی میان دو جامعه حکایت داشت.
اوج این همدلی در مراحل پایانی جام جهانی رقم خورد. پس از پیروزی اسپانیا مقابل فرانسه در مرحله نیمه‌نهایی، موجی از شادی و واکنش‌های مثبت در میان کاربران ایرانی شکل گرفت. بسیاری از هواداران ایرانی، موفقیت اسپانیا را با شور و هیجانی دنبال کردند که معمولاً در حمایت از یک تیم ملی خارجی کمتر دیده می‌شود. فضای شبکه‌های اجتماعی مملو از پیام‌هایی بود که نشان می‌داد بخشی از جامعه ایران، این پیروزی را فراتر از یک نتیجه فوتبالی و در امتداد همان احساس نزدیکی سیاسی و انسانی دنبال می‌کند.
در دیدار فینال نیز این حمایت به اوج خود رسید. شادی ایرانی‌ها پس از موفقیت اسپانیا برابر آرژانتین، تصویری متفاوت از یک همراهی فرامرزی را به نمایش گذاشت؛ گویی بخشی از هواداران ایرانی خود را در این موفقیت سهیم می‌دانستند. واکنش‌ها نشان می‌داد که فوتبال در این مقطع به بستری برای بیان احساسات مشترک، احترام متقابل و همدلی میان دو ملت تبدیل شده است.

دخالت سیاست در بزرگ‌ترین ویترین فوتبال جهان

درس بزرگ ماتادورها به ترامپ و نتانیاهو

گروه ورزشی / درست در مقطعی که انتشار تصویر نخست‌وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی با در دست داشتن پرچم آرژانتین و آرزوی موفقیت برای این تیم، فضای شبکه‌های اجتماعی را در جهان پرتنش کرده بود، بسیاری از تحلیلگران، فینال جام جهانی ۲۰۲۶ را یکی از سیاسی‌ترین فینال‌های تاریخ این رقابت‌ها توصیف کردند. این فضاسازی‌ها تنها به همین‌جا محدود نشد؛ پیش از آغاز مسابقه نیز رئیس جمهوری ایالات‌متحده‌آمریکا، در گفت‌وگو با یک رسانه آمریکایی با حمایتی تلویحی و حتی صریح از آرژانتین مدعی شد: «فقط دیوانه‌ها روی باخت لیونل مسی شرط بندی می‌کنند.» اظهارنظرهایی از این دست، نمونه‌هایی روشن از برخوردی سیاسی با پدیده‌ای ذاتاً ورزشی بود. اما اسپانیایی‌ها بی‌اعتنا به این جریان‌سازی‌های هدفمند، در جریان بازی و بویژه در وقت‌های اضافه، نمایشی چشم‌نواز و باشکوه ارائه دادند و بار دیگر به جهان نشان دادند که تاریخ همیشه مطابق خواست سیاستمداران زورگو رقم نمی‌خورد؛ بلکه این توانمندی، انسجام و اعتمادبه‌نفس است که می‌تواند سرنوشت‌های متفاوتی را خلق کند.
با سوت پایان و تثبیت قهرمانی اسپانیا، این بار نوبت بازیکنان این تیم بود که پاسخی معنادار به حاشیه‌سازی‌ها بدهند. بی‌اعتنایی ستاره‌های تیم ملی اسپانیا به ترامپ در مراسم اهدای مدال، پیامی روشن داشت؛ آنها نه‌تنها درگیر بازی‌های سیاسی نشدند، بلکه در برابر دیدگان میلیاردها بیننده، نشان دادند که فوتبال می‌تواند از هیاهوی تحمیل‌شده فاصله بگیرد و شأن خود را حفظ کند.
پیشینه رفتار بازیکنان اسپانیا نیز مؤید همین رویکرد است. ستاره‌هایی چون لامین یامال پیش‌تر در حمایت از مردم مظلوم غزه مواضعی صریح اتخاذ کرده بودند و با برافراشتن پرچم فلسطین، صدای همدلی خود را به گوش جهان رسانده بودند. این رویکرد، در تضاد آشکار با رفتار برخی چهره‌های تیم ملی آرژانتین قرار داشت که با حضور در سرزمین‌های اشغالی و همراهی با چهره‌هایی همچون بنیامین نتانیاهو، نشان دادند که ورود به عرصه فوتبال سیاسی را پذیرفته‌اند.
فینال ۲۰۲۶، فراتر از یک رقابت فوتبالی، به صحنه‌ای برای تقابل دو نگاه تبدیل شد؛ نگاهی که فوتبال را ابزار سیاست می‌بیند و نگاهی که تلاش می‌کند آن را به اصالت ورزشی و انسانی‌اش بازگرداند.

بازتاب

پیام تبریک رئیس جمهوری به قهرمان جهان

شادی ملت اسپانیا شادمانی ملت و دولت ایران است

رئیس جمهوری با تبریک قهرمانی تیم ملی اسپانیا در جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶ آمریکا، نوشت: «شادمانی ملت و دولت دوست، اسپانیا، شادمانی ملت و دولت ایران است.»
«مسعود پزشکیان» با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، با تبریک قهرمانی تیم ملی اسپانیا در جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶، نوشت: «موفقیت تیم ملی فوتبال اسپانیا و کسب عنوان قهرمانی جام جهانی در کمال شایستگی را به ملت و دولت این کشور تبریک می‌گویم.»
وی در ادامه این پیام آورده است: «شادمانی ملت و دولت دوست، اسپانیا، شادمانی ملت و دولت ایران است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی:

قهرمانی اسپانیا دل ملت‌های عدالتخواه را شاد کرد

محمدباقر قالیباف در پیامی به رؤسای مجلس سنا و نمایندگان اسپانیا با تبریک قهرمانی تیم ملی فوتبال این کشور در جام جهانی، گفت: «دفاع شما و بازیکنان آن تیم از ملت فلسطین و حمایت‌های آن کشور از ایران در جنگ تحمیلی سوم، نشان داد آزادگی و سلطه‌ناپذیری از ویژگی‌های آن ملت فهیم و محترم است.»
در بخشی از پیام محمدباقر قالیباف رئیس مجلس ایران به رؤسای مجلس سنا و نمایندگان اسپانیا آمده است«قهرمانی تیم ملی اسپانیا در رقابت‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶ را به شما، مردم و دولت اسپانیا تبریک می‌گویم. دفاع شما و بازیکنان آن تیم از ملت فلسطین و حمایت‌های آن کشور از جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی سوم، نشان داد که آزادگی و سلطه‌ناپذیری از ویژگی‌های آن ملت فهیم و محترم است. این پیروزی و قهرمانی ارزشمند، نه‌تنها دل مردم آن کشور که دل بسیاری از آزادگان و ملت‌های مستقل و عدالتخواه جهان را شاد کرد.»

واکنش

رسانه‌های جهان به تسخیر فوتبال درآمد

فینال جاودانه

گروه ورزشی / فینال جام جهانی ۲۰۲۶ نه‌تنها در مستطیل سبز، بلکه بر صفحه اول رسانه‌های بزرگ جهان نیز به رقابتی نفس‌گیر تبدیل شد؛ جایی که سیر تیترها از «هیجان و شوک اولیه» آغاز شد، به «تحلیل‌های فنی و تاکتیکی» رسید و در نهایت با «جمع‌بندی‌های تاریخی و احساسی» به فرجام نشست. رسانه‌های آمریکایی، نظیر CNN و ESPN، با تیترهایی فوری و سرشار از احساس، فینال جام جهانی را چنین توصیف کردند: «پایانی دراماتیک برای شبی فراموش‌نشدنی» و «رویایی که فرو ریخت». این روایت‌ها بیش از هر چیز بر بار عاطفی و لحظه‌های شوک‌آور مسابقه تمرکز داشتند.
اندکی بعد، نوبت به رسانه‌های تحلیلی‌تر اروپا رسید؛ BBC و گاردین با تغییر لحن، تیترهایی چون «پیروزی صبر و تاکتیک» و «اسپانیا چگونه بازی را کنترل کرد» را منتشر کردند. در همین مسیر، مارکا و ال پائیس با رویکردی ملی‌گرایانه‌تر، از «نسل طلایی جدید» و «بازگشت به اوج فوتبال جهان» نوشتند.
در ادامه، رسانه‌های فرانسوی و آلمانی مانند اکیپ و اشپیگل، تمرکز را به تحلیل‌های عمیق‌تر معطوف کردند و با تیترهایی نظیر «نبرد سیستم‌ها» و «وقتی تاکتیک بر استعداد غلبه می‌کند»، ابعاد فنی‌تری از مسابقه را برجسته ساختند.
در آسیا، رسانه‌هایی چون ان‌اچ‌کی والجزیره روایت را با نگاهی کلان‌تر ادامه دادند: «پایانی شایسته برای تورنمنتی جهانی» و «فوتبال، فراتر از مرزها». این بخش از پوشش رسانه‌ای، بیش از هر چیز بر وجوه نمایشی و جهان‌شمول این رقابت تأکید داشت.
اما نیویورک تایمز از «پایان یک عصر و آغاز فصلی نو» نوشت و گاتزتا دلو اسپورت این مسابقه را «فینالی برای تاریخ» توصیف کرد؛ تعابیری که رنگ و بوی تاریخ‌نگاری به خود گرفتند. در مجموع، روند تیترها از «شوک و احساس» به «تحلیل»، سپس «تفسیر جهانی» و در نهایت «تاریخ‌نگاری» حرکت کرد؛ مسیری که نشان می‌دهد فینال ۲۰۲۶، فراتر از یک مسابقه فوتبال، به روایتی متفاوت و ماندگار در حافظه رسانه‌های جهان تبدیل شده است.

جلال چراغپور، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

قهرمانی اسپانیا یک شبه رخ نداد

مهری رنجبر / اسپانیا با اتکا به فوتبال حساب‌شده، بازی تیمی و صبر تاکتیکی توانست جام قهرمانی را بالای سر ببرد؛ قهرمانی‌ای که پیش از آغاز رقابت‌ها بسیاری آن را چندان محتمل نمی‌دانستند. در شرایطی که برخی کارشناسان با تکیه بر اهرم بزرگی به نام لیونل مسی، از پیش جام جهانی ۲۰۲۶ را به نام آرژانتین نوشته بودند، تیم واقعی اسپانیا با ساختاری منسجم و رویکردی صبورانه، توانست مهره کلیدی آلبی‌سلسته را از جریان بازی خارج کند و مانع از تکرار قهرمانی این تیم شود.
جلال چراغ‌پور، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»، به تحلیل فینال جام جهانی ۲۰۲۶ و ابعاد مختلف این مسابقه پرداخت. او بررسی خود را از نگاهی کلی‌تر به ساختار این دوره از رقابت‌ها آغاز کرد. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.
چراغپور در این باره می‌گوید: «جام جهانی با حضور ۴۸ تیم نیازمند بررسی، آسیب‌شناسی و شناخت شرایط جدید است. کسانی که درباره بازی‌ها قضاوت می‌کنند، باید یک روند فکری را از کل مسابقات دنبال کنند و به یک برداشت کلی از جام جهانی ۲۰۲۶ برسند.»

دو مسیر متفاوت تا فینال

مربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران، با اشاره به مسیر متفاوت اسپانیا و آرژانتین تا رسیدن به فینال، می‌گوید: «در فینال، دو تیم اسپانیا و آرژانتین مرحله به مرحله بالا آمده بودند؛ دو تیم با دو ساختار انگیزشی و ویژگی‌های متفاوت. هر دو تیم از نظر فیزیکی استانداردهای لازم برای فوتبال مدرن را داشتند؛ نه بیش از حد ریزاندام بودند و نه بیش از اندازه درشت و سنگین. به این نتیجه رسیده‌ایم که تیم‌های بیش از حد ستبر، یکی از مهم‌ترین فاکتورهای فوتبال یعنی چابکی را از دست می‌دهند.»
او درباره تفاوت شخصیتی دو تیم نیز توضیح داد: «آرژانتینی‌ها معمولاً تیمی تند و پرخاشگر هستند، اما اسپانیایی‌ها صبورترند و نوعی تمدن رفتاری در فوتبال آنها دیده می‌شود. آنها بی‌دلیل وارد بحث و درگیری نمی‌شوند، رفتارهای خارج از چارچوب ندارند و در مقابل بی‌اخلاقی حریف نیز معمولاً کنترل بیشتری از خود نشان می‌دهند. البته در فوتبال باشگاهی شرایط متفاوت است، اما در تیم ملی می‌توان شخصیت یک کشور را بهتر مشاهده کرد.»

وابستگی بیش از حد آرژانتین به مسی

چراغپور درباره رویکرد تاکتیکی آرژانتین در فینال گفت: «آرژانتین با سیستم ۱-۵-۴ بازی می‌کرد و امیدوار بود جرقه‌ای از مسی اتفاق بیفتد. پنج هافبک پشت سر او قرار داشتند و مسی آزادی عمل داشت تا تنها برای یک فرار یا یک لحظه تعیین‌کننده آماده باشد؛ اتفاقی که یک بار هم رخ داد، اما دروازه‌بان اسپانیا زودتر به توپ رسید.»
او معتقد است ساختار هجومی آرژانتین بیش از اندازه به ستاره خود وابسته بود: «فوتبال آرژانتین عملاً با هدف رساندن توپ به مسی طراحی شده بود. همه چیز به او ختم می‌شد؛ حتی کرنرهای کوتاه دوباره به مسی بازمی‌گشت تا ضربه دوم یا سوم را بزند. ضربات ایستگاهی به او سپرده می‌شد، فرارها را او انجام می‌داد و بخش زیادی از ساختار هجومی تیم بر اساس توانایی‌های او شکل گرفته بود.»

اسپانیا؛ فوتبال همه‌جانبه و چندبعدی

چراغپور در مقابل، فوتبال اسپانیا را نمونه‌ای از بازی کامل تیمی دانست و گفت: «اسپانیا تمام زمین را بازی می‌کرد؛ از مشارکت مدافعان کناری در حمله گرفته تا حضور هفت بازیکن در زمین حریف هنگام حمله. آنها فوتبال کاملاً تیمی و چندبعدی ارائه دادند.»
او ادامه داد: «در این فینال، تماشاگران در واقع دو نوع فوتبال متفاوت دیدند؛ یک فوتبال با استراتژی متمرکز بر یک بازیکن و یک فوتبال همه‌جانبه که بر همکاری جمعی استوار بود. فوتبال اسپانیا نزدیک به ۱۳ آیتم مهم را همزمان در اختیار داشت. آنها خود را به محوطه جریمه نزدیک می‌کردند و این کاری است که اسپانیا در آن در سطح بالایی قرار دارد.»
وی با اشاره به تعداد موقعیت‌های ایجادشده توسط اسپانیا توضیح می‌دهد: «اسپانیا فرصت‌های گلزنی زیادی ایجاد کرد و اگر دروازه‌بان آرژانتین روز فوق‌العاده‌ای نداشت، این تیم می‌توانست چهار یا پنج گل دریافت کند.»

فلسفه فوتبال اسپانیا

چراغپور معتقد است موفقیت فوتبال اسپانیا حاصل یک روند طولانی‌مدت و پیوند عمیق میان فرهنگ هواداری و فلسفه بازی در این کشور است؛ فوتبالی که نه یک‌شبه ساخته شده و نه محصول تصمیم یک مربی یا یک نسل خاص بوده است.
او در این باره می‌گوید: «ذائقه هواداران اسپانیایی به مرور مسیر فوتبال این کشور را اصلاح کرده و به سبکی رسانده که امروز الگویی برای بسیاری از تیم‌های دنیا محسوب می‌شود. اسپانیا سال‌هاست از زمان یوهان کرایف و حتی مربیان دیگری که به این کشور آمدند، یک تجربه مهم را پشت سر گذاشته است. بسیاری با این تصور وارد فوتبال اسپانیا شدند که می‌توانند فوتبال آنها را اصلاح کنند، اما در نهایت خودشان از فوتبال اسپانیا یاد گرفتند.»
او ادامه داد: «اساس و شکل فوتبال اسپانیا به‌صورت ناخودآگاه به ذائقه تماشاگران این کشور بازمی‌گردد.»

نقش فرهنگ هواداری در شکل‌گیری فوتبال کشورها

چراغپور با اشاره به تأثیر فرهنگ هواداری بر مسیر فوتبال کشورها توضیح داد: «اگر گروهی از تماشاگران دانش کافی از فوتبال نداشته باشند و از بازی خشن، درگیری، توپ‌های بلند و فوتبال بی‌نظم لذت ببرند، به‌تدریج همین مدل بازی جای فوتبال واقعی را می‌گیرد. وقتی بازیکنی پایش را روی ساق بازیکن حریف می‌گذارد و رد می‌شود و تماشاگر می‌گوید «حقش بود»، یا وقتی بازیکن توپ را بی‌هدف بلند می‌زند و مسابقه به یک جنگ فیزیکی تبدیل می‌شود، کم‌کم این سبک مورد پذیرش قرار می‌گیرد.»
او در ادامه می‌گوید: «مربیان نیز به سمت چیزی می‌روند که مدیران باشگاه‌ها می‌خواهند و مدیران هم به سمت خواسته‌ای حرکت می‌کنند که بقای آنها را تضمین کند؛ یعنی خواست مردم.»

مسیر اسپانیا و درس‌هایی برای فوتبال

چراغپور در پایان تأکید کرد که مسیر اسپانیا به دلیل مطالبه‌گری هوادارانش متفاوت بوده است: «در اسپانیا وقتی تماشاگر از عملکرد تیم ناراضی می‌شود، با تکان دادن دستمال سفید اعتراض خود را نشان می‌دهد. حتی در مقطعی که فوتبال اسپانیا مسیر خود را گم کرده بود و تصور می‌کرد فوتبال فقط یعنی پاس‌های زیاد، هواداران اعتراض کردند و گفتند فوتبال فقط گردش توپ نیست.»
او ادامه داد: «آنها تلاش برای رسیدن به محوطه ۱۸ قدم، شوت‌زنی، ضربه سر، یک‌دو کردن، چرخش، موقعیت‌های تک‌به‌تک و مجموعه‌ای از آیتم‌هایی را می‌خواستند که در نهایت به گل منجر می‌شود.»
مربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران معتقد است اصلاح فوتبال اسپانیا نتیجه همین مطالبه‌گری بوده است: «فوتبال اسپانیا با همین واکنش‌های هواداران اصلاح شد؛ آنها چیزی را مطالبه کردند که از دیدن آن لذت می‌بردند. بنابراین فوتبال اسپانیا یک‌شبه به اینجا نرسیده است.»
او در پایان با اشاره به مسیر مشابه ژاپن گفت: «ژاپن هم همین مسیر را طی کرده؛ فوتبالی چشم‌نواز، منظم و بی‌آزار ارائه می‌دهد، بدون اینکه تماشاگر از رفتار و اخلاق بازیکنان ناراحت شود و در عوض از خود فوتبال لذت ببرد. فوتبال ایران هم باید همین مسیری را طی کند که ژاپن و اسپانیا طی کردند و به موفقیت رسیدند.»

روایتی متفاوت از یک سقوط

پایان تلخ مسی

گروه ورزشی / فینال جام جهانی ۲۰۲۶ قرار بود صحنه‌ای برای تکرار یک افسانه باشد؛ شبی که نام لیونل مسی بار دیگر بر قله تاریخ حک شود. اما آنچه در ورزشگاه نیوجرسی نیویورک رقم خورد، نه بازتولید شکوه، بلکه روایتی از فرسایش تدریجی یک ستاره بود. مسی که در مسیر رسیدن به فینال از مؤثرترین بازیکنان تورنمنت به شمار می‌رفت، در مهم‌ترین شب جام به یکی از کم‌اثرترین بازیکنان میدان تبدیل شد؛ بازیکنی که فاصله‌ای محسوس با تصویر اسطوره‌ای همیشگی‌اش داشت. بر اساس داده‌های ثبت‌شده، مسی در این دیدار تنها ۴۱ لمس توپ داشت؛ آماری پایین‌تر از میانگین عملکرد او در این جام. او فقط یک شوت به ثبت رساند که آن هم خارج از چارچوب بود و در خلق موقعیت نیز کاملاً ناکام ماند؛ عددی که برای بازیکنی با نقش محوری در حملات آرژانتین، نشانه‌ای از گسست جریان خلاقیت است. علاوه بر این، ۱۷ بار از دست دادن مالکیت توپ و موفقیت در تنها ۲ دریبل از ۹ تلاش، افتی محسوس در کیفیت فردی او را نشان می‌داد. حتی دقت پاس‌هایش نیز به ۷۸ درصد کاهش یافته بود؛ رقمی کمتر از استاندارد همیشگی‌اش. ولی اعداد تنها بخشی از واقعیت را روایت می‌کنند. اسپانیا با اجرای برنامه‌ای تاکتیکی و منسجم، در عمل مسی را از جریان بازی خارج کرد. پرس‌های چندلایه و مسدود کردن فضاهای کلیدی، او را به عقب زمین راند و از مناطق خطر دور نگه داشت. در نیمه دوم، تلاش آرژانتین برای بازگرداندن او به مرکز بازی نیز بی‌نتیجه ماند و مسی بیش از آنکه رهبر الهام‌بخش باشد، به بازیکنی منفعل بدل شد. پس از سوت پایان، تصویری متفاوت از او به ثبت رسید؛ دیگر خبری از فریادها و مشت‌های گره کرده آقای ستاره نبود. سکوت، جای هیجان را گرفته بود و نگاهش بیش از هر چیز، حکایت از پذیرش پایانی تلخ داشت. شاید قضاوت تاریخ بی‌رحم باشد، اما فینال‌ها هرگز فراموش نمی‌شوند. در فینال جام ۲۳ مسی نه قهرمان بود و نه تعیین‌کننده؛ بلکه بازیکنی بود که زیر فشار زمان و تاکتیک حریف، برای لحظه‌ای از صحنه محو شد؛ جایی که حتی اسطوره‌ها نیز تَرک برمی‌دارند.

«ایران» پیام‌های کلیدی فینال جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

پایان کاغذی یک امپراطوری

عکس: www.GettyImages.com

سینا حسینی / قهرمانی «لاروخا» در فینال جام جهانی ۲۰۲۶، صرفاً اضافه شدن جامی دیگر به ویترین افتخارات اسپانیا نبود؛ این مسابقه، روایتی بی‌پرده از مختصات فوتبال مدرن ارائه داد، جایی که اعداد و داده‌ها، در کنار یک نمایش یک‌طرفه، بسیاری از توهمات رایج در فوتبال را فرو ریخت. آنچه در جریان این بازی با وضوح دیده شد، یک حقیقت ساده اما تعیین‌کننده بود؛ در فوتبال امروز، فاصله میان «ادعا» و «دستاورد» را تنها «اجرا» پر می‌کند، نه شعار.
در شرایطی که انتظار می‌رفت دوئل اسپانیا و آرژانتین به صحنه‌ای تماشایی میان قهرمان و مدعی تبدیل شود، در عمل به یک کلاس درس ۱۲۰ دقیقه‌ای تغییر شکل داد. به‌جای درخشش فردی ستاره‌ها، شاهد بازنمایی دقیق برتری ساختاری یک تیم بودیم. آمارهای بازی، از مالکیت و دقت پاس گرفته تا تعداد موقعیت‌های خلق‌شده و شاخص‌های فیزیکی مانند دوندگی و پرسینگ، روایتی صریح از سلطه «ماتادورها» ارائه می‌دادند؛ برتری‌ای که این مسابقه را از یک رقابت برابر، به نمونه‌ای از «کنترل مطلق» تبدیل کرد. آرژانتین در صدوچهارمین حضور خود در تاریخ جام جهانی، بیش از آن که شبیه مدافع عنوان قهرمانی باشد، شبیه تیمی بود که هنوز در حال تطبیق با این سطح است.
اما مسأله صرفاً شکست قهرمان دوره قبل نبود؛ «چگونگی» این ناکامی و مدل وقوع آن، پیام اصلی را به جهان مخابره کرد. آلبی‌سلسته نه‌تنها در اجرا، بلکه در خوانش بازی، تصمیم‌گیری و واکنش به تغییرات حریف نیز عقب ماند. تیمی که پیش‌تر با انعطاف تاکتیکی و مدیریت جریان مسابقه شناخته می‌شد، در این فینال به مجموعه‌ای پراشتباه و کم‌اثر تقلیل یافت؛ بدون اتصال خطوط، فاقد راه‌حل جایگزین و ناتوان در پاسخ‌گویی به پرس‌های تاکتیکی اسپانیا. در سوی مقابل، اسپانیا با هدایت دلافوئنته، تصویری دقیق و به‌روز از فوتبال مدرن ارائه داد؛ تیمی که نه‌تنها می‌داند چه می‌خواهد، بلکه مسیر رسیدن به آن را نیز با جزئیات اجرا می‌کند و مهم‌تر از آن، حریف را حتی از «خواستن» هم محروم می‌کند. این همان نقطه‌ای است که تفاوت میان «داشتن برنامه» و «اجرای برنامه» معنا پیدا می‌کند.
آرژانتین شاید با چند سناریوی تاکتیکی مثل خیلی از تیم‌هایی که از جام حذف شدند وارد میدان شده بود، اما با فروپاشی اولین طرح، نشانی از سناریوی جایگزین دیده نشد. در مقابل، اسپانیا نه‌تنها پلن A، بلکه نسخه‌های اصلاح‌شده و تکامل‌یافته آن را نیز در طول بازی به کار گرفت. اما این فینال، چند درس روشن و غیرقابل چشم‌پوشی برای فوتبال جهان داشت، درس‌هایی که نادیده گرفتن‌شان برای بسیاری از مربیان هزینه‌ساز خواهد بود.
نخستین پیام کلیدی این دیدار جایی آشکار شد که این حقیقت محض رونمایی شد که در فوتبال امروز، «برنامه» یک سند ایستا و کاغذی نیست، بلکه پدیده‌ای پویاست که باید در لحظه تکامل یابد. تیمی که از تطبیق در جریان بازی ناتوان باشد، حتی با انبوهی از ستاره‌ها، محکوم به شکست است.
نکته دوم؛ «کنترل فضا و زمان» بر مالکیت صرف توپ برتری دارد. اسپانیا با پرسینگ هدفمند و گردش سریع توپ، زمان تصمیم‌گیری را از آرژانتین گرفت و در عمل بازیکنان کلیدی این تیم را از مدار تأثیرگذاری خارج کرد.
نکته سوم؛ «ذهنیت قهرمانی» با «عنوان قهرمانی» یکی نیست. آرژانتین با برچسب مدافع قهرمانی وارد زمین شد، اما نشانی از عطش و آمادگی یک مدعی در آن دیده نمی‌شد. در مقابل، اسپانیا مانند تیمی بازی کرد که هنوز برای اثبات خود انگیزه دارد. نکته چهارم؛ اتکا به لحظات فردی در سطح فینال جام جهانی، نوعی ریسک افراطی است. با فروپاشی ساختار تیمی، حتی بزرگ‌ترین ستاره‌ها نیز به سطحی معمولی تنزل پیدا می‌کنند.
اما شاید مهم‌ترین نکته در لایه‌ای عمیق‌تر نهفته بود؛ در فوتبال مدرن، «داشتن آمار» کافی نیست؛ آنچه تعیین‌کننده است، «فهم بازی» است. این همان مرزی است که مربیان بزرگ را از تحلیل‌گران صرفاً آماری جدا می‌کند. فینال ۲۰۲۶، بیش از آن‌که یک پایان باشکوه باشد، یک هشدار جدی بود نه فقط برای آرژانتین، بلکه برای تمام مدعیان آینده. در فوتبال امروز، موفقیت دیروز هیچ امتیازی به همراه ندارد. اگر برنامه به‌روز نباشد، اجرای آن دچار تردید شود و تیم از نظر ذهنی آماده نباشد، حتی برای مدعی عنوان قهرمانی نیز مصونیت نمی‌آورد؛ در فوتبال امروز اگر شجاع و مدرن نباشید قطعاً مجبور می‌شوید، تحقیری سخت را تجربه کنید.

روایت سیاسی نبرد اسپانیا و آرژانتین در فینال جام جهانی ۲۰۲۶

زبان مشترک و عشق به فوتبال دارند؛ اما خبری از اشتراک دیگر نیست

وسوسه‌انگیز است که فینال جام جهانی میان اسپانیا و آرژانتین را صرفاً رویارویی دو ابرقدرت فوتبال جهان تحلیل کنیم؛ تقابلی که در نگاه نخست، چیزی جز رقابت دو سنت بزرگ فوتبالی به نظر نمی‌رسد. اما در پس این رقابت ورزشی، روایت عمیق‌تر و پیچیده‌تری نهفته است که این دو کشور را در بستری تاریخی، فرهنگی و اقتصادی به یکدیگر پیوند می‌دهد. اسپانیا و آرژانتین گذشته‌ای مشترک در تجربه استعمار و نیز شبکه‌ای پایدار از مناسبات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند؛ پیوندهایی که نه‌تنها در شکل‌گیری هویت ملی آرژانتین نقش داشته، بلکه می‌توانند به درک بهتر رخدادهای درون زمین مسابقه نیز یاری رسانند. میراث اسپانیا چگونه در تار و پود هویت آرژانتینی تنیده شده است؟ این دو کشور از چه مسیرهایی به قدرت‌های بزرگ فوتبال بدل شده‌اند؟ و روابط سیاسی و اقتصادی آنها در جهان معاصر چه وضعیتی دارد؟
این پرسش‌ها، بخشی از محورهای گفت‌وگوی اخیر «کمرون آبادی» معاون سردبیر فارن‌پالیسی با آدام توز، ستون‌نویس اقتصادی این رسانه است.

هویت ملی آرژانتین دقیقاً از چه عناصری تشکیل شده است؟ و این هویت را چگونه می‌توان در نسبت با اسپانیا و نفوذ فرهنگی آن تعریف کرد؟

قبل از هر چیز باید گفت بدون اسپانیا، «آرژانتین مدرن» هم وجود نداشت. در واقع، ورود نخستین اسپانیایی‌ها و آغاز روند فتح این سرزمین در سال ۱۵۱۶ بود که آرژانتین را در مسیر شکل‌گیری کنونی‌اش قرار داد. از نظر تشکیل دولت نیز نقطه آغاز واقعی، نایب‌السلطنه ریو دلا پلاتا بود که در سال ۱۷۷۶، همزمان با استقلال آمریکا، تأسیس شد و سرزمین‌هایی را دربر می‌گرفت که بعدها به آرژانتین، اروگوئه و پاراگوئه تبدیل شدند. البته این ساختار دوام نیاورد. اختلافات داخلی، فروپاشی قدرت اسپانیا در اروپا و جنگ استقلال میان سال‌های ۱۸۱۰ تا ۱۸۱۸ در نهایت به ظهور مستعمره سابق اسپانیا به‌عنوان جمهوری‌ای منتهی شد که به‌سرعت گسترش یافت؛ نوعی معادل آمریکای‌جنوبی برای گشایش مرزهای غربی آمریکا که همانند شمال قاره، با موج عظیم مهاجران، سرمایه و پول بریتانیا تغذیه می‌شد. همین روند به آن کلیشه معروف اما تا حدی بامزه درباره آرژانتین انجامیده است؛ اینکه «آرژانتینی‌ها، ایتالیایی‌هایی هستند که اسپانیایی حرف می‌زنند و نخبگانشان فکر می‌کنند انگلیسی هستند.» این توصیف تا حدی طعنه‌آمیز است، اما نکته مهمی درباره نخبگان آرژانتین، به‌ویژه نخبگان اقتصادی آن، بیان می‌کند. از نظر جمعیتی نیز، جامعه ایتالیایی‌تبار آرژانتین سومین جمعیت بزرگ ایتالیایی در جهان است. کمی کمتر از دوسوم آرژانتینی‌ها، یعنی حدود ۶۲ درصد، دست‌کم بخشی از پیشینه قومی، نژادی یا خانوادگی خود را به ایتالیا نسبت می‌دهند. بنابراین، پس از ایتالیا و برزیل، بزرگ‌ترین جمعیت ایتالیایی‌تبار جهان در آرژانتین زندگی می‌کند. این بدان معناست که در آرژانتین امروز، شمار افرادی که ریشه‌های ایتالیایی دارند، از کسانی که تبار اسپانیایی دارند، بیشتر است.
زبان اسپانیایی که در آرژانتین صحبت می‌شود نیز بازتاب همین واقعیت است. اسپانیایی دوران استعمار یا دوران نایب‌السلطنه، در اصل همان اسپانیایی رایج در خود اسپانیا بود. اما زبانی که آرژانتینی‌ها امروز صحبت می‌کنند، «اسپانیایی ریوپلاتنسه» نام دارد؛ یعنی اسپانیایی حوزه ریودلاپلاتا. این گونه از زبان اسپانیایی در اروگوئه نیز به‌طور گسترده رایج است و تأثیر فراوانی از زبان ایتالیایی، به‌ویژه گویش‌های جنوب ایتالیا، پذیرفته است. در این گونه زبانی، به‌جای «tú» از «vos» استفاده می‌شود و صَرف افعال نیز متناسب با آن تغییر می‌کند. این شکل متمایز از زبان را حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر صحبت می‌کنند و بازتاب همین جدایی و شکل‌گیری هویتی است که در قرن نوزدهم، پس از استقلال از اسپانیا، آگاهانه خود را هویتی جدید، متمایز و حاصل ترکیب تأثیرات گوناگون تعریف کرد.
در کنار این، باید به تأثیر بسیار محدود جمعیت‌های بومی نیز اشاره کرد؛ وضعیتی که تفاوتی بسیار چشمگیر با کشورهایی مانند پرو، بولیوی، اکوادور یا حتی کشورهای آمریکای مرکزی دارد. همچنین، نقش برده‌داری در آرژانتین، در مقایسه با برزیل که بزرگ‌ترین اقتصاد برده‌داری جهان ـ حتی بزرگ‌تر از ایالات متحده ـ و بخش جدایی‌ناپذیر تجارت برده بود، نسبتاً ناچیز بوده است. از این رو، آرژانتین را می‌توان اروپایی‌ترین و در عین حال کم‌تر آمریکای لاتینیِ کشورهای آمریکای جنوبی دانست. حتی از برخی خانواده‌های قدیمی و ریشه‌دار آرژانتینی شنیده‌ام که تراژدی تاریخ معاصر آرژانتین را این می‌دانند که این کشور در نهایت «آمریکای لاتینی» شده است.

در قرن بیستم، هر دو کشور توانستند به ابرقدرت‌های فوتبال جهان تبدیل شوند. این دقیقاً چگونه اتفاق افتاد؟

توسعه نامتوازن در سطح جهانی تحت سلطه سرمایه بریتانیا، توضیح‌دهنده شکل‌گیری فوتبال در این دو کشور است. زیرا فوتبال، مانند بسیاری از بازی‌ها و ورزش‌های اواخر قرن نوزدهم ـ به‌ویژه ورزش‌های توپی مانند راگبی، کریکت، گلف و تنیس ـ از صادرات فرهنگی بریتانیا در آن دوره بود. اینها در واقع صادرات فرهنگی نخبگان بریتانیایی بودند. هر جا که بریتانیا سرمایه‌گذاری می‌کرد یا گروهی از انگلیسی‌ها در آن مستقر می‌شدند، آن «آقایان» در اوقات فراغتشان به سرگرمی نیاز داشتند و سرگرمی‌ای که با خود می‌آوردند، ورزش‌هایشان بود.
با توجه به جایگاه آرژانتین و اسپانیا در سلسله‌مراتب جهانی اواخر قرن نوزدهم، فوتبال ابتدا از طریق جامعه بریتانیایی مقیم، در سال ۱۸۶۷ به آرژانتین رسید؛ یعنی بسیار زود در تاریخ فوتبال مدرن.
پیوند اصلی نیز معمولاً با کریکت بود. کریکت بازی اصیل اشراف انگلیسی محسوب می‌شد. باشگاه‌های کریکت تأسیس می‌شدند و زمین‌های بزرگ و چمن‌دار در اختیار داشتند. سپس همین باشگاه‌های کریکت، تیم‌های فوتبال تشکیل می‌دادند که در همان زمین‌ها بازی می‌کردند. تاریخ فوتبال آرژانتین از دهه ۱۸۶۰ دقیقاً همین مسیر را طی کرد. باشگاه فوتبال بوئنوس‌آیرس تأسیس شد و باشگاه کریکت بوئنوس‌آیرس اجازه داد از زمین‌هایش برای بازی فوتبال استفاده شود. ۱۰ سال بعد، در اسپانیا نیز تقریباً همین داستان تکرار شد. در نتیجه، شاهد شکل‌گیری یک فرهنگ مشترک نخبگانی فوتبال در سراسر جهان تحت نفوذ بریتانیا هستیم. از دل همین روند، نخستین لیگ‌های جدی فوتبال نیز شکل گرفتند. در دهه ۱۸۹۰، فوتبال به کاتالونیا گسترش یافت و آغاز تاریخ مشهور فوتبال بارسلونا را شاهد هستیم. سپس این کاتالان‌ها بودند که فوتبال را به مادرید بردند؛ موضوعی که هنوز هم برای آنها مایه افتخار است که این روند از بارسلونا به مادرید صورت گرفته است.
در آرژانتین نیز از اوایل دهه ۱۹۰۰ شاهد گردش گسترده تیم‌ها در قلمرو کشورهای مشترک‌المنافع سفیدپوست هستیم. تیم‌هایی از آفریقای جنوبی به آرژانتین می‌آمدند. تیم‌های انگلیسی که در لیگ‌هایی هرچه حرفه‌ای‌تر و رقابتی‌تر بازی می‌کردند نیز به آرژانتین سفر می‌کردند و همان زمان هم اذعان داشتند که سطح فوتبال در اروگوئه و آرژانتین از اروپا بالاتر است. تنها در ۵۰ سال نخست تاریخ فوتبال سازمان‌یافته، آرژانتین و اروگوئه از دیگران پیش افتاده بودند. همین روند، میراث بزرگ فوتبال این دو کشور در قرن بیستم را رقم زد.
در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، همزمان با بازی‌های المپیک، شکل‌گیری تیم‌های ملی آغاز شد. اما با ظهور حکومت‌های دیکتاتوری، فوتبال خیلی سریع رنگ‌وبوی سیاسی گرفت.
برای مثال، در اسپانیای فرانسیسکو فرانکو، باشگاه رئال مادرید به تیم فرانکو تبدیل شد. پس از موفقیت‌های بزرگ این باشگاه در رقابت‌های قهرمانی اروپا در دهه ۱۹۵۰، رئال مادرید عملاً به سفیر ورزشی اسپانیای فرانکو بدل شد.
در مقابل، بارسلونا را «ارتش خاموش استقلال کاتالونیا» می‌نامیدند. در هر مسابقه، در دقیقه ۱۷ و ۱۴ ثانیه، هواداران شعار استقلال سر می‌دادند؛ زیرا سال ۱۷۱۴ یادآور قیام تاریخی کاتالونیا است. بارسلونا همچنین رئیس فقید خود را دارد که در جریان جنگ داخلی اسپانیا توسط نیروهای فرانکو اعدام شد. بنابراین، سیاست و فوتبال در اسپانیا- از آن زمان تا امروز- به‌شدت در هم تنیده بوده‌اند.

آرژانتین در بخش بزرگی از تاریخ خود، از نظر توسعه‌یافتگی از اسپانیا جلوتر بود. اما در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ این وضعیت تغییر کرد؛ آرژانتین با بحران‌های متعدد روبه‌رو شد و در مقابل، اسپانیا رشد اقتصادی سریعی را تجربه کرد. این روند به مهاجرت آرژانتینی‌ها به اسپانیا و همچنین سرمایه‌گذاری شرکت‌های اسپانیایی در آرژانتین انجامید. آیا می‌توان این را نوعی سرمایه‌داری پسااستعماری دانست که در آن قدرت استعماری سابق اکنون دارایی‌های مهم آرژانتین را خریداری می‌کند؟

مسیر تحول این دو کشور واقعاً بسیار جالب است. همان‌طور که گفتید در آغاز قرن بیستم درآمد سرانه آرژانتین تقریباً دو برابر اسپانیا بود، این فاصله تا دهه ۱۹۵۰ نیز حفظ شد. اما از آن زمان رشد اقتصادی اسپانیا شتاب گرفت و تا دهه ۲۰۱۰ تقریباً بدون توقف ادامه یافت. نتیجه این شد که بر اساس تولید ناخالص داخلی سرانه بر مبنای برابری قدرت خرید، رابطه کاملاً معکوس شده است؛ امروز درآمد سرانه اسپانیا تقریباً دو برابر آرژانتین است. اسپانیا به‌سرعت وارد نوعی مدرنیته جهانی‌شده و اروپایی‌شده شد، در حالی که آرژانتین درگیر مجموعه‌ای طولانی از بحران‌ها و کشمکش‌های فرسایشی باقی ماند. راستش اگر از این دو کشور بازدید کنید، این تفاوت فوراً به چشم می‌آید و کاملاً محسوس است.
در نتیجه همین تحول، مهاجرت از آمریکای لاتین به اسپانیا در مقیاسی بسیار گسترده شکل گرفته است؛ شمار زیادی از ونزوئلایی‌ها، مردم شمال آمریکای لاتین و البته آرژانتینی‌ها که فکر می‌کنم چهارمین گروه بزرگ مهاجر در اسپانیا را تشکیل می‌دهند. البته نباید این را «مهاجرت معکوس» نامید، چون بسیاری از این افراد اصالت ایتالیایی دارند. یک راز آشکار در میان نخبگان آمریکای لاتین این است که آنها دو پایتخت برون‌مرزی برای خود دارند؛ یکی میامی و دیگری مادرید. بخش قابل توجهی از سال را در این شهرها می‌گذرانند و دارایی‌های خود را نیز متنوع کرده‌اند. این وضعیت تا حدی شبیه فوق‌ثروتمندان چینی است که سنگاپور، هنگ‌کنگ و ماکائو را به‌عنوان پایگاه‌های برون‌مرزی برای مدیریت ریسک‌های سیاسی در اختیار دارند.
در همین حال، اسپانیا به‌عنوان اقتصادی روبه‌رشد، ثروتمند و بسیار پیشرفته که بستری برای بسیاری از شرکت‌های جهانی فراهم کرده است، در آرژانتین سرمایه‌گذاری می‌کند. از دید آرژانتین، این سرمایه‌گذاری‌ها در مقیاس بزرگی انجام می‌شود. اسپانیا پس از ایالات متحده دومین سرمایه‌گذار بزرگ در آرژانتین است. البته از دید اسپانیا نباید در اهمیت این روابط اغراق کرد. حجم کل تجارت میان اسپانیا و آرژانتین در مقایسه با کل اقتصاد اسپانیا بسیار ناچیز است. مجموع صادرات و واردات اسپانیا حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار است، در حالی که تجارت با آرژانتین تنها حدود ۲.۷ میلیارد دلار را شامل می‌شود. بنابراین از منظر اسپانیا، این بخش کوچکی از فعالیت‌های اقتصادی این کشور است، اما در آرژانتین موضوعی نسبتاً بحث‌برانگیز به شمار می‌آید.
در دهه ۲۰۱۰، دولت وقت پروونیست در آرژانتین، که دولتی متمایل به چپ بود، بخشی از سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های اسپانیایی را ملی کرد. این اقدام باعث سرد شدن روابط مادرید و بوئنوس‌آیرس شد. بعدها دولت نئولیبرال مائوریسیو ماکری تا حدی این وضعیت را بهبود بخشید و با ارائه برنامه‌ای مشترک مبتنی بر سیاست‌های نئولیبرالی و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زیرساخت‌ها، تلاش کرد سرمایه اسپانیایی را جذب کند. اما لازمه این کار آن بود که سرمایه‌گذاران اسپانیایی را متقاعد کنند که آرژانتین مکان امنی برای سرمایه‌گذاری است. به نظر من این مسأله ناشی از تلاش اسپانیا برای بازپس‌گیری قدرت استعماری گذشته نیست. چنین برداشتی قانع‌کننده نیست. موضوع بیشتر به گسترش جهانی سرمایه اسپانیا مربوط می‌شود؛ سرمایه‌ای که در حوزه‌های مختلف زیرساختی، خرده‌فروشی و تجارت حضوری چشمگیر دارد و آرژانتین را به‌عنوان بازاری نوظهور و بالقوه برای این سرمایه‌گذاری‌ها در نظر می‌گیرد.

دولت‌های کنونی رئیس جمهوری آرژانتین، خاویر میلی و نخست‌وزیر اسپانیا، پدرو سانچز، سابقه‌ای قابل توجه از تنش‌های دیپلماتیک داشته‌اند. میلی و سانچز آشکارا به یکدیگر توهین کرده‌اند و این اختلاف‌ها در نهایت به خروج سفیر اسپانیا از آرژانتین در سال ۲۰۲۴ منجر شد. آیا رابطه اقتصادی دو کشور در برابر این نمایش‌های سیاسی دوام بیشتری داشته است؟

تا حدی این مسأله بازتاب‌دهنده تفاوت عمیق فرهنگ سیاسی دو کشور است. فرهنگ سیاسی آرژانتین به‌شدت درون‌گراست و در عمل با سوخت مخالفت و موافقت با پرونیسم حرکت می‌کند. این سیاست تحت تأثیر نوسانات و بحران‌های اقتصادی شدید این کشور قرار دارد؛ بحران‌هایی که در جهان تقریباً بی‌نظیرند. کمتر کشوری با سطح درآمد آرژانتین چنین فراز و فرودهای شدیدی را تجربه کرده است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری سیاستی بسیار خشن، بی‌ملاحظه و مبتنی بر منطق «برنده همه‌چیز را می‌برد» است.
در مقابل، اسپانیا نمونه‌ای از فرهنگ سیاسی متکثر، متنوع و اروپای غربی است که توانسته برای مدتی طولانی، هرچند با اکثریتی بسیار شکننده و گاهی حتی بدون اکثریت کامل، یک دولت مترقی را حفظ کند؛ وضعیتی که در میان کشورهای اروپایی کم‌نظیر است. البته اسپانیا نیز از حضور جریان‌های بیگانه‌ستیز و ملی‌گرا بی‌بهره نیست و حتی از برخی جهات از میلی هم سخت‌گیرتر است.
برای مثال، زمانی که اسپانیا در مرحله یک‌چهارم نهایی مقابل فرانسه بازی می‌کرد، سانچز با این واقعیت روبه‌رو شد که برخی اسپانیایی‌های بسیار محافظه‌کار درباره تعداد بازیکنان سیاه‌پوست تیم فرانسه اظهارات توهین‌آمیز مطرح کرده بودند. او بلافاصله واکنش نشان داد و گفت تنها چیزی که باید بازنده این مسابقه باشد، نژادپرستی است و بهترین تیم باید پیروز شود. بنابراین سانچز در مواضع فرهنگی خود، چه درباره فلسطین، چه تغییرات اقلیمی و چه چین، همواره در برابر رویکرد نومحافظه‌کارانه و جنگ‌طلبانه مقاومت کرده و این مسیر را دنبال کرده است.
در سوی دیگر «میلی» قرار دارد که چهره‌ای رادیکال از راست جدید محسوب می‌شود. همین تفاوت، برخوردی بسیار شدید و تنش‌آلود میان این دو ایجاد کرده است.
اما به نظر من نکته اصلی درباره آرژانتین و اسپانیا این است که آرژانتین کشوری بسیار خاص و استثنایی با مسیر توسعه اقتصادی بسیار متفاوت است؛ مسیری که باعث شده از نظر اقتصادی پیوند نزدیکی با هیچ کشوری نداشته باشد. در مقابل، اسپانیا همان‌طور که گفتم، نمونه بارز ادغام اقتصادی به سبک اروپایی است. بنابراین این دو کشور در دو جهان کاملاً متفاوت زندگی می‌کنند.
پیوندهای میان آنها بیشتر در سطح زبان باقی مانده است، نه چندان در سطح تاریخ یا سیاست. همچنین در حوزه مهاجرت نیز ارتباط وجود دارد، زیرا برای مردم کشورهای بحران‌زده آمریکای لاتین، اسپانیا مقصدی جذاب به شمار می‌رود. اما اینها آن روابط عمیق و گسترده‌ای نیستند که شاید انتظار داشته باشیم. آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند این است که با وجود اشتراک زبانی، اسپانیا و آرژانتین کشورهایی متمایز، جدا از یکدیگر و با مسیرهای متفاوت هستند که در جهان‌هایی کاملاً متفاوت زندگی می‌کنند.

جام جهانی ۲۰۲۶ و چهره نوین امنیت ورزشگاه‌ها

فوتبال زیر سایه کنترل امنیتی آمریکا

در ظهر روز ۱۳ ژوئن، زمانی که نزدیک به ۷۰ هزار تماشاگر برای تماشای اولین دیدار جام جهانی فوتبال در ورزشگاه «خلیج سان‌فرانسیسکو» گرد هم آمدند، آنچه در ظاهر یک جشن بزرگ ورزشی به نظر می‌رسید، در لایه‌های زیرین خود به صحنه‌ای پیچیده از نظارت، فناوری و امنیت چندلایه تبدیل شده بود. مسابقه رأس ساعت ۱۲ آغاز شد، اما در واقع، «بازی» اصلی ساعت‌ها پیش‌تر شروع شده بود؛ زمانی که سامانه‌های نظارتی، دوربین‌ها، حسگرها و زیرساخت‌های داده‌ای ورزشگاه فعال شدند و محیط را به‌طور کامل رصد می‌کردند.

آغاز یک نظارت نامرئی

پیش از آنکه تیم‌های قطر و سوئیس پا به زمین بگذارند، این ورزشگاه بود که بازی را آغاز کرده بود. سامانه‌های تشخیص چهره در ورودی‌ها فعال شدند، حرکت جمعیت را زیر نظر گرفتند و حتی صداهای غیرعادی در میان هیاهوی تماشاگران را شناسایی کردند. این داده‌ها به‌صورت پیوسته به یک مرکز کنترل در محل ارسال می‌شد؛ مرکزی که اطلاعات را در اختیار شبکه‌ای گسترده از نهادهای مجری قانون در سطوح محلی، ایالتی و فدرال قرار می‌داد. در چنین ساختاری، ورزشگاه دیگر صرفاً یک فضای ورزشی نیست؛ بلکه به یک گره حیاتی در شبکه‌ای بزرگ‌تر از نظارت تبدیل می‌شود. این شبکه، بویژه در جریان رویدادهای بزرگی مانند جام جهانی، به‌طور مستقیم زیر نظر وزارت امنیت داخلی ایالات متحده (DHS) فعالیت می‌کند.

آزمایشگاهی برای فناوری‌های امنیتی

برخلاف تصور عمومی، آنچه در ورزشگاه «لویز» (نام رایج ورزشگاه خلیج سان‌فرانسیسکو) رخ می‌دهد، یک استثنا نیست. در تمامی شهرهای میزبان جام جهانی در آمریکا، زیرساخت‌های امنیتی به یک سامانه گسترده فدرال متصل هستند. اسناد بودجه‌ای نشان می‌دهد که این رقابت‌ها نه‌تنها یک رویداد ورزشی، بلکه به‌عنوان میدان آزمایشی برای فناوری‌های نوین نظارتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. این رویکرد پیش‌تر نیز در رویدادهایی مانند سوپربول (مسابقه نهایی و فینال لیگ ملی فوتبال آمریکایی) تجربه شده است. وزارت امنیت داخلی، چنین رویدادهایی را در قالب سازوکاری موسوم به «ارزیابی رویدادهای ویژه» یا SEAR طبقه‌بندی می‌کند. در این چارچوب، مسابقات جام جهانی در بالاترین سطوح امنیتی، یعنی SEAR1 و SEAR2 قرار گرفته‌اند؛ سطحی که با مراسم تحلیف رئیس جمهوری آمریکا برابری می‌کند. نکته قابل‌توجه این است که برای اعمال این سطح از نظارت، نیازی به موافقت برگزارکنندگان رویداد نیست. به این ترتیب، نقش فیفا در برنامه‌ریزی امنیتی محدود شده و این وزارت امنیت داخلی است که مستقیماً با مدیران شهری و مسئولان ورزشگاه‌ها هماهنگ می‌کند.

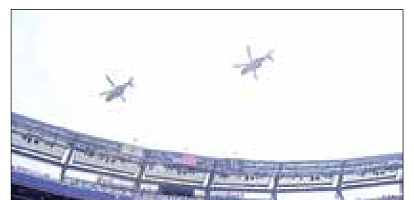

فناوری‌هایی که تماشاگران را ردیابی می‌کنند

در قلب این سیستم، شرکت‌های فناوری قرار دارند که تجهیزات پیشرفته نظارتی را تأمین می‌کنند. یکی از این شرکت‌ها، Flock Safety است که در توسعه سامانه‌های تشخیص صوتی نقش دارد. این سامانه‌ها قادرند صداهایی مانند شلیک گلوله یا فریادهای درخواست کمک را شناسایی کرده و بلافاصله نیروهای امنیتی را مطلع کنند. در کنار آن، شرکت IDEMIA فناوری‌های زیست‌سنجی را فراهم کرده است؛ فناوری‌هایی که پیش‌تر در ایستگاه‌های بازرسی فرودگاه‌ها توسط سازمان امنیت حمل‌ونقل آمریکا (TSA) استفاده می‌شدند. در ورزشگاه، ورود افراد دارای مجوز از طریق اسکن اثر انگشت یا تشخیص چهره انجام می‌شود. اما این تنها بخشی از ماجراست. شبکه‌ای متشکل از صدها مایل کابل فیبر نوری، تمامی این سامانه‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند. این شبکه مانند یک «سیستم عصبی مرکزی» عمل کرده و داده‌ها را به یک مرکز داده پیشرفته منتقل می‌کند؛ جایی که اطلاعات توسط شرکت‌هایی مانند Cisco پردازش و تحلیل می‌شوند.

نظارت فراتر از چهره

در این سامانه، تماشاگران نه‌تنها از طریق چهره، بلکه از طریق نوع پوشش خود نیز قابل شناسایی هستند. فناوری‌های جدید امکان جست‌وجوی افراد را بر اساس توصیف‌های ساده فراهم کرده‌اند؛ برای مثال، «مردی با پیراهن آبی و کلاه کابویی». این قابلیت، سطح جدیدی از نظارت را معرفی می‌کند که فراتر از روش‌های سنتی عمل می‌کند. در خارج از ورزشگاه نیز دوربین‌های پیشرفته با قابلیت بزرگ‌نمایی بالا، خیابان‌ها و مسیرهای اطراف را به‌طور مداوم زیر نظر دارند. این پوشش نظارتی گسترده، در عمل محدوده‌ای فراتر از ورزشگاه را در برمی‌گیرد و شهر را به بخشی از سیستم امنیتی تبدیل می‌کند.

امنیت یا نقض حریم خصوصی؟

گسترش چنین فناوری‌هایی، پرسش‌های جدی درباره تعادل میان امنیت و حریم خصوصی مطرح کرده است. از یک سو، مقامات امنیتی تأکید می‌کنند که این اقدامات برای پیشگیری از تهدیدات احتمالی ضروری است. از سوی دیگر، منتقدان معتقدند که این سطح از نظارت می‌تواند به نقض گسترده حقوق شهروندی منجر شود.
سازمان‌های ناظر و گروه‌های مدنی هشدار داده‌اند که استفاده از این فناوری‌ها در رویدادهای بزرگ، ممکن است به عادی‌سازی نظارت دائمی در زندگی روزمره منجر شود. بویژه آنکه زیرساخت‌های ایجادشده پس از پایان مسابقات نیز برچیده نمی‌شوند و همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

میراثی پایدار از یک رویداد موقت

یکی از مهم‌ترین ابعاد این موضوع، «میراث امنیتی» جام جهانی است. برخلاف استادیوم‌ها یا زیرساخت‌های فیزیکی که ممکن است پس از مدتی تغییر کاربری دهند، سامانه‌های نظارتی معمولاً باقی می‌مانند و حتی توسعه پیدا می‌کنند. به این ترتیب، رویدادی که در ظاهر موقتی است، تأثیری بلندمدت بر ساختار امنیتی شهرها می‌گذارد. این روند پیش‌تر در سایر کشورها نیز مشاهده شده است؛ جایی که رویدادهای بزرگ ورزشی به بهانه‌ای برای گسترش ابزارهای نظارتی تبدیل شده‌اند. اما آنچه در آمریکا رخ می‌دهد، به‌دلیل مقیاس فناوری و سطح هماهنگی میان نهادهای مختلف، ابعاد گسترده‌تری دارد.

فضاهای هوشمند یا مناطق کنترل‌شده؟

تحولات اخیر نشان می‌دهد که ورزشگاه‌های مدرن به‌سرعت در حال تبدیل شدن به «فضاهای هوشمند» هستند؛ فضاهایی که در آنها هر حرکت، صدا و رفتار قابل ثبت و تحلیل است. این روند، اگرچه می‌تواند امنیت را افزایش دهد، اما در عین حال، تجربه حضور در چنین مکان‌هایی را نیز تغییر می‌دهد.
تماشاگران دیگر صرفاً بیننده یک مسابقه نیستند؛ بلکه خود به بخشی از یک شبکه داده‌ای تبدیل می‌شوند. هر ورود، هر حرکت و حتی هر واکنش آنها می‌تواند ثبت و تحلیل شود.

پرسش‌های بی‌پاسخ

جام جهانی ۲۰۲۶، فراتر از یک رویداد ورزشی، نمایانگر تغییرات عمیق در نحوه مدیریت امنیت در فضاهای عمومی است. استفاده گسترده از فناوری‌های نظارتی، نشان‌دهنده گذار از مدل‌های سنتی امنیتی به سیستم‌های هوشمند و داده‌محور است.
اما این تحول پرسش‌های مهمی را نیز به همراه دارد: آیا امنیت بیشتر به معنای پذیرش نظارت گسترده‌تر است؟ و آیا جامعه آماده است بهای این امنیت را با کاهش حریم خصوصی بپردازد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، نه‌تنها آینده ورزشگاه‌ها، بلکه مسیر کلی جوامع در مواجهه با فناوری‌های نوین را تعیین خواهد کرد.

منبع: فارین‌پالیسی

چرا بسیاری از ایرانی‌ها طرفدار تیم اسپانیا بودند؟

شکل‌گیری یک اتحاد معنادار

گروه ورزشی / در میانه یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های تاریخی جهان، جایی که مواضع سیاسی کشورها بیش از همیشه زیر ذره‌بین افکار عمومی قرار داشت، رفتار و تصمیم‌های دولت اسپانیا در قبال تحولات منطقه و بویژه در جریان جنگ تحمیلی دوم علیه ایران، به نقطه‌ای متفاوت در نگاه بخش قابل توجهی از جامعه ایران تبدیل شد.
دولت اسپانیا با اتخاذ مواضعی مستقل در برابر اقدامات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، از همراهی با سیاست‌های دولت‌های متخاصم خودداری کرد و اقدام نظامی علیه خاک ایران را مصداق نقض قوانین بین‌المللی و تجاوز آشکار دانست. این رویکرد که برخلاف انتظار واشنگتن و تل‌آویو بود، واکنش‌های تندی از سوی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری وقت آمریکا، به همراه داشت؛ اما مادرید نه‌تنها از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد، بلکه بر ضرورت پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل و مخالفت با یکجانبه‌گرایی تأکید کرد.
همین موضع‌گیری‌ها باعث شد تصویر متفاوتی از اسپانیا در میان افکار عمومی ایران شکل بگیرد. بسیاری از ایرانی‌ها، رفتار دولت اسپانیا را نشانه‌ای از استقلال سیاسی و فاصله گرفتن از رویکردهای مداخله‌جویانه قدرت‌های بزرگ ارزیابی کردند. در فضای عمومی جامعه، بویژه در شبکه‌های اجتماعی، نوعی همدلی میان مردم ایران و اسپانیا شکل گرفت؛ همدلی‌ای که اگرچه ریشه در سیاست داشت، اما خیلی زود از مرزهای دیپلماتیک عبور کرد و به عرصه فرهنگ و ورزش رسید. بعد از تجمع حمایتی ایرانی‌ها مقابل سفارت اسپانیا در تهران، جام جهانی فوتبال، صحنه‌ای شد تا این نزدیکی اجتماعی و احساسی خود را آشکارتر نشان دهد. تیم ملی اسپانیا با هدایت لوئیس دلا فوئنته، در حالی قدم به این رقابت‌ها گذاشت که برای بسیاری از هواداران ایرانی، دیگر صرفاً یک تیم فوتبال نبود؛ بلکه نمادی از کشوری بود که در نگاه آنها در مقطعی حساس، موضعی متفاوت اتخاذ کرده بود.
در جریان مسابقات، حمایت‌های گسترده کاربران ایرانی از تیم ملی اسپانیا در شبکه‌های اجتماعی جلب توجه کرد. پیام‌های تبریک، انتشار پرچم اسپانیا در کنار پرچم ایران، ابراز علاقه به سبک بازی این تیم و همراهی با بازیکنان اسپانیایی، بخشی از نشانه‌هایی بود که از شکل‌گیری یک پیوند عاطفی میان دو جامعه حکایت داشت.
اوج این همدلی در مراحل پایانی جام جهانی رقم خورد. پس از پیروزی اسپانیا مقابل فرانسه در مرحله نیمه‌نهایی، موجی از شادی و واکنش‌های مثبت در میان کاربران ایرانی شکل گرفت. بسیاری از هواداران ایرانی، موفقیت اسپانیا را با شور و هیجانی دنبال کردند که معمولاً در حمایت از یک تیم ملی خارجی کمتر دیده می‌شود. فضای شبکه‌های اجتماعی مملو از پیام‌هایی بود که نشان می‌داد بخشی از جامعه ایران، این پیروزی را فراتر از یک نتیجه فوتبالی و در امتداد همان احساس نزدیکی سیاسی و انسانی دنبال می‌کند.
در دیدار فینال نیز این حمایت به اوج خود رسید. شادی ایرانی‌ها پس از موفقیت اسپانیا برابر آرژانتین، تصویری متفاوت از یک همراهی فرامرزی را به نمایش گذاشت؛ گویی بخشی از هواداران ایرانی خود را در این موفقیت سهیم می‌دانستند. واکنش‌ها نشان می‌داد که فوتبال در این مقطع به بستری برای بیان احساسات مشترک، احترام متقابل و همدلی میان دو ملت تبدیل شده است.

دخالت سیاست در بزرگ‌ترین ویترین فوتبال جهان

درس بزرگ ماتادورها به ترامپ و نتانیاهو

گروه ورزشی / درست در مقطعی که انتشار تصویر نخست‌وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی با در دست داشتن پرچم آرژانتین و آرزوی موفقیت برای این تیم، فضای شبکه‌های اجتماعی را در جهان پرتنش کرده بود، بسیاری از تحلیلگران، فینال جام جهانی ۲۰۲۶ را یکی از سیاسی‌ترین فینال‌های تاریخ این رقابت‌ها توصیف کردند. این فضاسازی‌ها تنها به همین‌جا محدود نشد؛ پیش از آغاز مسابقه نیز رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده‌آمریکا، در گفت‌وگو با یک رسانه آمریکایی با حمایتی تلویحی و حتی صریح از آرژانتین مدعی شد: «فقط دیوانه‌ها روی باخت لیونل مسی شرط بندی می‌کنند.» اظهارنظرهایی از این دست، نمونه‌هایی روشن از برخوردی سیاسی با پدیده‌ای ذاتاً ورزشی بود. اما اسپانیایی‌ها بی‌اعتنا به این جریان‌سازی‌های هدفمند، در جریان بازی و بویژه در وقت‌های اضافه، نمایشی چشم‌نواز و باشکوه ارائه دادند و بار دیگر به جهان نشان دادند که تاریخ همیشه مطابق خواست سیاستمداران زورگو رقم نمی‌خورد؛ بلکه این توانمندی، انسجام و اعتمادبه‌نفس است که می‌تواند سرنوشت‌های متفاوتی را خلق کند.
با سوت پایان و تثبیت قهرمانی اسپانیا، این بار نوبت بازیکنان این تیم بود که پاسخی معنادار به حاشیه‌سازی‌ها بدهند. بی‌اعتنایی ستاره‌های تیم ملی اسپانیا به ترامپ در مراسم اهدای مدال، پیامی روشن داشت؛ آنها نه‌تنها درگیر بازی‌های سیاسی نشدند، بلکه در برابر دیدگان میلیاردها بیننده، نشان دادند که فوتبال می‌تواند از هیاهوی تحمیل‌شده فاصله بگیرد و شأن خود را حفظ کند.
پیشینه رفتار بازیکنان اسپانیا نیز مؤید همین رویکرد است. ستاره‌هایی چون لامین یامال پیش‌تر در حمایت از مردم مظلوم غزه مواضعی صریح اتخاذ کرده بودند و با برافراشتن پرچم فلسطین، صدای همدلی خود را به گوش جهان رسانده بودند. این رویکرد، در تضاد آشکار با رفتار برخی چهره‌های تیم ملی آرژانتین قرار داشت که با حضور در سرزمین‌های اشغالی و همراهی با چهره‌هایی همچون بنیامین نتانیاهو، نشان دادند که ورود به عرصه فوتبال سیاسی را پذیرفته‌اند.
فینال ۲۰۲۶، فراتر از یک رقابت فوتبالی، به صحنه‌ای برای تقابل دو نگاه تبدیل شد؛ نگاهی که فوتبال را ابزار سیاست می‌بیند و نگاهی که تلاش می‌کند آن را به اصالت ورزشی و انسانی‌اش بازگرداند.

حقوق ورودی خودروهای وارداتی ایرانیان مقیم خارج کشور و جانبازان اعلام شد

واردات خودرو در مسیر تازه تعرفه‌ای

گزارش

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

با ابلاغ تعرفه‌های خودروهای وارداتی توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور در سال ۱۴۰۵، یکی از مهم‌ترین متغیرهای بازار خودرو بار دیگر تعیین تکلیف شد. بر اساس مصوبه جدید، خودروهای وارداتی توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور و همچنین خودروهای برقی، هیبریدی و پلاگین‌هیبرید مشمول حقوق ورودی ۱۰۰ درصدی خواهند بود. در مقابل، خودروهای وارداتی ویژه جانبازان با تعرفه ۴ درصدی ترخیص می‌شوند. عددی که فاصله قابل توجهی با تعرفه‌های تجاری دارد و نشان می‌دهد دولت همچنان بر رویکرد حمایتی از این گروه تأکید دارد.

با این حال، اعلام تعرفه‌ها تنها بخشی از معادله واردات خودرو است. تجربه چند سال اخیر نشان داده سرنوشت این بازار بیش از آنکه به اعداد و درصدهای تعرفه وابسته باشد، به نحوه اجرای سیاست‌ها، تخصیص ارز، روند ثبت سفارش و ثبات مقررات گره خورده است. موضوعی که همچنان محل بحث کارشناسان به شمار می‌رود.

مانی حدادی، کارشناس صنعت خودرو، در گفت‌وگو با «ایران» اگرچه اصل حمایت از جانبازان را ضروری می‌داند، اما می‌گوید: «تفاوت چشمگیر تعرفه می‌تواند زمینه شکل‌گیری واسطه‌گری و خرید و فروش امتیاز واردات را فراهم کند. بخشی از مشمولان این طرح به دلایل مالی یا شرایط جسمی امکان استفاده مستقیم از این امتیاز را ندارند و همین موضوع احتمال حضور واسطه‌ها را افزایش می‌دهد.»

تعرفه، تنها یکی از چالش‌ها

تعرفه‌ها اما چالش تازه بازار خودرو نیست. حدادی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «طی سال‌های اخیر تعرفه‌های واردات معمولاً با تأخیر اعلام شده‌اند، گاه چندین بار تغییر کرده‌اند و در برخی موارد نیز اصلاح مصوبات در میانه مسیر، فعالان بازار را با ابهام مواجه کرده است.»

حدادی تأکید می‌کند: «آنچه بیش از خود تعرفه بر بازار اثر می‌گذارد، حاشیه‌هایی است که فرآیند واردات را پیچیده می‌کند. هر بار پس از تغییر تعرفه‌ها، برای واردکنندگان و خریداران پرسش‌های متعددی ایجاد می‌شود؛ از نحوه محاسبه مابه‌التفاوت خودروهای ثبت‌نام‌شده گرفته تا تعیین تکلیف مبالغ پرداختی مشتریان در صورت تغییر نرخ‌ها. این ابهامات هزینه‌های اجرایی واردات را افزایش می‌دهد و فضای بازار را با عدم قطعیت روبه‌رو می‌کند.»

محدودیت ارزی؛ متغیر تعیین‌کننده

در کنار تعرفه‌ها، محدودیت منابع ارزی همچنان یکی از مهم‌ترین متغیرهای واردات خودرو محسوب می‌شود. حدادی با اشاره به آمار سال گذشته واردات خودرو، می‌گوید: «با وجود ثبت سفارش حدود ۲۰۰ هزار دستگاه خودرو، میزان واردات واقعی فاصله قابل توجهی با این عدد داشت. اجرای سیاست‌های وارداتی تا حد زیادی به میزان ارز قابل تخصیص وابسته است و باید دید دولت در سال جاری تا چه اندازه امکان تأمین ارز موردنیاز این بخش را خواهد داشت.»

ضرورت نظارت بر واردکنندگان خودروها

در همین حال، انتشار اطلاعیه ستاد نوسازی ناوگان حمل‌ونقل درباره فعالیت غیرقانونی چهار شرکت واردکننده، بار دیگر ضرورت نظارت بر فرآیند واردات را پررنگ کرد. حدادی این اتفاق را نشانه لزوم راستی‌آزمایی دقیق‌تر شرکت‌های فعال در این حوزه می‌داند و می‌گوید: «نظارت مؤثر، به همان اندازه تدوین مقررات اهمیت دارد.»

جزئیات حقوق ورودی خودروهای وارداتی

برش

حقوق ورودی خودروهای وارداتی توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور تا پایان سال ۱۴۰۵ اعلام شد. مطابق این مصوبه، خودروهای برقی، برقی برادفزا، هیبریدی پلاگین و هیبریدی همگی مشمول حقوق ورودی ۱۰۰ درصدی خواهند بود. همچنین برای خودروهای بنزینی، نرخ حقوق ورودی متناسب با حجم موتور افزایش می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که خودروهای با حجم موتور تا ۱۵۰۰ سی‌سی مشمول حقوق ورودی ۱۱۰ درصدی، خودروهای ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سی‌سی مشمول ۱۲۰ درصد، خودروهای ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سی‌سی مشمول ۱۳۰ درصد، خودروهای ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سی‌سی مشمول ۱۴۵ درصد و خودروهای با حجم موتور بیش از ۳۰۰۰ سی‌سی مشمول حقوق ورودی ۱۶۵ درصدی خواهند بود. همچنین، حقوق ورودی واردات خودرو برای گروه‌های مختلف در سال ۱۴۰۵ تعیین شد که بر اساس آن، خودروهای وارداتی جانبازان با کمترین میزان حقوق ورودی و نرخ ۴ درصدی ترخیص خواهند شد. بر اساس ضوابط ابلاغی، حقوق ورودی واردات تجاری خودروهای سواری برقی ۴ درصد، خودروهای بنزینی ـ هیبریدی ۱۵ درصد، خودروهای بنزینی تا ۱۵۰۰ سی‌سی ۲۰ درصد، خودروهای ۱۵۰۱ تا ۲۰۰۰ سی‌سی ۴۰ درصد، خودروهای ۲۰۰۱ تا ۲۵۰۰ سی‌سی ۱۳۰ درصد، خودروهای ۲۵۰۱ تا ۳۰۰۰ سی‌سی ۱۴۵ درصد و خودروهای با حجم موتور بیش از ۳۰۰۰ سی‌سی ۱۶۵ درصد تعیین شده است.

جیلی E2 چگونه پرفروش‌ترین خودروی چین شد؟

هاچ‌بکی که تسلا مدل Y را پشت سر گذاشت

ترجمه

گروه خودرو

در بازاری که شاسی‌بلندهای برقی، سدان‌های پیشرفته و خودروهای مجهز به فناوری‌های عجیب برای جلب نظر مشتریان رقابت می‌کنند، عنوان پرفروش‌ترین خودروی چین به محصولی ساده و نسبتاً کوچک رسیده است.

به گزارش سایت motor1، جیلی E2، هاچ‌بک برقی اقتصادی جیلی، توانسته از رقبای شناخته‌شده‌ای مانند تسلا مدل Y و شیائومی SU7 عبور کند و به انتخاب اول خریداران چینی تبدیل شود.

جیلی E2 در برخی بازارها با نام‌های جیلی EX2، جیلی گلکسی شینگ‌یوان و جیوم شینگ‌یوان نیز عرضه می‌شود. این خودرو در سال ۲۰۲۵ پرفروش‌ترین محصول بازار چین بود و براساس برآوردهای اولیه، ظاهراً در سال ۲۰۲۶ نیز جایگاه خود را حفظ کرده است. هنوز آمار نهایی و رسمی فروش نیمه اول سال ۲۰۲۶ منتشر نشده است، اما برآوردها نشان می‌دهند حدود ۲۴۴ هزار دستگاه جیلی E2 طی شش ماه ابتدایی سال در بازار چین به فروش رسیده است. برای درک بهتر اهمیت این عدد کافی است بدانیم تسلا مدل Y در همین دوره حدود ۲۱۵ هزار مشتری داشته است. پس از این دو خودرو، شیائومی SU7 با فروش تقریبی ۱۸۲ هزار دستگاه و لیپ‌موتور A10 با حدود ۱۷۱ هزار دستگاه قرار گرفتند. بنابراین، یک هاچ‌بک پنج‌در کوچک توانسته شاسی‌بلند محبوب تسلا، سدان مدرن شیائومی و چندین محصول مطرح دیگر را در بزرگ‌ترین بازار خودروی جهان شکست دهد.

این موفقیت زمانی قابل توجه‌تر می‌شود که بدانیم بازار چین اکنون به‌شدت تحت سلطه خودروهای انرژی نو یا NEV قرار دارد. این گروه شامل خودروهای تمام‌برقی، پلاگین‌هیبریدی و مدل‌های مجهز به سامانه افزایش‌دهنده برد است و درحال حاضر حدود ۶۳ درصد از کل فروش خودروهای صفرکیلومتر چین را در اختیار دارد.

به بیان دیگر، جیلی E2 در بازاری به صدر جدول رسیده که گزینه‌های برقی متنوع و رقابت قیمتی بسیار شدیدی دارد. یکی از دلایل موفقیت جیلی E2 را باید تناسب مناسب ابعاد آن با نیازهای روزمره دانست. طول این خودرو حدود ۴۱۱۵ میلی‌متر و فاصله محوری آن نزدیک به ۲۶۵۰ میلی‌متر است. به همین دلیل، E2 در بخش بزرگ‌تر کلاس هاچ‌بک‌های سگمنت B قرار می‌گیرد و از محصولاتی مانند رنو۵، پژو۲۰۸ و BYD دلفین سرف بزرگ‌تر است.

فاصله محوری نسبتاً بلند نیز کمک کرده فضای کابین و صندوق عقب فراتر از انتظار یک هاچ‌بک اقتصادی باشد. جیلی E2 در بازار چین با قیمت پایه ۶۴ هزار و ۸۰۰ یوان عرضه می‌شود. رقمی که تقریباً معادل ۹ هزار دلار است. این خودرو تنها کمی گران‌تر از وولینگ هونگ‌گوانگ مینی EV با قیمت پایه ۴۴ هزار و ۸۰۰ یوان است، اما فضای بیشتر و قابلیت‌های کامل‌تری ارائه می‌دهد. در سوی دیگر، بی‌وای‌دی سیگال که در اروپا با نام دلفین سرف شناخته می‌شود، قیمت پایه ۶۹ هزار و ۹۰۰ یوان دارد. برای مقایسه، قیمت تسلا مدل Y در چین از حدود ۲۶۳ هزار و ۵۰۰ یوان آغاز می‌شود؛ بنابراین ارزان‌ترین مدل Y بیش از چهار برابر جیلی E2 قیمت دارد. هرچند این دو خودرو در کلاس یکسانی قرار ندارند، اما اختلاف قیمت نشان می‌دهد چرا بسیاری از خریداران شهری به‌جای پرداخت هزینه سنگین برای یک شاسی‌بلند، هاچ‌بکی جمع‌وجور و کاربردی را انتخاب می‌کنند. برخلاف برخی خودروهای برقی چینی که با طراحی بیش از حد آینده‌نگرانه وارد بازار می‌شوند، جیلی E2 ظاهر ساده‌تر و محافظه‌کارانه‌تری دارد. خطوط بدنه روان، چراغ‌های مدرن و فرم متعادل خودرو باعث شده‌اند این محصول برای طیف گسترده‌ای از مشتریان جذاب باشد. جیلی این هاچ‌بک را در برخی کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا عرضه کرده و قیمت آن در اروپا از حدود ۲۰ هزار و ۹۰۰ یورو آغاز می‌شود. با این حال، تکرار موفقیت بازار چین در اروپا ساده نخواهد بود؛ زیرا تعرفه‌ها، مالیات، استانداردهای ایمنی و هزینه توزیع، مزیت قیمتی خودروهای چینی را کاهش می‌دهند.

فرمول موفقیت جیلی E2 پیچیده نیست؛ قیمت اقتصادی، ابعاد کاربردی، فضای مناسب، برد قابل‌قبول و امکانات مدرن. این خودرو نشان می‌دهد برای رسیدن به صدر جدول فروش، همیشه به قدرت خیره‌کننده یا فناوری‌های نمایشی نیاز نیست.

اعلام تعرفه‌ها تنها بخشی از معادله واردات خودرو است. تجربه چند سال اخیر نشان داده سرنوشت این بازار بیش از آنکه به اعداد و درصدهای تعرفه وابسته باشد، به نحوه اجرای سیاست‌ها، تخصیص ارز، روند ثبت سفارش و ثبات مقررات گره خورده است. موضوعی که همچنان محل بحث کارشناسان به شمار می‌رود

فراخوان مناقصه یک مرحله‌ای عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) احداث دیوار پیش ساخته بتنی پیرامونی نیروگاه خورشیدی ساوه نوبت اول

PPI
پتروپارس ایران

شرکت پتروپارس ایران (سهامی خاص) در نظر دارد اجرای عملیات «**احداث دیوار پیش ساخته بتنی پیرامونی نیروگاه خورشیدی ساوه**» را از طریق مناقصه یک مرحله‌ای عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

بر این اساس، از کلیه شرکت‌های دارای رتبه چهار و بالاتر رشته ساختمان و ابنیه درحوزه پیمانکاری سازمان برنامه و بودجه دعوت می‌شود جهت شرکت در فرآیند مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ لغایت تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ نسبت به ثبت‌نام و دریافت اسناد مناقصه/ اسناد ارزیابی در سامانه معاملات شرکت پتروپارس به نشانی Tender.ppars.com اقدام نمایند.

شرایط مورد نیاز:
مبلغ برآورد اولیه: ۹۲۹,۹۱۴,۹۰۹,۳۶۷ (نهصد و بیست و نه میلیارد و نهصد و چهارده میلیون و نهصد و نه هزار و سیصد و شصت و هفت) ریال.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - چهل و پنج میلیارد (ریال) ضمانت‌نامه بانکی (کلیه بانک‌های دارای مجوز از بانک مرکزی بغیر از بانک پاسارگاد، سپه و مؤسسات مالی و اعتباری).
نحوه پیشنهاد قیمت: پیشنهاد به‌صورت پلوس یا مینوس نسبت به مبلغ برآورد، حداکثر ضریب پیشنهادی پلوس مورد تأیید ۱,۲ و حداقل ضریب پیشنهادی ۰,۸می باشد.
میزان پیش پرداخت: ۱۰ درصد مبلغ قرارداد در قبال ارائه ضمانت‌نامه بانکی مورد پذیرش شرکت پتروپارس ایران (کلیه بانک‌های دارای مجوز از بانک مرکزی بغیر از بانک پاسارگاد، سپه و مؤسسات مالی و اعتباری) مطابق اسناد مناقصه.
میزان (درصد) و نوع تضمین انجام تعهدات: ۵ درصد مبلغ کل قرارداد در قالب ضمانت‌نامه بانکی معتبر (کلیه بانک‌های دارای مجوز از بانک مرکزی بغیر از بانک پاسارگاد، سپه و مؤسسات مالی و اعتباری).
میزان (درصد) کسورات حسن انجام کار: ۱۰ درصد کسر از هر صورت وضعیت.
مدت قرارداد: ۳ ماه شمسی. این قرارداد فاقد تعدیل می‌باشد.
محل انجام کار: استان مرکزی شهرستان ساوه
سایر شرایط: پس از ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضیان و مشخص شدن فهرست کوتاه مناقصه‌گران، صرفاً پاکت‌های پیشنهاد مناقصه‌گرانی گشایش می‌یابد که براساس بررسی و ارزیابی «کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌های گروه پتروپارس»، حداقل ۶۰ امتیاز از مجموع ۱۰۰ امتیاز ارزیابی و حداقل ۴ امتیاز از مجموع ۱۰ امتیاز بخش HSE را کسب کرده باشند و نام آن‌ها در فهرست شرکت‌های ممنوع‌المعامله یا فهرست سیاه صنعت نفت و گروه پتروپارس درج نشده باشد. پاکت پیشنهاد مناقصه‌گرانی که هریک از شرایط فوق را احراز نکرده باشند، بدون گشایش و به‌صورت لاک‌ومهرشده، مطابق ضوابط مناقصه به آنان مسترد خواهد شد.

برخی نکات مهم:
هزینه درج آگهی در روزنامه بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
شرکت‌کنندگان نباید در لیست سیاه شرکت ملی نفت، گروه پتروپارس و.. قرار داشته باشند.
توضیح: درصورت هرگونه نقص در ارائه مستندات و یا عدم تکمیل فرمها، ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضی قابل بررسی نمی‌باشد و ارائه مدارک ارزیابی و عدم تأیید صلاحیت، هیچ‌گونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
شرکت پتروپارس ایران در بررسی مستندات و نیز در رد یا قبول هریک یا تمام مستندات ارائه شده توسط شرکت‌ها، تجدید و لغو مناقصه، بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است. بدیهی است حق هرگونه ادعا در این خصوص از مناقصه‌گران سلب می‌گردد.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۲۹۴۴۳۰۷۸-۲۹۴۴۳۱۶۰ تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی و امور بین‌الملل گروه پتروپارس

آگهی لغو جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت بانک گردشگری (سهامی عام)
به‌شماره ثبت ۳۹۲۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۳۵۲۶۸
مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱

به‌اطلاع کلیه صاحبان سهام بانک گردشگری (سهامی عام) به‌شماره ثبت ۳۹۲۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۳۵۲۶۸ می‌رساند: پیرو آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه، منتشره در صفحه ۱۷ روزنامه اطلاعات به‌شماره ۲۹۲۷۵ و صفحه ۸ روزنامه ایران به‌شماره ۹۰۷۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱، مجمع مذکور در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ برگزار نمی‌گردد. لذا زمان آتی برگزاری مجمع فوق متعاقباً اعلام و اطلاع‌رسانی می‌گردد.

بانک گردشگری TOURISM BANK

هیات‌مدیره بانک گردشگری

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۰۵/۰۴

یک واحد تولیدی در نظر دارد فرآیند اجرای عملیات پوشش‌دهی (قسفاته و رنگ) انواع قطعات فولادی مورد نظر خود را طبق مشخصات فنی از طریق برگزاری مناقصه عمومی واگذار نماید. واحدهایی که توانایی انجام امور مذکور را دارند می‌توانند ضمن تماس با تلفن ۳۶۳۴۰۱۸۵ همه روزه به جز پنج‌شنبه‌ها و روزهای تعطیل در ساعات اداری به‌منظور دریافت اسناد مناقصه به آدرس مشروحه ذیل مراجعه و پیشنهاد خود را ظرف مدت حداکثر ده روز پس از تاریخ نشر آگهی در داخل صندوق مناقصه این صنایع بیاندازند؛ پیشنهادهای رسیده در کمیسیون مناقصه باز و نتیجه آن اعلام خواهد شد؛ این واحد در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادها مختار می‌باشد و هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه خواهد بود؛ لازم به ذکر است ارائه معرفی‌نامه و گواهی‌نامه سمتای مرتبط جهت دریافت اسناد و شرکت در مناقصه الزامی می‌باشد.

آدرس: تهران-پاکدشت-جاده اختصاصی پارچین
دورنگار: ۰۲۱-۳۶۰۷۶۱۳۲

آگهی تجدید مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای)
شماره مناقصه: RKD-0522096-KM/S-06
نوبت دوم

شرح کالای مناقصه خرید: کابل فاصله‌دار هوایی ۲۰ کیلو ولت مطابق با مشخصات و شرایط کلی مندرج در اسناد مناقصه خرید
۱- نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت پالایش نفت کرمانشاه به نشانی کرمانشاه، بلوار شهید دکتر بهشتی، مقابل پارک شاهد، مدیریت بازرگانی تلفن: ۰۸۳-۳۱۴۹۷۵۹۵ و فکس: ۰۸۳-۳۱۴۹۷۵۹۶ کدپستی ۶۷۱۴۷۹۹۷۹۴
۲- نوع، کمیت و کیفیت کالا: شرح کامل مناقصه خرید در آدرس اینترنتی WWW.KORC.IR قید شده است.
۳- نوع و مبلغ تضمین: ضمانت‌نامه معتبر بانکی به مبلغ ۳,۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال با واریز وجه نقد به‌شماره حساب (شبای) IR950180000000001828054658 این شرکت نزد بانک تجارت شعبه نفت
۴- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد: مدیریت بازرگانی، ۲۰ روز بعد از چاپ آگهی نوبت دوم تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰
۵- زمان گشایش پیشنهاد فنی: تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ و زمان گشایش پاکت مالی حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳ می‌باشد.

روابط عمومی و امور بین‌الملل

آگهی مناقصه عمومی
نوبت دوم
یک مرحله‌ای
شماره: ۱۴۰۵/۰۰۵

موضوع آگهی:
احداث ساختمان اداری جدید تدارکات کالا

آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال رزومه
پایان وقت اداری روز **چهارشنبه** مورخ **۱۴۰۵/۰۵/۱۴**

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت WWW.BAQRCO.IR و یا خبرگزاری شانا www.shana.ir و WWW.TENDER@NIORDC.IR مراجعه نمایید.

روابط عمومی و امور بین‌الملل

آگهی مناقصه راهبری اتوبوس درون شهری و راهبری جایگاه CNG
نوبت دوم

شهرداری بجنورد در نظر دارد راهبری اتوبوس‌های درون شهری و راهبری جایگاه CNG شهر بجنورد به‌شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۵۲۹۷۰۰۰۰۰۷ با برآورد اولیه ۱۹۶,۵۸۱,۲۷۵,۰۰۰ ریال و تضمین شرکت در مناقصه ۹,۸۲۹,۰۶۳,۷۵۰ ریال را به شرکت‌های خدماتی دارای مجوز فعالیت از اداره کار و امور اجتماعی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی راجهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
۱- تاریخ انتشار مناقصه درسامانه ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ می‌باشد.
۲- مهلت زمان دریافت اسناد مناقصه از سامانه تا ساعت ۱۳ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۷
۳- مهلت زمان ارائه پیشنهادات تا ساعت ۱۳ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷
۴- زمان بازگشایی پاکت‌ها ساعت ۱۳ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها، آدرس: بجنورد، بلوار دولت، شهرداری بجنورد و تلفن ۰۵۸-۳۲۲۲۲۱۱۰-۱۴

شهرداری بجنورد

اجرای طرح‌های نوین مدیریت بار در استان مرکزی

مدیریت مصرف برق راهبرد گذر از دوره اوج

گزارش

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان مرکزی، از تشدید نظارت بر مصرفی، کاهش چشمگیر تلفات انرژی و افزایش رؤیت‌پذیری مصرف برق در استان خبر داد.

محمد نیکویی در نشست خبری با محوریت گذر از پیک مصرف برق ۱۴۰۵ گفت: شبکه برق استان مرکزی با ۲۰ هزار و ۵۰۰ کیلومتر شبکه توزیع و ۲۰ هزار دستگاه ترانسفورماتور، در پهنه‌ای به وسعت ۲۹ هزار کیلومترمربع به ۸۵۰ هزار مشترک خدمات‌رسانی می‌کند.

وی با اشاره به شاخص‌های راهبردی صنعت برق، خاطرنشان کرد: تلفات انرژی در سطح توزیع استان به ۷.۹ درصد رسیده که در چهار سال اخیر با وجود افزایش چشمگیر تعداد مشترکان و رشد مصرف، روندی ثابت و رو به کاهش داشته است. این دستاورد در شرایطی حاصل شده که ۸۲ درصد از برق استان در بخش صنعت و کشاورزی مصرف می‌شود و خانگی با استفاده از کنتورهای هوشمند محدود شده‌اند که سیستم به‌گونه‌ای طراحی شده که میانگین مصرف هر مشترک را در بازه‌های تیم‌ساعته پایش می‌کند و درصورت تجاوز از حد مجاز، برق وی به مدت ۳۰ دقیقه قطع می‌شود.

نیکویی با ارائه آماری از مصرف مشترکان خانگی، گفت: ۷۳.۹ درصد مشترکان حدود ۴۷۲ هزار نفر در محدوده الگو و کمتر مصرف دارند و تنها ۲۴.۵ درصد مشترکان ۱۵۶ هزار نفر بین یک تا دو برابر الگو مصرف می‌کنند که این آمار نشان‌دهنده رویکرد صحیح صنعت برق در اعمال محدودیت برای اقشار پرمصرف است.وی با اشاره به مصوبه هیأت دولت و شورای عالی امنیت ملی، خاطرنشان کرد: ادارات موظفند مصرف خود را در ساعات اداری ۲۰ درصد و در ساعات غیراداری ۷۰ درصد نسبت به سال پایه کاهش دهند و در غیر این صورت، برق آن‌ها به‌صورت هوشمند قطع خواهد شد.

نیکویی افزود: برای صنایع نیز برنامه‌های مدیریت بار تدوین شده و صنایع بالای ۲ مگاوات درصورت احداث نیروگاه خورشیدی به میزان ۵۰ تا ۸۰ درصد ظرفیت مصرفی متناسب با تعداد شیفت کاری، از مدیریت بار معاف می‌شوند و همچنین مشترکان کشاورزی با احداث نیروگاه خورشیدی به ظرفیت ۸۰ درصد دیماند مصرفی یا کاهش ۲۰ درصدی مصرف، از مدیریت بار معاف خواهند شد.

وی همچنین از اتمام طرح جهادی ۸۰۰۰ کیلومتری اصلاح شبکه‌های فرسوده و تبدیل سیم‌های مسی به کابل خودنگهدار در سطح استان خبر داد.

نیکویی با هشدار نسبت به آسیب‌های استفاده غیرمجاز از شبکه برق، گفت: هر دستگاه ماینر معادل مصرف برق ۱۲ واحد مسکونی است و تاکنون ۶۱۸ مزرعه استخراج رمزارز غیرمجاز در استان کشف و بیش از ۱۷ هزار دستگاه ماینر جمع‌آوری شده است که نقش مؤثری در کاهش بار شبکه و تلفات داشته است و از شهروندان خواست تا هرگونه مورد مشکوک را از طریق سامانه ۱۲۱ و انشعابات غیرمجاز را به‌شماره ۳۰۰۰۶۱۲۱ گزارش دهند.

> ۷۳.۹ درصد مشترکان حدود ۴۷۲ هزار نفر در محدوده الگو و کمتر مصرف دارند و تنها ۲۴.۵ درصد مشترکان ۱۵۶هزار نفر بین یک تا دو برابر الگو مصرف می‌کنند که این آمار نشان‌دهنده رویکرد صحیح صنعت برق در اعمال محدودیت برای اقشار پرمصرف است

خبرنگاران استان مرکزی به پویش «۲۵ درجه؛ قرار همدلی» پیوستند

خبر

جمعی از خبرنگاران و اصحاب رسانه استان مرکزی با هدف ترویج فرهنگ مصرف بهینه برق، به پویش ملی «۲۵ درجه؛ قرار همدلی» پیوستند.

این پویش با هدف کاهش مصرف انرژی در فصل گرما و با محوریت تنظیم دمای وسایل سرمایشی بر روی ۲۵ درجه سانتیگراد راه‌اندازی شده است.

خبرنگاران استان مرکزی با حضور در این پویش، بر نقش مؤثر رسانه‌ها در آگاهی‌بخشی و جلب مشارکت عمومی برای عبور از روزهای اوج مصرف برق تأکید کردند.

مشارکت همگانی در این پویش می‌تواند نقش مهمی در پایداری شبکه برق و جلوگیری از بروز خاموشی‌ها داشته باشد و تنظیم کولرهای گازی روی ۲۵ درجه یکی از مؤثرترین راهکارهای مدیریت مصرف عنوان شده است.

خبرنگاران استان مرکزی با پیوستن به این پویش، علاوه بر عمل به مسؤولیت اجتماعی خود، بر لزوم همراهی سایر اقشار جامعه به ویژه اصناف، ادارات و دستگاه‌های دولتی در این طرح، تأکید کردند که این حرکت نمادین، زمینه ساز فرهنگ‌سازی گسترده تری درزمینه مصرف بهینه انرژی در استان شود.

گفتنی است پویش «۲۵ درجه؛ قرار همدلی» با شعار «همدلی برای فردای روشن» در سطح ملی در حال اجرا است و استان مرکزی نیز با همراهی اقشار مختلف، گام‌های مؤثری در این مسیر برداشته است.

امحای ۶۰۰ دستگاه ماینر غیرمجاز در استان مرکزی

خبر

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان مرکزی از امحای ۶۰۰ دستگاه ماینر غیرمجاز استخراج رمزارز در این استان خبر داد و گفت: با احتساب این تعداد، مجموع ماینرهای کشف و نابود شده در استان طی مراحل قبل، به رقم ۳ هزار و ۴۰۰ دستگاه افزایش یافت.

محمد نیکویی با اعلام این مطلب افزود: این ۶۰۰ دستگاه ماینر غیرمجاز که طی عملیات‌های نظارتی و بازرسی از نقاط مختلف استان کشف شده بودند، پس از طی کامل مراحل قانونی و با نظارت دقیق نمایندگان دستگاه قضایی و نیروی انتظامی، به‌طور کامل امحا و از مدار مصرف خارج شدند.

مدیرعامل شرکت توزیع برق استان مرکزی بابیان اینکه تاکنون بیش از ۱۷هزار ماینر غیرمجاز در استان مرکزی جمع‌آوری شده است به اعمال جریمه‌های سنگین برای متخلفان این حوزه اشاره و تصریح کرد: برای دوره‌هایی که افراد به‌صورت پنهانی و غیرمجاز از شبکه‌های عمومی برق برای استخراج رمز ارز استفاده کرده‌اند، براساس قوانین و مقررات موجود، صورتحسابی با نرخ جریمه‌ای معادل چهار برابر هزینه معمول و قانونی تأمین برق مصرفی، محاسبه و صادر خواهد شد که این اقدام بازدارنده‌ای مؤثر در کاهش تخلفات محسوب می‌شود.

مدیرعامل شرکت توزیع برق استان مرکزی در ادامه با اشاره به افزایش نرخ پاداش به‌منظور تشویق هرچه بیشتر شهروندان، اظهار کرد: هر دستگاه ماینر به اندازه ۱۲واحد مسکونی برق مصرف می‌کند و براساس آخرین اصلاحیه، پاداش کشف هر دستگاه ماینر به ۳۰ میلیون ریال افزایش یافته است و مردم می‌توانند هرگونه موارد مشکوک را از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۵۱۲۱ گزارش دهند.

آگهی برگزاری مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی کیفی یک مرحله‌ای

نوبت اول

(با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۲۳۳۲۱۰۰۰۰۰۷ در سامانه ستاد)

لایروبی، آماده‌سازی به روش پاشش با سرباره مس مورد تأیید با درجه زنگ‌زدایی Sa2 1/2 و رنگ‌آمیزی مخازن شماره 103 - 104 - 301-302 - 501-502 و 502 انبار نفت جدید ارومیه

دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران- منطقه ارومیه به نشانی ارومیه، خیابان کاشانی، نبش کوی تمدن، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ارومیه

۱	موضوع مناقصه	لایروبی، آماده‌سازی به روش پاشش با سرباره مس مورد تأیید با درجه زنگ‌زدایی Sa2 1/2 و رنگ‌آمیزی مخازن شماره 103 - 104 - 301-302 - 501-502 و 502 انبار نفت جدید ارومیه
۲	مدت اجرای قرارداد	۳۶۵ روز (یک‌سال کامل شمسی از زمان عقد قرارداد)
۳	مبلغ برآورد پایه	۱۰۳/۳۵۹/۱۵۵/۱۴۹ ریال (یکصد و سه میلیارد و سیصد و پنجاه و نه میلیون و یکصد و پنجاه و پنج هزار و یکصد و چهل و نه ریال)
۴	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار و نوع تضمین	ارائه ضمانت‌نامه بانکی (از بانک‌های معتبر با تاریخ اعتبار سه ماهه) و یا واریز نقدی مبلغ تضمین به میزان ۵ درصد رقم برآورد به مبلغ ۵/۱۶۷/۹۵۷/۷۵۷ ریال (پنج میلیارد و یکصد و شصت و هفت میلیون و نهصد و پنجاه و هفت هزار و هفتصد و پنجاه و هفت ریال) به‌حساب شماره ۲۱۷۲۵۸۸۰۵۲۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه شرکت نفت ارومیه به‌نام شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ارومیه. (درصورت واریز نقدی تضمین، باید فیش واریزی تحویل امور مالی منطقه ارومیه شده و رسید وجه را از امور مالی اخذ و پس از بارگذاری در سامانه ستاد، آنرا در پاکت الف قرار دهند). ضمنا پاکت تضمین را به‌صورت لاک و مهر و امضا شده تحویل دبیرخانه شرکت نفت منطقه ارومیه نمایند. (شناسه منطقه ارومیه ۱۴۰۰۷۴۷۸۱۸۰)
۵	تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد	از ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰
۶	مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد	تا ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳
۷	مهلت زمانی ارسال پیشنهادات	تا ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۷
۸	محل و نحوه دریافت و تسلیم پیشنهادات	کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد
۹	شرایط متقاضیان (مدارک و مستندات مورد نیاز)	۱- ارائه گواهی‌نامه معتبر صلاحیت پیمانکاری ۲- دارا بودن حداقل رتبه ۵ تأسیسات و رتبه ۵ نفت و گاز از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری برای شرکت‌های حاضر در مناقصه الزامی می‌باشد. ۳- شرکت‌کنندگان در مناقصه توجه داشته باشند که از کلیه شرکت‌های زیر مجموعه وزارت نفت نباید بیش از یک اخطار کتبی داشته باشند. لذا درصورت احراز در هر مرحله از بررسی اسناد، از ادامه بررسی مدارک حذف خواهند شد. ۴- ارائه تصویر کارت ملی و شناسنامه مدیر عامل و اعضا هیأت‌مدیره شرکت و تصاویر کلیه صفحات اساسنامه شرکت، آگهی تأسیس وآخرین تغییرات شرکت در روزنامه رسمی، کد اقتصادی و شناسه ملی شرکت. ۵- ارائه گواهی امضا صادر شده از دفاتر اسناد رسمی طبق آگهی آخرین تغییرات در روزنامه رسمی که مجاز به امضا اسناد تعهدآور می‌باشند، الزامی است. ۶- ارائه مستندات مربوط به اطلاعات مندرج در فرمهای ارزیابی کیفی و احراز امتیاز قابل قبول (۶۰ امتیاز) براساس معیارهای ارزیابی کیفی پیمانکاران. بدیهی است بازگشایی پاکات مرتبط با مناقصه برای مناقصه‌گرانی صورت می‌گیرد که در ارزیابی کیفی امتیاز قابل قبول کسب نمایند. همچنین اسناد و مدارک ارزیابی کیفی می‌بایست به‌صورت جداگانه و در پاکت مجزا تهیه و ارسال گردد. ۷- درصورت نیاز به خرید کالا و مصالح توسط پیمانکار، قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد (خرید کالای خارجی که مشابه تولید داخلی دارد، ممنوع می‌باشد). ۸- داشتن ظرفیت کاری و همچنین عدم ممنوع‌المعامله بودن (در سطح وزارت نفت یا سایر دستگاه‌های اجرایی) ۹- در این مناقصه جهت تعیین مناسب‌ترین قیمت و برنده مناقصه، از دستورالعمل ارزیابی مالی و فرآیند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت به‌شماره ۲۰/۲-۱۵۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ وزیر محترم نفت (پیوست اسناد مناقصه) استفاده می‌گردد. ۱۰- کلیه مستندات ارائه شده باید اصل یا کپی برابر اصل و ممهور به مهر مراجع ذیصلاح باشند. ۱۱- کلیه مدارک و مستندات درخواستی باید در مهلت مقرر و درقالب پاکت " ب " در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) بارگذاری شوند.
۱۰	زمان بازگشایی پاکت‌ها	بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی در ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ در اتاق جلسات ستاد منطقه ارومیه بازگشایی پاکت‌های الف - ب و ج ساعت ۹ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ در اتاق جلسات ستاد منطقه ارومیه (مناقصه‌گران یا نمایندگان آنها می‌توانند با ارائه معرفی‌نامه رسمی در جلسه گشایش پیشنهادهای مالی "پاکت ج" حضوریابند.)
۱۱	تاریخ اعتبار پیشنهادات	سه ماه بعد از بازگشایی پاکات نرخ
۱۲	تعداد پیشنهاد جهت بازگشایی پاکات	حداقل ۳ پیشنهاد
۱۳	جلسه توضیح و تشریح اسناد	ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ (سالن جلسات ستاد منطقه ارومیه)

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: ارومیه - خیابان کاشانی - نبش کوی تمدن - شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ارومیه - کدپستی: ۵۷۱۵۶۶۳۳۷۳
تلفن: ۰۴۴۳۳۴۷۵۹۲۴-۲۷ ۰۴۴۳۳۴۱۳۴۵۶ نمابر: ۳۳۴۶۷۷۷۱

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ارومیه — شناسه ۲۲۲۸۰۹۵

آگهی مزایده عمومی فروش املاک شرکت فجر اعتبار (سهامی خاص)

شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۰۹۹۷۱

شرکت بازرگانی فجر اعتبار در نظر دارد املاک متعلق به خود را به‌صورت یکجا از طریق مزایده عمومی و با رعایت قوانین و مقررات مربوطه به‌فروش برساند. متقاضیان می‌توانند برای دریافت اسناد مزایده یا کسب اطلاع بیشتر با آقای باروتکوب مدیر بازرگانی داخلی شرکت به‌شماره همراه ۸۱۰۵۷۰۷ - ۰۹۱۰ یا به آدرس زیر مراجعه نمایند.
لازم به توضیح است که اراضی مذکور در فاصله بسیار نزدیک به شهرک یاس شهر کرج بوده و امکان تغییر کاربری به مسکونی و الحاق به شهر کرج را دارند.

مشخصات املاک:

نوع ملک	پلاک ثبتی	مساحت عرصه مترمربع	نوع کاربری	آدرس ملک
زمین با قابلیت تغییر کاربری به مسکونی و تجاری	۱۸۶۲۴	۹۹۲۶	زمین کشاورزی	کرج- صوفی آباد - خیابان پاسداران - شهرک یاس - اراضی دامداری
زمین با قابلیت تغییر کاربری به مسکونی (۱۹۰۹۵٫۲ متراژ کل می‌باشد که ۵۳۲۱٫۲ سهم این شرکت از ۶ دانگ است)	۱۸۱۹۹	۵۳۲۱٫۲	زمین کشاورزی	کرج- صوفی آباد - خیابان پاسداران - شهرک یاس - اراضی دامداری

شرایط شرکت در مزایده:
متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ تا ۱۴۰۵/۰۵/۸ به‌مدت ۱۰ روز نسبت به دریافت اسناد مزایده و شرکت در مزایده اقدام نمایند.
آخرین مهلت تحویل پیشنهادها ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۸ می‌باشد.
مبلغ سپرده شرکت در مزایده ۵ درصد قیمت پایه معادل ۷۱٫۵۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال می‌باشد.
پیشنهادها باید در پاکت دربسته و مطابق شرایط مندرج در اسناد مزایده به شرکت ارائه شود.
جلسه بازگشایی پاکات در ساعت ۱۴مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۹ در محل شرکت فجر اعتبار برگزار خواهد شد.
شرکت در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادها مختار است.
هزینه‌های نقل و انتقال، عوارض و سایر هزینه‌های قانونی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.
نشانی دریافت پیشنهادات و تحویل اسناد: سعادت آباد - خیابان سرو غربی - نبش چهارراه شهرداری (قیصر امین‌پور) - پلاک ۱۷- مجتمع تجاری اداری سرو - طبقه دهم - شرکت بازرگانی فجر اعتبار

(آدرس ایمیل شرکت fajreetebar@yahoo.com)

IRAN DAILY
www.newspaper.iran-daily.com
1877

خبر

پنج طرح نیمه‌تمام در آستانه بهره‌برداری قرار گرفت

نهضت تکمیل پروژه‌های ناتمام در لرستان

خرم‌آباد- استاندار لرستان با اشاره به اینکه این استان میراث‌دار بیش از پنج هزار طرح نیمه‌تمام از دهه‌های گذشته است از آغاز نهضت تکمیل طرح‌های نیمه تمام دراین استان خبر داده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که در دولت چهاردهم بسیاری از طرح‌های نیمه تمام از انزوای پروژه‌های سنواتی خارج شده و مدیران این استان با تمرکز بر ۵۴ طرح اقتصادی سند پیشران توسعه، به دنبال بهره‌برداری طرح‌هایی هستند که مردم سال‌ها برای آنها صبر کرده‌اند. معاون هماهنگی اموراقتصادی استاندار لرستان در نشست دیروز شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان که با رویکرد گره‌گشایی از مشکلات انباشته شده و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام برگزار شد با اشاره به اجرای طرح‌های بزرگ صنعتی و جذب سرمایه‌گذاری در استان گفت: «با وجود عملکرد مناسب در جذب منابع مالی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، همچنان تأمین سرمایه در گردش، تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام، رفع محدودیت‌های انرژی و حمایت از صنایع آسیب‌دیده از جنگ اخیر مهم‌ترین مطالبات بخش تولید استان از وزارت صنعت، معدن و تجارت است.» امید امیدی شاه‌آباد با اشاره به وضعیت تأمین مالی واحدهای تولیدی افزود: «سال گذشته با وجود همه محدودیت‌ها، حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در استان انجام و بیش از ۲۷ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی و اعتبارات اسنادی برای واحدهای اقتصادی لرستان تأمین شد.» وی ادامه داد:« هرچند بخش قابل توجهی از این منابع از طریق بانک‌های خارج از استان تأمین شد اما این میزان تأمین مالی در سال‌های اخیر کم‌سابقه بوده و نتیجه پیگیری‌های استاندار لرستان و تلاش دستگاه‌های اجرایی از جمله بخش‌های صنعت، معدن، کشاورزی، گردشگری و مجموعه اقتصادی استان است.» امیدی شاه‌آباد تصریح کرد: «با وجود این اقدامات همچنان بسیاری از واحدهای تولیدی برای تأمین سرمایه در گردش با مشکلات جدی مواجه هستند و لازم است حمایت‌های بیشتری از سوی شبکه بانکی و وزارت صمت صورت گیرد.» وی همچنین با اشاره به خسارت‌های وارد شده به واحد خودروسازی فردا موتور در جریان جنگ ۱۲ روزه اظهار کرد: «این واحد صنعتی بیش از ۹۰ درصد خسارت دیده و ضروری است روند پرداخت خسارت‌ها و اجرای برنامه بازسازی آن با سرعت بیشتری دنبال شود تا علاوه بر حفظ اشتغال موجود، زمینه اجرای طرح توسعه آن نیز فراهم شود.»

بهره‌برداری از پنج پروژه بزرگ صنعتی تا پایان شهریور

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت لرستان نیز با تشریح آخرین وضعیت طرح‌های پیشران صنعتی و معدنی استان از پیشرفت قابل‌توجه پروژه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری خبر داد و گفت: «با حمایت وزارتخانه، پنج پروژه مهم صنعتی تا پایان شهریورماه امسال آماده بهره‌برداری خواهند شد.» بهمن جعفری با ارائه گزارشی از مهم‌ترین طرح‌های صنعتی، معدنی و سرمایه‌گذاری استان اظهارکرد: «طی ۲۴ سال گذشته اجرای پنج پروژه بزرگ صنعتی آهک هیدراته صنعتی پلدختر، کاغذ از سنگ الیگودرز، نوار نقاله الشتر، اسید فسفریک خوراکی خرم آباد و فولاد ازنا به صورت همزمان در لرستان آغاز شده که برخی از آنها اکنون در آستانه بهره‌برداری قرار دارند.»

گزارش

روایت استاندار کرمانشاه از پایداری کامل شریان‌های حیاتی در سایه درس‌آموخته‌های زلزله سرپل‌ذهاب

زاگرس لرزید، کرمانشاه ایستاد

شیما جهان بخش
گروه ایران زمین

صبح روز دوشنبه، ۲۹ تیرماه، عقربه‌های ساعت ۷ و ۱۳ دقیقه صبح را نشان می‌دادند که زمین زیر پای ساکنان بخش غربی استان کرمانشاه با تکانی به بزرگی ۵.۲ ریشتر در عمق ۸ کیلومتری زمین لرزید؛ اما این پایان ماجرا نبود. درست ۵ دقیقه بعد، در ساعت ۷ و ۱۸ دقیقه، شلاق دوم زمین‌لرزه با شدتی مخرب‌تر به بزرگی ۵.۷ ریشتر در عمق ۱۳ کیلومتری زمین، منطقه «گهواره» و بخش «کوزران» شهرستان کرمانشاه را تکان داد. تلاقی این دو زمین‌لرزه در بازه زمانی کوتاه، موجی از وحشت را در شهرستان‌های روانسر، دالاهو، جوانرود و حتی مرکز استان و مناطق همجوار ایجاد کرد و خاطره تلخ زلزله ویرانگر ۷.۳ ریشتری آبان‌ماه سال ۱۳۹۶ سرپل‌ذهاب با ۶۲۰ جان‌باخته را در اذهان زنده کرد. با این حال، گزارش‌های میدانی و آمارهای رسمی از کانون بحران در بخش ۱۷هزارنفری کوزران حکایت از ابتکارات مهندسی و مدیریتی دارد: «خسارت جانی صفر، مصدومان سرپایی تنها ۳ نفر به دلیل اضطراب، و پایداری ۱۰۰ درصدی شریان‌های حیاتی». این فرجام، خط بطلانی بر سناریوهای تکراری آوار در زاگرس کشید و نشان داد که کرمانشاه، این بار خشم زمین را با سپر مقاوم‌سازی مهار کرده است.

پایش خانه به خانه زیر ذره‌بین مدیریت بحران

«منوچهر حبیبی»، استاندار کرمانشاه، در تشریح جزئیات دقیق این حادثه در گفت‌وگوی اختصاصی با «ایران» اظهار کرد:«زمین‌لرزه اول در ساعت ۷:۱۳ صبح امروز (دوشنبه) با قدرت ۵.۲ ریشتر و کانونیت ۲۳ کیلومتری روانسر رخ داد و بلافاصله با فاصله ۵ دقیقه، زلزله دوم با بزرگی ۵.۷ ریشتر در ۲۵ کیلومتری شهر گهواره به وقوع پیوست. از همان دقایق اولیه، به دلیل شدت ارتعاشات که حتی در استان‌های همجوار نیز احساس شد، ستاد مدیریت بحران استان فعال و دستور ویژه برای حضور میدانی تمامی مدیران ستادی، فرماندار کرمانشاه و رؤسای دستگاه‌های اجرایی در محل کانون زلزله صادر شد.» استاندار کرمانشاه با تبیین سرعت عمل ناوگان امدادی در دقایق طلایی افزود: «با هماهنگی‌های به عمل آمده، بلافاصله حدود ۳۵ تیم ارزیاب، عملیاتی و امداد و نجات از دستگاه‌های مختلف از جمله جمعیت هلال‌احمر، بنیاد مسکن و اورژانس به منطقه گسیل شدند. شعاع ارزیابی‌ها تا ۵۰ کیلومتری کانون اصلی زلزله گسترش یافت تا هیچ لکه کوری در پایش روستاهای محروم و حاشیه‌ای باقی نماند.»

سهم صفر تلفات جانی

عالی‌ترین مقام اجرایی استان کرمانشاه با رد هرگونه شایعه در خصوص وجود تلفات جانی تصریح کرد:«با فضل الهی و آمادگی ساختاری، تاکنون هیچ‌گونه مورد فوتی یا جراحت ناشی از ریزش سقف و دیوار در این بخش گزارش نشده است. کل آمار مصدومان ما منحصر به ۳ نفر است که وضعیت عمومی آنان کاملاً مساعد گزارش شده است. نکته حائز اهمیت این است که مصدومیت این سه شهروند عزیز، ناشی از آوار نبوده، بلکه صرفاً به دلیل ترس، اضطراب و شتاب‌زدگی هنگام خروج و فرار از محل وقوع زلزله دچار آسیب‌های سطحی شده بودند.»

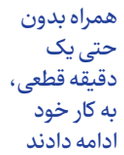

استاندار کرمانشاه : در زلزله‌های مشابه، قطعی آب، گاز و به ویژه خطوط مخابراتی خود به یک ابربحران تبدیل می‌شود؛ اما در کوزران، خطوط توزیع برق، شبکه‌های گازرسانی، خطوط انتقال آب و آنتن‌دهی تلفن‌های همراه بدون حتی یک دقیقه قطعی، به کار خود ادامه دادند

حبیبی همچنین به پایداری بی‌نقص زیرساخت‌های حیاتی اشاره کرد و افزود: «در زلزله‌های مشابه، قطعی آب، گاز و بویژه خطوط مخابراتی خود به یک ابربحران تبدیل می‌شود؛ اما در کوزران، خطوط توزیع برق، شبکه‌های گازرسانی، خطوط انتقال آب و آنتن‌دهی تلفن‌های همراه بدون حتی یک دقیقه قطعی، به کار خود ادامه دادند و این نشان‌دهنده ارتقای تاب‌آوری هوشمند زیرساخت‌ها در استان است.»

ظرفیت‌های بومی پای کار مهار بحران

استاندار کرمانشاه با صراحت بر کفایت ظرفیت‌های بومی تأکید کرد و گفت:«از همان ساعات اولیه، برخی گمانه‌زنی‌ها درباره نیاز به ورود ستاد ملی بحران یا پشتیبانی کشوری مطرح شد؛ اما بنده صراحتاً اعلام می‌کنم که ابعاد حادثه به طور کامل تحت کنترل و هدایت ستاد مدیریت بحران استان کرمانشاه است. تمام پتانسیل‌های امدادی، اعتباری و لجستیکی استان پای کار هستند و هیچ نیازی به مداخله یا ورود حوزه‌های ملی وجود ندارد.»

مدیریت بحران میراث ماندگار سرپل‌ذهاب

استاندار کرمانشاه پاسخ به این سؤال که چگونه منطقه‌ای در غرب ایران از دو زلزله پیاپی نزدیک به ۶ریشتر، بدون خسارت کمرشکن عبور می‌کند به یک تحول ساختاری در دهه گذشته گره می‌زند. وی با اشاره به پیشینه زلزله سال ۱۳۹۶ سرپل‌ذهاب خاطرنشان کرد:« حادثه تلخ سال ۹۶ با همه رنج‌هایش، یک سرفصل جدید در نظام مهندسی و بازسازی استان گشود. متعاقب آن زلزله با توجه ویژه، نهضت ملی برای مقاوم‌سازی بافت‌های روستایی و شهری در سراسر استان و به‌طور خاص در مناطق غربی آغاز شد.» نماینده دولت در کرمانشاه افزود: «تفاوت معنادار زلزله کوزران با حوادث گذشته، کارنامه درخشان همان بازسازی‌های اصولی و نظارت‌های سختگیرانه است. واحدهای مسکونی روستایی ما امروزه براساس استانداردهای روز آیین‌نامه ۲۸۰۰ ساخته شده‌اند و تاب‌آوری امروز سازه‌ها، ثمره همان ریل‌گذاری صحیح است.»

حبیبی با ترسیم افق پیش‌رو و لزوم حفظ هوشیاری عمومی خاطرنشان کرد:« اگرچه علم امروز قادر به پیش‌بینی ثانیه‌ای و دقیق رفتار گسل‌ها و پس‌لرزه‌ها نیست، اما تکالیف مدیریتی و تجربیات سنوات گذشته به ما حکم می‌کند که هرگز اسیر غافلگیری نشویم. به همین منظور، فرمان آماده‌باش کامل به تمامی دستگاه‌های خدمات‌رسان، شهرداری‌ها، نظام پزشکی و پایگاه‌های جمعیت هلال‌احمر صادر شده و این وضعیت تا اطلاع ثانوی و آرامش کامل پوسته زمین ادامه دارد.»

وی همچنین با هشدار به رسانه‌ها و افکارعمومی تأکید کرد:«از تمامی شهروندان فهیم استان تقاضا دارم با حفظ آرامش، اخبار را تنها از مراجع رسمی و خبرگزاری‌های معتبر دنبال کنند و به شایعات بی‌اساس فضای مجازی که هدف‌شان تخریب امنیت روانی جامعه است، اعتنا نکنند. خادمان مردم در دولت و نهادهای امدادی تا پایان ارزیابی دقیق و اطمینان از رفع کامل مخاطرات، در کنار مردم کوزران خواهند ماند.»

برش

کرمانشاه این‌بار آوار نشد!

زلزله بخش کوزران، صرفاً یک پدیده طبیعی نبود، بلکه یک «مانور واقعی و تمام‌عیار برای سنجش تاب‌آوری سازه‌ها» در غرب کشور به شمار می‌رفت. برای درک بهتر این رویداد، باید خط زمان را به آبان‌ماه سال ۱۳۹۶ بازگرداند؛ روزهایی که زمین‌لرزه ۷.۳ ریشتری سرپل‌ذهاب، سقفی از اندوه را بر سر استان آوار کرد و جان ۶۲۰ هموطن را گرفت. درآن مقطع، بخش عمده‌ای از تلفات، محصول بافت فرسوده، سازه‌های ناایمن روستایی و بی‌توجهی به اصول آیین‌نامه ۲۸۰۰ بود. اما فرجام زلزله ۵.۷ ریشتری کوزران، روایت متفاوتی را رقم زد. وقوع دو زمین‌لرزه پیاپی در عمق کم و دربازه زمانی کوتاه ۵ دقیقه‌ای، طبق فرمول‌های سنتی مدیریت بحران در بافت‌های روستایی، باید به یک فاجعه انسانی با صدها مصدوم و تخریب گسترده تبدیل می‌شد؛ اما ثبت آمار «صفر تلفات جانی» و پایداری کامل شریان‌های حیاتی (آب، برق، گاز و شبکه ارتباطی)، یک پیام روشن ساختاری داشت: نهضت مقاوم‌سازی در کرمانشاه جواب داده است. این بازسازی اصولی و سرمایه‌گذاری هوشمندانه روی سیمان و آهن خانه‌های روستایی، در حقیقت نوعی «بیمه عمر پیش‌دستانه» برای ساکنان زاگرس بود. کرمانشاه این‌بار نشان داد که می‌توان خشم گسل‌ها را نه با شیون و امداد پس از بحران، بلکه با مهندسی دقیق، نظارت‌های سخت‌گیرانه نظام‌مهندسی و پیشگیری ساختاری در نطفه خفه کرد؛ تجربه‌ای گران‌بها که حالا می‌تواند به‌عنوان یک الگوی ملی برای سایر استان‌های حادثه‌خیز ایران مورد استفاده قرار گیرد.

اصفهان در محاصره ریزگردها

اصفهان- در سال‌های اخیر، روند افزایشی گرد وغبار در اصفهان به یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی این استان تبدیل شده است؛ موضوعی که به اعتقاد کارشناسان، اصفهان را در مسیری مشابه تجربه سال‌های گذشته خوزستان قرار داده است. خشک شدن بستر زاینده‌رود، محروم ماندن تالاب بین‌المللی گاوخونی از حقابه، رها شدن اراضی کشاورزی و تداوم خشکسالی، مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و گسترش کانون‌های گرد وغبار در استان عنوان می‌شود؛ کانون‌هایی که اکنون علاوه بر منشأ داخلی، تحت تأثیر گرد وغبار استان‌های قم، سمنان، یزد و خراسان جنوبی نیز قرار گرفته‌اند. طبق گفته «منصور شیشه فروش» مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان، احیای جریان دائمی زاینده‌رود و تأمین حقابه تالاب گاوخونی را تنها راهکار بلندمدت برای مهار ریزگردها دانست و گفت: «در حال حاضر حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار از عرصه‌های استان در ۱۴ شهرستان به کانون‌های بحرانی فرسایش بادی و گرد وغبار تبدیل شده و حدود ۲ میلیون هکتار نیز در محدوده اراضی کویری قرار دارد.» طبق گفته این مقام مسئول، طی سال‌های گذشته برای کاهش اثرات این بحران، عملیات جنگل‌کاری در ۳۱۱ هزار هکتار، مالچ‌پاشی در ۳۰ هزار هکتار، مدیریت روان‌آب و بذرکاری در ۱۳ هزار هکتار اجرا شده و مطالعات طرح جامع گرد و غبار نیز در بیش از یک میلیون هکتار از عرصه‌های بیابانی انجام گرفته است.

دعوت به شرکت در مناقصه
تأمین، حمل، ترخیص و گارانتی ۲ دستگاه بلوک سیلندر و میل لنگ ژنراتور TBG620V16K
نوبت اول
نفت پارس
شرکت نفت پارس در نظر دارد تأمین، حمل، ترخیص و گارانتی ۲ دستگاه بلوک سیلندر و میل لنگ ژنراتور خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.
مهلت ارسال پاکات پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
تذکرات مهم:
● واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
● به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضاء یا مهر، مبهم، فاقد تضمین / سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● این آگهی صرفا به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید.
● شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

دعوت به شرکت در مناقصه
تأمین، حمل، نصب و راه‌اندازی ۲ دستگاه ژنراتور MV
نوبت اول
نفت پارس
شرکت نفت پارس در نظر دارد تأمین، حمل، نصب و راه‌اندازی ۲ دستگاه ژنراتور MV خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.
مهلت ارسال پاکات پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
تذکرات مهم:
● واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
● به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضاء یا مهر، مبهم، فاقد تضمین / سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● این آگهی صرفا به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید.
● شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی (شماره ۱۴۰۵/۰۶)
نوبت دوم
SPPD
شرکت مادر تخصصی تولید و توسعه انرژی اتمی ایران
۱-موضوع: طراحی، تأمین تجهیزات و راه‌اندازی پست ۲۳۰ کیلو ولت GIS نیروگاه اتمی بوشهر
۲-دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت مادر تخصصی تولید و توسعه انرژی اتمی ایران
۳- نشانی مناقصه‌گزار: تهران- خیابان آفریقا- کوچه تندیس- شماره ۸ کدپستی ۱۹۱۵۶۱۳۶۶۳؛ تلفن ۰۲۱-۲۴۸۸۲۲۲۲ - فکس ۰۲۱-۲۲۰۵۴۸۴۰
۴-نشانی محل خرید اسناد: بوشهر، نیروگاه اتمی، ساختمان مدیریت شرکت بهره‌برداری، گروه قراردادها تلفن ۰۷۷۳۱۱۱۲۵۵۳-۴ -فاکس ۰۷۷۳۱۱۱۲۸۲۹
۵-مبلغ برآورد اولیه : ۲/۶۰۱/۹۷۲/۳۶۷/۸۸۸ ریال
۶- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۷۷/۴۱۹/۴۴۷/۳۵۸ ریال
۷-مدت اعتبار پیشنهادات: حداقل سه ماه
۸- مناقصه‌گران می‌بایست دارای مجوز طرح و ساخت (EPC) در زمینه انتقال و توزیع نیرو با رتبه یک (۱) پیمانکاری انتقال و توزیع نیرو در گروه انرژی به‌همراه مشاور همکار با رتبه ۱ انتقال و توزیع نیرو در گروه انرژی، رتبه ۲ تولید با توزیع نیرو در گروه انرژی و رتبه ۳ پداقند غیر عامل در گروه انرژی از سازمان برنامه و بودجه باشد.
۹- برنامه زمانی مناقصه: متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند تا پایان وقت اداری تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰، به نشانی محل خرید اسناد مراجعه و با ارائه معرفی‌نامه کتبی، گواهی صلاحیت پیمانکاری و فیش واریزی به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۴۱۰-۱۱۰۳۳۳۰۲۳۰۵۴۳ با شماره شبا IR۷۴۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۱۰۳۳۳۰۲۳۰۵۴۳ نزد بانک مرکزی به نام شرکت بهره‌برداری نیروگاه اتمی بوشهر، نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی اقدام و پس از تکمیل، حداکثر تا پایان وقت اداری تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ برگشت نمایند.
۱۰- مناقصه‌گزار پس از بررسی اسناد و مدارک، از شرکت‌های واجد شرایط جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به‌عمل خواهد آورد. ارائه مدارک هیچ گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
۱۱- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مندرج است.
۱۲- هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
گروه قراردادها شرکت بهره‌برداری نیروگاه اتمی بوشهر

آگهی فراخوان شناسایی تأمین کنندگان قطعات آپشن محصولات سایپا
سایپا یدک
سازمان خدمات پس از فروش سایپا
شرکت سایپایدک در راستای توسعه سبد محصولات و تکمیل زنجیره ارزش خدمات پس از فروش، از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، شرکت‌های تولیدی و دانش‌بنیان فعال در حوزه طراحی، تولید، تأمین و بومی‌سازی تجهیزات و آپشن‌های خودرو (شامل سامانه‌های رفاهی، ایمنی، الکترونیک هوشمند، خودروهای متصل (Connected Car)، اینترنت اشیا، تجهیزات چندرسانه‌ای و سفارشی‌سازی) دعوت می‌نماید جهت عضویت در لیست تأمین‌کنندگان این شرکت به نشانی www.saipayadak.org/idea مراجعه نمایند. همچنین شماره‌های تماس ۰۲۱۶۱۶۱۱۶۴۰ و ۰۲۱۶۱۶۱۲۰۴۲ (اداره تأمین آپشن سایپایدک) جهت پاسخگویی به سؤالات احتمالی در نظر گرفته شده است.
روابط عمومی سایپایدک

سازمان آگهی‌های ایران ورزشی
۱۸۷۷۰

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله ای
خرید یک دستگاه ریچتراک برقی
به شماره مناقصه HPC-1405-0060
نوبت دوم
شرکت پتروشیمی هنگام
شرکت پتروشیمی هنگام در نظر دارد خرید یک دستگاه ریچتراک برقی به شماره تقاضای ۰۴۳۰۴۰۶ را از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. فلذا از شرکت‌هایی که آمادگی و توانایی انجام موضوع مناقصه را داشته و دارای سوابق و تجربیات مؤثر و مرتبط می‌باشند دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی به نشانی(وب سایت) پتروشیمی هنگام به آدرس WWW.hengampc.com مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
موعد زمانی مناقصه:
تاریخ درج آگهی: روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ و روز سه شنبه ۱۴۰۵/۰۴/۳۰
آخرین مهلت تحویل اسناد ارزیابی کیفی: ساعت ۱۶:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۱
متقاضیان در صورت دریافت اسناد ارزیابی از طریق تارنمای فوق، لازم است کلیه اسناد از طریق پیام‌رسان داخلی بله به شماره ۰۹۰۴۴۶۴۶۶۵۹ ارسال گردد و نیازی به ارسال مدارک به‌صورت فیزیکی نیست. به اسناد و مدارک واصله بعد از مهلت مقرر، ترتیب اثر داده نخواهد شد. تاریخ ارسال پیشنهادات (پاکات الف، ب و ج) پس از مرحله ارزیابی کیفی، به شرکت‌هایی که حائز حداقل امتیاز کیفی لازم می باشند، اطلاع رسانی خواهد شد.
آدرس مناقصه‌گزار: عسلویه، منطقه ویژه پارس جنوبی، فاز ۲ پتروشیمی‌ها، بعد از پتروشیمی مروارید، شرکت پتروشیمی هنگام، کدپستی: ۷۵۱۱۸۱۱۳۶۰، شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۵۰۲۸۰۴
تلفن تماس شرکت: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰ داخلی (۲۶۰۶-۱۵۱۵)
● در صورت قطع دسترسی به وب‌سایت، جهت دریافت اسناد مناقصه به پیام‌رسان بله ما پیام دهید.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است. ضمناً هزینه آگهی در دو نوبت اول و دوم در تاریخ‌های ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ و ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ جراید بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

آگهی تجدید مزایده عمومی
نوبت دوم
شهرداری اندیشه در نظر دارد به اسناد مجوز شماره ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ موضوع ابلاغ بند ۴ صورتجلسه شماره ۲۳۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ شورای اسلامی شهر اندیشه نسبت به‌فروش اموال غیرمنقول خود به‌شرح ذیل از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط اقدام نماید.
۱- موضوع مزایده: عبارت است از فروش ۱۴ واحد تجاری از طبقه همکف مجتمع اداری تجاری نور واقع در فاز ۳ اندیشه، بلوار آزادی، مجتمع دارای ۶ لابن پله برقی، پله برقی در طبقات، ۲ لابن آسانسور، راه پله، کف و دیوار مشاعات سنگ، نمای واحدها شیشه میرال، سقف کاذب، روشنایی لامپ تو کار ال‌ای‌دی، کف سرامیک، دیوار گچ، دارای سیستم سرمایش و گرمایش چیلر، دارای هواساز، واحدها خام بوده و فاقد پایانکار، فاقد سند و فاقد پارکینگ اختصاصی می باشد.
● (بازدید از مجموعه توسط شرکت‌کنندگان الزامی بوده و متعهد می‌گردند از کم و کیف آن کاملاً آگاه و مطلع باشند)
۲- مبلغ فروش:
مبلغ پایه کارشناسی شده(گزارش کارشناسان رسمی دادگستری به شماره ج/۵۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۵) به‌شرح جدول ذیل ماده ۲ اسناد مزایده می‌باشد.
نبصره ۱: فروش واحدهای تجاری فوق مطابق با وضع موجود بوده و تحت هیچ شرطی حق تغییر کاربری ملک را نخواهند داشت. خریدار می‌بایست قبل از شرکت در مزایده از آنها بازدید و سپس نسبت به ارائه پیشنهاد قیمت اقدام نماید.
نبصره ۲ : در حال حاضر تجاری‌های مذکور تحت اجاره بخش خصوصی می‌باشد که درصورت برنده شدن عینا قرارداد اجاره از تاریخ تحویل به برنده مزایده منتقل خواهد گردید و برنده مزایده در این خصوص هیچ‌گونه اعتراضی نخواهد داشت.
نبصره ۳ : کلیه هزینه‌های اخذ استعلام ادارات مربوطه و همچنین انتقال اسناد در دفترخانه بر عهده برنده مزایده خواهد بود.
نبصره ۴ : پیگیری امور مربوط به اخذ اسناد می‌بایست توسط خریداران انجام پذیرد بدیهی است شهرداری همکاری لازم را در این خصوص خواهد داشت.
نبصره ۵ : کلیه هزینه‌های آب، برق و شارژ تا زمان تحویل واحد به‌عهده شهرداری و بعد از آن به عهده برنده مزایده خواهد بود.
۳- تضمین شرکت در مزایده:
سپرده شرکت در مزایده مطابق جدول ذیل ماده ۲ اسناد و شرایط شرکت در مزایده می باشد که می بایست تا پایان مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت به یکی از صورت‌های ذیل به واحد دبیرخانه شهرداری تسلیم و شماره ثبت پاکت الف را دریافت نمایند.
الف) رسید بانکی واریز وجه مزبور به‌شماره حساب سپرده ضمانت شرکت در مزایده ۰۱۳۹۹۴۴۵۶۰۰۱ نزد بانک ملی شعبه شهر اندیشه کد ۲۴۱۷
ب) ضمانت‌نامه بانکی
تذکر۱ : مدت تضمین فوق باید در زمان بازگشایی پیشنهاد قیمت دارای اعتبار باشد و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد و علاوه بر آن ضمانت‌نامه‌های بانکی باید طبق فرم‌های قابل قبول تنظیم شود.
تذکر۲ : به پیشنهادهایی که سپرده شرکت در مزایده آنها به غیر از موارد فوق باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۴- مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده:
متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده می‌بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir اقدام نمایند.
۵- مهلت و محل دریافت اسناد مزایده:
از تاریخ انتشار آگهی لغایت پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ ومحل دریافت آن صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir می‌باشد.
۶- مهلت و محل تسلیم پیشنهادات:
متقاضیان می‌بایست پاکت‌های پیشنهاد قیمت خود را که برابر شرایط مندرج در کاربرگ مزایده تنظیم شده است را حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www. setadiran.ir بارگذاری نمایند.
● تذکر در جلسه بازگشایی صرفاً اسناد دارای امضا الکترونیکی مورد پذیرش است.
۷- تاریخ و محل بازگشایی پیشنهادات:
روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir اقدام نمایند.
۸- شهرداری اندیشه در رد یا قبول تمام پیشنهادات بدون ذکر دلیل مختار می باشد.
● چاپ نوبت اول ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ ● چاپ نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۴/۳۰
بهروز کاویانی - شهردار شهر اندیشه

تلاقی متن و تصویر

گفت‌وگو با رامتین شهبازی دبیر علمی نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران

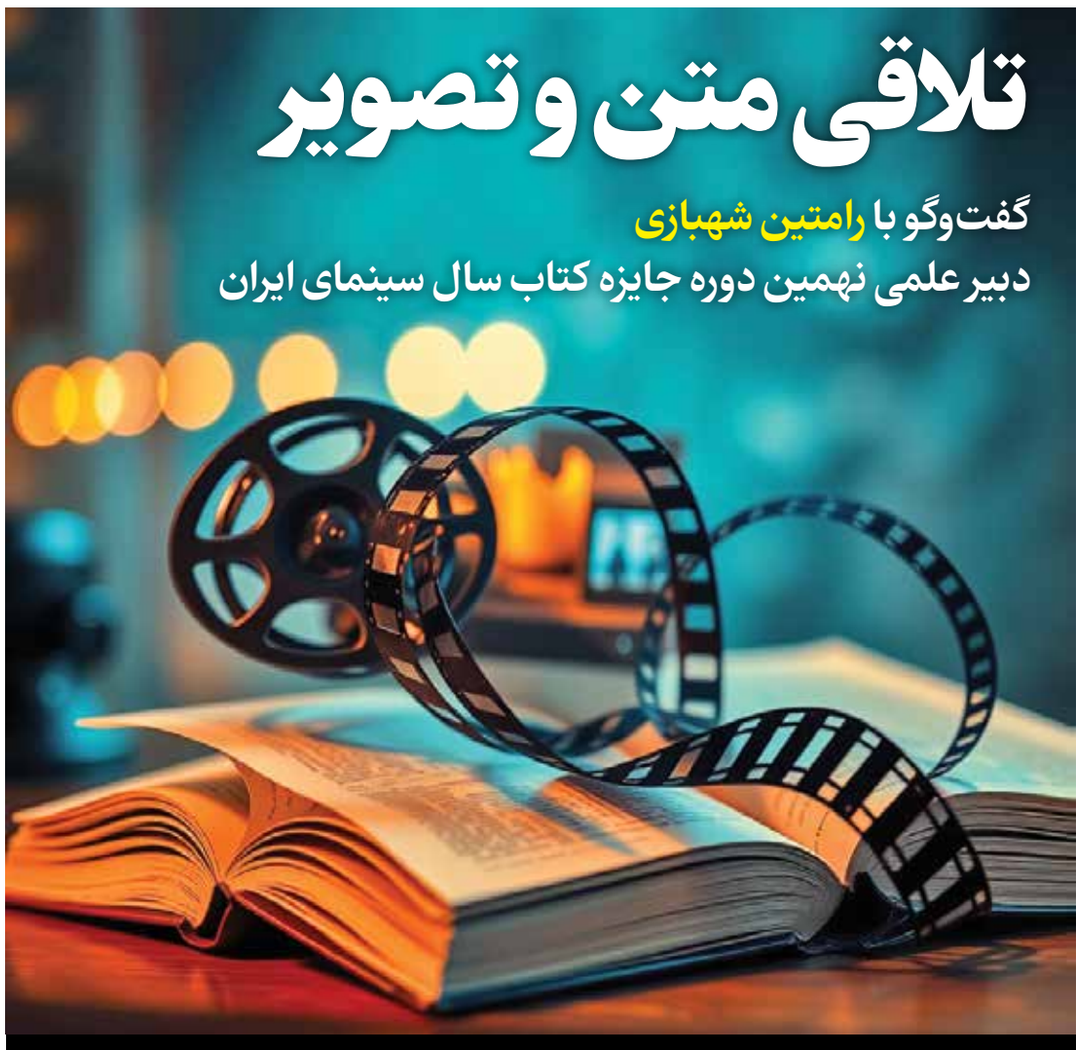

گفت‌وگو

مریم شهبازی
گروه کتاب

در سینمای ایران، فاصله ساخت فیلم و تولید فکر، سال‌هاست به یکی از شکاف‌های کمتر دیده‌شده اما تعیین‌کننده بدل شده است؛ شکافی که به باور بسیاری، بدون تقویت پشتوانه مکتوب سینما پر نمی‌شود. نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران در چنین بستری برگزار شد؛ رویدادی که می‌کوشد کتاب را از حاشیه به متن مناسبات سینمایی بازگرداند و نسبت میان پژوهش، آموزش و تولید را دوباره به جریان بیندازد. رامتین شهبازی، دبیر علمی نهمین دوره این جایزه و عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی سوره، در این گفت‌وگو با اشاره به احیای جایزه کتاب سال سینمایی پس از چند سال تعطیلی، از ضرورت پیوند دوباره کتاب با آموزش و تولید سینما، توجه به آثار فنی و کاربردی و نقش مطالعه و پژوهش در عبور سینمای ایران از تجربه‌گرایی صرف می‌گوید.

سال‌هاست منتقدان از تعامل کم‌رنگ اهالی کتاب و سینما در کشورمان سخن می‌گویند. این گلایه تا چه اندازه در شکل‌گیری جایزه کتاب سال سینمایی و تداوم برگزاری آن نقش داشته و اصولاً این جایزه با چه هدف و بنابر چه ضرورتی شکل گرفت؟

پیش از هر چیز باید به این نکته اشاره کنم که در حوزه فرهنگ و هنر، مفاهیم اغلب نسبی هستند. اینکه بگوییم تعامل اهالی کتاب و سینما کاملاً کم‌رنگ شده، شاید نگاهی قطعی و صلب باشد؛ چرا که همواره جرقه‌هایی از این همکاری وجود داشته است. اما اگر بخواهیم واقع‌بینانه نگاه کنیم، این رابطه در دهه‌های اخیر دچار نوعی گسست نسبی شده بود که توازن میان «تولید تصویر» و «تولید اندیشه» را برهم می‌زد. جایزه کتاب سال سینمای ایران دقیقاً با درک همین ضرورت و برای پاسخ به این خلأ شکل گرفت.

هدف اصلی ما در این جایزه، نه صرفاً یک مراسم تشریفاتی، بلکه ایجاد انگیزه‌ای برای تعمیق زیرساخت‌های نظری سینماست. ما معتقدیم سینمای ما برای رشد، به همان اندازه که به دوربین و تکنولوژی نیاز دارد، به «متن» و «پژوهش» هم نیازمند است. تمرکز و اولویت اصلی ما بر دو حوزه بنیادین «تألیف» و «ترجمه» است. ما بر این باوریم که از طریق تألیفات بومی می‌توان به شناخت دقیق‌تری از سینمای ایران رسید و از طریق ترجمه‌های دقیق، می‌توان از دانش و نظریات روز سینمای جهان بهره‌مند شد.

در مورد تداوم این مسیر هم باید به یک مقطع حساس اشاره کنم؛ متأسفانه این جایزه برای چندین سال تعطیل بود و این وقفه، آسیب‌های خود را به بدنه پژوهشی سینما وارد کرد. اما خوشبختانه بعد از چند سال تعطیلی، با همت و پیگیری‌های ویژه جناب آقای همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما و جناب آقای فرهاد توحیدی، معاون فرهنگی خانه سینما، این جایزه دوباره راه افتاد و احیا شد. برگزاری نهمین دوره این جایزه، در حقیقت استمرار همان نگاهی است که می‌کوشد پیوند میان کتاب و سینما را از یک رابطه حاشیه‌ای به یک ضرورت ساختاری تبدیل کند.

مهم‌ترین دستاورد برگزاری جایزه کتاب سال سینمایی تا امروز چه بوده؟ آیا می‌توان گفت این رویداد از یک برنامه صرفاً تقدیری، به بستری برای ارزیابی و بررسی نقاط قوت و ضعف کتاب‌های سینمایی تبدیل شده است؟

اگر بخواهم بدون اغراق از مهم‌ترین دستاورد این جایزه یاد کنم، باید به «ایجاد یک دیده‌بانی دقیق و سالانه در حوزه ادبیات سینمایی» اشاره کنم. پیش از این، آثار مکتوب سینمایی در میان انبوه کتاب‌های دیگر یا در هیاهوی تولیدات تصویری سینما، تا حد زیادی گم می‌شدند. اما این جایزه توانسته بستری فراهم کند تا تمام بضاعت مکتوب سینمای ایران در طول یک سال، به شکلی متمرکز دیده و رصد شود.

در پاسخ به بخش دوم سؤال شما، بله؛ ما تمام تلاش خود را به کار بسته‌ایم تا از سطح یک «آیین تجلیل» فراتر برویم. مهم‌ترین نشانه این تغییر رویکرد، در فرآیند داوری‌ها نهفته است. وقتی تیمی از متخصصان و پیشکسوتان، آثار را در دو حوزه تألیف و ترجمه بررسی می‌کنند، در واقع در حال استخراج یک «نقشه راه» برای نشر سینمایی هستند. از جمله دستاوردهای مثبت و واقعی این رویداد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ارتقای استانداردهای نشر: ناشران تخصصی سینما اکنون می‌دانند که آثارشان توسط یک نهاد صنفی و تخصصی (خانه سینما) با دقت نقد و بررسی می‌شود؛ این موضوع به مرور منجر به دقت بیشتر در انتخاب مترجم، ویراستاری تخصصی و کیفیت چاپ شده است.

۲. شناسایی خلأهای پژوهشی: یکی از دستاوردهای مهم ما این است که متوجه می‌شویم در چه حوزه‌هایی با فقر تألیف روبه‌رو هستیم و در چه بخش‌هایی (مثلاً ترجمه نظریه‌های مدرن) پیشرفت داشته‌ایم. این ارزیابی، به نوعی به پژوهشگران و مترجمان جهت می‌دهد.

۳. اعتباربخشی به نویسندگان و مترجمان: این جایزه توانسته به شکلی واقع‌بینانه، جایگاه کسانی که در سکوت و به دور از جنجال‌های صحنه سینما به تولید اندیشه مشغول‌اند را در خانواده بزرگ سینمای ایران تثبیت کند.

بنابراین، این رویداد اکنون بیش از آنکه یک جشن باشد، یک «ایستگاه بازنگری» است تا ببینیم اندیشه سینمایی ما نسبت به سال قبل چه گامی به جلو برداشته و در چه نقاطی هنوز نیاز به کار و تعمق بیشتر دارد.

پس از حدود یک دهه که از برگزاری جایزه کتاب سال سینمایی می‌گذرد، چه ارزیابی‌ای از مواجهه و میزان استقبال سینماگران و اهالی کتاب نسبت به این جایزه دارید؟ به نظر شما این جایزه در جلب و جذب کدام‌یک از این دو گروه موفق‌تر عمل کرده است؟

واقعیت این است که مواجهه این دو گروه با جایزه، از دو جنس متفاوت بوده است. اگر بخواهم صادقانه ارزیابی کنم، باید بگویم این جایزه در جلب و جذب «اهالی کتاب و پژوهشگران سینمایی» موفقیت چشمگیرتر و ملموس‌تری داشته است. برای نویسندگان، مترجمان و ناشران تخصصی، این رویداد به یک «میعادگاه» و تنها مرجع تخصصی برای دیده شدن تلاش‌های‌شان تبدیل شده است. امروز نویسنده‌ای که یک سال وقت خود را صرف تألیف یک اثر نظری یا ترجمه یک کتاب مرجع می‌کند، می‌داند نهادی وجود دارد که این مساعی را به صورت علمی رصد می‌کند. این باعث شده که «صنف اندیشه» در سینما، خودش را بخشی جدایی‌ناپذیر از خانه سینما حس کند.

اما در مورد «سینماگران» (منظورم بدنه اجرایی و تولید سینماست)، ما با یک فرآیند تدریجی و نسبی روبه‌رو هستیم. سینمای ما به دلیل ماهیت صنعتی و تولیدمحورش، گاهی از فضای نظری فاصله می‌گیرد. با این حال، دستاورد ما در این بخش این بوده که توانسته‌ایم «ضرورت داشتن کتابخانه تخصصی» را به رخ بدنه اجرایی بکشیم. امروز فیلمسازی که می‌خواهد در ژانری خاص کار کند یا بازیگری که به دنبال متدهای نوین است، بیش از گذشته به خروجی‌های این جایزه (یعنی همان کتاب‌های برگزیده و شایسته تقدیر) به عنوان منابع معتبر رجوع می‌کند. بنابراین، اگر بپرسید کدام گروه موفق‌تر جذب شده‌اند، پاسخ من قطعاً پدیدآورندگان کتاب (مؤلفان و مترجمان) هستند؛ چرا که این جایزه به آنها هویت صنفی و انگیزه استمرار داده است. اما در لایه دوم، ما شاهد یک «تغییر ذائقه» در میان سینماگران هستیم؛ آنها شاید کمتر در جلسات نقد کتاب شرکت کنند، اما متوجه شده‌اند که غنای آثارشان در گرو تعامل با همین کتاب‌هایی است که در این جایزه معرفی می‌شوند. در واقع، این جایزه توانسته به اهالی سینما یادآوری کند که اگر قرار است سینمای ما از سطح به عمق برود، مسیرش حتماً از راهروی این کتاب‌ها می‌گذرد. این «تفهیم ضرورت»، بزرگترین دستاورد ما در جلب نظر سینماگران بوده است، حتی اگر این استقبال هنوز با ایده‌آل‌های ما فاصله داشته باشد.

جایزه کتاب سال سینمایی در نهمین دوره چه رویکردی را دنبال کرده و چه تفاوت‌هایی با دوره‌های گذشته دارد؟

در دوره هشتم، رویکرد اصلی ما حفظ سنت‌های ارزشمند دوره‌های گذشته و تداوم مسیر پیشین بود؛ اما برای پویایی بیشتر، تغییراتی راهبردی اعمال کردیم. مهم‌ترین تفاوت این دوره، توجه ویژه به «کتاب‌های فنی و کاربردی» است. برای جلوگیری از اجحاف در حق این آثار و با هدف توجه به نیازهای تخصصی صنوف خانه سینما، یک جایزه مجزا برای کتاب‌های فنی اضافه کردیم تا دانش مهارتی سینما نیز در کنار مباحث نظری دیده شود. طبیعتاً امسال به دلیل انباشت آثار و حجم بالای کتاب‌های رسیده در دو بخش تألیف و ترجمه، فرآیند داوری بسیار دشوارتر و حساس‌تر از دوره‌های قبل بود، اما همین استقبال، نشان‌دهنده زنده بودن جریان نشر سینمایی است.

سطح کمی و کیفی آثار رسیده به دبیرخانه را در این دوره در مقایسه با سال‌های گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا عناوین و محتوای آثار تألیفی و ترجمه‌شده گویای برقراری پیوندی اصولی با نیازهای سینمای ایران هستند یا هنوز با سطح مطلوب فاصله داریم؟

به لحاظ کمی، شاهد رشد قابل‌توجهی بودیم که با وجود دشوارتر کردن فرآیند داوری، نشانه پویایی این حوزه است. از نظر کیفی، ترجمه‌ها به‌روزتر و تألیف‌ها به سمت تحلیل‌های عمیق‌تر حرکت کرده‌اند. اما ارزیابی دقیق‌تر و سیستمی این آثار نشان می‌دهد که هنوز توازن میان تولید اندیشه بومی (تألیف) و ترجمه برقرار نیست و ما همچنان بیشتر مصرف‌کننده نظریات جهانی هستیم. پیوند میان کتاب و نیازهای سینمای ایران نیز امری نسبی است؛ با وجود اینکه کتاب‌ها تخصصی‌تر و فنی‌تر شده‌اند، اما تا زمانی که ساختار تولید در سینمای ما از «تجربه‌گرایی صرف» به سمت «پژوهش‌محوری» تغییر نکند، این آثار بیشتر در کتابخانه‌ها می‌مانند تا روی صحنه فیلمبرداری. با این حال، رویکرد ما در این دوره برای ارج نهادن به کتب فنی، تلاشی آگاهانه برای کاهش همین فاصله و کاربردی کردن دانش سینمایی بود.

در میان نامزدهای بخش تألیف، چند کتاب به بازخوانی چهره‌ها و مقاطع مهم تاریخ سینمای ایران اختصاص دارد؛ از «دانشنامه آثار بیضایی» گرفته تا «کامران شیردل؛ تنها در قاب»، «گزارش سانسور یک فیلم: جنوب شهر فرخ غفاری» و «آقای سناریست» درباره سعید مطلبی. این توجه هیأت داوران بنابر چه ضرورتی بوده است؟

در تحلیل این انتخاب‌ها باید به همان اصل نسبی بودن نگاه به تاریخ رجوع کرد. ضرورت این توجه، نیاز مبرم ما به «بازخوانی هویت‌مند» تاریخ سینمای ایران است. ما نمی‌توانیم بدون فهم دقیق گذشته، آینده‌ای برای سینمای کشورمان ترسیم کنیم. هیأت داوران با انتخاب این آثار در پی چند هدف بود: اول، ثبت تجربه‌های زیسته چهره‌های اثرگذار؛ دوم، بررسی موانع تاریخی (مانند مسأله سانسور در کتاب فرخ غفاری)؛ و سوم، تاریخ شفاهی بزرگان. این کتاب‌ها صرفاً زندگینامه نیستند، بلکه «اسناد تحلیل تاریخ اجتماعی و هنری» ما محسوب می‌شوند. ما معتقدیم تکریم تألیفاتی که به حافظه تاریخی سینمای ایران عمق می‌بخشند، یکی از وظایف اصلی کتاب سال سینمایی است تا نسل جدید فیلمسازان با ریشه‌های خود پیوندی تئوریک برقرار کنند.

در بخش ترجمه، نام وارن باکلند با دو کتاب («روایت و روایتگری در سینما» و «فیلم‌های پازلی») تکرار شده و در بخش تألیف و ترجمه نیز نام محمد شهبا هم به‌عنوان نویسنده «کتاب ژانر سینما» و هم مترجم «فیلم‌های پازلی» دیده می‌شود. این تکرار نام‌ها را باید نشانه‌ای از محدود بودن دایره کاری فعالان این حوزه دانست یا دلیل دیگری دارد؟

به نظرم نباید این تکرار را صرفاً نشانه محدود بودن دایره فعالان دانست؛ بلکه این موضوع را باید از دو منظر مثبت تحلیل کرد: اول، «تخصص‌گرایی»؛ حضور اساتیدی چون دکتر محمد شهبا نشان‌دهنده آن است که ما در حوزه‌هایی نظیر «ژانر» یا «روایت‌شناسی» به استانداردهای علمی بالایی رسیده‌ایم که داوران نمی‌توانند از کنار کیفیت آنها به سادگی عبور کنند. دوم، «جریان‌شناسی نشر»؛ تکرار نام نویسنده‌ای مثل «وارن باکلند» که نشان‌دهنده هوشمندی مترجمان و ناشران ما در شناسایی خلأهای تئوریک (مثل سینمای مدرن و فیلم‌های پازلی) است. این تکرارها در واقع نشان‌دهنده تمرکز آگاهانه جامعه پژوهشی بر موضوعات کلیدی و مورد نیاز امروز سینمای ایران است، نه لزوماً کمبود پژوهشگر. ما در عین استقبال از چهره‌های تازه‌نفس، نمی‌توانیم برتری کیفی آثار پیشکسوتان و متخصصان امتحان‌پس‌داده را نادیده بگیریم.

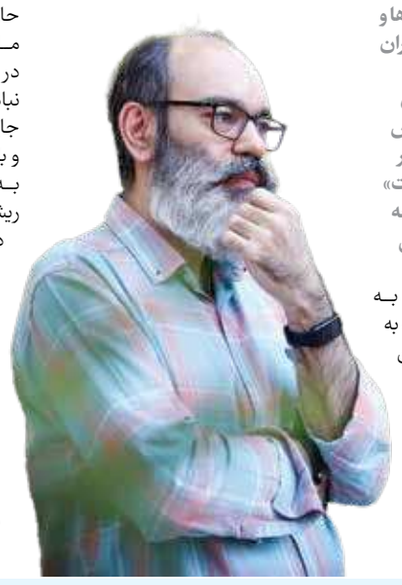

در شرایط فعلی و با توجه به امکانات موجود، جایزه کتاب سال سینمایی چه ظرفیتی برای ارتقای نظری سینمای ایران دارد و برای برگزاری مؤثرتر این جایزه در دوره‌های آینده چه ایده‌های تازه‌ای دارید؟

ظرفیت اصلی این جایزه، ایجاد «اعتبار و انگیزه» برای تولید متون نظری در سینمایی است که به‌شدت تحت تأثیر تولیدات تصویری است. ما با استانداردسازی نقد کتاب، به ارتقای سطح دانش مکتوب کمک می‌کنیم. اما برای دوره‌های آینده، معتقدم باید از «متن» به سمت «عمل» حرکت کنیم. ایده اصلی من، ایجاد «پیوند مستقیم میان کتاب‌های برگزیده و دانشکده‌های سینمایی/صنوف» است؛ به گونه‌ای که این آثار صرفاً در قفسه‌ها نمانند و به سرفصل‌های آموزشی یا کارگاه‌های تخصصی خانه سینما تبدیل شوند. همچنین، تقویت بخش «پژوهش‌های میان‌رشته‌ای» و استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال برای دسترسی ارزان‌تر علاقه‌مندان به این منابع، از ضرورت‌های ما برای «مؤثرتر بودن» در آینده است. بنابراین هدف ما این است که جایزه کتاب سال، به موتور محرک جریان «پژوهش قبل از تولید» در سینمای ایران تبدیل شود.

یکی از بحث‌های همیشگی در سینمای ایران، موضوع اقتباس ادبی است. با وجود ظرفیت رمان و داستان کوتاه معاصرمان، چرا سینمای ما هنوز آن‌طور که باید از این ظرفیت استفاده نکرده است؟ این جایزه تا چه اندازه توانسته حضور کتاب، بویژه ادبیات داستانی، را در فضای سینمای ایران تقویت و به شکل‌گیری اقتباس‌های ادبی کمک کند؟

موضوع اقتباس در سینمای ما همیشه با یک «ترس دوسویه» همراه بوده است؛ ترس فیلمساز از محدود شدن خلاقیت در چارچوب متن و ترس نویسنده از آسیب دیدن جهان داستانش. جایزه کتاب سال سینمایی، اگرچه مستقیماً به ادبیات داستانی نمی‌پردازد، اما با ترویج «فرهنگ مطالعه» در بدنه سینما، در حال شکستن این سد است.

ما معتقدیم تا زمانی که «کتاب» در سبد مصرفی روزانه سینماگر نباشد، اقتباس شکل نمی‌گیرد. این جایزه با معرفی آثار نظری اقتباس و بازخوانی چهره‌های تاریخ سینما، به فیلمسازان یادآوری می‌کند که ریشه‌های موفقیت سینمای جهان در پیوند با ادبیات بوده است.

در واقع، ما با تقویت «سواد سینمایی مکتوب»، ذهن فیلمساز را برای پذیرش و درک زبان ادبیات آماده می‌کنیم. هدف ما این است که خانه سینما را به نقطه تلاقی «جهان متن» و «جهان تصویر» تبدیل کنیم تا اقتباس، نه یک انتخاب اتفاقی، بلکه یک ضرورت ساختاری در تولیدات ما شود.

برگزیدگان نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران

نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران، شامگاه دوشنبه ۲۹ تیر به میزبانی خانه سینما در سالن سیف‌الله داد و با حضور جمعی از سینماگران و نویسندگان سینمایی به کار خود پایان داد.

دراین مراسم از حمیدرضا احمدی لاری، مستندساز، مترجم و مدرس دانشگاه، به پاس یک عمر تلاش در حوزه تألیف و ترجمه کتاب‌های سینمایی تقدیر و تجلیل به عمل آمد و با معرفی برگزیدگان بخش تألیف، ترجمه، بهترین کتاب فنی و بهترین ناشر کتاب سینمایی، به آنها لوح تقدیر، تندیس قلم زرین و جایزه نقدی اهدا شد.

بخش تألیف: «گزارش سانسور یک فیلم: جنوب شهر فرخ غفاری» نوشته عباس بهارلو از انتشارات قطره عنوان برگزیده این بخش را کسب کرد. این کتاب روایتی پژوهشی و خواندنی از ماجرای تولید و توقیف شدن فیلم جنوب شهر فرخ غفاری در دوم آذر سال ۱۳۳۷ است؛ اثری که به گفته منتقدان، اولین تجربه سینمایی متفاوت ایران به شمار می‌آید. نویسنده در این اثر با اتکا به اسناد کم‌تر دیده شده و گفت‌وگوهای منتشر نشده، زندگی فرخ غفاری و تلاش او برای ایجاد نگاهی نو در سینمای ایران بازسازی می‌کند.

بخش ترجمه: «روایت و روایتگری در سینما؛ فیلم‌ها چطور داستان‌شان را تعریف می‌کنند» نوشته وارن باکلند، با ترجمه نوید پورمحمدرضا از انتشارات اطراف به‌عنوان کتاب برگزیده این بخش معرفی شد؛ کتابی که در آن درمی‌یابید فیلم‌ها چطور داستان‌شان را تعریف می‌کنند. این کتاب کوشیده نشان دهد که روایت، روایتگری و عوامل روایی هم در سینما و هم در مطالعه سینما نقشی مهم دارند.

بخش فنی: «طراحی صدا برای فیلم» نوشته تیم هریسون، با ترجمه مرتضی دهنوی از انتشارات سروش موفق به کسب عنوان برگزیده در این بخش شد. این کتاب به بررسی جایگاه و نقش صدا به عنوان ابزاری قدرتمند در روایت فیلم پرداخته است. نویسنده با بهره‌گیری از تجربه گسترده خود به‌عنوان طراح صدا، آهنگساز و فیلم‌ساز، به فرآیندهای خلاقانه و تکنیک‌های معاصر در حوزه طراحی صدا می‌پردازد.

از نشر بان نیز به عنوان ناشر برگزیده سال کتاب‌های سینمایی در نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران تجلیل شد. بنابراعلام برگزارکنندگان این مراسم، در این دوره تعداد ۱۰۰ جلد از کتاب‌های برگزیده و ۵۰ جلد از کتاب‌های معرفی شده در بخش نامزدهای نهایی جایزه، در همکاری مشترک خانه سینما با سازمان سینمایی خریداری خواهد شد.

بخشی جنبی این جایزه به برگزاری پنج روزه نمایشگاه فروش و عرضه کتاب‌های تخصصی سینمایی در خانه سینما اختصاص داشت. در این نمایشگاه ناشران کتاب‌های تخصصی سینما، تازه‌ترین آثار خود را عرضه کردند. گفتنی است که رامین شهبازی، دبیری علمی و نازنین مفخم، شهاب‌الدین عادل، شادمهر راستین، مهرزاد دانش، امیررضا نوری پرتو نیز داوری نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران را به عهده داشتند.

رامتین شهبازی: اگر بخواهم از مهم‌ترین دستاورد این جایزه یاد کنم، باید به «ایجاد یک دیده‌بانی دقیق و سالانه در حوزه ادبیات سینمایی» اشاره کنم. پیش از این، آثار مکتوب سینمایی در میان انبوه کتاب‌های دیگر یا در هیاهوی تولیدات تصویری تا حد زیادی گم می‌شدند. اما این جایزه توانسته بستری فراهم کند تا بضاعت مکتوب سینمای ایران در طول یک سال، به شکلی متمرکز دیده و رصد شود

مرثیه‌ای برای کتاب

یادداشت

فرهاد توحیدی
فیلمنامه‌نویس
ومعاون فرهنگی خانه سینما

مدت‌هاست بر کسی پوشیده نیست که بازار کتاب در حال احتضار است. اگر شرم نمی‌کردم، می‌نوشتم دراز به دراز رو به قبله افتاده است! برای یافتن دلایل این مرگ خاموش بسیاری به تورم افسار گسیخته، مشکلات مالی خانوارها، حذف اقلام ضروری و غیرضروری از سبد خرید مردم، گرانی سرسام‌آور کتاب‌ها و... اشاره می‌کنند که به سهم خود درست و قانع کننده‌اند؛ اما اگر گمان کنیم این مشکل تنها مختص ایران است راه به خطا برده‌ایم.

در گزارش تازه‌ای که اتحادیه ناشران و کتابفروشان آلمان به تازگی منتشر کرده است، آمده که آمار خرید کتاب در میان نوجوانان و جوانان آلمان به میزان ۳۰ درصد افت کرده است. نویسنده یا نویسندگان گزارش به دلایل این افت اشاره نکرده‌اند، اما

آن را زنگ خطری برای کشور ارزیابی کرده‌اند. پیش‌بینی می‌شود این آمار افت خرید کتاب، افزایش خواهد یافت. هر چه سهم سرانه خرید و مطالعه کتاب کاهشی می‌شود، سهم پرسه‌زنی در شبکه‌های اجتماعی و پرخوری مجازی رو به افزایش است. انقلاب دیجیتال، انسان را به سمت مطالعه شتابناک در اقیانوس بی‌پایان ادبیات «فست‌فودی» و بدتر از آن مصرف تولیدات تصویری در دنیای مجازی هل داده است. آهستگی و درنگ که لازمه مطالعه هدفمند است مسخره و کسل‌کننده و حوصله سربر شمرده می‌شود.

سقوط خاموش شمارگان در ایران هم به همین ترتیب آغاز شد. شمارگان‌های ۱۰ هزار، ۵ هزار، ۳ هزار و هزار نسخه اینک به ۳۰۰ و ۱۵۰ نسخه رسیده که برای کشوری ۹۰ میلیونی فاجعه‌بار است. برای فهم ملتی که کتاب نمی‌خواند بی‌تردید باید سراغ برخی ساختارهای آموزشی رفت و ریشه‌ها را آنجا جست.

برخی راهکارها

- نهادها یا کسانی که در عرصه فرهنگ می‌کوشند، وظیفه‌ای همگانی بر دوش دارند تا در میانه چنین کارزار نابرابری به قدر همت خویش از عمیق‌تر شدن شکاف بین مردم و جهان کتاب و نشر پیشگیری کنند.
- خانه سینما به عنوان جامعه اصناف سینما کم یا بیش حدود دو دهه است که با فهم این ضرورت به برگزاری مراسم اهدای جایزه کتاب سال سینما همت گماشته است. اینکه مداومت این نهاد در پیگیری هدف اهمیت نشر ادبیات سینمایی تا چه میزان بر اقبال سینماگران و سینمادوستان از یک سو و اقبال ناشران به چاپ کتاب‌های سینمایی از سوی دیگر افزوده است، نیازمند مطالعه‌ای علمی بر پایه آمارسنجی است.
- مراسم اهدای جوایز نهمین دوره جایزه کتاب سال سینما را در ۲۹ تیر ۱۴۰۵ با آرزوی رونق هر چه بیشتر چاپ و نشر ادبیات سینمایی برگزار کردیم و امیدواریم این آرزو هم چون جوانان بر ما بی‌عیب باشد!

irannewspaper.ir

سه‌شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۰۷۹

• اذان ظهر ۱۲/۱۱ • اذان مغرب ۱۹/۳۸ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۱ • اذان صبح فردا ۰۳/۲۴ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۰۵

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی (ع):
با صدقه دادن، روزی خود را فرود آورید.

تحف‌العقول، ص ۶۰

نقل قول

از تیمی حمایت کنید که از یک جنایتکار جنگی حمایت نمی‌کند

جزئیاتی مثل اتفاقی که برای تیم ملی ایران افتاد یا اینکه مجبور شدند برای تمرین به مکزیک بروند و این همه مشکلات ویزا را تحمل کنند، زشت بود؛ این نمایشی از دولت آمریکا است. این همان چیزی است که در اداره مهاجرت و گمرک آمریکا می‌گذرد. یعنی مهاجر بودن در این کشور یک خطر است، فرقی نمی‌کند اینجا به دنیا آمده باشید یا مدارک داشته باشید یا خیلی از مردم در سراسر جهان از اسپانیا مقابل آرژانتین حمایت می‌کردند، حتی در جهان در حال توسعه که معمولاً از کشورهای جنوب جهان، مقابل کشورهای اروپایی حمایت می‌کنند و یکی از دلایلش نه فقط رفتار تیم یا هواداران آرژانتین، بلکه به این دلیل است که دولت اسرائیل خیلی بلند و مغرورانه می‌گفت ما از آرژانتین حمایت می‌کنیم.

از صحبت‌های خاویر باردم
بازیگر برنده اسکار به نقل از ایسنا

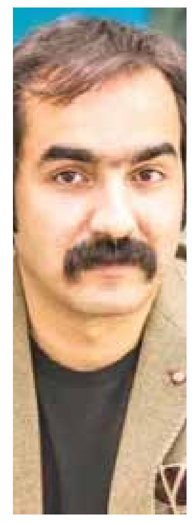

اجرای دو نمایش «سجاد افشاریان» در تبریز

دو نمایش «هیدن» به کارگردانی کوروش شاهونه و «آن برد» به کارگردانی مهدی زندیه و آیدین تمبرچی و به تهیه‌کنندگی سجاد افشاریان در شهر تبریز به روی صحنه می‌روند. نمایش «هیدن» نوشته مشترک ریحانه رضی و کوروش شاهونه از ۲۵ تیر ماه در تبریز آغاز شده و تا ۳۱ تیرماه در این شهر روی صحنه است. نمایش «آن برد» نوشته و کار مشترک مهدی زندیه و آیدین تمبرچی و به تهیه‌کنندگی سجاد افشاریان و امیرعلی زارع نیز روز جمعه دوم مرداد ماه در تبریز روی صحنه خواهد رفت. /ایسنا

آیین بزرگداشت «مجید قناد» در خانه تئاتر

آیین بزرگداشت مجید قناد، هنرمند نام‌آشنای عرصه تئاتر کودک و نوجوان، شنبه سوم مردادماه ۱۴۰۵ در عمارت خانه تئاتر برگزار خواهد شد. در این مراسم، جمعی از هنرمندان و اعضای کانون تئاتر کودک و نوجوان حضور خواهند داشت و از سال‌ها فعالیت مستمر و تلاش‌های ارزشمند مجید قناد در عرصه فرهنگ و هنر، به‌ویژه تئاتر کودک و نوجوان تجلیل خواهد شد. همچنین در بخش ویژه این آیین، نشان خانه تئاتر به پاس یک عمر فعالیت هنری و نقش مؤثر مجید قناد، به این هنرمند پیشکسوت اهدا می‌شود. /خانه تئاتر

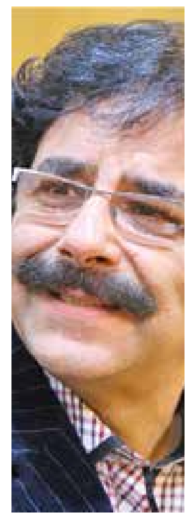

اثر جدید «علیرضا افتخاری» برای رهبر شهید

نماهنگ «سوگ خورشید» با صدای علیرضا افتخاری منتشر شد. این اثر، محصول مشترک مرکز هنری رسانه‌ای نهضت و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است. «سوگ خورشید» دومین اثری است که افتخاری در روزهای اخیر در رثای رهبر شهید اجرا کرده است. برخی رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی با تقطیع سخنان او تلاش کردند چنین القا کنند که وی از اجرای این آثار انصراف داده است که این‌گونه نیست و قطعه «سوگ خورشید» بعد از اصلاحاتی منتشر شده است. /ایلنا

دستاوردهای سفر چهار روزه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به قرقیزستان

پرچم ایران بر قله همگرایی

گزارش

گروه فرهنگی

سفر چهار روزه سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به قرقیزستان برای حضور در بیست‌وسومین نشست وزرای فرهنگ سازمان همکاری شانگهای، به صحنه‌ای برای نمایش ابعاد مختلف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد؛ سفری که در آن، از گسترش همکاری‌های فرهنگی و امضای سند راهبردی با قرقیزستان گرفته تا طرح ابتکار «کنوانسیون فرهنگ شرقی دیجیتال» و انعکاس مواضع اعضای سازمان همکاری شانگهای درباره تحولات اخیر ایران، در دستور کار قرار گرفت.

تمرکز بر پیوندهای تمدنی ایران و آسیای مرکزی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نخستین برنامه‌های سفر خود با مسئولان موزه ملی تاریخ و کتابخانه ملی قرقیزستان دیدار کرد. صالحی در این دیدارها بر ضرورت عبور از تفاهم‌نامه‌های صرف و تعریف پروژه‌های مشترک و عملیاتی تأکید کرد و همکاری پیرامون دو اثر حماسی «شاهنامه» و «ماناس» را بستری مناسب برای توسعه تعاملات فرهنگی، هنری و پژوهشی میان دو کشور دانست.

وی همچنین با اشاره به ظرفیت گسترده نسخه‌های خطی فارسی موجود در قرقیزستان، پیشنهاد کرد با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی، روند شناسایی، فهرست‌برداری و دسترسی پژوهشگران به این آثار تسهیل شود. این پیشنهاد با استقبال مسئولان کتابخانه ملی قرقیزستان روبه‌رو و مقرر شد همکاری‌های تخصصی در این حوزه توسعه یابد.

توسعه همکاری‌های دینی و دانشگاهی

یکی دیگر از محورهای سفر وزیر فرهنگ، دیدار با رئیس شورای علمای قرقیزستان بود؛ نشستی که در آن دو طرف بر گسترش همکاری‌های علمی، آموزشی و دینی تأکید کردند.

در این دیدار، برگزاری کنفرانس‌های تخصصی، تبادل استاد و دانشجو، آموزش مبلغان دینی و استفاده از تجربیات جمهوری اسلامی ایران در حوزه مدیریت دینی و تقریب مذاهب از مهم‌ترین موضوعات مورد توافق بود. طرف قرقیزستانی نیز با اشاره به برنامه بزرگداشت یک‌هزار و پانصدمین سال میلاد پیامبر اکرم (ص)، این مناسبت را فرصتی برای اجرای برنامه‌های مشترک فرهنگی و مذهبی ارزیابی کرد.

روایت ایران از تحولات اخیر

صالحی در نشست با جمعی از فرهیختگان و ایران‌شناسان قرقیزستان، ضمن تشریح پیشینه تاریخی و تمدنی ایران، دیدگاه جمهوری اسلامی درباره تحولات و درگیری‌های اخیر را نیز تبیین کرد.

وی با تأکید بر اینکه فرهنگ ایرانی در طول تاریخ، علی‌رغم تهاجمات متعدد، هویت خود را حفظ کرده است، از مقاومت ملت ایران در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی سخن گفت و سیاست جمهوری اسلامی را مبتنی بر صلح، گفت‌وگو و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور توصیف کرد.

امضای سند همکاری فرهنگی تا سال ۲۰۲۹

در حاشیه اجلاس وزرای فرهنگ سازمان همکاری شانگهای، تفاهم‌نامه همکاری‌های فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی ایران و قرقیزستان برای سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۲۹ به امضای وزیران فرهنگ دو کشور رسید.

برگزاری هفته‌های فرهنگی، توسعه همکاری‌های سینمایی، تبادل تجربیات در حوزه حفاظت، ثبت و مرمت میراث فرهنگی و همچنین همکاری میان نهادهای فرهنگی دو کشور، از مهم‌ترین محورهای این سند همکاری است.

در دیدار دوجانبه وزیران فرهنگ ایران و قرقیزستان نیز دو طرف بر گسترش همکاری در حوزه نسخه‌های خطی، آرشیوهای تاریخی و ترجمه آثار ادبی تأکید کردند. صالحی همچنین از انجام پژوهشی درباره تطبیق «شاهنامه» و «ماناس» در دانشگاه علامه طباطبایی خبر داد و پیشنهاد ترجمه آن به زبان قرقیزی را مطرح کرد.

«روز علامه اقبال» در تقویم ملی ایران

دیدار با وزیر فرهنگ پاکستان نیز از دیگر برنامه‌های مهم این سفر بود. صالحی در این دیدار، علامه محمد اقبال لاهوری را مهم‌ترین حلقه اتصال فرهنگی دو ملت ایران و پاکستان خواند و اعلام کرد پیشنهاد ثبت «روز علامه اقبال» در تقویم ملی ایران به تصویب شورای فرهنگ عمومی رسیده است.

دو طرف همچنین بر توسعه همکاری‌های فرهنگی، گسترش گردشگری مذهبی، تبادل آثار ادبی، همکاری کتابخانه‌های ملی و ایجاد مراکز فرهنگی در تهران و اسلام‌آباد تأکید کردند.

پیشنهاد تشکیل «کنوانسیون فرهنگ شرقی دیجیتال»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با رسانه «نوماد تی‌وی» قرقیزستان، مهم‌ترین ابتکار ایران در اجلاس شانگهای را پیشنهاد تشکیل «کنوانسیون فرهنگ شرقی دیجیتال» عنوان کرد.

به گفته صالحی، با گسترش هوش مصنوعی و شکل‌گیری فرهنگ دیجیتال، کشورهای آسیایی نیازمند سازوکاری مشترک برای صیانت از هویت فرهنگی خود هستند. وی تأکید کرد همکاری در حوزه‌های بازی‌های رایانه‌ای، پویانمایی، موسیقی آیینی، هنرهای نمایشی و تولیدات مبتنی بر فناوری‌های نوین می‌تواند فصل تازه‌ای از تعاملات فرهنگی میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای ایجاد کند. او همچنین نقش بخش خصوصی و تشکل‌های فرهنگی را در اجرای این همکاری‌ها تعیین‌کننده دانست و تأکید کرد دولت‌ها باید بیش از هر چیز نقش تسهیل‌گر را ایفا کنند.

بازتاب مواضع ایران در بیانیه پایانی

این اجلاس با صدور بیانیه پایانی به کار خود پایان داد. بر اساس اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعضای سازمان همکاری شانگهای در این بیانیه ضمن تأکید بر غیرقابل قبول بودن توسل به زور، نسبت به وضعیت پیرامون جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی کردند، مراتب همدردی خود را با خانواده قربانیان حملات به ایران اعلام داشتند و نسبت به حملات علیه مراکز فرهنگی، بشردوستانه و آثار تاریخی ایران نیز ابراز نگرانی کردند.

مجموعه برنامه‌های این سفر نشان داد که جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد ظرفیت سازمان همکاری شانگهای را نه تنها برای توسعه مناسبات فرهنگی و تمدنی، بلکه برای طرح ابتکارهای جدید در حوزه فرهنگ دیجیتال، حفاظت از میراث مشترک آسیایی و تقویت دیپلماسی فرهنگی در سطح منطقه‌ای به کار گیرد.

> سفر چهار روزه سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به قرقیزستان برای حضور در بیست‌وسومین نشست وزرای فرهنگ سازمان همکاری شانگهای، به صحنه‌ای برای نمایش ابعاد مختلف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد

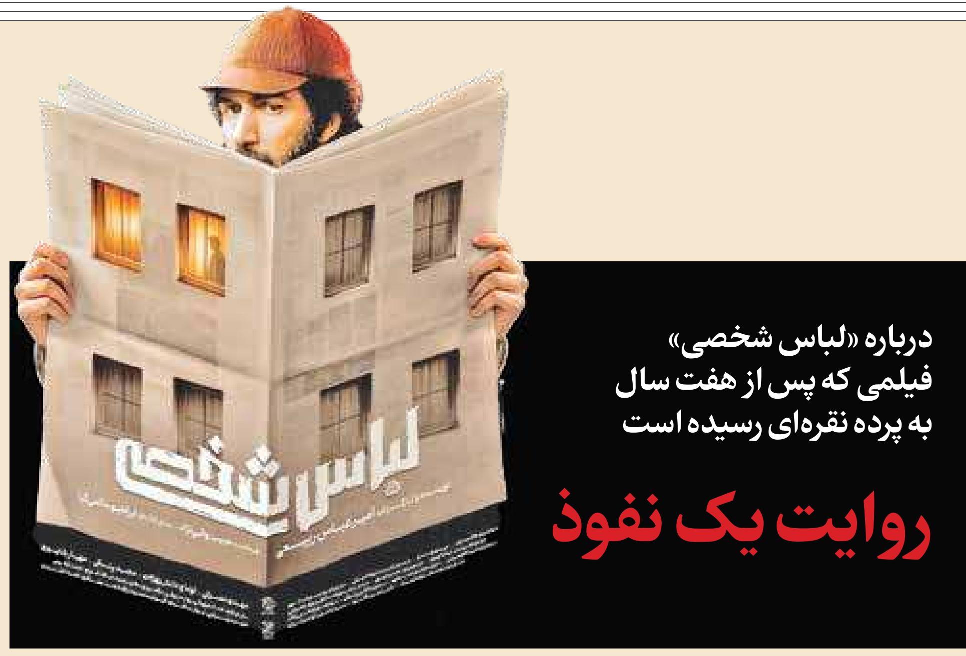

درباره «لباس شخصی» فیلمی که پس از هفت سال به پرده نقره‌ای رسیده است

روایت یک نفوذ

نقد

محمدعرفان صدیقیان
منتقد سینما

سینمای سیاسی ایران در یک دهه اخیر از نظر کمی رشد قابل توجهی داشته، اما این گسترش به تحول دراماتیک در ساحت ساختار روایت‌های سیاسی منجر نشده است. بخش عمده این آثار، به جای بهره‌گیری از سنت‌های رایج فرمی و ساختاری در سینمای سیاسی جهان و تجربه فیلمسازانی چون فرانچسکو رزی، همچنان در چارچوب قواعد تثبیت‌شده درام‌پردازی سینمای ایران حرکت می‌کنند. در این الگو، سیاست اغلب به بستری برای پیشبرد پیرنگ و ایجاد تعلیق تبدیل می‌شود و کمتر به عنوان شبکه‌ای از مناسبات قدرت، نهادها و تضادهای اجتماعی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

به همین دلیل است که شباهت‌های معناداری در معماری روایی مجموعه این آثار دیده می‌شود. از «سیانور» و «ماجرای نیمروز» تا بسیاری از نمونه‌های متأخر، الگوی روایت، طراحی نقاط عطف و مسیری که شخصیت‌ها طی می‌کنند، بر مبنای منطقی تقریباً یکسان شکل می‌گیرد و تفاوت فیلم‌ها بیش از آنکه در شیوه مواجهه با امر سیاسی خود را نشان دهد، در انتخاب مقطع تاریخی یا تغییر موقعیت شخصیت‌ها بروز و ظهور پیدا می‌کند. این وضعیت، اگرچه مانع شکل‌گیری زبان مستقل در سینمای سیاسی ایران شده است، اما به تثبیت نوعی الگوی روایی انجامیده که توانسته ارتباط مؤثری با مخاطب عام برقرار کند و روایت‌های سیاسی را از حاشیه به جریان اصلی سینمای ایران وارد سازد.

«لباس شخصی» ساخته امیرعباس ربیعی در امتداد همین جریان قرار می‌گیرد و البته با خلاقیت‌هایی در نوع رویکرد و شیوه اجرایی همراه است؛ فیلمی که پس از هفت سال انتظار و انجام اصلاحیه‌ها و ممیزی‌های مختلف، سرانجام فرصت نمایش عمومی پیدا کرده است.

حزب توده؛ از نفوذ سیاسی تا سقوط تشکیلاتی

ربیعی در اولین فیلم بلند خود به یکی از مناقشه‌برانگیزترین مقاطع تاریخ سیاسی معاصر ایران نزدیک می‌شود. انتخاب حزب توده، با پیشینه پیچیده تشکیلاتی، امنیتی و روایت‌های متعارض پیرامون آن، از همان ابتدا بار سنگینی بر دوش فیلم می‌گذارد. ورود به چنین قلمرویی، بیش از هر چیز، مستلزم اشراف تاریخی و توانایی تبدیل واقعیت‌های پراکنده به درامی منسجم است؛ موضوعی که فیلمساز در به سرانجام رساندن آن موفق عمل می‌کند. ربیعی با محدود کردن دامنه روایت به سال‌های آغازین دهه شصت و مقطع فروپاشی تشکیلات حزب توده، از پراکندگی تاریخی پرهیز کرده و تمرکز خود را بر یکی از حساس‌ترین برزنگاه‌های این جریان سیاسی می‌گذارد. این انتخاب، امکان بازسازی فشرده و منسجم واپسین سال‌های فعالیت چهره‌هایی چون نورالدین کیانوری و بخشی از فعالیت‌های مخفی حزب را فراهم می‌کند و فیلم را از افتادن به دام روایت‌های شتاب‌زده و تاریخ‌نگاری‌های کلی دور نگه می‌دارد.

حزب توده، فارغ از داوری‌های سیاسی درباره عملکردش، یکی از اثرگذارترین جریان‌های تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. پیوند تشکیلاتی و ایدئولوژیک این حزب با اتحاد جماهیر شوروی و اتهام‌های واردشده درباره فعالیت‌های اطلاعاتی، آن را به یکی از حساس‌ترین فصل‌های تاریخ سیاسی کشور تبدیل کرده است. از این منظر، بازخوانی این مقطع تاریخی و بازنمایی آن در سینما، تلاشی برای مواجهه نسل‌های جدید با این دوران و فراهم کردن امکان خوانشی انتقادی از نسبت سیاست، ایدئولوژی و امنیت ملی است که مرور آن در قالب اثری دراماتیک به خصوص در زمانه فعلی می‌تواند عبرت‌آموز باشد.

حزب توده با ترویج اندیشه‌های مارکسیستی، نفوذ قابل توجهی در میان روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان پیدا کرد. با این حال، چگونگی عملکرد تشکیلاتی آن، به‌ویژه در مقاطع خاص نظیر جنگ میان ایران و عراق با فعالیت‌های خرابکارانه و جاسوسی گره خورد و همین موضوع، زمینه‌ساز افول این جریان شد و سرنوشت بسیاری از اعضا و نیروهای فکری وابسته به آن را به تراژدی سیاسی بدل کرد.

شخصیت‌هایی که قضاوت را به تعویق می‌اندازند

«لباس شخصی» در بازسازی اتمسفر دهه شصت موفق عمل می‌کند. طراحی صحنه و لباس، با دقت در بازسازی جزئیات بصری، گذشته را به یک پس‌زمینه تزئینی تقلیل نمی‌دهد و در شکل‌گیری فضای دراماتیک اثر سهم مؤثری دارد. فیلم با وجود زمان بیش از دو ساعته و پیشروی آرام روایت، از ریتم نمی‌افتد، زیرا اطلاعات را با دقت توزیع می‌کند و هر گره داستانی، زمینه‌ساز گره بعدی می‌شود. در نتیجه، ریتم درونی شاکله ساختاری اثر را شکل می‌دهد؛ موضوعی که از انسجام معماری درام و بروز تدریجی تعلیق زاده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین مقاطع فعالیت حزب توده در تاریخ معاصر ایران، نسبت دوگانه این حزب با جمهوری اسلامی در سال‌های آغازین پس از انقلاب است؛ همراهی سیاسی در عرصه عمومی و در عین حال فعالیت یک شبکه پنهانی که رویای کودتا را در سر می‌پروراند. «لباس شخصی» روایت خود را بر همین اساس بنا می‌کند و در بازسازی فضای امنیتی و پیچیدگی‌های این مقطع، تصویری قابل اعتنا ارائه می‌دهد.

اهمیت این رویکرد از آنجا ناشی می‌شود که هنوز ابعاد قابل توجهی از ساختار تشکیلاتی حزب توده، شیوه سازماندهی و مناسبات امنیتی آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در چنین شرایطی، هر بازنمایی سینمایی ناگزیر باید نسبت خود را با خلأهای تاریخی و اطلاعات موجود تعیین کند؛ ملاحظه‌ای که «لباس شخصی» در روایت خود کم‌وبیش به آن پایبند مانده است.

ربیعی از تکثیر بی‌دلیل شخصیت‌ها پرهیز کرده و به جای آن، بر پرداخت دقیق‌تر کاراکترها تمرکز دارد. هر شخصیت با انگیزه‌ای مشخص و منطق رفتاری مستقل طراحی شده است؛ از یاسر، به عنوان نیروی بخش تحقیقات اطلاعات سپاه تا چهره‌های صاحب‌نفوذتر و حتی شخصیتی خاکستری مانند جمشید توفیقی که تا پایان، مرز میان تصمیم‌های شخصی، ملاحظات سازمانی و اهداف پنهان او برای مخاطب روشن نمی‌شود. همین ابهام کنترل‌شده، به شخصیت‌ها ابعادی فراتر از نقش روایی‌شان بخشیده و از تبدیل آنها به پرسوناژهای تیپیکال جلوگیری می‌کند.

بازآفرینی تاریخ بدون تحمیل روایت

با این حال، هرچند فیلمنامه در ترسیم شخصیت‌های مثبت و پیشبرد موقعیت‌های روایی موفق عمل می‌کند، اما در طراحی برخی کنش‌های مربوط به قطب مقابل، دچار ساده‌سازی می‌شود. نمونه روشن آن، صحنه سرقت کیف خسرو است؛ موقعیتی که با سهولتی بیش از حد رخ می‌دهد و با مختصات شخصیتی یک نیروی آموزش‌دیده و آشنا با مناسبات امنیتی همخوانی ندارد.

«لباس شخصی» از غیبت بازیگران چهره به عنوان یک امتیاز بهره می‌گیرد؛ موضوعی که امکان مواجهه‌ای بی‌واسطه‌تر با شخصیت‌ها را فراهم می‌کند. مخاطب پیش از آنکه با پیشینه ذهنی خود از یک ستاره سینمایی درگیر شود، به تماشای رفتار، مناسبات و موقعیت کاراکترها نشسته و جهان فیلم را از درون روایت کشف می‌کند.

در فیلم‌های تاریخی ـ سیاسی، مهم‌ترین چالش، برقراری تعادل میان واقعیت‌های ثبت‌شده تاریخی و بازآفرینی دراماتیک آن‌هاست. «لباس شخصی» در این زمینه عملکرد قابل قبولی دارد، چراکه فیلمساز در بازسازی یک مقطع تاریخی، به جای تحمیل قرائت و تفاسیر شخصی و ایدئولوژیک، تلاش کرده است به منطق رخدادها و اسناد برجای‌مانده وفادار بماند و درام را از دل واقعیت تاریخی شکل دهد.

پایان‌بندی اثر نیز از دیگر نقاط قوت قابل توجه فیلم است؛ جایی که تأکید بر مفهوم «لباس شخصی‌ها» که در عنوان و خلاصه داستان فیلم نیز مورد اشاره قرار گرفته، اهمیتی فراتر از یک موقعیت روایی پیدا می‌کند. موقعیت انتهایی بر این ایده تمرکز دارد که امکان نفوذ و اثرگذاری جریان‌های وابسته به دشمن، تنها از مجرای نیروهای نظامی صورت نمی‌گیرد و گاه از طریق حضور نیروهایی در ساختارهای اجرایی و مدیریتی دنبال می‌شود. گزاره‌ای که به دلیل پیوند خود با برخی دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی امروز، همچنان واجد ظرفیت تأمل و توجه است.

تحلیل تجربه اکران جام جهانی در سینماهای ایران

وقتی فوتبال، سینما را پرمخاطب کرد

یادداشت

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

پخش مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶ در سینماهای کشور، با وجود لغو دو دیدار تیم ملی و محدودیت‌های زمانی و اجرایی، به یکی از پرفروش‌ترین تجربه‌های نمایش رویدادهای زنده در سالن‌های سینما تبدیل شد. به گزارش ایرنا، بررسی اکران‌های قطعی نشان می‌دهد دست‌کم شش مسابقه روی پرده رفت و فروش بلیت‌ها پیش از برگزاری فینال از ۱۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان عبور کرد. رقمی که با اضافه شدن فروش نهایی مسابقه آرژانتین و اسپانیا افزایش یافته، اما جمع‌بندی نهایی آن هنوز از سوی سامانه مدیریت فروش و اکران سینما منتشر نشده است.

شاید مهم‌ترین دستاورد اکران مسابقات جام جهانی در سینماهای ایران، نه رقم چندمیلیاردی فروش بلیت‌ها باشد و نه رکوردهای ثبت‌شده در سامانه‌های فروش، بلکه تغییری است که در تعریف کارکرد سینما ایجاد کرده است. سال‌هاست که سالن‌های سینما در سراسر جهان از انحصار نمایش فیلم خارج شده‌اند. از کنسرت‌های زنده و اپرا گرفته تا مسابقات ورزشی، بسیاری از رویدادها روی پرده سینما جان تازه‌ای پیدا کرده‌اند. آنچه مخاطب را به سالن می‌کشاند، فقط خودِ اثر نیست، بلکه تجربه تماشای جمعی است؛ تجربه‌ای که هیچ تلویزیون خانگی، هرچقدر هم بزرگ و باکیفیت باشد، قادر به بازتولید آن نیست.

استقبال از بازی ایران و بلژیک و فروش نزدیک به شش میلیارد تومانی آن، بیش از آنکه موفقیت یک مسابقه فوتبال باشد، موفقیت یک «ایده» است. ایده‌ای که نشان می‌دهد مخاطب هنوز برای حضور در فضای عمومی انگیزه دارد، اگر دلیل قانع‌کننده‌ای برای خروج از خانه پیدا کند. این همان نکته‌ای است که شاید سال‌ها در تحلیل افت مخاطبان سینما کمتر به آن توجه شده است. مشکل همیشه بی‌علاقگی مردم به سالن سینما نبوده، گاهی مسأله، کمبود رویدادی است که بتواند سالن را به یک تجربه اجتماعی تبدیل کند.

با این همه، جام جهانی ۲۰۲۶ یک پیام روشن برای مدیران سینمایی داشت؛ اینکه آینده سالن‌های سینما الزاماً فقط در گرو فیلم‌های پرفروش نیست. سینما اگر بخواهد در زیست رسانه‌ای امروز جایگاه خود را حفظ کند، باید بیش از گذشته به مفهوم «تجربه» فکر کند. تجربه‌ای که مخاطب حاضر باشد برای آن از خانه بیرون بیاید، کنار دیگران بنشیند، هیجان را به شکل جمعی زندگی کند و احساس کند سالن سینما هنوز می‌تواند محل شکل‌گیری خاطره‌های مشترک باشد. شاید مهم‌ترین اتفاق این روزها، نه گل‌های رد و بدل شده در زمین فوتبال، بلکه اثبات این واقعیت بود که پرده نقره‌ای هنوز ظرفیت آن را دارد که مردم را دور خود جمع کند، به شرط آنکه برای این پرده، فقط فیلم در نظر نگیریم.